

ژورنال مسیحیت جهانی

جلد ۳ / نشر ۱ / ۲۰۱۷

سرمقاله

۴..... مسیحیت جهانی و انجیلی های اصلاح شده
دارن کارلسون

مقالات

«صلاحیتهای ویژه» و اهداف مؤسسان پیشگام کلیسا
و دیگر میسیونرها بنا بر تفاهم نامه سرامپور (۱۸۰۵).....
تراویس ال. میرز

«مادر کتابها»: مطالعه موردی پیامدهای
یک ترجمه بدوی به سبک اسلامی.....
جان اسپان

مسیح بر ضد فرهنگ؟
ارزیابی مجدد الهیات محبوب ونگ مینگدائو.....
بائو اندرو سانگ

گرویدن به مسیحیت در میان روشنفکران چینی.....
نیک م. ترمپر

ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا:
مصاحبه ای با دکتر متیو ایوت.....
فلیمون یانگ

گزارشی از خدمت
کلیساهای بین المللی.....
دیو فرمن و اسکات زلر

۷۸..... بررسی های کتاب

درباره ژورنال مسیحیت جهانی

ژورنال مسیحیت جهانی در پی ایجاد گفتگو و ارتقای دانش بین المللی در موضوعات وابسته به کلیسای جهانی است. این مجله به مباحثی کلیدی درباره ماموریت کلیسا می پردازد و به این امید است که کمکی باشد برای افرادی که در کار انجیل زحمت می کشند تا بتوانند آموزه های کتاب مقدسی را در مواجهه با چالش های متعدد در حوزه ماموریت بکار بندند. با دانش به اینکه در عرضه رهبری کلیسا و تعلیم رهبران آینده با مشکل کمبود رهبران دانش آموخته و الهیدان مواجه هستیم، این مجله مخاطبینی را از شبانان، مسیونرها، و خادمین مسیحی هدف قرار می دهد. سطح تحصیلی مخاطبین ما دربرگیرنده کسانی است که مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد را به پایان رسانده اند؛ همچنین کسانی که مشغول تحصیل به جهت پیوستن به خدمت هستند؛ از جمله دانشجویان الهیات و اساتیدشان. اطلاع داریم که دانشجویان الهیات، اساتید، و پژوهشگران دیگر، به محتوای این ژورنال علاقه مند هستند و آن را مطالعه می کنند، ولی تمرکز اصلی ما بر کسانی است که با کلیسای جهانی کار می کنند، یا در نظر دارند که این کار را انجام دهند. این ژورنال داشتن تحصیلات عالی را نسبت به مخاطب خود مفروض است، ولی صرفاً آکادمیک نیست.

ژورنال مسیحیت جهانی دو بار در سال به صورت آنلاین در این آدرس منتشر می شود: www.TrainingLeadersInternational.org نسخه های HTML و PDF این ژورنال در این سایت موجود است. همچنین این ژورنال به زبانهای مختلف در دسترس می باشد. ژورنال مسیحیت جهانی تحت انحصار Training Leaders International است. خوانندگان می توانند نسخه دیجیتال آن را بدون دریافت اجازه به اشتراک بگذارند (انتشار هرگونه نسخه چاپ شده، مستلزم کسب اجازه می باشد)، ولی این مستلزم ذکر منبع بوده، و تغییر در فرمت ژورنال مجاز نمی باشد.

ویراستاران

دریک ویلیامز – ویراستار همکار
استاد زبانهای عهد جدید و ادبیات در آموزشگاه الهیاتی تیندل

دیو دیل – ویراستار ارشد
رئیس آکادمی *Master's Academy International*
پژوهشگر ارشد در انیستیتوی مسیحی معلولیت

اوبری سکوئیرا – ویراستار بررسی کتاب
استادیار تفسیر عهد جدید در آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی

درن کارلسن – ویراستار مدیریتی
رئیس سازمان *Training Leaders International*

هیأت تحریریه

فرد فرخ
سفیر در شبکه عیسی برای مسلمانان

ایوان برنز
پرفسور آموزشگاه الهیاتی آسیا

سیدنی پارک
دانشیار عهد جدید در مدرسه الهیات *Beeson*

جاناتان هوگلاند
استاد عهد جدید در کالج کتاب مقدس *Hanoi*

باب یاربرو
استاد عهد جدید در آموزشگاه الهیاتی *Covenant*

ویجای میسالا
رئیس موسسه *Reach All Nations*

ترویس ال. میرز
استادیار ماموریت و تاریخ کلیسا
در کالج بیت لحم

جف مورتون
شبان کلیسای باپتیستی *Hillside*

مقالات

مقالات می بایست عموماً در حد ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کلمه باشند (با حسب پا ورقی) و باید به بخش ویرایش ژورنال مسیحیت جهانی، برای بازخوانی فرستاده شوند. مقالات می بایست به انگلیسی صریح و درست، طبق کتابچه راهنمایی فرمت SBL، به همراه متمم راهنمای شیوه نگارش شیکاگو، نوشته شده باشند (به ویژه برای اختصار نویسی). املا و نقطه گذاری مقالات، می بایست یا به انگلیسی بریتانیایی یا آمریکایی یکسان سازی شده، و به صورت ضمیمه ایمیل، به فرمت Microsoft Word (با پسوندهای .doc یا .docx) ارسال شده باشند. علائم ویژه می بایست از فونت Unicode باشند.

بررسی ها

غالباً ویراستاران در بررسی کتاب، به انتخاب اشخاص دست می زنند، ولی بازخوانان بالقوه، احتمالاً درباره بررسی کتابی خاص، با ویراستاران تماس بگیرند. در بررسی کتابها، شخص مسئول، به افراد، راهبردهایی را برای انجام آن، ارائه می کند.

مسیحیت جهانی و انجیلی های اصلاح شده

دارن کارلسون

تابستان گذشته ۱۰۰۰ رهبر جوان و مشاور از بیش از ۱۴۰ کشور برای گردهمایی رهبران جوانتر لوزان در جاکارتای اندونزی جمع شدند. لوزان که توسط بیلی گرهام و جان استات در سال ۱۹۷۴ شکل گرفت، میراث کنفرانس ماموریت‌های ادینبرگ در سال ۱۹۱۰ است، و از زمانی که آغاز به کار کرده، کنفرانسها و جلسات مشاوره برگزار کرده است. هدف اصلی اش در عهدنامه لوزان بیان شده است و سپس در *عهدنامه ی کیپ تاون* بسط یافته است. قصد آخرین گردهمایی این بود که اشخاص بانفوذ در ماموریت جهانی را گرد هم آورد تا بتوانند با هم دیدار و همکاری کنند.

۱. نگاهی اجمالی به کنفرانس

برنامه ی زمانی کنفرانس کاملاً پر بود. صبحها به پرستش دسته جمعی، شرح و تفسیر، و میزگردهای رهبری اختصاص داشت. بعد از آن، جلسه ی یک ساعته ای با گروههای کوچک، گماشته شده، و تحت آموزش بود که هر شخص داستان و شهادت زندگی خود را در میان می گذاشت. بعد از آن، کارگاههایی درباره موضوعات مختلف بود، و جلسه عصر با تمرکز بر شهادت جهانی به پایان می رسید. تنوع نژادی در روی سن عالی بود – فقط سه نفر سفید پوست آمریکای شمالی را از بین ۲۵ فردی که صحبت کردند بر شمردم.

موضوع کنفرانس، «متحد در داستان بزرگ» بود و شرح و تفسیر کتاب مقدس حول موضوعاتی بود که برای دوستداران الهیات کتاب مقدسی آشنا بود. جلسات غروب موضوعاتی از این قبیل را تحت پوشش قرار می داد: مناطق بشارت داده نشده، مراقبت از خلقت، بشارت شخصی، جفا، و خدمت میان فقیران و کسانی که در حاشیه گذاشته شده اند. سخنرانان از پیش زمینه های گوناگونی آمدند. احتمالاً این تنها کنفرانسی خواهد بود که من شرکت نموده و در آن دیوید پلات و بکی پیپر پست به پشت و یکی پس از دیگری سخنرانی می کنند. یکی از پررنگترین قسمتها برای بسیاری، گوش دادن به دو شبان چینی و یک زن ایرانی بود که داستان خدمت و زندانی شدنشان را در میان گذاشتند. وان رابرتس جلسه ی پویایی را در باب همجنس گرایی رهبری کرد و در طی زمان پرسش و پاسخ، معلوم شد که دنیا چقدر متفاوت به این موضوع می پردازد. بسیاری در اتاق از پیش زمینه هایی آمدند که همجنس گرایی را شیطانی محسوب می داشتند، پس، وجود مردی باایمان و خدمتگزار انجیل که بگوید مجرد است و تمایلات همجنس گرایی دارد، برای بسیاری از رهبران از پیش زمینه های متفاوت، خصوصاً آفریقا، تعجب آور بود.

عملکرد اصلی کنفرانس این بود که حضار را به هم وصل کند که با یک پایگاه خصوصی آنلاین آغاز می شد، و بعد از آن، زمان آزاد زیادی برای نشستهای از پیش تعیین نشده گذاشته شد. امید بر این بود که این ارتباطات در آینده ثمر به بار آورد. داستانها و پیش زمینه ی هر شرکت کننده بسیار منحصر بفرود بود. هم اتاقی من یک میسیونر برزیلی بود که در کویت خدمت می کرد و اکنون عازم خدمت در ادمونتون بود. من جزء گروهی بودم که یک میسیونر کره ای در بورونئی داشت شهادت خود را در میان می گذاشت و یک زن هندی، آن را برای یک شبان آفریقایی به فرانسوی ترجمه می کرد. «گروه اتصال» من متشکل از ۶ نفر از سراسر جهان بود. شهادتها بسیار متفاوت، و در عین حال یکسان بود.

یکی از خصوصیات کنفرانس این بود که فرصت دیدار تک به تک با رهبران ارشد از سراسر جهان وجود داشت. ما می توانستیم پیشاپیش وقت بگیریم، اما اغلب اوقات، اگر می توانستی وقت پیدا کنی، این ملاقاتها صورت می گرفت. به عنوان مثال، من با دو رهبر بریتانیایی از خدمات تحصیل الهیاتی، و با رئیس سابق Navigators و با دو استاد ماموریتها وقت گذراندم و از آنها بازخورد گرفتم. زمان، خیلی سنجیده شده بود. رهبران کاملاً در دسترس بودند و هیچ حسی از مهم بودن در میان هیچ کسی نبود. نحوه رابطه رهبران و شرکت کنندگان با هم، بسیار تحسین برانگیز بود، و بر خلاف بسیاری از کنفرانسهایی بود که در گذشته شرکت کرده ام.

۲. مسائل دخالت میان فرهنگی در معرض نمایش

برای ماییکه میان فرهنگی کار می کنیم، هرگز از یادگیری تفاوتهای فرهنگی دست نمی کشیم، که بسیاری از این تفاوتها بر شیوه ی اعلام و خدمت انجیل تاثیر می گذارد. این تفاوتها در کنفرانس به معرض نمایش گذاشته شد و می تواند در یادگیری این موضوع به ما کمک کند که به شیوه ای موثرتر در کنار مسیحیان سراسر جهان کار کنیم.

در یک جا از کنفرانس اعلانی شد که همه به صف شوند. آنچه در پی این اعلان اتفاق افتاد من را به خنده انداخت. اکثر آفریقایی ها به جلو ازدحام کردند. آسیایی ها عقب کشیدند، و حساسیتهای غربی من اجازه داد که مردم در جلوی من «شکاف ایجاد کنند» زیرا به نظر در عجله بودند.

یکی از سخنرانان پیام بسیار هیجان انگیزی داد. محتوای پیام عالی بود. و در حالیکه در آمریکا، احساسات هیجانی نشان از صمیمیت سخنران است، برخی از بریتانیایی هایی که با آنها صحبت کردم، ناراضی بودند. آنها اینطور استنباط کردند که سخنران مجبور بود نعره بکشد زیرا استدلالش ضعیف بود. برخی افراد از فرهنگهای دیگر، فکر کردند که دارند تادیب می شوند و بدین خاطر نعره کشیده است. دیگران احساس شرمساری کردند. سخنران آنقدر سریع صحبت کرد که مترجمان نتوانستند پا به پای او بیایند. این تذکری است برای همه ما که می خواهیم در فرهنگهای مختلف موعظه کنیم.

آیا متکبران است که کمالات سخنران را ذکر کنید یا آیا متکبرانه است که اگر نسبت به سخنران مزاح کنی؟ استرالیایی ها در بدنام کردن افرادی که دوستشان داشتند و مورد احترامشان بود تبحر داشتند. کره ای ها و بسیاری از آفریقایی ها با فهرست کردن کمالات و دستاوردها، افتخار نشان دادند. بسیاری به خاطر خوشمزگی دیگران کاملاً دلخور شدند. من فهمیده ام که خوشمزگی و شوخ طبعی یکی از سختترین چیزها در ارتباطات میان-فرهنگی است و بهتر است بدانی که چه کار داری می کنی یا در غیر این صورت موجب دلخوری شدیدی می شوی. واقعاً حیرت آور است که عیسی همه ما را در کنار هم نگاه می دارد.

۳. اما متحد در حول چه؟

علیرغم شادی دیدار با مسیحیان از سراسر جهان، سوالات خرده گیرانه ای داشتم که در ذهنم می چرخید: چه کسی تعیین می کند که چه چیزی نمایانگر کلیسای جهانی انجیلی است؟ و با نفوذ غالب اعمال و الهیات پنطیکاستی در جنبش جهانی انجیلی چه کار باید کنیم؟ مقالات و کتابهای زیاد نوشته شده اند تا فقط شرایط و ضوابط برخورد با این موضوع را تعریف کنند. اما بگذارید حداقل سعی کنم اظهاراتی را ارائه دهم:

(۱) لوزان صرفاً فقط دارای تنوع نژادی نیست، بلکه تنوع الهیاتی نیز دارد، و زمانی که رهبران نوظهور گرد هم می آیند، حتی تنوع های بیشتری هم پیدا می کند. مداخله و شرکت کردن، مستلزم میزانی انعطاف پذیری است. جنبش بسیار ارگانیکی است که رهبران اجازه دهند که چیزهای زیادی که شاید خودشان در آن شرکت ندارند، رخ دهد. و شرکت کنندگان، حتی معیار پایبندی دارند، و آنطور که من متوجه می شدم، معیارشان اساساً این بود که آیا مسیح را دوست داشتند یا خیر. همچنان که آنجا نشسته بودم و همه چیز را نظاره و ارزیابی می کردم، با حیرت به خودم گفتم، لوزان چه جلوه ای از کلیسای جهانی را نمایان می سازد. باور دارم که کس دیگری می توانست ۱۰۰۰ نفر دیگر را جمع کند و گروه کاملاً متفاوتی داشته باشد. اما، در تجربه ی من، لوزان، جلوه ای منصفانه از طیف وسیعی از مسیحیت انجیلی است.

(۲) اتحادی را که حس کردم، پیوندی مشترک بود که ما قوم خدا هستیم که با خون خریده شده ایم، قومی که ایمان خود را بر مسیح برای آموزش گناه نهاده بودند. آیا این انجیلی است؟ شاید. این نوع اتحاد، آسان و مهم است. اما نکته ی اساسی این است که اتحاد همچنین سخت هست. من در خدمت با میسیونرهایی که جنبش درونی را ترویج می دهند متحد نخواهم شد، اما خوشحال هستم که در لوزان با هم هستیم. به اعتقاد من، آنها دارند خطای مهمی را مرتکب می شوند و خوشحالم که می توانیم با یکدیگر درگیر شویم. قرار نیست که در خدمت با شفا دهندگان ایمان متحد شود، اما خوشحالم که آنها به عنوان شرکت کنندگان به لوزان آمدند. من برخلاف میل، مجبور خواهم شد که دیدگاههای پیشرونده ی مراقبت از خلقت را بپذیرم، اما خوشحالم که به آنها گوش فرا دادم. اختلافات الهیاتی، سرانجام، پیامدهای واقعی را در پی خواهد داشت. وقتی که دیوید پالات در باب واقعیت جهنم ابدی و هوشیار بودن در جهنم برای آنانیکه مسیح را رد می کنند صحبت کرد، ضدیت قابل توجهی صورت گرفت از سوی کسانی که سالها تحت تاثیر تعالیم جان استات قرار گرفته بودند. اما این مکان جای آن است. لوزان جنبشی است که ارزش سرمایه گذاری در آن را دارد و سپاسگزارم که این فرصت نصیبم شد که در آن وارد شوم.

(۳) مهمترین مشکل به عقیده من، تعاریف متفاوت از انجیل است که در طول هفته رویت شد. این برای سازمانی که متعهد به بشارت جهانی است به نظر عجیب می آید. یک نگرانی مشخص این مسئله است که آیا اعلام انجیل اصلاً ضرورت دارد یا خیر. فکر می کنم بسیاری از شرکت کنندگان و حتی رهبران در لوزان این پاسخ ضعیف را می دهد که «بله، البته.» این احساس در پی کتاب ریچارد استرنز به نام «حفره، انجیل ماست» می آید، که در نهایت ثابت می شود که این اصلاً انجیل نیست. فکر می کنم برای ماییکه بر ضرورت اعلام انجیل تاکید می کنیم، خوب است در هنگام استدلال برای «زندگی کردن مطابق انجیل»، زمینه هایی را که افراد از آن می آیند (به طور نمونه، افراد فقیر و به حاشیه رانده شده)، درک کنیم. آنها می توانند نکات منصفانه ای مطرح کنند، حتی اگر با اشتباهات بحرانی الهیاتی در این فرایند مخالفت نمی کنند.

(۴) هنگام وارد شدن در محیطی شبیه اینجا که سخت می توان در بسیاری از مسائل به توافق رسید، هدف باید این باشد که گوش کنیم و یاد بگیریم. این استدلال واضحاً در نقطه ای که پا از خط قرمز فراتر رفته و انجیل زیر سوال می رود، فرو می ریزد. من پیشنهاد نمی کم که اعتقادات راسخ الهیاتی را کنار بگذاریم یا با یافتن حداقل اشتراک‌هایی که با هم داریم، به دنبال اتحاد باشیم. چیزی که دارم می گویم این است که اگر فقط در فرقه الهیاتی‌تان بمانید (در اینجا منظورم فرقه اصلاح شده است)، با مسیحیان زیادی دیدار نخواهید کرد. من به یک رهبر آفریقایی گوش کردم که درباره ی جمع کردن پیرو صحبت می کرد. او به نظر مرد واقعاً فروتنی بود. پس خواستم درک کنم که چرا از این زبان برای بیان سبک رهبری استفاده می کرد. گروه کوچک کارگاه رهبری من همراه با دو شبان زن آمریکایی آفریقایی بود. ما سه نفر داستان‌هایمان را در میان گذاشتیم و سعی کردم بفهمم که آنجا اهل کجا هستند. یاد گرفتن از آنان برای لذت بخش بود. گروهی را دنبال کردم که جلسه ی خود جوشی در خصوص بشارت قدرتمند داشت. کنجکاو بودم تا بفهمم چرا می خواستند خدمات شفا داشته باشند. خواستم غربی هایی را که با زبان متفاوت الهیاتی صحبت می کنند، درک کنم، نمونه هایی از اصطلاحات متفاوت الهیاتی شان از این قبیل است: «جا باز کردن برای خدا در پرستش»، دیدن شالوم به عنوان زمینه ی متحد کننده کتاب مقدس، ایمان به اینکه صلیب و اخلاقیات پادشاهی باید منجر به یک دیدگاه سیاسی پیشرونده در خصوص مراقبت از خلقت شود، ایمان به اینکه ما باید «انجیل را مجسم کنیم»، ایمان به اینکه ما باید «انجیل را زندگی کنیم»، و غیره. چونکه گوش دادم، توانستم وارد بحث شوم. من آنجا بودم تا یاد بگیرم، اما با روحیه ی فروتنی (امیدوارانه!)، من همچنین آنجا بودم که با خانواده ام مباحثه کنم.

(۵) علی رغم تلاش‌هایمان، اما غرب هنوز پشت رول نشسته است. ما با گروه نوازندگان با استعدادی سرود می خواندیم که به سبک هیلسانگ و مخلوطی با کریس تاملین، به زبانهای گوناگون، و با نورپردازی و دود سراییده می شد. حس کردم مخلوطی از کلیسای Willow Creek و کنفرانس Urbana بود. گروه پرستشی که از اندونزی آمده بود دقیقاً کپی برداری بود. کارگاههایی که توسط رهبرانی از جنوب جهانی درباره رهبری برگزار شد، از جان مکسول کپی کردند. بسیاری از رهبران، فارغ التحصیلانی از آموزشگاههای الهیاتی غربی بودند. وقتی این چیزها را نظاره کردم، مردد شدم که آیا ما جلوه ای از کلیسای جهانی بودیم یا جلوه ی کلیسای غرب بودیم که نسخه ای از کلیسا را ارائه می دادیم. من فکر می کنم که دومی درست است. تا زمانی که پول و فرصتهای غنی تحصیلی در غرب هستند، بعید می دانم که به این زودی تغییری ایجاد شود.

(۶) جامعه ی ریفورمد (الهیات اصلاح شده) میکروفون بزرگی دارد، اما اثر جهانی کوچکی دارد. صرفاً نمی توانید با تعامل با لوزان در یک کنفرانس به این نتیجه برسید، اما اگر با چندین سازمان ماموریت جهانی در کار باشید، این موضوع را خواهید دید. نخست اینکه، رهبران بسیار کمی را خواهید یافت که تاثیر گرفته از افرادی چون ادواردز و پایپر، دیدگاه تکمیل گرایی^۱ داشته باشند و افرادی چون کارسون و کلر، خدمت و تفسیرشان را شکل داده باشد. رهبران ماموریت که از طرف غرب هستند، نوعاً انعطاف پذیر و غیر فرقه ای هستند، و روی خیلی از اعتقادات راسخ الهیاتی ریز نمی شوند، و تساوی^۲ هستند. رهبران جهانی، اغلب مشابه هستند اما تمایل

^۱ توضیح مترجم: تکمیل گرایی یا complementarianism دیدگاهی است که می گوید زن و مرد دارای نقشهای متفاوتی هستند و زنان نمی توانند جایگاه رهبری کلیسا را داشته باشند.

^۲ توضیح مترجم: تساوی گرایی یا egalitarianism دیدگاهی است که می گوید هیچ تمایز جنسیتی وجود ندارد و به طور خاص از شرکت زنان در جایگاه رهبری دفاع می کند.

دارند که حتی انعطاف پذیرتر باشند، و برخی مشکلی با آخرت شناسی تخیلی انجیل کامیابی نمی بینند. هیچ یک از این رهبران غربی ماموریتها یا رهبران ملی از سراسر جهان دارای وبسایت‌های پرترافیک نیستند. من حتی می گویم که اکثر جامعه‌ی اصلاح شده حتی نام رهبران لوزان را نمی شناسند. دوم اینکه، اغلب به صورت جهانی، کتابها و منابع، کم اهمیت شده اند که نوعاً مشخصه انجیلی‌های اصلاح شده است. به طور مثال، در لوزان دو میز با تعداد کمی کتاب برای فروش بود که کتاب برجسته آن در باب مراقبت از خلقت بود. به نظر نمی رسد که در تهیه منابع برای شرکت کنندگان، زیاد فکر شده باشد. لوزان منابع بسیار زیادی در اختیار دارد، اما به نظر می رسد که آنقدری که در توانشان بود، منابع در اختیار شرکت کنندگان نگذاشتند.

۴. چرا اینقدر کوچک

اجازه دهید بر این نکته آخر متمرکز شوم و بپرسم که چرا جامعه اصلاح شده (ریفورمد) اثر جهانی کوچکی دارد:

۱. جنبش اصلاح شده‌ی بی قرار جوان در غرب متولد شد. جدید است و جوان است. بسیاری از کسانی که در اواخر دهه ۹۰ از جان پایپر و دیگران تاثیر گرفته اند، تازه اکنون دارند وارد جایگاههای رهبری می شوند. مایکل آه، رئیس لوزان یک نمونه است. افراد دیگر نیز وجود دارند. خارج از آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، تعداد زیادی زنان و مردان اصلاح شده که در جایگاههای مهم رهبری جهانی باشند، هنوز وجود ندارد.
 ۲. جنبش اصلاح شده بیشترین کرسی را در میان افرادی که دارای سطحی از تحصیلات هستند، گرفته است. به این معنا نیست که الهیات اصلاح شده برای ۶۸٪ از آمریکاییهایی که مدرک دانشگاهی ندارند، خارج از دسترس است. اما خیلی از نوشتجات جنبش اصلاح شده حتی برای کسانی که مدرک فوق لیسانس دارند، خواندنش سخت است. و در این صورت، وسیله اصلی انتشار تعالیم برای زوجهایی که میزان تحصیلاتشان به اندازه اکثر مسیحیان سراسر دنیاست، از طریق صحبت کردن است. آیا می دانید که افراد بسیار زیادی در جامعه‌ی اصلاح شده به دنبال افرادی هستند که بطور شفاهی یاد می گیرند؟ اکثر سازمانهای اصلاح شده بر کتابها تاکید می کنند.
 ۳. بسیاری از مردم تمایل دارند که از میسیونرهایی چون تیلور، استاد، برینرد، و کری تجلیل کنند. آنها قطعاً کالوینی بودند. اما صدها میسیونر دیگر وجود داشته اند که به خاطر عیسی عازم شده اند ولی آن اعتقادات راسخ الهیاتی را در میان نگذاشتند. و در برخی موارد، تاثیری که بر جا گذاشته اند بیشتر از خیلی از افرادی است که درباره شان می خوانیم. ما تمایل داریم قهرمانان کسانی باشند که با آنها موافق هستیم.
 ۴. فکر می کنم اشتباهی که خیلی از (یا همه‌ی؟) شبانان و معلمان مشهور اصلاح شده مرتکب شده اند، ترک کردن تلویزیون است. و این باعث شده است که شبکه تلویزیونی TBN نماینده مسیحیان غرب برای کلیسای جهانی باشد. اگر در محله های فقیرنشین بروید، کتابها یا سرعت اینترنت خوب نخواهید یافت. دیشهای ماهواره خواهید یافت که همه شان روی برنامه های تی.دی. جیکس، جول آستین، کرفلو دلار، جویس مایر، و امثال آنهاست. این مسیحیان هیچ راهی برای دانستن این موضوع نخواهند داشت که کلیسای غرب چه حسی درباره این معلمان دارند، وقتی اینها تنها معلمینی هستند که افراد، برنامه هایشان را تماشا می کنند.
- این به منظور انتقاد سخت از جنبش نئو-ریفورمد که در دهه های اخیر در سراسر آمریکا رواج یافته، نیست. جنبشها باید از جایی آغاز بشوند. اخیراً نشانه های دلگرم کننده ای وجود داشته است که احیای تعالیم اصلاح شده در سراسر جهان در حال صورت گرفتن است. در سالهای آینده جالب خواهد بود ببینم که آیا جامعه اصلاح شده، بسیاری از موسسات و سازمانهای انجیلی را وارد عمل خواهد کرد، یا آیا آنها سازمانهای بیشتری را به راه خواهند انداخت و سرانجام مثل برادران و خواهران بنیادگرای ما، تنها خواهند شد.

«صلاحیتهای ویژه» و اهداف مؤسسان پیشگام کلیسا و دیگر میسیونرها بنا بر تفاهم‌نامه سرامپور (۱۸۰۵)

تراویس ال. میرز

تراویس ال. میرز، استادیار تاریخ کلیسا و مطالعات ماموریت در کالج و آموزشگاه الهیاتی بیت لحم در مینیاپولیس در ایالت مینه‌سوتا آمریکا است. او مطالعات کتاب مقدسی و الهیات را در کامرون، میانمار، و لهستان تدریس کرده است.

چکیده

در سال ۱۸۰۵، میسیونری مشهور سه نفره ی ویلیام کری، ویلیام وارد، و جاشوعا مارشمان، همراه با شش مرد دیگر از جامعه میسیونری باپتیستی بریتانیایی که در سرامپور هند مستقر بودند، برای خودشان و جماعتی از میسونرهای جدیدی که از انگلیس می آمدند، یازده «اصل بزرگ» (آنطور که آنها نامیدند) را بیان کردند تا تعهدات و اهداف خود را شرح دهند. تفاهم‌نامه سرامپور، درک کتاب مقدسی تر و قوی تری از زندگی و خدمت بناکنندگان کلیسا نسبت به نوشتجات عام پسند معاصر در باب ماموریتها که مورد علاقه انجیلی‌های آمریکایی است، بیان می کند. این بررسی از یازده اصول تفاهم‌نامه، توجه امضاکنندگان اوایل قرن نوزدهمی آن را به یادگیری فرهنگ و دوری از ایجاد رنجش نشان می دهد. و همچنین توجهشان را به ایجاد تفاهم و بشارت سخت کوشانه، و به تعالیم صحیح و شاگردسازی صبورانه، و نیز توجهشان را به کلیساهای بومی و نظارت میسیونرها نشان می دهد. نویسنده در سراسر این مقاله نکات کاربردی متعددی را به مسائل معاصر مسلم در ماموریتها ربط می دهد، به خصوص مسائلی که به بهترین شیوه‌های عملی در میدان خدمت و صلاحیتهای میسیونر مربوط می شود.

۱. مقدمه

گرایش امروزه در میان بناکنندگان کلیسا در مناطقی از جهان که پیام انجیل کمتر بدانجا رسیده است، استراتژی‌هایی است که نقش تعلیمی میسیونرها را حداقل کند. این طرحهای پیشنهادی، اغلب خودشان را به عنوان علاجی برای خطاهای زودرس قرار می دهند، به خصوص، «تلقین فکری» استبدادی جویندگان و نوکیشان. اما نوشتجات عام پسند ماموریتهای انجیلی آمریکایی، اکثراً هم از تعمق صحیح کتاب مقدسی و هم مطالعه دقیق تاریخ ماموریتها غفلت می کنند. استراتژی‌های جدید و عملگرای ماموریت که تهی از کلیساشناسی صحیح باشد، همیشه همانطور که به نظر می رسد، همراه با ما است.^۱ اما تفاهم‌نامه ی ۱۸۰۵ سرامپور، درک کتاب مقدسی تر و کل نگرتری را از زندگی و خدمت موسس کلیسا نسبت به نوشتجات معاصر بیان می کند که مفاهیمی نظیر «مطالعه کتاب مقدس به روش اکتشاف» یا «شاگردی مبتنی بر اطاعت» را مطرح میکنند.^۲

در ۷ اکتبر ۱۸۰۵، گروهی از میسیونرهای باپتیستی کالوینی بریتانیایی در سرامپور هند، «تفاهم‌نامه» را که توسط ویلیام وارد نوشته شده بود، پذیرفتند.^۳ ما سه امضا کننده اول آن، یعنی ویلیام کری (فوت شده در ۱۸۳۴)، جاشوا مارشمن (فوت شده در ۱۸۳۷)، و خود وارد (فوت شده در

¹ Craig Ott, Professor of Mission and Intercultural Studies at Trinity Evangelical Divinity School, notes the tendency toward pragmatism by North American evangelical missiologists and missionaries in his concluding chapter, "Missionary Methods: The Questions that Still Dog Us," in *Missionary Methods: Research, Reflections, and Realities* (Evangelical Missiological Society 21; eds. Craig Ott and J.D. Payne; Pasadena, CA: William Carey Library, 2013), 197-200.

² For an introduction to these two strategies and an example of this kind of literature, see Jerry Trousdale, *Miraculous Movements: How Hundreds of Thousands of Muslims are Falling in Love with Jesus* (Nashville, TN: Thomas Nelson, 2012). I believe these techniques are better regarded as methods of evangelism rather than church planting or discipleship, per se.

³ I have consulted the "Form of Agreement" as found online in "The Serampore Form of Agreement," *Baptist Quarterly* 12/5 (1947): 125-38 (http://biblicalstudies.org.uk/pdf/bq/12-05_125.pdf). This anonymous mid-twentieth-century article introduces the

۱۸۲۳) را به عنوان تیم سه نفره ی سرامپور به خاطر شراکت چند دهه ای شان در پیشگام شدن در ترجمه کتاب مقدس، بشارت، بنای کلیسا و تلاشهای اصلاح اجتماعی به یاد داریم.^۴ این سه نفر همراه با شش میسیونر دیگر برای خودشان، و برای جماعتی از میسیونرهای جدید که از انگلستان به آنجا می رسیدند، یازده «اصل بزرگ» (نامی که خودشان قرار دادند) را بیان کردند تا تعهدات و اهدافشان را شرح دهد. این بیانیه که کمی بیشتر از بیست پاراگراف بود را شاید یادداشتی قوی از ادراک یا بیانیه ماموریت بنامیم.^۵ بینش انسانی و حساسیت فرهنگی که در این پرونده در معرض نمایش است، در تضاد با این نظریه است که نسلهای قبلی میسیونرهای میان فرهنگی، همیشه نسبت به مفهوم مهم همبافت سازی، انعطاف ناپذیر بودند.

تفاهم‌نامه سرامپور در نتیجه گیری مختصر خود بیان کرد که پرونده باید سه بار در سال، با صدای بلند، به صورت علنی، توسط هر ایستگاه ماموریت خوانده شود تا «این ایده ها را در ذهنهایمان زنده نگاه دارد.» ایمان دارم که بناکنندگان کلیسای جهانی ما که امروزه در جاهای سخت زحمت می کشند، آن اشخاصی که چنین خواندگی ای را در نظر دارند، و ماییکه به آماده سازی و شبانی چنین مردان و زنانی کمک می کنیم، می توانیم از لحاظ کردن این یازده اصل بهره بگیریم. آنچه در ادامه می آید، بررسی ای از محتوای این پرونده، شکل، و زمینه تاریخی همراه با چند نکته کاربردی برای روزگار خودمان است که در این مسیر پیشنهاد شده است.

۲. چیزهایی که ضروری هستند

مقدمه کوتاه این پرونده به طور قطع اظهار می کند که «رهاننده»، «اعمال صلاحیتهای ویژه» را بر امضا کنندگان آن برای «کار بزرگ و اصلی‌شان» به عنوان شاگردسازان در میان مردمان هندو و مسلمان تحمیل کرده است. درحالیکه امضاکنندگان، انتظار خود را بیان کردند که فقط برگزیدگان، ایمان خواهند آورد، بلافاصله در پی آن گفتند «با این وجود ما نمی توانیم کاری بجز در شگفت ماندن بکنیم، که پولس، آن مدافع بزرگ آموزه های شکوهمند فیض آزاد و مقتدر، بخاطر غیرت شخصی ای که در کار ترغیب مردم به آشتی با خدا داشت، از همه چشم گیر تر بود. از این حیث، او نمونه ای است عالی که از آن تقلید کنیم.»

۲.۱ محبت به گمشدگان بوسیله ایجاد تفاهم و ابلاغ مسیح

برخی از صلاحیتهای و اهداف تفاهم‌نامه سرامپور به صراحتاً به عنوان «مطلقاً الزامی» لحاظ شده است. اصل اول، نمونه ای از آن است. میسیونرها باید «ارزش بینهایت زیادی بر جانهای نامیرا بگذارند.» آنها باید «اغلب بکوشند تا ذهن‌های از دست رفته ی محبوس در جانهای تبدیل نشده را به سمت ابدیت تاثیرگذار باشند.» در واقع، «اگر ما این حس مهیب از ارزش جانها را نداشته باشیم، غیر ممکن است که بتوانیم در بخشهای دیگر کارمان احساس خوبی داشته باشیم، و در این مورد، برایمان بهتر بود اگر در هر موقعیت دیگری بجز در یک میسیونری می بودیم.» خوانندگان، فروتنانه به یادشان آورده می شود که خدا در گذشته «بریتانیاییهای دائم الخمر و وحشی» را برخیزانید تا در جایهای آسمانی با مسیح بنشانند. خدا به همین گونه قادر خواهد بود که جانهای مردم هند را که در خرافات و اعمال وحشیانه ای نظیر سوزندان بیوه زنان (*sati*) فرو رفته اند، نجات دهد.^۶ این، اشاره ای صرف به یک دستور کار متمدن سازی استعمارگرایانه نیست، بلکه اشاره ای است به توبه ی هندی ها از

Serampore mission station, church, and nine signers of the SFA. For William Ward as author of the SFA, see also A. Christopher Smith, "The Legacy of William Ward and Joshua and Hannah Marshman," *International Bulletin of Missionary Research* (1999): 125-26.

⁴ Ward and Marshman, the latter with his wife Hannah, joined Carey in 1799. (Smith, "Legacy," 120). Ward had been a newspaper editor and social reformer in Britain both before and after his conversion. The standard popular biography of Carey is Timothy George, *Faithful Witness: The Life and Mission of William Carey* (Birmingham, AL: New Hope, 1991).

⁵ Brian Stanley called the SFA the "covenantal basis for the Serampore mission community" in his article, "Planting Self-Governing Churches: British Baptist Ecclesiology in the Missionary Context," *Baptist Quarterly* 34/8 (1992): 379 (http://biblicalstudies.org.uk/pdf/bq/34-8_378.pdf). According to Stanley, the SFA and its principles were jettisoned by a new generation of Baptist Missionary Society missionaries even within Carey's lifetime. See also, Brian Stanley, *The History of the Baptist Missionary Society, 1792-1992* (Edinburgh: T & T Clark, 1992).

⁶ I offer widow burning as one example of a social injustice opposed by Carey and other BMS missionaries. For William Carey, in particular, as a social reformer, see Vishal Mangalwadi and Ruth Mangalwadi, *The Legacy of William Carey: A Model for the Transformation of a Culture* (Wheaton, IL: Crossway Books, 1999) and Chakravarthy R. Zadda, "Shoemaker and Missionary, William Carey: A Dalit Christian Perspective," in *Expect Great Things, Attempt Great Things: William Carey and Adoniram Judson, Missionary Pioneers* (ed. Allen Yeh and Chris Chun; Eugene, OR: Wipf & Stock, 2013), 27-41.

بت پرستی و توکل نفسانی در «نجات یافتن با دستان خودشان». همدردی برای وضعیت دردناک نجات نیافتگان - چه موقتی و چه ابدی - باید میسیونر را به کوشش بشارتی وا دارد.

باپتیستیهای بریتانیایی پی بردند که هندی ها، آنان و دیگر اروپاییها را وقتی که به شیوه ای جاهلانه نسبت به جهان بینی و رسومات محلی رفتار می کنند و سخن می گویند، به عنوان «بربرها (وحشیها)» تلقی می کنند. اصل دوم می گوید که بنابراین «بسیار مهم» است که همه چیز را درباره ی «شیوه های فکر کردن» هندیها، عاداتشان، تمایلاتشان، انزجارهایشان، طریقی که درباره خدای گناه، قدوسیت، راه نجات، و وضعیت آینده استدلال می کنند، یاد بگیرند.⁷ تفاهم نامه سرامپور در اینجا ادعا می کند که «اگر می خواهیم توجه آنان را به سخنرانیمان جلب کنیم، اهمیت زیادی دارد که بفهمیم چه چیزی درباره «پرستش، جشنها، و سرودها»ی هندیها برای خود هندیها جذاب است. این فهم و دانش را می توان به سه طریق «به آسانی بدست آورد»: گفتگو با هندیها، خواندن کتابهایشان، و مشاهده «آداب و رسوم»شان.⁸ خادمان میان فرهنگی امروزی نباید کمتر از این عمل کنند. آنها باید مهارتها و بینش برای انجام تفسیر فرهنگی کسب کنند که می تواند از علوم اجتماعی حاصل شود. اصل سوم این تفاهم نامه بیان می کند که برای میسیونر ضروری است که تا آنجا که از لحاظ اخلاقی قادر است،⁹ از هر آنچه غرض ورزیهای هندوها را بر علیه انجیل «زیاد می کند»، پرهیز کند. «آن قسمتها از رفتار انگلیسی که برایشان زننده و رنجش آور است، باید تا آنجا که ممکن است از دیدشان به دور بماند.» هر میزانی از بی رحمی نسبت به حیوانات باید اجتناب شود. بر زبان آوردن «کلمه ای بی ملاحظه» یا «نشان دادن یک مورد غیر ضروری از تفاوتها مابین ما، در رفتارها، و غیره» مضر خواهد بود و «فاصله بین بومی ها و ما را بیشتر خواهد کرد.»¹⁰ غیورینی که میان ما هستند باید توجه داشته باشند که این پیشگامان کالونی در خدمت میان فرهنگی به میسیونرها توصیه کردند که سریع به باورهای مذهبی هندوها حمله نکنند، «به تمثالهایشان بی حرمتی نکنند» یا «پرستششان را قطع نکنند.» «رفتار ملایم» موراوینها و (حتی!) کواکرها نسبت به بومی های آمریکایی تحسین شده است.¹¹

تفاهم نامه سرامپور در اینجا همچنین به رویه ی رسولی متوسل می شود و گریزی به اول قرن نهم تا ۱۹:۲۳-۲۳:۱۰؛ ۳۲-۳۳؛ شاید رومیان ۱۴ می زند: «آمادگی پولس در اینکه همه کس را همه چیز شود، تا به هر نحوی، برخی را نجات دهد، و گرایش او به اینکه از راحتی های ضروری اجتناب کند تا ضعیفان را دلخور نسازد، شرایطی هستند، که شایان توجه خاص ماست.» یک میسیونر ممکن است بسیار تحصیل کرده تر و زندگی راحتتری را نسبت به آنانیکه می خواهد بدیشان بشارت دهد، داشته باشد. با این حال، «کسیکه برای جذب آنان به سمت خود، خیلی مغرور است که نمی خواهد سر به دیگران فرود آورد، اگر چه شاید بداند که آنها از لحاظ بسیاری پایینتر از او هستند، اما صلاحیت میسیونر شدن را ندارد» اصل چهارم به طور منفی بیان می کند که میسیونرها «بسیار مقصر» خواهند بود اگر خودشان را تنها با چند باری موعظه در هفته به آن دسته از اشخاصی که به آسانی در «مکان پرستش» دور هم جمع می شوند، راضی کنند. میسیونرها باید «تقریباً هر ساعته» در گفتگوی بشارتی با اشخاص محلی مشغول باشند، «وقت و بی وقت» با تردد در فضاهای عمومی و خصوصی، حتی از شهر به شهر، به دنبال فرصتها بگردند. تفاهم نامه سرامپور اعتراف می کند که «ما خو گرفته ایم که در این کوششهای فعال، به خصوص در یک اقلیم گرمسیری، استراحت کنیم؛ اما ما باید همیشه این را به خوبی در ذهنمان جای دهیم که زندگی کوتاه است، و اینکه همه چیز در اطرافمان رو به زوال است، و اینکه وای وحشتناکی

⁷ Both Ward and Marshman authored books on Hinduism for Western readers, the latter's work being more focused than Ward's was on a Christian critique and response. See Smith, "Legacy," 126.

⁸ For a positive assessment of Carey as an early missiologist, including as a scholar of Indian culture, literature, and history, see Timothy C. Tennent, "William Carey as a Missiologist: An Assessment," in *Expect Great Things, Attempt Great Things: William Carey and Adoniram Judson, Missionary Pioneers* (ed. Allen Yeh and Chris Chun; Eugene, OR: Wipf & Stock, 2013), 15-26, esp. 20-23. See also Mangalwadi and Mangalwadi.

⁹ While this point only provides the caveat, "as far as we are able," the sixth point ends with, "We can never make sacrifices too great when the eternal salvation of souls is the object, except, indeed, we sacrifice the commands of Christ." Therefore, I have interpreted this point to also refer to one's biblically-informed moral scruples.

¹⁰ We should remember here that Carey is still lauded by Indians, especially those of lower castes, as a social reformer and critic of certain cultural norms and practices. The Serampore crew tried to walk a middle way, compelled by love, of both cultural accommodation and public critique of sinful norms *a la* Paul Hiebert's theory of "critical contextualization." See esp. Hiebert, *Anthropological Insights for Missionaries* (Grand Rapids, MI: Baker, 1985).

¹¹ On the cross-cultural ministry practices of Moravian missionaries in the colonies of Pennsylvania and New York in the latter half of the eighteenth century, see Travis L. Myers, "Mission as 'Peaceable Strangers'" (unpublished paper) and Rachel Wheeler, *To Live Upon Hope: Mohicans and Missionaries in the Eighteenth-Century Northeast* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2008).

را بر سر خود می آوریم اگر خبر خوش نجات را اعلام نکنیم.»

اصل پنجم، ضرورت «مبحث بزرگ» گفتگو، تعلیم، و وعظ بشارتی را تصریح می کند: «مسیح مصلوب.» باز می بینیم که آگاهی از محدودیتها و ضعفهای خود مبشر میان فرهنگ، در پذیرش این موضوع دیده می شود که «خیلی آسان است» که چیزهای درست بسیاری را سالها بی وقفه تعلیم داد، اما جدا از تعلیم واضح انجیل، هیچ امید مستحکمی برای جان فرد وجود نخواهد داشت. نمونه های تاریخی داده شده اند تا نشان دهد که کلیسا در طول اعصار بوسیله «تعلیم مرگ کفاره ای مسیح و استحقاقهای تمام کفای او» حفظ مانده و جان دوباره یافته است.^{۱۲} علاوه بر این، تفاهم نامه سرامپور در سال ۱۸۰۵ بیان کرد:

واقعیت کاملاً شناخته شده ای است که اکثر میسیونرهای موفق در جهان در حال حاضر، موضوع کفاره ی مسیح را دنبال می کنند. منظورمان موراوینها است.^{۱۳} آنها تمام موفقیتشان را به وعظ مرگ نجات دهنده مان نسبت می دهند. طبق تجربیاتمان، ما به راحتی تصدیق می کنیم که هر هندویی که در میان ما به مسیح ایمان آورده است، بوسیله محبت حیرت انگیز و مجبور کننده ای که در مرگ کفاره ای منجیمان نشان داده شده، صید شده است. آه! پس بر آن باشیم که در میان هندوها و مسلمانان، چیزی جز مسیح ندانیم، آن هم عیسای مصلوب.

اصل نهم بیان می کند که «وظیفه واجب» یک میسیونر این است که زبانهای مردمی که قصد به بشارت و شاگردسازیشان را دارد، یاد بگیرد. این واقعیت که خدا تیم سرامپور را «واجد شرایط» کرده بود که این چنین عمل کنند، دلالتی بود بر اینکه آنها باید در کارشان «پیشروی کنند» (احتمالاً دلالت بر این دارد که کسانی که نمی توانند زبان محلی را یاد بگیرند، توسط خدا واجد شرایط نشده اند که در آن مکان برای آن خدمت باشند). تولید ترجمه های کتاب مقدس به زبان مادری، اهمیت بسزایی داشت و دلیلی برای آن بود. «ما چاپ کلام الهی در سراسر هند را به عنوان هدفی لحاظ می کنیم که تا آن را محقق نسازیم، هرگز نباید از آن دست بکشیم.» شناساندن مسیح از طریق ترجمه های کتاب مقدس و نیز توزیع بخشهایی از کلام خدا و نوشتجات مسیحی وظیفه ای مبرم و ضروری بود:

همچنین این وظیفه مان است که تا آن اندازه که ممکن است، جزوات مختلف دینی را که چاپ شده است، توزیع کنیم. با در نظر گرفتن اینکه چقدر اشاعه ی عمومی شناخت مسیح بسته به توزیع پیوسته و سخاوتمندانه ی کلام خدا، و این جزوه ها در سراسر کشور است، باید این را پیوسته به خاطر داشته باشیم، و از هر فرصتی برای گذاشتن حتی یک جزوه در دستان اشخاصی که گاه و بیگاه با آنان برخورد می کنیم، استفاده کنیم.

نه تنها این کار برای تیم میسیونرها الزامی تلقی می شد، بلکه یکی از چیزهای متعددی بود که تفاهم نامه سرامپور می گوید که «برازنده» ی آنان است، بدین معنی که درخور نقششان است و واقعاً به آنها می آید! مثلاً «برازنده ی ماست که تمام پشتکار خود را در تشریح و توزیع کلام الهی در تمام موقعیتها و به هر شیوه ای که در توان ماست بکار گیریم تا توجه و حرمت افراد بومی را به سوی کلام خدا، به عنوان بنیان حقیقت ابدی، و پیام نجات به آدمیان بر انگیزانیم.»^{۱۴}

اصل ششم با این جمله شروع می شود که «مطلقاً ضروری است که افراد بومی، اطمینان و صمیمیت کامل به ما داشته باشند، و در جمع ما کاملاً احساس راحتی کنند.» برای دستیابی به این منظور، تفاهم نامه سرامپور می نویسد، «ما در تمام مواقع باید راغب باشیم که شکایتهاشان را بشنویم، باید مهربانانه ترین اندر زمان را به آنان بدهیم، و باید درباره هر چیزی که پیش روی ما آورده می شود، به منصفترین، درستترین و بازترین

¹² The document states, "It was the proclaiming of these doctrines that made the Reformation from Popery in the time of Luther spread with such rapidity. It was these truths which filled the sermons of the most useful men in the eighteenth century."

¹³ Ward wrote in his journal while aboard an American ship bound for India in 1799, "Thank you, ye Moravians: you have done me good. If I am ever a missionary worth a straw, I shall owe it to you under our Savior." See Smith, "Legacy," 122.

¹⁴ Other things said to "become" the missionary are 1) taking every opportunity to evangelize (in the first principle); 2) shunning haughty behavior and speech (sixth principle); and 3) establishing schools so that Indian children might learn the liberal arts and sciences (ninth principle). By 1885 Christian missionaries in British India had established or worked to maintain 1,628 schools (Tennent, "William Carey as a Missiologist," 21). Ward claims in the ninth point that the establishment of Christian schools would gradually prepare Indian society to be "born at once" sometime in the distant future as a Christian country, alluding to Isaiah 66:8.

شیوه، تصمیم گیری کنیم.» برای این منظور، میسیونرها باید «راحت در دسترس» باشند و «در تمام مواقع» با افراد محلی به طرز یکسان رفتار کنند. رفتار «دلسوزانه» یا گستاخانه، شخصیت‌هایمان را در ارزیابی ایشان بینهایت عفل می دهد.¹⁵ حتی شخص قرن بیست و یکمی با تجربه زیاد خدمت میان فرهنگی، این اصول را آسانتر می بیند که آنها را از لحاظ عقلانی تصدیق کند، تا اینکه بخواهد انجامشان دهد یا در قلبش احساس کند. تفاهم نامه هشدار می دهد، «در خور ماست که همواره با بیشترین توجه از تمام نیروها، و هر چیز متکبرانه و زنده دوری و اجتناب کنیم.» یک ایماندار درستکار و بالغ - خصوصاً آنهایی که از یک فرهنگ دولتمندتر، تکنولوژی تر، و سرعتی تر می آیند - با این نکته ششم، بیشتر از هر نکته ی دیگری، نیاز دائمی به جوابگویی شخصی، پشتیبانی دعا، و تشویق از سوی برادران و خواهران در همان موقعیت خدمتی را تشخیص می دهند. کسانی که با دعا، از میسیونرها پشتیبانی می کنند، باید از خداوند بخواهند که شرکای جهانی شان را از گوشه گیر بودن، ناملایم بودن، و بیش از حد انتقادگر بودن، محفوظ بدارد.

۲.۲ تعلیم به نوایمانان، بنای کلیساها، و تربیت رهبران

اصل هفتم و هشتم، به مراتب، طولانی ترین اصول این تفاهم نامه هستند. آنها به موضوع شاگردسازی نوایمانان و تشکیل جماعت‌های جدید می پردازند، و از اصول مربوط به بشارت صرف، یادگیری فرهنگ، و دوستی میان فرهنگی، فراتر رفته و به جلو حرکت می کنند. نکته هفت با این جملات آغاز می شود.

بخش مهم دیگری از کارمان، بنا و پاسبانی از افرادی است که دور هم جمع می شوند. ما در این کار باید به خوبی کار کنیم تا اولین دستورالعمل‌هایمان را تا آنجا که ممکن است ساده کنیم، و اصول بزرگ انجیل را به خورد افکار نوایمانان دهیم تا زمانی که آنها تماماً در بنیان امیدشان به خدا جای بگیرند و مستحکم شوند.

توصیه می شود که تا پایان این فرایند، رغبت داشته باشید که مکرراً با نوایمانان وقت بگذارید. صبر توصیه شده است. «ما باید نسبت به آنان بسیار صبور باشیم، هر چند که رشد بسیار آهسته ای در شناخت خدا داشته باشند.» اصل «دیدار با مردم در جایی که هستند، به نظر می رسد که همانقدر برای گروه سرامپور، ارزش عملیاتی مهمی بوده است که برای کارگران مسیحی میان فرهنگی امروز مهم است.» میسیونرها قطعاً باید سبک تعلیمی و برنامه آموزشی خود را با مخاطبینشان تطبیق دهند تا به حداکثر بهره وری و فهم برسند.¹⁶ با این حال، تفاهم‌نامه سرامپور، در این وظیفه دور اندیشی می کند و مشخصاً، دگرگونی چند وجهی را به عنوان هدف نهایی تطبیق، هدف گیری می کند.

تحمل کردن شکست‌های اخلاقی کسانی که به تازگی ایمان آوردند، که تفاهم‌نامه سرامپور آنان را «برادران بومی» می خواند، و سرزنش کردن آنان با ملایمت، «وظیفه ای بسیار ضروری» است. میسیونرها باید به یاد داشته باشند که مسیحیان جدیدتر، از چنین زمینه ای، به تازگی «مفاهیم صحیح و درستی از بدی گناه، یا عواقبش» را فرا گرفته اند. «نوایمانی که از ایمان برگشته» حتی بعد از «سقوط‌های زیاد» نباید دور انداخته شود. به خوانندگان به فروتنی یادآوری می شود که خود طبیعت انسانی در «شکل گیری باورهای روحانی» و «ورود به» یک سبک زندگی مقدس، «پس رونده است.» بنابراین، ما می بینیم که توجه به انسان شناسی کتاب مقدسی (آموزه انسان) در ترکیب با تعمق درونی و تجربه شبانی منجر به انسان شناسی خوب از لحاظ فرهنگی در این رسالات اولیه ماموریت شناسی می شود - حتی اگر تازه در حال پدید آمدن است. بلوغی که همراه با گذشت سن، و تجربه ی عملی شبانی‌های دیگر ایمانداران بدست می آید، فرد را با زودن انتظارات آرمانگرایانه و ناپخته ای که به ناامیدی می انجامد، برای پایداری در ماموریتها تجهیز خواهد کرد.

تفاهم‌نامه سرامپور می گوید که میسیونرها باید دینداری خودشان را پرورش دهند زیرا زندگی شخصیشان، بازتاب دهنده ی ایمان مسیحی است. «مطلقاً ضروری است که در راه رفتن در حضور نوایمانان بومی، بسیار محتاط و مواظب باشند.» در اروپا به خاطر شناخت عمومی بیشتر از

¹⁵ Like the members of the British Baptist Missionary Society, US American missionaries represent a global empire whether they realize it or want to. They must listen, with respect, to the critiques of American foreign policy, of economic globalization, and even of democracy itself that some, including Christians, in other parts of the world will make to their hearing. Missionaries should not allow their political convictions, culture-warring assumptions from “back home,” or an unreflective patriotism to hinder any rapport building, communication of Christ, or even refinement of their own view of the world and Christian faith.

¹⁶ For an introduction to the important topic of evangelizing and making disciples of oral or oral-preference learners, see <https://bibleandmission.redcliffe.org/resources/bible-and-orality/> or the works of M. David Sills.

کتب مقدس، «انحطاط مسیحیان» تاثیر منفی کمتری بر دیگران داشته است. اما برای میسیونرها در هند مستعمره ای اوایل قرن نوزدهمی، «آنهایی که در اطرافمان هستند، در نتیجه ی شناخت کمشان از کتب مقدس، ضرورتاً باید رفتار ما را به عنوان نمونه هایی بگیرند از آنچه مسیح از شاگردانش انتظار دارد. آنها هنگامی که نور را بر ما می تابانند، فقط نجات دهنده و تعالیم او را می شناسند.» رفتار میسیونر کاملاً به یک شکل برای بی ایمانان و ایمانداران آموزنده است. این تفاهم نامه همچنین می گوید که نوایمانان هندی، خودشان تبدیل به «زیورآلاتی برای جنبش مسیحی» می شوند چرا که بی ایمانان شیوه جدید زندگی شان را مشاهده می کنند.^{۱۷}

لازم است به طور منظم به ایمانداران یادآوری شود که به شیوه ای زندگی کنند که شایسته ی انجیل است (کولسیان ۱:۹-۱۰؛ فیلیپیان ۲۷:۱). بهر حال، برخی از میسیونرهای امروزی، می توانند با یادآوری این موضوع که زندگی شان (با طبیعت تازه شان در مسیح) بازتاب مثبتی از فرمان مسیح مبنی بر بنای پادشاهی، و قوت فعال در آنان می باشد، از خودداری مضطربانه و از اضطراب در خدمت تعلیم یا بشارت، آزادی یابند. مسیحی بالگی که از فرهنگ بیگانه ای است می تواند بواسطه ی فیض خدا از طریق سبک زندگی محبت آمیز خود و شهادت عملی دینداری فروتنانه اش، بر یک نوایمان بومی تاثیر مثبت بسیار چشمگیرتر و ماندگارتری (ابدی!) از هر تاثیر منفی (یا فقط خنثی) ای داشته باشد که از طریق خصوصیات خاص شخصی یا فرهنگی غیر عمدی و اجتناب ناپذیر خواهد داشت. مهمتر از همه اینکه ما در عصری جهانی شده زندگی می کنیم. آرمان میسیونری و انسان شناسی صیانت از فرهنگ در برابر عیب برداشتن، کهنه شده است.

در این اصل هفتم، تقدیری از «زنان باتقوایی» شده است که می توانند «زنان آسیایی» را بشارت دهند و شاگردسازی کنند. زنان در آن جامعه ی تفکیک جنسی شده، همچون بسیاری از جوامع امروزی، فرصت کمی داشتند که از مردان میسیونر بشنوند. بنابراین، ایجاب کرد که این میسیونرهای مرد، اطمینان دهند که «خواهران اروپایی» شان فرصت برای یادگیری زبانهای محلی داشته باشند تا اینکه بتوانند با زنان محلی «در هر راهی که مشیت الهی بر آنان باز شود»، صحبت کنند. تفاهم نامه سرامپور می نویسد که زنان به رسولان در قرن اول میلادی در کارشان کمک می کردند. امروزه، شوهران در بافتهای میان فرهنگی باید به یاد داشته باشند که اغلب برای همسران میسیونرها، به خصوص مادرانی که بچه کوچک دارند، سختتر است که به همان اندازه با مردم محلی بُر بخورند و در یادگیری زبان پیش بیافتند (یا حداقل به همان سرعت یاد بگیرند). دعا، مطالعه، و قصدمندی بیشتر، می تواند برای موفقیتشان الزامی باشد.

در اینجا روشن است که زنان این ایستگاه ماموریت و جامعه ماموریت، میسیونر محسوب نمی شدند.^{۱۸} نام هیچ امضاکننده ی زنی در تفاهم نامه سرامپور دیده نمی شود. با این حال، کلیساشناسی کتاب مقدسی به اندازه ی کافی با آن سر و کار داشته است. میسیونر که اساساً به بنای کلیسا می پرداخت، یک نقش رسولی به حساب می آمد، نقشی که صلاحیتهای شیخ در کتاب مقدس برای آن اعمال شده است و اصلاح «میسیونر» برای آن اختصاص داده شد. با این حال، این تصدیق ارزش، و حتی ضرورت وجود زنان در میدان خدمت به نظر می رسد که براندازی وضع موجود، در دوران پیش از آنکه زنان مجرد توسط هیات یا آژانسهای ماموریتها فرستاده شده باشند، باشد.^{۱۹}

پاراگراف آخر نکته ی هفتم با این جمله آغاز می شود: «یک میسیونر واقعی، به نوعی، پدرِ مردمش می شود. در حالیکه خواننده ی امروزی با دیدن پدرسالاری مشهود در اینجا ممکن است خود را عقب بکشد، پارگراف در ادامه توضیح می دهد که میسیونر باید به فکر یا حتی «دلواپس» خوشی افرادی باشد که در میانشان کار می کند. او باید در خوشی شان و در جمعشان شادمان باشد. آنها باید در جمع او احساس راحتی و اطمینان داشته باشند. در کمال مطلوب، آنها باید صمیمی و بی ریا باشند و ارزش و احترام متقابل برای یکدیگر قائل شوند.»

یکی از راههایی که احتمالاً این مهر متقابل با نوایمانان پرورش یافت، بوسیله تدارک کمک فیزیکی بود. کمک رسانی از لحاظ تئوری بحث انگیز است (مسیحیت برنجی) و در عمل، پیچیده است.^{۲۰} از آنجاییکه بپتیستهای بریتانیایی از پژوهش درباره ی خطرات وابستگی ایجاد کردن

¹⁷ Carey wrote presciently in his *Enquiry* – and in application of good biblical theology – that one advantage native evangelists would have over missionaries from elsewhere is that unbelievers would be able to recognize the difference Christ has made in the lives of native converts since their conversion. See Travis L. Myers, “Tracing a Theology of the Kingdom of God in William Carey’s *Enquiry*: A Case Study in Complex Mission Motivation as Component of ‘Missionary Spirituality’,” *Missiology: An International Review* 40/1 (2012), 37-47.

¹⁸ For an introduction to Hannah Marshman (d. 1847) as the “mother of the Serampore mission,” see Smith, “Legacy,” esp. 122-24.

¹⁹ For the most comprehensive study of the history of US American women in missions, and their changing roles and statuses, see Dana L. Robert, *American Women in Mission: A Social History of their Thought and Practice* (Macon, GA: Mercer University Press, 1997).

²⁰ Stanley notes the caste system complicated things for missionaries since low-caste Indians would seek protection and support from missionaries and mission stations through religious conversion (Stanley, “Planting,” 383).

درس نگرفتند، و نه از کتابهایی درباره تأثیرات منفی وفور نعمت غرب به عنوان معضلی برای میسیونر، با برادران هندی ای آشنا شدند که «وضعیت [اشتغال] قبلی خود و حمایت‌های مالی» را در نتیجه ی ایمان تازه ی مسیحی شان از دست داده بودند. تفاهم‌نامه سرامپور ذکر می کند که این مردان به احتمال زیاد توسط دیگر «کارفرمایان بی دین» استخدام نخواهند شد. نکته ی هفتم هشدار می دهد: «در این شرایط، اگر ما با آنان در خسارتهای موقتی ای که به خاطر مسیح متحمل شده اند، همدردی نکنیم، مرتکب بی رحمی زیادی خواهیم شد.»²¹ هواداران امروزی «کسب و کار به عنوان ماموریت» در اینجا نمونه و سابقه ای را برای بخشی از منطق خود می یابند. و تمام میسیونرها از جوامع دولتمند که در بافتهای فقر مادی خدمت می کنند، باید حکیمانه تصمیم گیری کنند که به چه کسی، به چه طریقی، و چقدر کمک رسانی شود. این می تواند کوششی بی نهایت ناخوشایند باشند. آنها باید حتی پیش از آنکه به مکان خدمتی شان برسند، بیاندیشند که چه معیاری را برای سبک سنگینی درخواستهای کمک بکار ببرند.

اصل هشتم مستقیماً به تشکیل کلیساهای بومی و ایجاد رهبری بومی می پردازد. این اصل با این جملات آغاز می شود، «بخش دیگری از کار ما، سودمند ساختن برادران بومی مان، پرورش استعدادهایشان، و مراقبت کردن از هر عطیه و فیضی در آنها است. از این لحاظ، ما به سختی می توانیم توجه کافی به پیشرفت آنان داشته باشیم.» به عبارت دیگر، میسیونرها باید آن دسته از نوایمانانی را که فهم و هوش بالایی دارند و مشتاق به یادگیری مهارتهای تفسیر کتاب مقدس، شکل گیری الهیاتی، و خدمت شبانی هستند، شناسایی کنند و سپس آنها را تعلیم دهند، تعلیم دهند و تعلیم دهند. البته، برای این منظور، خود تیمهای میسنوری باید شامل اشخاصی باشد که این مهارتها و دانش را دارا باشند.²²

نکته هشتم، هوشیارانه و به دقت، علل متعددی را که ایمانداران محلی بهتر از اروپاییها می توانند به عنوان مبشر و میسیونر در هند خدمت کنند را شناسایی می کند. دلایل منفی بیان شده که هنوز هم دیده می شوند و امروزه توسط سازمانهایی نظیر انجیل برای آسیا خاطر نشان شده اند عبارتند از: کار، بسیار وسیع است؛ میسیونرهای اروپایی بسیار کم هستند و نگهداریشان پرهزینه است؛ صحبت کردن سلیس به زبانهای هندی برای غربی ها خیلی دشوار است؛ «مزید بر آن، از پیش داوریهای افراد بومی بر ضد حضور اروپایی ها است.»²³

دلایل مثبت بیان شده برای جماعت کثیری از هندی های آموزش دیده در خدمت تمام وقت تا حدی امروزه بیانگر از یک طرف رضامندی و از طرف دیگر فراخوانی میسیونرهای بیشتر از کلیساهای جهان اکثریت است: آنها از قبل با «آداب، زبانها، طرز بیان و استدلال (طرز فکر)» افراد بشارت ندیده آشنا می باشند. اگر هنوز این چنین نشده است، این امکان هست که از این پس «کاملاً با [این چیزها] آشنا بشوند، به خانه هایشان وارد شوند، غذایشان را بخورند، با آنها یا زیر یک درخت بخوابند.» به طور خلاصه، فاصله فرهنگی ای را که باید از آن بگذرند، بسیار کوتاهتر از غربی ها خواهد بود. تفاهم‌نامه سرامپور می گوید که مزایا «کاملاً مشهود» است، که توجه مستمر ما در دعا باید این باشد که خدا این نیروی بومی را زیاد کند!

مبشرین و میسیونرهای آینده ی هندی که در این تفاهم نامه متصور شده اند، توسط شبکه ای از کلیساهای بیشمار بومی که توسط میسیونرها برپا شده اند، فرستاده و حمایت خواهند شد.

ما این را وظیفه خود می دانیم که در کوتاهترین زمان ممکن، برادران بومی را که در کلیساهای جداگانه گرد هم می یابند، توصیه کنیم که شبانان و شماسانشان را از میان هم وطنان خود انتخاب کنند تا کلام خدا به صورت صریح موعظه شود، و تا آنجا که ممکن است، آیینهای مسیح توسط خادمین بومی و بدون مداخله ی میسیونر آن ناحیه اجرا شود...

این جوامع هندی پیروان عیسی، می بایست به عنوان شخص ثالث مجهول در بافت اجتماعی پیچیده ی شبه قاره ی آسیایی ای که تحت کنترل

²¹ For a brief survey of Carey's contribution to the social amelioration of the Dalit community and Indian women, see Zadda, "Shoemaker and Missionary," 36-41. See also Ruth Mangalwadi, "William Carey: A Tribute by an Indian Woman," in Vishal and Ruth Mangalwadi, *The Legacy of William Carey* (Wheaton, IL: Crossway Books, 1999), 27-48.

²² Serampore College was established in 1818 for the vernacular training (in the Bengali language) of Indians for ministry, but succumbed to pressure for English-language instruction for secular employment by the 1840s, losing, with Bengali, an evangelistic emphasis as well (Stanley, "Planting," 379-80).

²³ For instruction and insight regarding cross-cultural and global partnerships in missions today, see Paul Borthwick, *Western Christians in Global Mission: What's the Role of the North American Church?* (Downers Grove, IL: IVP Books, 2012). For a multi-faceted theological and practical rationale for Westerners to remain a part of pioneer church planting missions, see D.A. Carson, "Conclusion: Ongoing Imperative for World Mission," in Martin I. Klauber and Scott M. Manetsch, *The Great Commission: Evangelicals and the History of World Missions* (Nashville, TN: B&H Academic, 2008), 176-95.

مستعمراتی اروپایی است، احراز هویت می شدند و عمل می کردند. هدف، یک زیر-فرهنگ مسیحی تماماً بومی اما متمایز بود. جماعت‌های مسیحیان بومی هم در خانه در فرهنگشان خواهند بود و هم در زیارت به عنوان ساکنان موقتی در این زندگی (عاریه از واژگان اندرو والز^{۲۴}) در میان همسایگان هندو و مسلمان خواهند بود:

... کلیساهای بومی مختلف به طور طبیعی یاد خواهند گرفت که به فکر خادمین کلیسایشان، مخارج کلیسایشان، افزایش مکانهای پرستش، و ... باشند، و نظارت کامل به عهده ی افراد بومی خواهد بود؛ به طریقی که اهالی، آسانتر جنبش را تشخیص خواهند داد که متعلق به ملت خودشان است، و پیش داوریهایشان مبنی بر اینکه به دست اروپاییها افتاده اند، سرانجام از بین خواهد رفت.

ده ها سال پیش از آنکه هنری ون (فوت شده در ۱۸۷۳) و روفوس اندرسون (فوت شده در ۱۸۸۰)، مدیران بزرگ آژانس ماموریتها، ایده کلیسای سه-خود (خودگردان، خودکفا، خودگستر) را به طور عالی ترویج دهند، تفاهم‌نامه سرامپور چنین هدفی را بیان کرد.^{۲۵} هدف بلندمدت، کلیسای هندی با «استقرار دائمی» بود که بتواند پس از آنکه تلاشهای میسیونری اروپاییها به شکست خورد یا دیگر ضرورتی نداشت، به حیات خود ادامه داده و ترقی کند.^{۲۶}

ماموریت‌شناسهای معاصر خود چهارمی را به توصیف کلیسای تماماً بومی یا همبافت شده اضافه کرده اند: خود-الهیات سازی. به جرات می توانم اظهار کنم که تنظیم کنندگان تفاهم‌نامه سرامپور روزی را پیشاپیش می دیدند که الهیدانان هندی مجموعه ی رو به افزایشی از موعظه ها، جزوه ها، رساله ها، و کتابها را تولید خواهند کرد و در آن، محتوای کتاب مقدسی را برای زمینه های هندی و مخاطبین هندی، چه مسیحیان و چه منتقدان تاویل خواهند کرد. نگاهی کوتاه به این رویا را می توان در تقدیر تفاهم نامه از شبانان، مبشرین، و میسیونرهای بومی که طرز فکر هندی را بهتر می شناسند، دنبال کرد.

علاوه بر این، ویلیام کری سیزده سال پیش از آن (۱۷۹۲) در بیانیه اش (یک استعمال) به هندیها اشاره کرد به عنوان «انسانهایی که روحهایشان همچون روحهای ما جاودانی است، و همچون ما توانایی زیبا ساختن انجیل را دارند و قادر هستند که با موعظه ها، نوشتجات، یا کارهایشان، در جلال دادن نام نجات دهنده مان، و خیریت کلیسایش همکاری کنند...» یک طریقی که ویلیام کری، شنوندگان بریتانیایی خود را به تلاشهای میسیونری و حمایت از آنان ترغیب کرد، با تصور کردن روزی بود که خودشان بتوانند توسط مطالب نویسندگان مسیحی از زمینه های گوناگونی که هنوز پیام انجیل بدانجا نرسیده بود و تعلیم داده نشده بود، بنا شوند.^{۲۷}

خوانندگان تفاهم‌نامه سرامپور در داخل آن، دوگانگی نادرستی که امروزه توسط برخی مطرح شده را نخواهد یافت، مبنی بر ادعای اینکه روح‌القدس بسیار بهتر از یک معلم میسیونر، نوایمانان و رهبران نوظهور کلیسا را از بدعت حفظ خواهد کرد.^{۲۸} در متن تفاهم‌نامه آمده است، «این کلیساها در خطر فوری افتادن در خطاها یا آشفتگی نخواهند بود، زیرا تمام امورات کلیساها به طور مداوم تحت نظارت یک میسیونر اروپایی خواهد بود.» این تیم کالوینی-باپتیستی-بریتانیایی واضحاً فهمید که روح‌القدس ناظرینی را برای پاسبانی از درک کلیسا از «مشورت کامل خدا» در جای خود قرار می دهد (اعمال ۲۸:۲۰). میسیونرها به عنوان مشایخ و سرپرستان بودند و هستند، بسیار شبیه به پولس و سپس تیموتائوس در افسس، که مردان امین دیگری را در طول زمان به گنجینه بزرگی از تعلیم کتاب مقدس تربیت کردند (دوم تیموتائوس ۲:۲). بدین طریقی، آنها

²⁴ See the two collections of essays by Andrew F. Walls that have been hugely influential on the field of missiology, especially the history of missions: *The Missionary Movement in Christian History: Studies in Transmission of Faith* (Maryknoll, NY: Orbis, 1996) and *The Cross-Cultural Process in Christian History: Studies in Transmission and Appropriation of Faith* (Maryknoll, NY: Orbis, 2002).

²⁵ Stanley notes the Anglican Venn actually “drew much of his inspiration from the commitment of nonconformist missions to implement on the mission field what they practised at home: the planting of genuinely autonomous churches” (citing C. Peter Williams, *The Ideal of the Self-Governing Church: A Study in Victorian Missionary Strategy* [Leiden: Brill, 1990]) in Stanley, “Planting,” 379.

²⁶ Problematic is the fact that the SFA omits any explicit reference to a time when this missionary supervision may terminate.

²⁷ Myers, “Tracing a Theology of the Kingdom of God,” 43 (citing Carey’s *Enquiry*, 69-70).

²⁸ For example, this video produced by Act Beyond makes this claim, as well as other false dichotomies: https://www.youtube.com/watch?v=DLI5JKK8_oY.

گنجینه جواهری را که به همین نحو توسط مباشران قبلی اش به آنان امانت گذارده شد را محافظت کرده و به دیگران می سپارند.^{۲۹} لزوماً همه مسیونرها نیاز ندارند که تربیت شده ی سمیناری یا واجد شرایط شیخی باشند. تیم سه نفره ی سرامپور نمونه ی خوبی بود از تیمی که وظایف را بر حسب استعدادهای شخصی، تجربه، و اشتیاق محول کرد تا طیف وسیعی از امور را به انجام رساند.^{۳۰} با این حال، تیمهای مسیونری باید توسط مردانی که صلاحیت شیخ بودن را دارا هستند، هدایت شوند که ایماندار مرد محلی بخصوصی را برای رهبری کلیسا تجهیز می کنند، سپس به طور موقت به عنوان مربی/ناظران برای آنان خدمت کنند. دیگر اعضای تیم مسیونری باید شرایط لازم برای شماس بودن را دارا باشند. مهمتر از همه، آنها نمایانگر مسیح در همه کارهایی که می کنند هستند، در عین حال که نیازهای جسمانی دیگران را در نام او برآورده می سازند. مسیونرها در نقشهای شماسی باید همچون استیفان سریع باشند و آماده باشند که با دلیری و آشکارا، زمانی که خدا فرصت آن را بدیشان می دهد، داستان کتاب مقدسی انجیل را بازگو کنند (اعمال ۷).

ایجاد حس قدردانی برای مجموعه نوشتجات کتاب مقدسی وابسته به هم، یکپارچه، و کامل باید یکی از اهداف مسیونرها خصوصاً در میان نوایمانان و جویندگانی که راغب به خواندن و پرس و جوی بخشی از کتاب مقدس با ما هستند، باشد. وقتی به کسی نشان می دهیم که بخشهای مختلف کتاب مقدس به چه زیبایی با هم جفت و جور می شود، در واقع آنان را تجهیز می کنیم که به درستی، هر بخش از کتاب مقدس را برای خودشان تفسیر کنند. این موضوع، طبیعت زیبای کتاب مقدس را که بر خود شهادت می دهد را بدیشان نشان می دهد که الهام خداست و به طور منحصر بفردی توسط خدا به ما داده شده است.^{۳۱} و این، زمینه را برای قدردانی بیشتر از شخص مسیح و کار نجات بخش خدا از طریق او فراهم می آورد.

شیوه تعلیمی القایی مطالعه ی کتاب مقدس که در آن خواننده صرفاً هدایت می شود که به متن کوتاه یا داستان منفردی از کتاب مقدس پاسخ دهد، باید با توضیح جایگاه هر متن در زمینه ی بزرگتر کانی، عهدی، و الهیاتی («جهان بینی») همراه شود. البته این کار مستلزم صرف وقت، تلاش، تحصیلات، و رویکرد مسیونری آموزگار است تا اینکه صرفاً تسهیل کننده بحث باشد. نقش پژوهشگر و کارشناس دینی در کتاب مقدس، واقعاً نقشی است که اکثر مردمانی از جهان که پیام انجیل را نشنیده اند، آن را ارزشمند می دانند. پرورش خوب و بهترین اصول تفسیر با یکدیگر در تعارض نیستند.

۲.۳ دعا، دینداری، و اولویتهای

اصل دهم اظهار می دارد که عادت به دعا و «پرورش دینداری شخصی» برای آماده ساختن و تجهیز مسیونرها برای تمام این «تلاش های بسیار مهم و پرزحمت» ضروری است. تفاهم نامه سرامپور از دیوید برینرد به عنوان یک مسیونر نمونه و مرد دعا قدردانی می کند. برینرد، جان خود را به حضور خدا برای بی دینان هلاک شدنی ریخت، که بدون نجات یافتن ایشان، هیچ چیز نمی توانست او را خوشحال کند. تفاهم نامه در ادامه بیان می کند: «دعا – دعای پرشور، با ایمان، و در خلوت – در ریشه ی تمام دینداری شخصی جای می گیرد.»^{۳۲} دعای فردی و جمعی

²⁹ The SFA also reads, “[the missionary of the district] will constantly superintend their affairs, give them advice in cases of order and discipline, and correct any errors into which they may fall; and who, joying and beholding their order, and the stedfastness [sic] of their faith in Christ, may direct his efforts continually to the planting of new churches in other places, and to the spread of the gospel in his district, to the utmost of his power.” Here Ward and the rest of the Serampore crew might seem to have committed what Steve Saint has called “the great omission” in his book, *The Great Omission: Fulfilling Christ’s Commission Completely* (Seattle, WA: YWAM, 2001). That is, rather than enlist young churches among newly reached people groups to be a part of cross-cultural missions to those people groups still unreached, Western missionaries have often assumed pioneer missions to be their own exclusive task in a “West reaching the rest” mentality. However, recent research has demonstrated that Indian Christians trained by the Serampore crew were sent to evangelize and plant churches among both Hindu and Muslim peoples in present day Pakistan, Nepal, and Bangladesh. See James Ryan West, “William Carey, William Ward, and Islam: Evangelizing Bengali Muslims, 1793-1813” (PhD diss., The Southern Baptist Theological Seminary, 2014).

³⁰ Carey was a linguist, translator, and professor, primarily; Ward a writer, administrator, and printer; while Marshman was a school teacher, evangelist, and pastor. See Mangalwadi and Mangalwadi, *The Legacy of William Carey*; and Smith, “Legacy.”

³¹ See John Piper, *A Peculiar Glory: How the Christian Scriptures Reveal Their Complete Truthfulness* (Wheaton, IL: Crossway, 2016).

³² I have inserted dashes for the sake of clarity. Insight into the spirituality and theology of William Ward is afforded us in his, *Reflections on the Word of God for Every Day in the Year* (London: Simpken and Marshall, 1825; Orig., Serampore, 1822). Ward had just begun composing a treatise on the proper character of a missionary when he died (Smith, “Legacy,” 126).

مستلزم «کشتی گرفتن پرشور با خدا» است که او «این بتها را به گرسنگی بکشاند، و موجب شود که بی دینان، سعادت و برکتی را که در مسیح است تجربه کنند.»

اصل پایانی بنیادی تفاهم‌نامه سرامپور، همه‌ی امضاکنندگان را تشویق می‌کند که با بدن‌ها و روح‌هایشان که از آن خداست، او را جلال دهند. این اصل با این جملات آغاز می‌شود، «خود را کاملاً و بدون خودداری به این جنبش پرشکوه تسلیم کنیم. هرگز نیاندیشیم که زمان ما، عطایای ما، قوت ما، خانواده ما، یا حتی لباسهایی که می‌پوشیم، از آن ما هستند. آنها را تماماً وقف خدا و جنبش او کنیم.» تفاهم‌نامه سرامپور در ادامه، با گریز به فیلیپین ۱۱:۴-۱۳ و دوم تیموتائوس ۳:۲ نصیحت می‌کند: «پیوسته مراقب روح‌های دنیوی باشیم، و نسبت به هرگونه لذت نامشروع، یک بیحسی از جنس مسیحی را در خود بیروانید. در عوض، به عنوان سربازان عیسی مسیح متحمل سختیها باشیم، و بکوشیم که در هر حالتی یاد بگیریم که قانع باشیم.»

تفاهم‌نامه سرامپور، توجه خدا و خوشحالی بیشتر را به میسیونری که بدین طریق زندگی می‌کند، وعده می‌دهد. همچنین بیان می‌کند که اگر خدا یک میسیونر را برای پشتکار داشتن در این نوع خدمت و سبک زندگی توانمند ساخته است، پس او (میسیونر) با قدردانی می‌تواند امیدوار باشد که «انبوهی از ایمان‌آوردگان دلیل خواهند داشت که خدا را به خاطر فرستادن انجیلش به کشورشان، تا ابد متبارک خوانند.» جمعیت کثیری از ایمانداران هندی در حال حاضر این کار را انجام می‌دهند.^{۳۳}

۳. نتیجه‌گیری

نکته دهم که نکته‌ی ماقبل آخر است، شامل خلاصه‌ای یک جمله‌ای و چکیده از این تفاهم‌نامه است. صلاحیتها و اهداف ضروری آنانیکه بناکنندگان پیشگام کلیسا یا دیگر میسیونرها خواهند بود را می‌توان جزء لاینفک یکی از این سه چیز طبقه‌بندی کرد (شناخت زبان/فرهنگ محلی؛ حساسیت فرهنگی و رفاقت یا مسئولیت‌پذیری شخصی و فروتنانه؛ بلوغ روحانی و ثابت قدم بودن در عادات فیض یا مراقبه شخصی):

شناخت کافی از زبانهایی که میسیونر در آنجا زندگی می‌کند، خلق و خوی ملایم و دلکش، و قلبی که با دینداری تسلیم خدا شده است، دستاوردهایی است که بیشتر از تمام معرفت یا تمام عطایای دیگر، ما را تجهیز خواهد کرد که تبدیل به ابزارهایی برای خدا در کار بزرگ‌رهای بشر شویم.^{۳۴}

بناکنندگان پیشگام کلیسا در میان گروه‌های مردمی که پیام انجیل به آنها نرسیده است، به ندرت، ثمره‌ی زیادی از تلاش‌هایشان را در عمر خویش دیده‌اند، حتی کسانی که شناختی کافی از فرهنگ محلی، شخصیتی «دلکش»، و «قلبی تسلیم به خدا» داشته‌اند. میسیونرها به دفعات بیشتری، دانه‌ی انجیل را در ایمان کاشته‌اند و پیش از آنکه جماعت خودشان را بنیان بنهند، اقتدار را به تعدادی نوایمان سپردند. اما این یازده «اصل بزرگ» تفاهم‌نامه سرامپور (۱۸۰۵)، رویای بلندمدت کتاب مقدسی تر و واقع‌بینانه‌تری از زندگی و زحماتی را که خدا می‌تواند در ماموریت‌های پیشگام استفاده کند بیان می‌کند، نسبت به طرح‌های پیشنهادی آرمانگرایانه و از لحاظ الهیاتی، ناکارآمد ماموریت‌شناسی «راه حل جادویی»، که استراتژی‌هایی است که به دنبال راه حلی آسان برای مشکل مداوم گروه‌های مردمی مقاوم و سرسخت است.^{۳۵} باشد که خدای متعال و جاویدان، که صبورانه کلیسایش را بنا می‌کند، خشنود شود که ثمره‌ی بیشتر انجیل را در میان ملت‌هایی از جهان که پیام انجیل، کمتر بدانجا رسیده‌اند، از طریق کوشش حکیمانه و وفادارانه‌ی گروهی بین‌المللی از بناکنندگان باصلاحیت کلیسا که اهداف و اعمال صحیحی دارند.

³³ For an introduction to the history of Christianity in India and its current manifestations, see especially Robert Eric Frykenberg, *Christianity in India: From Beginnings to the Present* (Oxford History of the Christian Church; Oxford: Oxford University Press, 2010). See also Frykenberg, "India," in *World History of Christianity* (ed. Adrian Hastings; Grand Rapids, MI: Eerdmans, 2000), 147-91; Kirsteen Kim and Sebastian C.H. Kim, *Christianity as a World Religion* (New York, NY: Bloomsbury Academic, 2013); and Jason Mandryk, *Operation World: The Definitive Prayer Guide to Every Nation* (7th ed; Downers Grove, IL: IVP Books, 2010).

³⁴ Italics added for clarity. For a recent introduction to the practices of Christian spirituality, see David Mathis, *Habits of Grace: Enjoying Jesus through the Spiritual Disciplines* (Wheaton, IL: Crossway, 2016).

³⁵ Ott notes the exchange of "sound theological foundations" for "shortsighted quick fixes" and "the endless search for the elusive 'silver bullet'" as the first pitfall of a pragmatic approach to missions in his, "Missionary Methods," 198.

«مادر کتابها»: مطالعه موردی پیامدهای یک ترجمه بدوی به سبک اسلامی

جان اسپان

جان اسپان، نائب رئیس سابق مدرسه الهیات اسکندریه در قاهره ی مصر است و به مدت ۱۵ سال در زمینه های اسلامی زندگی و کار کرده است. او در حال حاضر دکتری خود را در دانشکده ژان کالوین در فرانسه در نقد روش CAMEL در بشارت به مسلمانان می گذراند. او یکی از اعضای بنیان گذار ماموریت شناسی کتاب مقدسی است و مقالاتی را در زمینه های همبافت سازی، پادشاهی خدا و ماموریتها، و ماموریت شناسی اصلاح شده و کاربرد در زمینه، منتشر کرده است. او در حال حاضر در جستجوی این است که چطور مطالعات موردی ماموریت می تواند برای آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

چکیده

این مطالعه موردی، عوامل تاثیرگذار در شکل گیری ترجمه ی عربی مطلوب مسلمانان به نام «زندگی مسیح» را بررسی می کند و همچنین بررسی می کند که چگونه این ترجمه بر دیگر ترجمه های کتاب مقدس تاثیر گذاشته است. این مطالعه از کتاب سیرت المسيح دیوید اوون استفاده می کند تا ثابت کند که «ایده ها پیامدهایی دارند». این مطالعه مشاهده می کند که اوون در زیر چتر مصلحت گرایی صحبت از بکارگیری «سبک اسلامی» می کند، اما عملاً، به فرمهای اندیشه اسلامی و ترویج جهان بینی اسلامی تغییر مسیر می دهد. به نظر می رسد که او بیشتر از اینکه در خدمت برنامه کاری مسیحی باشد، در خدمت برنامه کاری اسلامی بوده است.

۱. مقدمه

...سپس ندایی از آسمان در رسید که این است پسر محبوبم که از او خشنودم.» (متی ۱۷:۳ ترجمه هزاره نو)

ندایی از آسمان آمد که می گفت، این است محبوب من و ما از او بسیار خشنودیم! (Dove 26:20)

دیوید اوون در ۱۹۸۷ در حین کار در ماموریت مستقل خود به نام «پروژه طلوع» (project sunrise)، کتاب جدید عربی اش «سیرت المسيح» که مطلوب مسلمانان است را با این جملات معرفی کرد:

یکی از امیدهایمان این است که پروژه طلوع با استفاده از سبک عربی اسلامی، جنبش تازه ای از ترجمه کتاب مقدس را بر خواهد انگیخت که در آن هر بخش از کار بر کوششهای بخش پیشین بنا خواهد شد.^۲

ما در این مطالعه موردی به بررسی تاریخچه ظهور کار مبتکرانه دیوید اوون به نام «زندگی مسیح» خواهیم پرداخت و اینکه چگونه بر ترجمه های مخصوص کتاب مقدس تاثیر گذاشت. و چطور این ترجمه ها برای ترویج جنبش درونی مورد استفاده قرار گرفتند، جنبشی که طرفدارانش

¹ David Owen [and Adnan Baidun], *Sirat al-Masih: The Life of the Messiah in Classical Arabic with English Translation* (Global Publication, Atlanta, GA, 1992).

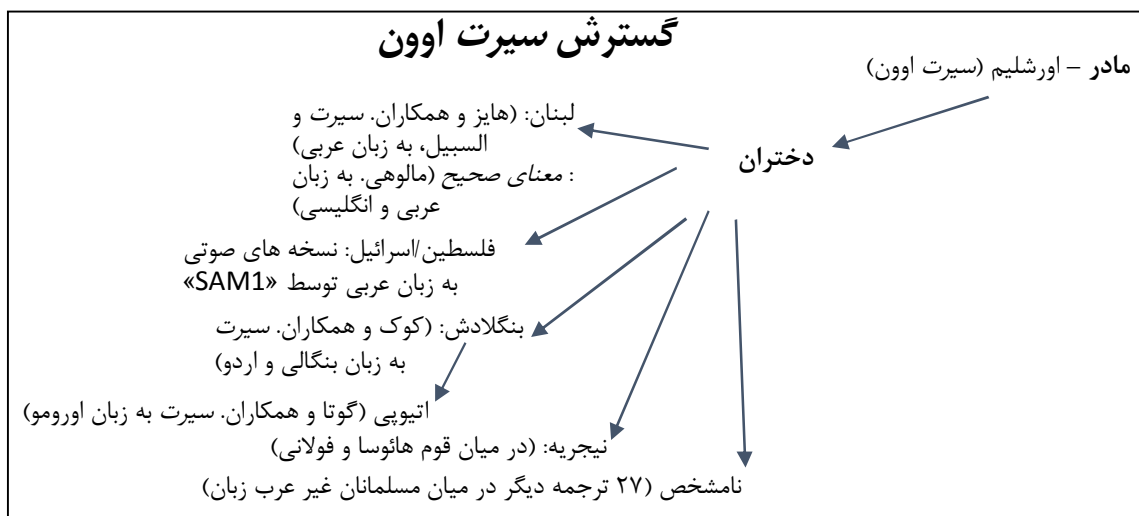
² David Owen, "Project Sunrise Publication Report," (Larnaca, Cyprus: np 1987), 5. The term 'Muslim-friendly' can encompass a range of translational approaches, from highly-Islamized works, like the *Sirat*, to Bible translations used in Muslim-majority areas which read more like an NIV or ESV than a KJV.

ادعا می کنند که مسلمانانی که مسیحی می شوند، باید در عمل، مسلمان باقی بمانند. ما عواملی را ملاحظه خواهیم کرد که این «ترجمه» را روا داشته است و همچنین اجازه داده که این ترجمه هم در آن زمان و هم اکنون نشو و نما کند، و همچنین به درسهایی که کلیسای جهانی می تواند از آن یاد بگیرد، خواهیم پرداخت. ایده هایی که بر محصول اسلامی شده ی دیوید اوون به نام «زندگی مسیح» تاثیر گذاشت، کماکان امروزه نیز تاثیر خود را می گذارد و این را به طور خاص در تولید ترجمه های به سبک اسلامی کتاب مقدس می بینیم. در مقابل تمام مزایای مفروضشان، آنها حقیقتاً هم حرمت را نسبت به خدای تثلیث و هم کلیسای جهانی را در تلاشهای شاگردسازی و بشارتش به تحلیل برده اند.

۲. تعریف «مادر کتابها»

در اسلام، اصطلاح *ام الكتاب* (مادر کتابها) اشاره به لوحی در آسمان دارد که سرمنشا تمام مکاشفات است. این تفکر از شماری از سوره ها نشات می گیرد که به یک لوح محفوظ اشاره می کند.^۳ مثلاً: الله هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می کند، و ام الكتاب نزد او است (سوره ۱۹:۳۹؛ همچنین ۴۳:۴-۵۶:۷۷-۸۰؛ ۸۵:۲۱-۲۲).

بنابراین ما اصطلاحی اسلامی را به ترجمه اسلامی شده ی اناجیل منسوب می کنیم، و به طرز طعنه آمیز آن را مادر کتابها می خوانیم. شکل زیر برخی از «اولاد» سیرت را به تصویر می کشد که شامل «ترجمه های بومی» برای مخاطبین مسلمان یا ترجمه های به سبک اسلامی، و همینطور شامل دیگر محصولاتی می شود که بسیار خلاقانه از متون کتاب مقدس استفاده کرده اند و همه ی اینها در نتیجه ی کار بدوی او است.^۴



شکل ۱.

۳. تاریخچه «پروژه طلوع»

دیوید اوون در سپتامبر ۱۹۸۷ خلاصه ای از بیوگرافی خود ارائه داد که شامل تحصیل در یک «آموزشگاه الهیات کالیفرنیا» (۱۹۷۳-۱۹۷۶)

³ The 'well-preserved' or 'well-guarded tablet' is known as *lawḥ mahfūz* in Arabic.

⁴ By definition, a Muslim Idiom Translation (MIT) is one, which uses Islamic terminology, Islamic-sounding literary conventions, and Islamic thought patterns to render the meaning of the Bible in a manner more acceptable to the Muslim reader/listener. Andy Clark of SIL defined an MIT this way: "Translations contextualised for M people groups in a way which communicates best to them but often not to Western Christians or even traditional churches in the area, using e.g. ... "Non-literal rendering of 'Son of God.'" Andy Clark, "Exploring Muslim Idiom Translations," PowerPoint Presentation IALPC (unpublished document, 2011): Slide #7. The phrase 'highly creative scripture use products' comes from David Gray, "Translating for Contextualized Faith Communities," (unpublished document, 2010): 8.

می شد که این دوران را «فاز سازنده» نامید.⁵ در این زمان در آموزشگاه الهیاتی فولر، چارلز کرافت داشت مطالبش را در باب ارتباطات گیرنده-محور و کلیساهای هم ساختار، تعلیم می داد و منتشر می کرد.⁶ تعالیم کرافت و دیگران جعبه جادویی را برای ماموریت شناسی های مبتکرانه گشودند و اظهار کردند که می توان گفت مساجد و کلیساهای از لحاظ پویایی هم ارز و برابر هستند. نوشته ای مربوط به این دوره از آموزشگاه فولر اشاره کرد که «سیره عربی که در دهه ۷۰ در آموزشگاه الهیات فولر تدریس شد، نمونه ای وفادارانه از همبافت سازی بود و هنوز هم هست.»⁷ یکی از هم‌شاگردیهایش که بعداً از مفید بودن کتاب سیرت او دفاع می کرد، می رفت که در میان هائوسا در نیجریه کار کند.⁸ در همین زمان، اوون شروع به شرکت در فعالیتهای مسجدی در لس آنجلس کرد.

اوون در «فاز سازنده» اش به این عقیده رسید که نیاز است با میل و رغبت به مسیرهای تازه ای در ماموریت سفر کرد.⁹ این موضوع همچنین ایده ی کتابی بود که توسط دانشجوی دیگری از فولر به نام فیل پارشال در همان حوالی نوشته شد. تز دکتری ماموریت شناسی پارشال در سال ۱۹۸۰ با این عنوان منتشر شد: *مسیرهای تازه در بشارت به مسلمانان*.¹⁰ پارشال در این کتاب این ایده را بیان می کند که «هر چه بیشتر بتوانیم به قالبهای اسلامی نزدیکتر شویم، پاسخ به پیامان، خصوصاً در وهله های اول تلاش بشارتی، مثبتتر خواهد بود...»¹¹ همانطور که خواهیم دید، اوون از همین ایده در کتاب سیرت خود دفاع کرد.

در طی این فاز و ارائه ی متعاقب آن در دنیای عرب، اوون «بر مشکل قصور کلیسا در تحقق ماموریت اعظم در جهان اسلام دست گذاشت» و به زبان خود گفت «چیزی که شدیداً کج رفته است.»¹² اوون اولین کسی نبود که نتایج مسیونری در میان مسلمانان را ارزیابی کرده باشد، زیرا پیشتر از آن، والتر فیومن در سال ۱۹۲۶ در کتاب *جهان مسلمان می نویسد*،

امروزه هیچ سرزمین اسلامی ای وجود ندارد که تلاشی برای بشارت مسیح به مسلمانان در آن صورت نگرفته باشد. با این حال، به نسبت و در عمل، موفقیت بسیار ناچیز بوده است... کوتاهی از سوی ما است و راز شکست مربوط به شیوه ای است که تا کنون پذیرفته ایم...¹³

در حالیکه فیومن نتیجه گرفت که رویکرد مناقشه ای یا مجداله ای پاره پاره کردن اسلام اشتباه و ملامت آور بود، اوون نتیجه گرفت که «ریشه مشکل در سنت ضعیف ترجمه عربی کتاب مقدس است»، و اینکه کلیسا «در وهله اول، هرگز کارش را درست انجام نداد.»¹⁴ او برای پشتیبانی از استدلال خود، یک مدرک ماقبل ۱۹۴۸ پیدا کرد که از تهیه ی یک «تارگوم» مطلوب مسلمانان حمایت می کرد که می توانست در کنار

⁵ Owen, "Project Sunrise Report," 11-12. A person whose correspondence was noted by Jeff Hayes, who worked with David Owen, stated the following: "David was a Fuller student in the late 70s. He heard about contextualization and decided to attend mosque and acquire an insider understanding of Islam." Anonymous, (unpublished document distributed by Jeff Hayes, 2004). In his "A Jesus Movement Within Islam," under his initials *D.O.*, David Owen talks about a sixteen-year "mission pilgrimage." That would coincide with a beginning around 1975 when he was in attendance at Fuller Seminary. *Interconnect 5* (1991): 12-27 [12]. Although this article was attributed only to 'D.O.' two independent sources have confirmed David Owen's authorship. To date, Owen has not responded to this author for final verification.

⁶ Charles Kraft, "Distinctive Religious Barriers to Outside Penetration," in *Media in Islamic Culture*, C.R. Shumaker ed. (Clearwater, FL: International Christian Broadcasters and Wheaton, IL: Evangelical Literature Overseas 1974) and his "Dynamic Equivalence Churches in Muslim Society," in *The Gospel and Islam: A 1978 Compendium*, Don M. McCurry ed., 114-128 (Monrovia, CA: MARC, 1979).

⁷ Forwarded confidential e-mail dated 2001.

⁸ This person will be referred to as 'SAM3,' and is a living person who has been in correspondence with the author.

⁹ Owen, "Jesus Movement," 23.

¹⁰ Phil Parshall, *New Paths in Muslim Evangelism: Evangelical Approaches to Contextualization* (Grand Rapids, MI: Baker Book House, 1980). The official thesis title was "A Contextualized Approach to Muslim Evangelization." Note the parallels between Henry Riggs' 1941 article "Shall We Try Unbeaten Paths in Working for Moslems?" *The Muslim World* 31, no. 2 (April 1941):116-126; and that of Parshall and Owen's work.

¹¹ Parshall, *New Paths*, 59..

¹² Owen, "Jesus Movement," 13.

¹³ In his "The Approach to Moslems," *Moslem World* 16, no. 3 (July 1926): 272-274.

¹⁴ Owen, "Project Sunrise Report," 3, 11.

ترجمه های موجود مورد استفاده قرار گیرد، و او متن آن مدرک را در مجله «گزارش نشریه» مجدداً چاپ کرد.^{۱۵} اوون از کلیسای پرزبیتری بلکاستون در دورهام در کارولینای شمالی حمایت مالی شد، و در خاور میانه، خود را با این اعتقاد راسخ تصدیق کرد که او ابزاری در خلق «جنبشی برای عیسی در درون اسلام (harak Isawiyya)» خواهد بود.^{۱۶} با جسارتی حتی بیشتر، احتمالاً خودش را برشمرد وقتی اذعان داشت، «چارچوب چنین جنبشی مقتدرانه گذاشته شده است و تنها در انتظار دروگران خلاق و تحت هدایت روح است تا تکمیلش کنند.»^{۱۷}

اوون از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ از طریق انجمن محلی کتاب مقدس به عنوان یک «پژوهشگر برای مخاطبین مسلمان» اجازه ی کار در اورشلیم را دریافت کرد.^{۱۸} در حول و حوش همین زمان، از میسیونری جماعت ربانی مستقر در اورشلیم کمک مالی دریافت کرد، و همچنین از یک سازمان میسیونری آمریکایی دیگر که در آن محل مستقر بود، از ایده های خود تاییده گرفت.^{۱۹} از اینرو، با ایده های الهیاتی از آموزشگاه الهیاتی فولر، کمکهای مالی از یک کلیسای محلی مستقر در آمریکا و یک سازمان میسیونری مستقر در اورشلیم، تاییده از یک میسیونری دیگر، آزادی عمل در ماموریت مستقل خود، پشتیبانی گرفتن از انجمن کتاب مقدس، سابقه تاریخی نیاز برای داشتن یک تارگوم، و اعتقاد راسخ به تاییده الهی، اوون روانه شد تا اثر خود به نام «زندگی مسیح» را ارائه دهد.

۳.۱ محتوای پروژه طلوع

اوون در پیرو دیاتسارون اثری از تاتیان، یا هارمونی چهار انجیل، با یک شاعر فلسطینی که پیشتر مسلمان بود به نام ادنان بیدون همکاری کرد تا «انجیلی را برای خوانندگان مسلمان آماده کند.»^{۲۰} نسخه عربی را می توانید به صورت آنلاین در این آدرس،^{۲۱} و متن انگلیسی از فصل سی ام را را اینجا پیدا کنید.^{۲۲} در جان کلام، اوون مطرح کرد که «یک ترجمه کتاب مقدس همبافت سازی شده برای جهان عرب مسلمان، در وهله اول مستلزم استفاده از واژگان الهیاتی اسلامی است که با عربی استاندارد امروزی همراه باشد. هدف از آن، ارائه کتاب مقدس برای خوانندگان

¹⁵ Ibid, 21. Owen cites Kenneth Cragg's opinion that the document was originally produced by Constance Padwick.

¹⁶ Ibid, 3. David Owen also delineated his views on 'staying inside of Islam' in his "Jesus Movement," 16. Note the parallels between this phrase and one spoken by Charles Kraft in 1974 "that we bend every effort towards stimulating a faith renewal movement within Islam" in his "Psychological Stress Factors among Muslims," *Media in Islamic Culture*, 143.

¹⁷ Ibid, 3, and repeated verbatim in his "Jesus Movement," 27. In his "Jesus Movement," (13-14) Owen suggests that the language of conversion should be erased from missionary vocabulary. This also manifested itself at the pro Insider Movement, Common Ground Consultation of 2009 in Atlanta, where it was almost one of the first items of the agenda.

¹⁸ Owen, "Project Sunrise Report," 11. The 'Hayes' document also mentions "unofficial support" from the Bible Societies, but the extent is unknown.

¹⁹ Both persons have asked to remain anonymous and hereafter will be referred to as 'SAM1' and 'SAM4.' 'SAM4' had already advocated using "Islamic thought forms" in outreach to Muslims in the 1970s. Over a period of time 'SAM4' observed Owen's ministry. He described himself as a 'friend and advisor' and attested to Owen's departure from the Christian faith. 'SAM4' telephone conversation with author, July 1, 2016.

²⁰ Owen, "Project Sunrise Report," 7. Officially it was entitled *Sirat-ul-Masih bi-lisan 'arabi fasih* [The Life of the Messiah in a Classical Arabic tongue] (Laranca, Cyprus: Izdihar Ltd., 1987). According to Owen, the *Sirat* used John Calvin Reid's *His Story: A Chronological Account of the Life of Jesus from Good News for Modern Man* (Waco, TX: Word, 1973) as its inspiration. Another life of Christ for Muslim readers is Dennis E. Clark, *The Life and Teaching of Jesus the Messiah* [Sirat-ul-Masih, Isa, Ibn Maryam] (Elgin, IL: Dove Publications 1977). The Lord's Prayer in Clark's version, very much unlike Owen's rendition reads, "Our Heavenly Father, may your name be honored..." (p. 53). Whether he was aware of it or not, Owen's Islamized *Diatessaron* already had a precedent from the Muslim scholar Ibrāhīm al-Biqā'ī (d. 1460). According to Walid Saleh, he had used the Torah and the four Gospels, but especially Matthew to produce the 'first instance of an Islamic Diatessaron.' Walid Saleh and Kevin Casey, "An Islamic Diatessaron: Al-Biqā'ī's Harmony of the Four Gospels," *Translating the Bible into Arabic: historical, text-critical, and literary aspects*, Sara Binay and Stefan Leder eds., 85-116 (Beirut: Orient-Institut Beirut, 2012).

²¹ In PDF form: http://www.jesus-for-all.net/islamic_books/pdf_0051.pdf or <https://www.dropbox.com/s/5e48dppnu2xig5r/Owen%20Sirat%201987%20Arabic.pdf?dl=0>

²² <https://www.dropbox.com/s/jeomnjtkvhw8j15/Owen-Sirat%20comparative%20chart%20with%20NASB.doc?dl=0>

امروزی مسلمان عرب زبان است که از لحاظ پویایی همتراز باشد.^{۲۳} این اثر از سبک نثر مسجع و هم وزنی با قرآن تبعیت کرده است. تا سال ۱۹۸۷، ترجمه پنجم چاپ شده بود و مجله «گزارش نشریه» می رفت که از انتخاب واژگان و پشتبانی الهیاتی برای کار خود دفاع کند. به طور خلاصه، این اثر و دیگر «پروژه های خاص ترجمه کتاب مقدس»، «بنیان جنبش مسیحایی در اسلام را نهاد.»^{۲۴} اوون همانند سیرت رسول الله از ابن حشام / اسحق یا همانند زندگی دیگر پیامبران، از سبک زندگی نامه همراه با عرفهای اسلامی نظیر شروع هر فصل با بسم الله و ذکر آدرس آنها، استفاده کرد. بدین گونه، این رویا را در سر داشت که این کمک بسزایی در پذیرش متون مسیحی در جهان اسلام خواهد کرد و موانع پذیرش انجیل را بر خواهد داشت.^{۲۵}

از این گذشته، اوون با استفاده از پایگاه ژورنال خدمات جهانی عرب به نام *Seedbed* دستور کار خود را در مقالاتی در سالهای ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، و ۱۹۸۸ پیش برد.^{۲۶} مقاله اش در سال ۱۹۹۱، تحت نام اختصاری خود، «د.ا» به نام «جنبش عیسی در داخل اسلام» در ژورنال *Interconnect*، که ژورنالی برای ماموریتها به مسلمانان و مستقر در فونیکس در آریزونا است، به عنوان مقاله اصلی قرار گرفت.^{۲۷}

اوون با توسل به سوابق تاریخی، احتمالاً قصورهای سنگین کلیسا، و تاییدیه الهی، و در عین حال با استفاده از منابع مجلات *Seedbed* و *Interconnect*، و همچنین میسیونریهای محلی و کلیسای پشتیبانش، پروژه خود را آغاز کرد.

۳.۲ پروژه طلوع مورد بحث قرار گرفت

در سال ۱۹۸۸، ساموئل اشلورف، ویراستار *Seedbed* در مقاله خود، شماری از واکنشها به اوون را تحت عنوان «بازخورد پروژه طلوع (سیره): نگاهی به ترجمه پویای کتاب مقدس در زمینه اسلامی» کنار هم قرار داد. اشلورف مطالب را از هجده نفر که به پرسشنامه او پاسخ دادند جمع آوری کرد و ورودی ها طیف گسترده ای از پاسخها نسبت به ترجمه سیره را در بر داشت: از «به آسانی خوانا است» گرفته تا این «ترجمه سانسور شده ای است که چشم انداز مکاشفه ی کتاب مقدسی را می پیچاند» و همین شخص مسیحی که این پاسخ را داد و پیش زمینه مسلمانی داشت اظهار کرد که «مسلمانان احمق نیستند.»

در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ شخصی با نام اختصاری م. ب (که الان به نام دکتر مارک بیومونت در مدرسه الهیات لندن شناخته شده است)

²³ Owen, "Project Sunrise Report," 4.

²⁴ Ibid, 3. In his "Jesus Movements," 18; he states, "The use of traditional ecclesiastical language, or even a neutral approach, WILL NOT support a Jesus movement [within Islam]." (Emphasis in original.)

He envisions that the believers within this movement will be called *Muslimun Isawiyun* (singular-*Muslim Isawi*) and that they would not have a problem reciting the *shahada* or Islamic confession of faith (p. 19). It is important to note that in Islamic theology the genre of biography (Ar. *Sīrat*) is not viewed as divinely-inspired literature. Thus, the Owen *Sīrat* could have the side effect of taking the content of the Gospels out of the realm of Biblical inspiration and consequently diminish its authority.

²⁵ An example of an Islamic life of Jesus as a prophet is Ibn 'Asakir al-Dimashqi (d. 1176) *Sīrat Al-Sayyid Al-Masih*. The naming of places such as Jerusalem or Galilee where the chapter was 'revealed' approximates Islamic occasions of revelation (Ar. *asbāb al-nuzūl*) or the circumstances in which a particular sura of the Qur'an was sent down. Subtly, this can imply to the readers of the *Sīrat* that Biblical inspiration and qur'anic inspiration are roughly the same. Cf. Samuel Schlorff, *Missiological Models in Ministry to Muslims* (Upper Darby, PA: Middle East Resources, 2006), 45-46.

²⁶ David Owen, "Project Sunrise," *Seedbed* 1, no. 4 (1986); David Owen, "Project Sunrise, Principles, Description and Terminology," *Seedbed* 2 (1987); David Owen, "A Classification System for Styles of Arabic Bible Translations," *Seedbed* 3, no. 1 (1988): 8-10. For reactions to it, see Samuel Schlorff, "Feedback on Project Sunrise (Sira): A Look at 'Dynamic Equivalence' in an Islamic Context," *Seedbed* 2 (1987): 22-32.

²⁷ Issues 1-9 were published from 1989-1993. Daniel Johnson [pseud.], "Towards a Contextualized Ministry Among Muslims," *Melanesian Journal of Theology* 20, no. 2 (2004), 50; repeats this article almost verbatim at many points. It includes a quote about 'Spirit-led' harvesters, similar to that of Owen. Owen's article defends the philosophical basis for those Muslims who become believers in Jesus, somehow, to stay firmly embedded in their religion of Islam, their Islamic community and their Islamic practices. This is very much a seminal document for the Insider Movement, and not coincidentally, many of the players who endorsed Owen's *Sīrat* endorse the Insider Movement. Here again, Owen is not completely original, and again, his 'grandfather' Henry Riggs had suggested already in 1938 that "the ultimate hope of bringing Christ to the Moslems is to be attained by the development of groups of followers of Jesus who are active in making Him known to others while remaining loyally a part of the social and political groups to which they belong in Islam." Henry H. Riggs, ed., *Near East Christian Council Inquiry on the Evangelization of Moslems* (Beirut: American Mission Press, 1938), 7.

بررسیهای موشکافانه ای تحت عنوان «عیسی در سیرت المسیح» و «سبک قرآنی در سیرت المسیح» انجام داد. بیومونت متن عربی دعای ربانی در سیرت را بررسی کرد و گفت، «آنچه که عیسی قصد داشته تعلیم دهد، تحریف و ضایع شده است.»^{۲۸} اگرچه اوون در سال ۱۹۸۷ اظهار کرده بود که پروژه، «تعهد به ماموریت اعظم» و «هدایت روح القدس» را نشان می‌دهد، بیومونت اظهار کرد که سیرت از این اهداف کوتاه آمده است.^{۲۹}

بیومونت در تز دکتری خود «سیرت» را مورد بررسی قرار داد و ادعای اوون را که توسط ریک براون از سازمان Wycliff/SIL با واژگانی مشابه تکرار شده را به چالش کشید، این ادعا که بهتر است از واژه پدر در «سیرت» استفاده نشود زیرا به منظور «پرهیز از سوء برداشت انسان واره و خام توسط خوانندگان مسلمان، استفاده استعاره ی پدر-پسر تنها در جایی نگاه داشته شود که خود مضمون، اهمیت خود را تشریح کند.»^{۳۰} بیومونت و پاسخ دهندگان مقاله ی اشلورف در Seedbed جملات اوون را مورد بررسی قرار دادند که «عیسی یک سامی بود و زبان اصلی تعلیم عیسی ترکیبی از آرامی و عبری بود. برای برقراری ارتباط با دیگر مردمان سامی، گاهاً نیاز است از زبان یونانی عهد جدید به سرمنشا عبری-آرامی آن برویم تا آیات خاصی را برای خوانندگانمان تفسیر کنیم.»^{۳۱} آنها مشاهده کردند که ایده ی رفتن به «پشت زبان» توانست هر گونه انتخابهای ترجمه ای خلاق و غیر عینی را فراهم آورد.

اوون اظهار داشت، «ما احساس می‌کنیم که مطلقاً الزامی است که ایمانداران مسیحی از پیش زمینه اسلام را در فرایند ترجمه دخیل کنیم»^{۳۲} اینکه تا چه حد این کار را جدا از استفاده از خدمات ادنان بیدون انجام داد، معلوم نیست، اما آنچه معلوم است این است که دیگر مسیحیانی که از زمینه اسلامی بوده اند، نفوذهای نگران کننده ی اسلامی و قرآنی زیر را در سیرت شناسایی کرده اند:

(۱) از سوره اش به نام «کلمه»

• آیه ۵ --- «اما کسانی که ایمان آوردند، از صحابه ی الله هستند و کسانی هستند که نجات یافته اند.» صحابه ی الله، اندک مسلمانان وفاداری هستند که در همه حال با محمد ماندند. اکنون این اصطلاح برای مسیحیان بکار برده شده است.

(۲) از «آل داوود» (این را با سوره قرآنی «آل عمران» مقایسه کنید)

• آیه ۸ --- یحییای تممید دهنده مردم را به «آنانیکه هدایت یافته اند،» سوق خواهد داد. اصطلاحی که برای توصیف مسلمانانی است که خود را هدایت یافتگان (المُهْتَدُونَ) می‌دانند و در «مسیر صحیح» گام بر می‌دارند (سوره ۱۵۷:۲)، برای بنی اسرائیلی که توبه خواهند کرد، بکار رفته است.

• آیه ۱۶ --- عبارتی که به صورت تحت اللفظی از سوره ۴۵:۳ قرآن نقل شده، در مورد عیسی بکار رفته است. «او در دنیا و آخرت آبرومند (وَجِيهًا) خواهد بود.» این موضوع، مضمون کلی اسلامی سوره ۳ را کدر می‌کند که بر وحدانیت الله پافشاری می‌کند، این واقعیت را محو می‌سازد که محمد همیشه عزت عیسی در الهیات اسلامی را می‌پوشاند.

²⁸ 'M.B.' [pseud.], "Qur'anic Style in Sirat ul-Masih," *Seedbed* 4 (1990): np. [3rd out of 4 pages]. Also his "The Lord's Prayer in Smith-Van Dyke and Sirat al-Masih," *Seedbed* 5 (1990): 52-4. In his doctoral thesis Beaumont appears to be far less critical of the *Sirat* and justifies the removal of Father and Son under the rubric of "genuine dialogue." Ivor Mark Beaumont, "Christology in dialogue with Muslims: a critical analysis of Christian presentations of Christ for Muslims from the ninth and twentieth centuries," (PhD diss.: The Open University, 2002):249-50; 262. This thesis was reprinted as Ivor Mark Beaumont, *Christology in Dialogue with Muslims: A Critical Analysis of Christian Presentations of Christ for Muslims from the Ninth and Twentieth Centuries* (Bletchley: Paternoster, 2005).

²⁹ Owen, "Project Sunrise Report," 2.

³⁰ For Brown's assertion see Rick Brown, "Part I and II: Explaining the Biblical Term 'Son (s) of God 'in Muslim Contexts,'" *International Journal of Frontier Missions* 22, no. 3 (Fall 2005): 91-96 and *ibid.* 22, no. 4 (Winter 2005):135-145. Brown's arguments are repeated almost verbatim with an implicit defence of Muslim Idiom translation by Cynthia L. Miller-Naude and Jacobus A. Naude, "Ideology and translation strategy in Muslim-sensitive Bible translations," *Neotestamentica* 47, no. 1 (2013): 171-190.

³¹ Owen, "Project Sunrise Report," 4.

³² *Ibid.*, 5.

- آیه ۴۰ --- گفته شده است که یحیای تعمید دهنده «پیامی واضح» برای مردم آورد. در اندیشه اسلامی کسانیکه قرآن «واضح» را دارند، اندیشه ی «واضح» خواهند داشت و کسانی که از اسلام خارج هستند، در تاریکی و جهالت اند.^{۳۳}

۳.۳ غروب پروژه ی طلوع

در سال ۱۹۹۲، انتشارات گلوبال اثر او را تحت عنوان *سیرت المسیح: زندگی مسیح به زبان عربی کلاسیک با ترجمه انگلیسی* به چاپ رساند.^{۳۴} یک شاهد عینی که در آن منطقه زندگی می کرد، نوشت که در حوالی ۱۹۹۳، او و مسیونرهای دیگر نظیر جف هایز و لاری سیکارلی که در آن زمان در سوریه زندگی می کردند، در حال «سرمایه گذاری» رویکرد جدیدشان بودند - قابل ذکر است که این همبافت سازی از نوع رادیکالی آن است - و اینکه «دیوید اون یک چهره ی نامی بود.»^{۳۵} وقتی منتقدانی چون مارک بیومونت ظهور کردند، به نظر رسید که پروژه به آخر خط رسید. بیومونت در اوایل ۱۹۹۰ نه توانست با اوون ارتباط برقرار کند و نه با شاعر فلسطینی. اوون پیش از سال ۲۰۰۱ حق نشر کارش را برداشته بود و به نظر می رسید که اثرش از ثمر افتاده است. در این زمان، شاعر مسلمان اهل آفریقای جنوبی به نام احمد دیدات به اعراب بر علیه کتاب اوون هشدار داد و اظهار کرد که کتاب او قصد دارد «با بسته بندی اسلامی خود مسلمانان را فریب دهد.»^{۳۶} لیگ جهانی اسلامی، همانطور که اشلورف ذکر کرد، فتوایی بر علیه سیرت داد چرا که سیرت تلاش کرده بود در سبک، واژگان و وزن از قرآن «بی مانند» تقلید کند. اشلورف همچنین گزارش داد که آکادمی پژوهش اسلامی در مصر تقاضای حکم شرعی از شیخ دانشگاه بزرگ اسلام سنی، شیخ الازهر، کرد که سیرت را غیر قانونی اعلام کند.^{۳۷} به نظر می رسید که پروژه به انتهای خود رسیده باشد.

۳.۴ اندیشه های نگران کننده ی دیوید اوون

فیل پارشال که در سال ۱۹۸۹ درباره سیرت احساسات خود را با این کلمات برانگیخت که سیرت «نمونه ای بی نظیر از تطبیق سبکی و زبان شناسی با تفکر مسلمانان است»، احساس نگرانی کرد که خود اوون داشت اسلامی می شد.^{۳۸} پارشال گزارش می دهد که اوون گفت:

ایمان دارم که مسلمانان پیرو عیسی می توانند شهادتین را با اعتقاد راسخ تکرار کنند... جایگاه محمد در جنبش عیسی در اسلام به عنوان یک نبی عهد عتیق دیده می شود. در عهد عتیق اشاراتی به خشونت و چندمسمری وجود دارد... شاید چنین بدعتی می توانست یک پله ترقی شود... ما نمی توانیم شکارچیان بدعت باشیم.^{۳۹}

³³ Note the similarities of these instances with those of a document distributed by Milton Coke entitled "The Path" or *Siraat*. The Word Document has these properties: Author- Milton Coke; Company-Global Partners for Development. Another earlier unedited version of 2005 lists the author as Jeff Hayes and the Company as Global Partners for Development. The implication of the hand of Jeff Hayes in both the Owen and Coke editions is very strong. Also see Adam Simnowitz' article, "Nine Reasons Why I Named Jeff Hayes as the Main Translator and Responsible Party for Al-Injil," (March 7/2016). Online: <http://biblicalmissiology.org/2016/03/07/nine-reasons-why-i-named-jeff-hayes-as-the-main-translator-and-responsible-party-for-al-injil/>

³⁴ The citation reads: (Atlanta: Global Publications). This appears to be the copyright holder somehow, yet Owen did withdraw permission to publish. Curiously, this publisher is based in Atlanta, Georgia with the name 'Global,' and Milton Coke's 'Global Partners for Development' also uses the term 'Global' and is based in Tucker, Georgia.

³⁵ Forwarded e-mail of March 7, 2016.

³⁶ Personal correspondence from 'D. H.' to Rick Brown, commenting on Brown's "'Son of God" and "Son of Man": Exegesis and Translation," (unpublished document, February/March 2000).

³⁷ Sam Schlorff, "The Translational Model for Mission in Resistant Muslim Society: A Critique and an Alternative," *Missiology* 28, no. 3 (JI 2000), 311. Schlorff cites the Moroccan paper, *al-'Alam*, April 2, 1989. Also, see his *Missiological Methods*, (2006), 46.

³⁸ Phil Parshall, "Lessons Learned in Contextualization," in *Muslims and Christians on the Emmaus Road*, J. Dudley Woodberry ed. (Monrovia, CA: MARC, 1989), 264.

³⁹ Phil Parshall, "Approaches to Muslims," Lecture Notes Columbia ICS, MIS 6071, July 25-29, 2011. Parshall is likely referring to Owen's "Jesus Movement," 23-24 where he suggests that creating a heretical group within Islam is better than them

توجه اوون برای استفاده از «بدعت» برای پیش برد استراتژی اش بسیار مشکل ساز است. به نظر می رسد که این نگرش بر زندگی روحانی خودش تاثیر گذاشت و یک شاهد عینی، شماری از روابط نامشروع و سرانجام جدایی از ایمان مسیحی را گزارش داد.^{۴۰}

۳.۴.۱ دعای ربانی نامقدس اوون

یک عبارت لاتین هست که می گوید، «*lex orandi, lex credendi*» (یا به طور تحت اللفظی، قانون دعا کردن، قانون ایمان داشتن است). یعنی، طریقی که شخص دعا می کند، نشان می دهد که به چه ایمان دارد، و یا آنچه که بدان ایمان دارد را شکل می دهد. همین ضرب المثل برای کسانی که از دعای ربانی سیرت استفاده می کنند، صدق می کند.^{۴۱} برای سازگاری با تفکر اسلامی، عبارت «پدر ما» واضحاً مفقود شده است. نسخه ی اوون از دعای ربانی با ادعایش نیز سازگار است مبنی بر اینکه «اعتقاد نامه های نیقیه و کلسیدون، پشتیبانی الهیاتی مناسبی برای بدن مسیح در زمینه اسلامی نخواهند بود.»^{۴۲}

وقتی نماز می خوانید،^{۴۳} خداوند را فروتنانه صدا بزنید. اللهم،^{۴۴} پروردگار همه جهان، ذکر عظیم تو افزاشته شود.^{۴۵} امر حکیمانه تو اجرا شود، دین^{۴۶} راستین تو هم در جهان دیدنی و هم در جهان نادیدنی پیرومند باشد.

خداوندا، ما را از چیزهای نیکویت مطابق با نیاز روزانه مان بهره مند بساز. خداوندا، گناهانمان را بیامرز چنانکه ما نیز آنانی را که به ما گناه می کنند می آمرزیم. خداوندا، هنگامی که ایمانمان را می آزمایی، ما را قوی گردان. خداوندا، ما را از شیطان ملعون برهان.

ای صاحب اقتدار، ای کسی که پر از جلال و اکرام هستی، در تمام جهان تنها تو قویترین و استوارترین هستی.

گناهان دیگران را بیامرزید و الله گناهان شما را خواهد آمرزید. زیرا اگر گناهان دیگران را بیامرزید، یقیناً الله بخشنده و رحیم است.^{۴۷}

درحالیکه ممکن است تصور شود که اوون در اینجا نوآوری کرده است، اما در حقیقت او مستقیماً از ابو محمد القسیم (۸۶۰ ه.ق) اقتباس کرده است که او نیز ترجمه ای از دعای ربانی ارائه داده بود.^{۴۸} مسلمانی این ترجمه را انجام داد تا مسیحیان را جذب اسلام کند.

خداوندمان، که در آسمانی، نام تو و حکمت تو مقدس باد؛ فرمانروایی تو و قدرت تو عظیم باد؛ ملکوت تو آنچنان در آسمان تو ظاهر است، بر زمین تو ظاهر شود؛ ما را با نان در نیاز روزانه مان خوراک بده؛ گناهان گذشته مان را بیامرز چنانکه ما نیز آنانی را که به ما

remaining non-Christians. Charles Kraft in personal correspondence to this author, remarks, "I observe that any new approach will probably include some heresy--albeit with a move towards orthodoxy as soon as possible." Dated March 30, 2015.

⁴⁰ This is detailed in a circular prayer letter dated 9/8/01 [Names withheld]. The information was further corroborated by 'SAM4' in a July 1/2016 telephone call with the author.

⁴¹ *Sirat* subsection "The Lily": 7-10 with the English from the 1992 Arabic-English edition. It is noteworthy that Arabic versions of the Diatessaron retain 'Father' in the Lord's Prayer, whereas Owen does not. See Hope Hogg, *The Diatessaron of Tatian*, 67. Online: [http://www.documentacatholicaomnia.eu/03d/0112-0185,_Tatianus_Syriacus,_Diatesseron_\[Schaff\],_EN.pdf](http://www.documentacatholicaomnia.eu/03d/0112-0185,_Tatianus_Syriacus,_Diatesseron_[Schaff],_EN.pdf)

⁴² Owen, "Jesus Movement," 18.

⁴³ The Arabic word for prayer, but in Islam it is the technical term for Islamic prayers.

⁴⁴ Literally: 'O God.' The holiness of God the Father is absent.

⁴⁵ Remembering Allah is one of the primary commands of Islam.

⁴⁶ The Arabic word for religion, but Islam says it is 'The Religion.'

⁴⁷ This is an Islamic phrase quoted directly from the Qur'an 39:53.

⁴⁸ *Abū Muḥammad al-Qāsim/ alt. al-Qāsim ibn Ibrāhīm al-Rassī, Radd 'alā l-Naṣārā [A Retort to the Christians]* as quoted and translated by David Thomas, "The Bible in Early Muslim Anti-Christian Polemic," *Islam and Muslim-Christian Relations* 7 (1996): 36.

بدی کرده اند می آمرزیم؛ در رحمت ما را بیامرز حتی با وجود اینکه گناه کرده ایم؛ خداوند، مصیبت بر ما میاور؛ و ما را از بیچارگی آزاد کن؛ زیرا تو فرمانروا و قوت هستی، و از تو ملکوت و آموزش است تا ابدالابد، در جهانی بی انتها.

۳.۵ برخاسته از خاکستر، در شکلی دیگر و در جاهایی دیگر

یک ماموریت شناس بسیار محترم در نامه ای اداری به دوستانش در سال ۲۰۰۱، یادداشتی را که در خصوص سیرت دریافت کرده بود ذکر کرد:

نظر شخصی ام این است که سیرت یک قدم بزرگ در مسیر حرکت به سمت فراهم آوردن تمامی کتاب (می تواند به کتاب مقدس اشاره کند) به زبان و سبک مناسب باشد. سیرت کمک به شفاف سازی دایره واژگان می کند و فهرستی از اصطلاحات کلیدی بنا می گذارد. سیرت می تواند تفکیک شود و به صورت چهار انجیل مجزا بازسازی شود. ما به ترویج ترجمه های سیرت ادامه خواهیم داد.^{۴۹}

مکاتبات شخصی با مارک بیومونت اظهار می دارد که این ترجمه، «شبهاتی را به جنبشی که توسط مزهر مالوهی رهبری شده نشان می دهد.»^{۵۰} کتاب معنی صحیح/انجیل مسیح (۲۰۰۸) که اثری به سبک اسلامی است در این جنبش قرار گرفت.^{۵۱} سازمان میسیونری Frontiers تماماً بودجه این کار را تامین کرد. شخصی که برای این کار کمکهای مالی جمع می کرد، در آن زمان بیان کرد:

من از تامین وجه از هیچ منبع دیگری اطلاعی ندارم. مطمئناً کمک خرج اعضا برای لاری چیکارلی از طریق WBT، پشتوانه مالی کار وی در این پروژه بود، اما باور دارم که تمام هزینه های مستقیم توسط Frontiers تامین وجه شد و احتمالاً هزینه های اسکان و سفر لاری برای جلسات پروژه توسط مالوهی از طریق نهاد الکلمه در بریتانیا بازپرداخت شد. خاطر هست که حمایتی که توسط Frontiers دریافت شد، مستقیماً به نهاد الکلمه در انگلیس تحت هدایت اد گرینینگ منتقل شده بود که صورتحسابها و احتمالاً تمام قبضه های دیگر را پرداخت کرد.^{۵۲}

ریک براون و لاری چیکارلی از Wycliffe/SIL برای این پروژه مشورت دادند.^{۵۳} ریک براون در جایی دیگر از انتخابش مبنی بر حذف واژگان پدر و پسر از ترجمه هایی دفاع کرد که ظنیهایی از ایده های خود اوون داشت. این ترجمه ی مزهر مالوهی در وب سایت الکلمه در حال حاضر

⁴⁹ Circular e-mail of 9/8/01 regarding Owen. (Names of correspondents withheld).

⁵⁰ Mark Beaumont e-mail to author, January 28, 2014.

⁵¹ See: http://www.al-kalima.com/translation_project.html

⁵² Personal and private e-mail of March 2015. In an e-mail dated, September 8, 2015, David Harriman, detailed his involvement in the *The True Meaning of the Gospel of Christ*:

As Chief Development Officer for Frontiers, I was responsible for the fundraising effort that raised nearly \$215,000 for the True Meaning of the Gospel of Christ, a new Arabic translation of the Gospels and Acts, with companion commentary, led by a Middle Eastern member of Frontiers [i.e. <https://www.frontiersusa.org/>]. Because the salient and distinguishing features of this translation — the removal of all instances of “Father” in relation to God, the selective removal of “Son” in relation to Jesus Christ, and the effective redefinition of “Son of God” by the insertion of qualifying, parenthetical statements within the text — were not disclosed to me, this information was withheld from the nearly 600 donors who funded this translation, and the thousands more who were solicited.

David Harriman, email message to Adam Simnowitz cited in his “Muslim Idiom Translation: Assessing So-Called Scripture Translation For Muslim Audiences With A Look Into Its Origins In Eugene A. Nida's Theories Of Dynamic Equivalence And Cultural Anthropology,” RES 7972 Intercultural and Muslim Studies Integrative Seminar, Columbia International University, (2015): 11, n25.

⁵³ Rick Brown publicly advocated for the *True Meaning* as he said it uses “the true language of the readers rather than loanwords that are misunderstood and expressions that sound awkward and foreign” and that it “affirms the cultural identity of the audience while clearly communicating the biblical worldview.” In his “Muslim and Christian scholars collaborate on ground-breaking gospel translation and commentary,” *Albawaba News*, June 4, 2008. Online: <http://www.albawaba.com/news/muslim-and-christian-scholars-collaborate-ground-breaking-gospel-translation-and-commentary> Accessed 2015/11/24. Also, see the “English translation of preliminary notes for True Meaning” which are Ciccarelli's from a larger document entitled “Final Order of Lighthouse March 2008” (unpublished document, 2008). ‘Lighthouse’ was a pseudonym for *True Meaning*.

در دسترس است.^{۵۴} اکرام لمیه حنفیه، رئیس سابق آموزشگاه الهیاتی انجیلی قاهره، کارمند کمیته «نظارت بر خلق ترجمه معنی صحیح» نیز از این ترجمه دفاع کرد.^{۵۵}

تغییر غیر منتظره ای در داستان سیرت وجود دارد که در پیش زمینه ی کتاب معنی صحیح مالوهی تاثیرگذار بود. پائول گوردون گزارش داد که مالوهی دریافت که سیرت «به طرز متقلب گونه ای نسبت به خوانندگان مسلمان» عمل می کند و از دید آنها می تواند «تلاشی برای گمراهی یا فریب تلقی شود».^{۵۶}

در سال ۲۰۰۸، یک رایزنی عمومی در آریزونا صورت گرفت. و قویاً از همان ایده ای که اوون از آن دفاع کرده بود مبنی بر اینکه شخص در درون مذهب خود بماند، حمایت کرد. جف هایز که یک مترجم عربی تصدیق شده بود و در گذشته برای سازمان *the Navigators* کار می کرد و شاید هنوز هم کار کند، سی دی ای را توزیع کرد که شامل پرونده هایی بود که نفوذ بیشتر اوون بر هایز و برعکس را نشان می داد.^{۵۷} هایز فهرستی از ترجمه های به سبک اسلامی تهیه کرد و آنها را بر اساس میزان ورودی ای که داشته اند، و سومند بودنشان برای «آغاز یک جنبش درونی» رتبه بندی کرد. او عنوان پرونده اش را «وضعیت کنونی کتب مقدس عربی با تاکید ویژه بر کاربرپذیری در جنبشهای درونی مسلمانان» نام گذاری کرد. این چیزی است که او درباره سیرت گزارش داد:

***سیرت المسیح (زندگی مسیح) توسط دیوید اوون (آمریکایی) و ادنان بیدون (فلسطینی) در سال ۱۹۸۷ ترجمه شد. تطبیق اناجیل از لحاظ ترتیب تاریخی. خیلی به سبک اسلامی. زبانش زیباست، اما در نیمه دوم کتاب زیبایی اش کمتر است (ادنان پا به پای او در ترجمه حضور نداشت). آیاتی جاافتاده است، اشتباهاتی دارد، و برخی عبارت قرآنی در آن افزوده شده است. سبک نگارش به صورت نثر باقافیه است که مناسب برای باصوت خواندن است (همانند قرآن...، به الگوهای تفکر الهیاتی جنبش درونی وفق داده شده است). در جنبشهای درونی متعددی در سراسر جهان به صورت دو زبانه (زبان محلی + عربی) توسط میلتون کوک (نیروی محرکه ی بزرگترین جنبش درونی مسلمانی در جهان) مورد استفاده قرار گرفته است... مناسب به عنوان نقطه شروعی برای یک جنبش درونی. [دو تا *** که هایز در ابتدای پاراگراف گذاشته اشاره بر این دارد که او «ورودی مهمی» داشته است]^{۵۸}

SIL در سال ۲۰۱۱ یک پرونده داخلی به عنوان «نوع شناسی ترجمه های کتاب مقدس برای مخاطبین مسلمان» تولید کرد.^{۵۹} این پرونده، فلسفه های گوناگون ترجمه را مقایسه کرد و سپس به سیرت رسید. در یادداشت کوتاهی که درباره ی سیرت نوشت، هیچ نقدی از محتوا یا اسلامی گری سیرت بیان نکرد و همینطور هیچ نقدی از ترجمه ی بسیار مشکلدار اصطلاح «پسر خدا» به صورت «محبوب» ارائه نداد، بلکه در عوض بر این واقعیت متمرکز شد که سیرت از مشاوران SIL بهره نگرفت. متن گزارش بدین صورت است:

یک نمونه ی خارج از دسترس از ترجمه گشتاری، هارمونی اناجیل به نام سیرت المسیح (زندگی نامه مسیح) است که در ۱۹۸۶ چاپ شد. این ترجمه، تلاشی پیشگام برای استفاده از ویژگی های قرآن نظیر نثر قافیه دار و شماره گذاری آیات به سبک قرآنی

⁵⁴ <http://www.al-kalima.com/content/the-portfolio/scripture> Accessed 2015/03/26.

⁵⁵ Ekram Lamie Hennawie and Emad Azmi Mikhail, "The Philosophy behind the Arabic Translation *The True Meaning of the Gospel of the Messiah*," *Evangelical Review of Theology* 37, no. 4 (2013): 349-360.

⁵⁶ Paul-Gordon Chandler, *Pilgrims of Christ on the Muslim Road Exploring a New Path Between Two Faiths* (Lanham: Rowman & Littlefield Pub. Group, 2008), 158.

⁵⁷ See: <http://hayestranslation.com>

⁵⁸ Anonymous, "Sira to Sabiil History," (distributed by Jeff Hayes, 2004), n.p. Elsewhere in this document Hayes essentially provides a definition for a Muslim Idiom Translation as he describes "The Injeel" which was planned for 2009 and on which he had major input. He says it meets four qualifications which are "Islamic in style, vocabulary, theology, and thinking." Anonymous, "Sira to Sabiil History" in The Hayes Word document, which he distributed at the Common Ground Conference in Arizona in 2008 on CD and has the following properties: Microsoft Word 10.0 Company: The Navigators, 09/09/2004 7:11 PM, 15/02/2007 6:49 PM.

⁵⁹ SIL Consultative Group for Muslim Idiom Translation: SIL Internal Discussion Papers on MIT #1, "A Typology of Bible Translations for Muslim Audiences" rev. 2, (January 2011). This paper would be followed by five others, notably, #2, "The Relationship between Translation and Theology," #5: "Options for translating the term 'Son of God'"; #6: "The father-son relationship between God and believers."

بود. اصطلاح کلیدی پسر خدا به صورت «محبوب» ترجمه شد و مسیح به صورت «المهدی» ترجمه شده است (شخص هدایت شده، لقبی برای منجی آخرالزمان که در برخی سنتها با عیسی همراه یا برابر است)... این ترجمه در پرداختن به موضوعات جهان بینی و اصطلاحات کلیدی خلاق بود، اما می توانست از مشاورین فرهیخته در امر تفسیر بهره بگیرد، زیرا انتخابها همیشه معنی صحیح را انتقال ندادند. ترجمه های این هارمونی اناجیل به زبان عربی، به زبانهای دیگر نیز محبوبیت یافته است، و به نظر می رسد که در اکثر موارد، مشکلات تفسیری در این زبانهای دیگر، تصحیح شده باشد.

همانطور که در ادامه نگاه می کنیم، مشخص خواهد شد که آیا واقعاً «مشکلات تفسیری» در ترجمه به زبانهای دیگر اصلاح شده بود یا خیر.

۳.۵.۱ و به بنگلادش حرکت می کند

گروه عیسای جماعت از بنگلادش احتمالاً در سال ۱۹۹۹ نسخه عربی/بنگالی را ارائه داد.^{۶۰} اما مکاتبه ی شخصی با یک شاهد عینی اظهار می دارد که ارائه ی سیرت به زبان بنگالی در سال ۱۹۸۸ صورت گرفت.^{۶۱} چیزی را که بیننده ی بی تفاوت ممکن است در بازبینی نفوذ سیرت که هائز آن را مستند کرده، نادیده بگیرد، این واقعیت است که خود او اظهار کرد که سیرت اوون در شکل گیری ترجمه های به سبک اسلامی به زبان بنگالی تاثیرگذار بوده است. حرفهای او همانطور که در بالا ذکر شد، بدین گونه بود:

در جنبشهای درونی متعددی در سراسر جهان به صورت دو زبانه (زبان محلی + عربی) توسط میلتون کوک (نیروی محرکه ی بزرگترین جنبش درونی مسلمانی در جهان) مورد استفاده قرار گرفته است.

مجله WORLD گزارش داد که سازمان میلتون کوک به نام Global Partners for Development (شرکای جهانی برای توسعه)، ۱۰۰۰۰ کپی از انجیل مرقس را بر خلاف میل جامعه ی بزرگتر مسیحی بنگلادشی در سال ۲۰۰۵ توزیع کرد.^{۶۲} جورج کینک در مقاله ای با همکاری تام مک کورمیک به نام «ترجمه های به سبک اسلامی به زبان بنگالی»، چند نسخه بنگالی به نام انجیل شریف را جدا می کند و از استفاده از این ترجمه ی سال ۲۰۰۵ متعلق به شرکای جهانی دفاع می کند.^{۶۳} جی دادلی وودبری، استاد سابق اسلام شناسی در آموزشگاه الهیات فولر، برای اعتبار دادن به سیرت، در مقاله اش به نام «چشم انداز جهانی بر مسلمانانی که به مسیح می گروند»، درباره اثربخشی سیرت در اینکه «خدا در حال استفاده از آن در برخی جنبشهای بزرگ است»، صحبت کرد. او به جنبشی در «جنوب آسیا» یعنی بنگلادش اشاره کرد که افراد از «سیرت المسیح (زندگی مسیح) با واژگان مطلوب مسلمانان به سبک قرآنی استفاده کردند» تا به مسلمانان بشارت دهند.^{۶۴}

هنگامی که دارل وایتمن از جامعه کتاب مقدس آمریکا در اکتبر ۲۰۰۷ به بنگلادش رفت، به کلمات خود گزارش داد: یک «جنبش عیسی در درون اسلام» (چهار بار در گزارش از این عبارت استفاده کرد) - و از ترجمه ی انجیل مرقس که پیشتر در گزارشش ذکر شد دفاع کرد. آیا اوون که خودش نیز صحبت از «جنبشهای عیسی در درون اسلام» کرد، می توانست بر وایتمن تاثیر گذاشته باشد؟^{۶۵}

⁶⁰ Online: <http://www.jibonerkotha.com/?lang=en> Accessed 2015/03/23.

⁶¹ 'SAM2' personal correspondence with author October 8, 2015.

⁶² See article by Emily Belz, "Inside Out," *WORLD Magazine* May 7, 2011. http://www.worldmag.com/2011/04/inside_out

⁶³ George King and Tom McCormick, "Muslim Idiom Translations in Bangladesh," *Evangelical Review of Theology* 37, no. 4 (2013): 335-348.

⁶⁴ J. Dudley Woodberry, "A Global Perspective on Muslims coming to Christ," in *From the Straight Path to the Narrow Way Journeys of Faith*, David H. Greenlee ed. (Downers Grove, IL: Intervarsity, 2006), 17. Earlier Woodberry also mentioned Owen's *Sirat* along with other attractively packaged and contextualized Muslim-friendly works. He states: "Of special note is Arabic 'Life of Christ' (*Sirat al Masih*), based on a harmony of the Synoptic Gospels but using quranic idiom and style." He adds, "for the most part, it has been well received by Muslims." In his "Contextualization among Muslims: Reusing common pillars," *International Journal of Frontier Missions* 13, no. 4 (1996):172.

⁶⁵ Darrell Whiteman, "Report on my trip to Bangladesh, October 6-11, 2007," (unpublished document, 2007), n11. Whiteman links contextualization and 'staying within Islam.' The phrase "Jesus Movement within Islam" appears in a collection

اما شهادت شفاهی یک طرفدار سابق بنگلادشی از جنبش درونی، نیت‌های جامعه کتاب مقدس آمریکایی را روشن می‌سازد. انوار حسین که جنبش درونی را ترک کرد و رئیس جامعه کتاب مقدس بنگلادشی شد، در ۴ اکتبر ۲۰۱۰ بیان کرد که:

جنبش درونی نزد جامعه کتاب مقدس آمریکایی رفت تا بر جامعه کتاب مقدس بنگالی فشار آورد زیرا می‌دانند که جامعه کتاب مقدس بنگالی از جامعه کتاب مقدس آمریکایی پول دریافت می‌کند. آنها (طرفداران جنبش درونی) بر جامعه کتاب مقدس آمریکایی فشار آوردند تا به آنها (جامعه کتاب مقدس بنگالی) بگویند که ترجمه جنبش درونی‌شان را بپذیرند.^{۶۶}

۳.۵.۱ و به جهان اردو زبان

به گفته ی «SAM2» سیرت به زبان اردو ترجمه شد که در پاکستان، افغانستان و هند به این زبان صحبت و خوانده می‌شد.^{۶۷}

۳.۵.۲ و سپس به اتیوپی

اوون امیدوار بود که «هر تکه از کار بر روی تلاش‌های تکه ی قبلی بنا شود.» به این صورت که هر ترجمه جدید بر پایه ترجمه قبلی گذاشته شود. احتمالاً او پیش بینی نمی‌کرد که اثرش از طریق بنگلادش به اتیوپی برسد. یک شخص اهل اتیوپی به نام اولام بیلای گوتا پایان نامه اش را در سال ۲۰۰۳ در آموزشگاه فولر با عنوان «همبافت سازی انجیل در میان مسلمانان اورومو» نوشت. او تجربیات شخصی اش در اسلام پور در بنگلادش را تعریف کرد و از گفتگوهایش با رهبران جنبش درونی در آنجا سخن به میان آورد که آنها نیز به اتیوپی سفر کردند. او گفت، «و بعد از آن، در ترجمه ی سیرت المسیح به گویش اورومو از من حمایت کرد»^{۶۸} فردی را که به او اشاره می‌کند نامشخص است، اما قطعاً کسی است که طرفدار سیرت بوده و آن را مفید می‌دانسته و تمایل داشته که سیرت به طور گسترده پخش شود.^{۶۹}

۳.۵.۳ و به لبنان

جف هایز اظهار می‌کند که «نظر اکثریت» را در تولید کتب «مسیر» و «راه» داشته است که بازنگریهایی از کتاب سیرت اوون بودند. او این دو کتاب را بدین صورت توصیف می‌کند:

***السبیل (مسیر) بازنگری شده ی اثر اوون است که بر اساس پیشنهادات گروه لبنانی در سال ۲۰۰۴ چاپ شده است. دایره واژگان تغییر کرد تا خودی تر شود. تغییرات اعمال شده، مشکلات حق نشر را برطرف کرد. این کتاب به صورت دیجیتالی ارائه شد. به صورت دو زبانه در جنبشهای درونی ای که کار ترجمه را شروع کرده اند مورد استفاده قرار گیرد.

***السیرت (راه) که بازنگری عمده ای از سیرت (یعنی اثر اوون) انجام داد تا مجموعه اصطلاحات جنبش درونی را در جنبش درونی جنوب لبنان (احتمالاً ۲۰۰۴) بازتاباند، باب یک و دو اعمال رسولان را در بر خواهد داشت و بیشتر به محتوای انجیل وفادار خواهد بود. نسخه دیجیتالی آن که توسط *Lebanese MB* تولید شد؛ نیاز به بازنگری گرامری و سبکی دارد. به عنوان نقطه

of essays edited by Whiteman and Gerald Anderson entitled, *World Mission in the Wesleyan Spirit* (Franklin, TN: Ashbury, Seedbed Publishing, 2014).

⁶⁶ An interview of Anwar Hossein and Bill Nikides on October 4, 2010 at Lynchburg, Virginia in "Interview of a former insider: Anwar Hossein," in *Chrislam: How Missionaries Are Promoting an Islamized Gospel*, Joshua Lingel, Jeffery J. Morton, and Bill Nikides eds., 228-237 [235] (Garden Grove, CA: i2 Ministries, Inc, 2011).

⁶⁷ 'SAM2' personal correspondence with author, October 8, 2015. 'SAM2,' is a pseudonym for a person instrumental in the propagation of the *Sirat*. He states that he hired a Bangladeshi national to produce the *Sirat* in Urdu.

⁶⁸ Belay Guta Olam, "Contextualizing the church among the Muslim Oromo," (PhD, diss.: Fuller, 2003), 169.

⁶⁹ In his 1997 Master's thesis at Fuller Seminary, Belay Guta Olam wrote, "I am also thankful to Milton Coke who guided me to Fuller Theological Seminary, School of World Mission." In his vita, he states, "Belay joined Global Partners for Development in 1992 and served in Bangladesh as a missionary in Messianic Muslim Movement. He worked for Global Partners for two and half years." In his "Muslim evangelism in Ethiopia," (master's thesis, Fuller, 1997), iv, 161.

شروعی برای یک جنبش درونی مناسب است.

۳.۵.۴ و به اسرائیل/فلسطین

به گفته ی یک شاهد عینی، سیرت در قالب عربی قرآنی و به صورت مسجع، و شعر انجام گرفت و در سبک آهنگین و صوت اسلامی ضبط شده بود.^{۷۰} در حال حاضر به صورت آنلاین در دسترس است و متن آن با حق نشر مربوط به سال ۱۹۸۷ به صورت PDF به زبان عربی برای دانلود در دسترس است.^{۷۱} یکی از نظرات موجود در وبسایتی که کتاب سیرت در آن موجود است، حائز اهمیت است. یک مسلمان عرب زبان می نویسد، «از خدا بترسید، این کتاب تبشیری قصد حمله به اسلام دارد، از آن برحذر باشید.»^{۷۲} این شخص نیز همانند دیدگاه لیگ جهانی مسلمانان این کتاب را ابزاری برای هجوم به اسلام تلقی کرد.

۳.۵.۵ و به نیجریه

«SAM3» از این اثر در نیجریه استفاده کرد و نقل می کند که این اثر در یک کتابفروشی مسیحی در کانو موجود است، اما نمی داند که اولین بار چگونه این کتاب به آنجا رسید.^{۷۳} تا حدی که «SAM3ها» آگاهی دارند، سیرت به عنوان مبنا برای هیچ ترجمه دیگری در نیجریه مورد استفاده قرار نگرفته است. نظراتی درباره استفاده از این کتاب به این شرح است:

ما دریافته ایم که بسیاری از مسلمانان ثابت قدم در آفریقا که به زبان عربی می خوانند، از طریق خواندن سیرت به عیسی حقیقی جذب شدند و سپس علاقه مند شدند تا در کتاب مقدس، چه به زبان عربی، یا چه به یک زبان محلی تر مثل هائوسا، درباره عیسی بیشتر بیاموزند، بسیاری از آنان پیروان مخلص و دلیر عیسی شدند و راغب شدند که به خاطر نام او جفا ببینند و زندگی شان را برای انتشار انجیل به خطر بیندازند.

توجیه آموزشگاه فولر برای استفاده از سیرت، این است که سبک زندگی نامه ای اش، به صورت پلی از «قرآن به کتاب مقدس کامل» عمل می کند. اینکه آیا یک کتاب می تواند صرفاً بر مبنای سبکش توجیه شود، یک بحث جداگانه است. «ترجمه دنیای جدید» از جامعه برج دیدبانی (معروف به شاهدان یهوه) ممکن است جزء سبک ترجمه های کتاب مقدس تلقی شود. اما خردمندان نیست که اظهار کنیم این ترجمه که آیاتی در آن اشتباه ترجمه شده و مسیح شناسی آریانیزم را نشان می دهد، می تواند به عنوان «پلی» به کتاب مقدس در مسیح شناسی ارتدوکسی یا کلسدونی بکار گرفته شود.

۳.۵.۶ و به دورترین نقاط جهان

شخصی سوریه ای به نام «ا.» که با تعدادی از سازمانهای بین المللی کار کرده است، بیان کرد که از طریق اینترنت با نسخه عربی سیرت آشنا شده است. به گفته ی «SAM2»، کتاب سیرت در سال ۲۰۱۶ به طور متوسط ۲۰۰۰ نسخه در ماه به چاپ رسیده است و به کشورهای از قبیل پاکستان و اتیوپی توزیع شده است.

۳.۵.۷ بیش از بیست و هفت دختر دیگر از مادر کتابها

یکی از پرونده های دیگری که توسط جف هایز توزیع شد، اما خودش آن را ننوشت، اشاره به شخصی با نام «ج.ه» می کند که در نوشتن

⁷⁰ Correspondence from 'SAM1,' October 8, 2015.

⁷¹ Online: <http://issawiyoun.weebly.com> ;
http://www.islameyat.com/post_details.php?id=701&cat=23&scat=31& Accessed 2015/11/21.
PDF version: http://www.jesus-for-all.net/islamic_books/pdf_0051.pdf

⁷² Ibid. See Comments section, dated 2010-02-21 09:33:35

⁷³ Personal communication with author, April 1, 2015.

نسخه عربی کتاب سیرت اوون همکاری کرده است، و این مطلب آنچه را که خود هاینز در بالا گفت، تایید می کند.^{۷۴} این پرونده همچنین اظهار می کند که برخی از ترجمه های ویکلیف با سیرت در «تعامل» بوده، اما بیشتر کار از خود اوون بوده است. همین نویسنده در عبارتی مرموز گفت، «فقط یک چاپ اولیه از سیرت عربی وجود داشت. ما از دیوید اوون اجازه کسب کردیم تا سیرت را به زبانهای مسلمان غیر عرب ترجمه کنیم. در مجموع، ما ۲۷ پروژه ی ترجمه ی در دست اقدام به زبانهای دیگر را برشمردیم که در مراحل مختلف تکمیل هستند.» متأسفانه، دیوید اوون اجازه اش را پس گرفت. «شخص دیگری از عبارت مشابهی استفاده کرد و گفت که ۲۷ پروژه ی زبان، ۹۵٪ از مسلمانان غیر عرب زبان دنیا را پوشش می دهد. از زمان نشر سیرت، ترجمه های به سبک اسلامی کتاب مقدس، به طور کامل یا جزئی، در زبانهای موجود در روسیه، ترکیه، اندونزی و ایران پدیدار گشته اند، و از لحاظ کلمه بندی شباهتهایی به سیرت دارند. اندازه بالقوه ی برد سیرت و اولادش بسیار گسترده است.»^{۷۵}

۴. نفوذ ترجمه ای سیرت

داده هایی که به تازگی بررسی شده است، اظهار می دارد که سیرت دست کم بر این ترجمه ها نفوذ داشته است:

۱. معنی صحیح انجیل مسیح از مزهر مالوهی
۲. ترجمه های بنگالی و اردو برای مخاطبین مسلمان در بنگلادش و کشورهای اطراف، ترجمه اورومو در اتیوپی، و مورد استفاده در میان قوم فولانی و هائوسا در نیجریه به زبان عربی.
۳. السبیل و السیرت در لبنان، و در اسرائیل/فلسطین.
۴. نسخه های صوتی «داستانهای انبیا» که توسط رسانه ی سبیل تولید و پخش شد.
۵. پروژه های دیگری که فعلاً در لفافه مانده است. یکی از آنها/الانجیل است که به صورت بی نام در ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ منتشر شد.^{۷۶} همانند سیرت اوون، زبان پدر و پسر را حذف می کند، و مشخصاً یک ترجمه ی اسلامی شده است.

این مقاله با عنوان کنایه ای «مادر کتابها»، از مجموعه اصطلاحات قرآنی استفاده می کند تا سیرت دیوید اوون را شرح دهد. درست همانگونه که تعالیم اسلامی ادعا می کند که الگوی خالص قرآن در آسمان نگاه داشته شده تا قرآنها ی دیگر در زمین از روی آن تکثیر شوند، به همانگونه به نظر می آید که سیرت، اولاد زیادی را تکثیر کرده است. بازیگرانی همچون مزهر مالوهی، جف هاینز، ریک براون، لاری چیکارلی، و به علاوه میلتون کوک همچون قابله هایی برای این شرکت خدمت کرده اند. موسساتی نظیر *Frontiers* که به طرز قابل توجهی هزینه های «معنی صحیح انجیل مسیح» را متقبل شدند، و همچنین آژانسهای ماموریتی فرقه ای، جامعه کتاب مقدس در اسرائیل، موسسه *Wycliffe/SIL* که براون و چیکارلی به آن ملحق شدند، و همینطور سازمان *the Navigators* که جف هاینز به آن ملحق شد، و سازمان شرکای جهانی برای توسعه (*Global Partners for Development*) که چاپ کارهای ترجمه به سبک اسلامی به زبان بنگالی را تامین وجه کرد، همگی در تولید اولاد دیوید اوون دست به دست هم دادند. اگر کسی خطوط توزیع و حامیان عمده ی سیرت را تا سرمنشا دنبال کند، آنگاه می توان

⁷⁴ This Word document has the following properties "Microsoft Word 10.0 The Navigators

26/04/2004 8:03 PM 17/01/2006 1:10 AM." The author refers to the Uzbek people as if he has first-hand knowledge of them, and goes on to say, "My own goal is to promote canonical Bible translation. We have found starting a Sirat al Masih translation project is a wonderful way forward."

⁷⁵ 'SAM2' communication with author, October 10, 2015.

⁷⁶ Adam Simnowitz, "Jeff Hayes and Al-Injil: Another Mistranslation of the New Testament in Arabic Intended for "Insider Movements of Muslims" or C5 (C5/IM)," Biblical Missiology website (January 23, 2016). <http://biblicalmissiology.org/2016/01/23/jeff-hayes-and-al-injil-another-mistranslation-of-the-new-testament-in-arabic-intended-for-insider-movements-of-muslims-or-c5-c5im/>

In a subsequent article, Simnowitz provides nine reasons why he is convinced that the *al-Injil* comes from the hand of Jeff Hayes. "Nine Reasons Why I Named Jeff Hayes as the Main Translator and Responsible Party for Al-Injil," Biblical Missiology website (March 7, 2016).

گفت که «تمام راهها به... آمریکا... می رسد» و از لحاظ آماری به شمار قابل توجهی از بازیگران از مدرسه ماموریت‌های جهانی فولر و آموزشگاه الهیاتی فولر می رسد. در زیر فهرستی از حاضرین یا فارغ التحصیلان فولر آمده است که در بکارگیری، ترویج، یا ترجمه‌ی سیرت و مشتقاتش دخیل بوده اند:

- دیوید اوون (۱۹۷۳-۱۹۷۶)؛
- میلتن کوک (دکتری، ۱۹۸۷)؛
- مزهر مالوهی (۱۹۷۴)؛^{۷۷}
- «SAM3» (فوق لیسانس، ۱۹۸۰)
- بیلی اولام گوتا (دکتری، ۲۰۰۳)
- دادلی وودبری (فوق لیسانس الهیات، ۱۹۶۰) رئیس دانشکده و استاد مطالعات اسلامی در مدرسه ماموریت‌های جهانی فولر از سال ۱۹۸۵-۱۹۹۹. گرگ لیوینگستون، رئیس پیشین *Frontiers*، مشخصاً اشاره کرد که او مالوهی را به چارلز کرافت و دادلی وودبری در مدرسه ماموریت‌های جهانی فولر معرفی کرد.^{۷۸}
- باب بلینکو، رئیس *Frontier* در آمریکا که از ترجمه‌ی ترکی اسلامی شده دفاع کرد، با مدرک فوق لیسانس الهیات از فولر فارغ التحصیل شد (۱۹۷۴-۱۹۷۷).^{۷۹}

یکی از فارغ التحصیلان فولر و همکار سابق اوون در خدمت، تاثیر فولر بر سیرت را به طور مختصر بیان کرده گفت که سیرت «نمونه‌ای وفادار از «همبافت سازی» بوده و هست که توسط آموزشگاه الهیاتی فولر در دهه‌ی ۷۰ تعلیم داده شده است.»^{۸۰}

۵. درسهایی برای کلیسای جهانی

این مطالعه موردی شرح می دهد که ایده‌ها پیامدهایی دارند و پیامدهای منفی برای کلیسای جهانی واضح است. در زیر لیستی از این درسه‌ها آمده است:

(۱) اگر پیش فرضها به دقت بررسی نشوند، در آنصورت اشتیاق عالی برای رساندن انجیل به مسلمانان می تواند از خط خارج شود. هم فیومن در سال ۱۹۲۶ و هم اوون در سال ۱۹۸۷ این عقیده را داشتند که ایراد در شیوه‌ها است و با تغییر شیوه‌ها، مشکل حل خواهد شد. این رویکرد می تواند کاهش گرایانه باشد؛ این رویکرد، تصویر کتاب مقدس از قلب تولد تازه نیافته و اثرات ادراکی‌ای که گناه بر فهم می گذارد، و همچنین خصومت ایدئولوژیکی اسلام نسبت به مسیحیت را نادیده می گیرد. به علاوه، تاکید افراطی بر ارتباطات گیرنده-محور می تواند منجر به رویکرد مصلحت‌گرایی «به هر قیمتی که باشد» شود. و متعاقباً به عدم احترام به نویسنده‌ی غایی کتاب مقدس و کلماتی نظیر پدر و پسر که او (خدا) برای ارتباط با خودش استفاده می کند، منجر شود.

(۲) منطقهای به نظر روحانی برای ترجمه کتاب مقدس - برای مثال، «دروگرانی که تحت هدایت روح هستند» - می تواند بی معنا باشد، اگر مبناهای فلسفی ناقص باشند. مثلاً این فرض که شیوه‌های اسلامی، ظروفی خنثی هستند که می توان معنای مسیحی

⁷⁷ Paul Gordon-Chandler, *Pilgrims of Christ*, 35; mentions that Mallouhi entered the School of World Mission at Fuller Seminary. From Chandler's biography this would appear to be sometime after 1968 and before 1975.

⁷⁸ Greg Livingstone, *You've Got Libya: A Life Serving the Muslim World*. (Oxford: Monarch, 2014), 192.

⁷⁹ See: <http://biblicalmissiology.org/2012/02/14/press-release-world-magazine-turks-pakistanis-and-bengalis-oppose-experimentation-with-bible-translation-by-western-mission-agencies/> ; also <http://www.biblicalintegrity.org/2012/02/18/wycliffe-sil-translation-controversy/> Blincoe's LinkedIn profile states that he attended Fuller Theological Seminary between 1974-1977 and received a Masters in Theology.

⁸⁰ Forwarded email message to Adam Simnowitz dated, September 8, 2001. From his "Muslim Idiom Translation," 67.

را در آن ریخت، شیوه‌ی خطرناکی است، ولو اینکه شخص اظهار کند که از روح هدایت می‌شود. یکسان فرض کردن خدای پدر در دعای ربانی با مفهوم اسلامی «پروردگار تمام جهان»، آنطور که اوون انجام داد، چیزی کمتر از اسلامیزه کردن مسیحیت نیست. همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، ما باید «روحها را بیازماییم» (اول یوحنا ۴:۱).

(۳) مجالات محافظه کار نظیر *Seedbed* می‌تواند به منظور پیش برد دستور کاری «استفاده شود» که از خودشان نیست. بنابراین، مهم است که اعضای هیات مدیره هوشیار باشند، و به منابع انسانی با بصیرتی دسترسی داشته باشند که بتوانند خطرات بالقوه را تشخیص دهند.

(۴) کلیساهایی به مانند کلیسای پرزبترینی بلک استون را می‌توان به دیدگاه خدمتی سوق داد که همزمان منحصر به فرد، انقلابی، و متحول کننده باشد، به نحوی که حتی پژوهشگران مسلمان به مانند احمد دیدات بدانان ادعان دارند. بنابراین مهم است که کلیساها سوالات سختی را درباره فلسفه‌های پشت افراد و پروژه‌هایی که از آن حمایت می‌کنند بپرسند. نه تنها این، بلکه سوالاتی باید درباره جنبه‌های کاربردی پرسیده شود، زیرا این می‌تواند آشکارتر از پرونده‌های رسمی خط مشی باشد. به این دلیل، گروه ماموریت شناسی کتاب مقدسی، استاندارد کاربردی مفیدی را برای ماموریتها ایجاد کرد.^{۸۱}

(۵) ممکن است آژانسهای ماموریت فرقه‌ای، منابع مالی و انسانی شان در مشارکتهایی مورد استفاده باشد که اگر می‌دانستند واقعاً در آنجا چه خبر است، ممکن است با آنها موافقت نکنند. بنابراین، نظارت افراد حاضر در محل و آگاهی از گرایش‌های الهیاتی و فلسفی‌شان، و همچنین مخارج مالی، امری ضروری در سازمانهای میسیونری است.

(۶) عبارات به نظر پژوهشگرانه‌ای مثل «فراتر از متن رفتن» و «دوری از تعابیر انسان واره‌ی خام» - که دیوید اوون ذکر می‌کند - ممکن است فاضلانه به نظر آید، اما مشکلات دیگری را می‌پوشاند که مهمترین آن، باور نداشتن به الهام الهی کتاب مقدس است.

(۷) این ایده که «هر گروه از مردم نیاز دارند که برای تسهیل ارتباط موثر، خبر خوش به صورتی خاص و اختصاصی و در واژگان خودشان به آنها ارائه شود»، تا حد زیادی سطحی نگری است.^{۸۲} کلیسای پرزبترینی پاکستان قدم جسورانه‌ای برداشت و در نامه‌ای با لحنی جدی به یک سازمان ترجمه کتاب مقدس نوشت که دیگر به «ترجمه‌های مناسب» احتیاجی ندارند، که در واقع به طرز مودبانه‌ای داشت می‌گفت که ترجمه‌های اسلامی شده نمی‌خواهند.

(۸) دیوید اوون گفت، «مترجمان کتاب مقدس مسئولیت اولیه و سنگین تامین مجموعه واژگان برای چنین جنبشی را دارند که اجازه دهد جنبش، همچون خمیرمایه‌ای در جامعه اسلامی جای بگیرد.»^{۸۳} اوون با وصل کردن کارش با ترجمه‌ی اصطلاحات، حقیقتاً از ایده‌ی «تارگوم» خود فاصله گرفت و به سمت یک ترجمه حرکت کرد. بنابر این می‌بایست توجه کرد که عباراتی نظیر اینکه پروژه‌ی واژه‌سازی اسلامی از نظر تکنیکی، یک ترجمه نمی‌باشند، می‌تواند چیزی بیشتر شبیه به انکاری از نوع باور کردنی باشد در پرتو این حقیقت که در واقع کتاب مقدس در حال تحریف است.

(۹) خمیرمایه‌ای که اوون از آن حرف زد، عفونتش را دارد در دنیای ترجمه کتاب مقدس پخش می‌کند. ایده‌های ایوجن نیدا در باب ترجمه هم ارز-پویا و پیشنهادات پیرو آن توسط چارلز کرافت در فولر در باب کلیساهای هم ارز-پویا، منجر به زبان سیرت اوون شده است. او عیسی را به عنوان مهدی معرفی می‌کند، مهدی‌ای که شخصیت منجی مسلمان آخرالزمان برای مسلمانان شیعه است، و کنیسه را به عنوان مسجد توصیف می‌کند.^{۸۴}

⁸¹ <http://biblicalmissiology.org/biblical-missiology-statement-of-practice/>

⁸² Owen, "Publication" (1987), 4.

⁸³ Owen, Ibid, 3.

⁸⁴ Owen, ibid, 8-10 categorizes the theological terminology used in the *Sirat*. Beaumont notes that in every instance where 'Son of Man' is used in the canonical Gospels, Owen replaces it with *al-Mahdī*. For instance in his *Sirat* 25:48, he changes Matthew 25:31 to read: "the day is approaching; the hour of the Mahdī's glorious return with row upon row of angels; then he will sit on his throne." Beaumont, *Christology in Dialogue with Muslims*, (2005), 178-179.

(۱۰) به نظر می‌رسد که مدافعان الگوی جنبش درونی، از قبیل کوین هیگینز، هنک پرنگر، دیوید اوون، و نویسندگان ناشناسی که با جف هایز مکاتبه کرده، همگی «ترجمه‌های به سبک اسلامی» را گامی مهم و حیاتی برای راه‌اندازی جنبش پیرو آن می‌دانند که به نام‌های مختلف «پیروان عیسی در داخل اسلام»، «مسلمانان مسیحی»، «مسلمانان مسیحایی»، «جنبش عیسی» یا «مسلمانان کامل شده» شناخته می‌شود.^{۸۵} مشهود است که آنها ایمان دارند که مسیحیت، تحقق اسلام است؛ عقیده‌ای که به گفته‌ی آدام اسپارکس از لحاظ الهیاتی غیر قابل دفاع است.^{۸۶} زیرا تساوی‌ای بین مسلمانان مسیحایی و یهودیان مسیحایی، یا بین تحقق عهد عتیق در عهد جدید در مسیح، و تحقق اسلام در مسیحیت ایجاد می‌شود.

(۱۱) اگرچه تمام نویسندگان فوق‌ادعا می‌کنند که دارند انجیل را برای مسلمانان در دسترس‌تر می‌کنند، اما آنچه که واقعاً صورت می‌گیرد و مارک بیومونت اظهار کرده است این است که «آنچه عیسی قصد داشته تعلیم دهد، تحریف و گم شده است.» این دری را گشوده است تا مسلمانان اتهام بزنند که کتاب مقدس تحریف شده و تقلبی است. این موضوع واقعاً باعث می‌شود که کار بشارت توسط شهروندان حتی سخت‌تر شود.

(۱۲) اسلامی کردن متن کتاب مقدس چیزی است که یک مسلمان سابق که اکنون «در مسیح» است، به آسانی توانست تشخیص دهد. با این حال به نظر می‌رسد که تلاش‌های ترجمه‌ی به سبک اسلامی همواره این منبع گرانمای انسان را نادیده بگیرند. از دید این مسیحیانی که از پیش زمینه‌ی مسلمانی هستند، آموزه‌ی فرزندخواندگی‌شان به عنوان فرزندان پدر آسمانی، شاید حیاتی‌ترین آموزه برای سلوک مسیحی‌شان باشد، اما با این وجود، ترجمه‌های به سبک اسلامی همانند اوون، زبان پدر و پسر را بدون فکر حذف می‌کنند. ترجمه‌ای که به متن یونانی و عبری، و به حکمت جمعی کلیسای جهانی وفادار باشد، به گفته‌ی این مسیحیان، در تلاش‌های بشارتی و شاگردسازی بسیار مفیدتر است.

(۱۳) پژوهشگر قرون وسطایی مسلمان به نام ابن تیمیه (۱۳۲۸ میلادی)، انجیل را چیزی جز روایات شبه حدیث درباره زندگی عیسی ندید. او انجیل را متناظر با «زندگینامه‌های محمد» زمان خودش دید. ابن تیمیه که مسیحیان و کلیسا را عتاب می‌کرد، احتمالاً از سیرت دیوید اوون به گرمی استقبال می‌کرد و آن را چیزی بیش از زندگینامه مردی که گرایش‌های نبوتی داشت، به حساب نمی‌آورد.

(۱۴) اوون زیر چتر مصلحت‌گرایی، صحبت از استفاده از «سبک اسلامی» کرد، اما در عمل، به اشکال اندیشه اسلامی و در ترویج یک جهانی بینی اسلامی تغییر رویه داد.^{۸۷} به نظر می‌رسد که بیشتر از اینکه در خدمت دستور کار مسیحی بوده باشد، در خدمت دستور کار اسلامی بوده است.

(۱۵) باید پرسید که آیا دیوید اوون همانند دیوید گری از سازمان SIL کارش را به عنوان «محصولی که به طرز بسیار خلاقانه از کتاب مقدس استفاده می‌کند،» توجیه می‌کند.^{۸۸} داده‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک جداره محافظی برای ایده‌ی ابتکاری‌اش به کار گذاشته نشده است. سوال بسیار مهم این است که چه کسی باید جداره‌های محافظ را بکار گذارد؟ آژانس کلیسای فرافرقه‌ای؟ کلیسای محلی؟ کلیسای جهانی؟ نویسنده معتقد است که کتاب مقدس در درجه اول، متنی است که قوم عهدی خدای تثلیث را مخاطب قرار می‌دهد که خدا آن را به کلیسای جهانی اعطا کرده است. به نظر می‌رسد که مسئولیت جمعی کلیسا این است که وفاداری خود را به هر نحو تضمین دهد. این موضع با اکثر فلسفه‌ی پشت ترجمه‌های به سبک اسلامی متفاوت است که آن

⁸⁵ Kevin Higgins, "The Qur'an in Urdu as a resource for Bible translation in Muslim contexts: A case study in the translation of 'spirit' and 'spirits' in Urdu," (PhD diss., Fuller Seminary, 2013); Henk Jan Prenger, "Muslim Insider Christ followers: Their theological and missional frames," (DMiss diss., Biola, 2014).

⁸⁶ Adam Sparks, *One of a Kind: The Relationship between Old and New Covenants as the Hermeneutical Key for Christian Theology of Religions*, (Eugene, OR: Pickwick Publications, an Imprint of Wipf & Stock Publishers, 2010).

⁸⁷ Owen, "Jesus Movements," 18; uses the phrase 'Islamic style' twice.

⁸⁸ See fn 4. A critical concern at present is the question of how many creative scripture use products are being used to introduce written or audio Islamized Bibles or portions of it via social media and direct downloads.

ترجمه ها، کتاب مقدس یا بخشی از آن را اساساً یک داستان بشارتی می بیند که زبان آن، تفسیر کتاب مقدس توسط افراد مجرب کلیسا را الزامی نمی دارد (نحمیا ۸:۸).

(۱۶) این فرضیه مقدم که اسکاندالون (σκανδαλον) یا دلخوری مسلمانان از استفاده ی پدر و پسر در کتاب مقدسهای سنتی باید برطرف یا کم شود، تا حدی که کتاب مقدس مورد پذیرش قرار گیرد، پیش زمینه ی فکری نافذ و غالب کتاب سیرت و ترجمه های به سبک اسلامی است. اما واکنش شدید مسلمانان به سیرت، میزان پذیرششان را نشان می دهد.

(۱۷) خطرات تلاشهای ترجمه ی تکرو و مستقل بدیهی است. خطرات سازمانهای کلیسایی فرافرقه ای تکرو بدیهی است. خطرات کسانی که نسبت به «بدعت» بی تفاوت هستند و برایشان اهمیتی ندارد که از «اعتقاد نامه های فرهنگی نیکیه و کالسدون» - به قول اوون - رها شوند، بدیهی است.

(۱۸) در سال ۱۹۹۳، یک شاهد عینی، دیوید اون را «چهره ای نامی» توصیف کرد. این توصیف، سوالاتی را پیرامون بصیرت همکاران او مطرح می کند.

(۱۹) منابع مالی به ازدیاد نسل های نشأت گرفته از پروژه اوون کمک کرده است. سوالی که باید پرسید این است که آیا جوابگویی به خیرین یا کلیساهای حامی صورت گرفته است یا خیر. آیا میسیونری فرقه ای که از اوون حمایت کرد، دارای راهبردهای روشن و ساختارهای جوابگویی است یا خیر؟

(۲۰) تکثیر ترجمه های به سبک اسلامی در کشورهای اکثرأ مسلمان با حمایتهای مالی غربی نشان می دهد که این ایده بیشتر از اینکه مقبول افراد بومی باشد، یک ایده ی غربی است. در واقع، تاریخ ترکیه، پاکستان، و بنگلادش نشان می دهد که اکثریت مسیحیان ساکن آن کشورها این «نوآوریها» را رد می کنند. این بی احترامی به شهروندان مسیحی چیزی کمتر از استعمارگری نوین نیست، نگرشی که باید از ریشه کنده شود.

۶. نتیجه

«ایده ها پیامدهایی دارند.» ایده هایی که دیوید اوون در فاز سازنده خود یاد گرفت، ثمره ی آن، سیرت بود. اگرچه به نظر رسید که غروب نابهنگامی داشت، اما تعدادی از افراد دیگر که همان گرایشات فلسفی را داشتند، سیرت را دوباره زنده کردند. این افراد، همانند اوون، توسط کلیساها و سازمانهایی حمایت شدند که به آن پر و بال دادند و آن را از بنگلادش به اتیوپی، به نیجریه، به لبنان، پاکستان و دورتر پخش کردند. آیا زمان آن نیست که ماهیت برنامه اسلامی گری این ترجمه های به اصطلاح مناسب، فاش شود؟ متأسفانه، امثال احمد دیدات، مدافع مسلمان، و لیگ جهانی مسلمانان، این ترجمه ها را به خوبی تشخیص می دهند، اما مسیحیان کم فهم از این اقدامات پشتیبانی می کنند.

سرانجام، بالاترین دادخواست در رد مفید بودن سیرت این است که حرمت خدای تثلیث را پایین می آورد. حرمت خدای پدر را در نسخه ی دعای ربانی اش کم می کند. اعتراف شمعون پطرس در تمام جلال مسیح شناسی اش که «به راستی تویی مسیح، پسر خدای زنده» را با این ترجمه ی لکه دار جایگزین می کند که «به راستی تویی کلمه ی زنده الله و نجات او ظاهر گشته است.» سیرت وانمود می کند که به روح القدس قادر مطلق که می تواند قلبهای سنگین را به قلبهای گوشتی تبدیل کند، کمک می کند و این کار را با «پیچاندن» کلام خدا انجام می دهد تا هیچ مسلمانانی دلخور نشود. اهانت سیرت بر ضد تثلیث است.

مسیح بر ضد فرهنگ؟ ارزیابی مجدد الهیات محبوب ونگ مینگدائو^۱

بائو اندرو سانگ

بائو اندرو سانگ (تحصیلات دکتری در آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، لوئیسویل، ایالت کنتاکی؛ تحصیلات فوق لیسانس الهیات و لیسانس الهیات در آموزشگاه الهیاتی باپتیست تورنتو، ایالت اونتاریو)، معاون پژوهشی مرکز اندرو فولر برای تحصیلات باپتیست در آموزشگاه الهیاتی باپتیست تورنتو است. بائو عضو کلیسای باپتیستی New City در تورنتو است. او همچنین نویسنده ی کتاب «تربیت کارگران برای حصاد: مطالعه تاریخی مربی گری ویلیام میلن در قبال لیانگ فا» (Wipf & Stock، ۲۰۱۵) و مقالات ژورنالی دیگر است.

چکیده

از زمان انتشار کتاب اچ. ریچارد نیوهر (۱۸۹۴-۱۹۶۲) به نام مسیح و فرهنگ، دسته بندی هایی که او در این کتاب انجام داد، به عنوان معیاری برای طبقه بندی دیدگاه فرد در باب دخالت در فرهنگ مورد استفاده قرار گرفت. پژوهشگران در ۶۰ سال گذشته، رویکرد «پارادوکس مسیح و فرهنگ» یا «مسیح بر ضد فرهنگ» را به الهیات ونگ مینگدائو (۱۹۰۰-۱۹۹۲) منسوب کردند. این مقاله، تقریباً در ۲۵ سال پس از مرگ ونگ، الهیات محبوب ونگ و دیدگاهش مبنی بر اینکه کلیسا چگونه باید همسایه اش را دوست بدارد، مجدداً ارزیابی می کند. این مقاله با قرار دادن ونگ و الهیاتش در زمینه های تاریخی و الهیاتیشان، استدلال می کند که رویکرد ونگ به تعهد فرهنگی کلیسا به صورت قیاسی است. از نظر ونگ، از آنجاییکه افراد مجزا، جامعه را تشکیل می دهند و بازیگران فرهنگها هستند، پس تنها می توان با تغییر دادن قلب مردم، به هدف تغییر دادن جامعه و اصلاح فرهنگ دست یافت، که این کار روح القدس از طریق انجیل است. رابطه بین تولد تازه ی فرد و اصلاح جامعه به صورت متوالی نیست؛ بلکه اولی، دومی را توانمند می سازد.

شبان ساموئل لمب (۱۹۲۴-۲۰۱۳) از کانتون در مصاحبه ای در سال ۲۰۱۴ به قیام میدان تیانانمن در سال ۱۹۸۹ اشاره می کند. در این مصاحبه، افرادی از کلیسایش از او به عنوان شبانشان در خواست کردند که به آنان در تظاهرات ملحق شوند، اما شبان لمب نپذیرفت. او بعداً به پلیس محلی که برای ثبت کلیسای خانگی اش با او دیدار کرده بود، گفت که او بر ضد دولت و یا ضد انقلابی نبوده است. لمب، کمال احترام را به مقامات دولت قائل بود، زیرا معتقد بود این چیزی است که کتاب مقدس تعلیم داده است. لمب گفت، «من به عنوان یک شهروند، تسلیم قدرتها هستم، اما به خاطر ایمانمان، باید خدا را بیش از انسانها اطاعت کنیم.»^۲ موضع لمب ثابت بود. در سال ۱۹۵۵، دولت کمونیست بر کلیساهای پروتستان فشار آورد، و هر جماعت کلیسایی را ملزم کرد که به «جنبش ملی گرای فرافرقه ای Three-Self» ملحق شوند.^۳ لمب

^۱ This research was supported in part by the Doctoral Development Scholarship to the Research Doctoral Studies Office at the Southern Baptist Theological Seminary, Louisville, KY. This paper was originally presented as a parallel session paper at the Evangelical Theological Society Ontario/Quebec Regional Meeting at Heritage Theological Seminary, Cambridge, Ontario, on October 1, 2016.

Special thanks to Hallam Willis and Nishiyama Aya 西山彩 for their editorial support.

^۲ China Soul for Christ Foundation, interview with Samuel Xiangao Lamb, *Cross: Jesus in China, Selected Sourcebook*, China Soul for Christ Foundation, 2004.

In 2013, two weeks after the death of Pastor Lamb, the weekly news magazine *The Economist* published a short article in remembrance of this popular pastor who made “the authorities nervous.” (“Lamb of God: Underground Christianity. Guangzhou: Even in death, a popular pastor makes the authorities nervous.” *The Economist* [August 24, 2013]: 42) For a popular biography of Lamb, see Ken Anderson, *Bold as a Lamb: Pastor Samuel Lamb and the underground Church of China* (Grand Rapids: Zondervan, 2009).

^۳ [توضیح مترجم/ منظور از Three-Self کلیساهای «خودگران»، «خودکفا»، و «خودگستر» است.

و اعضای کلیسایش سرباز زند و از دوم قرتیان ۱۴:۶ نقل قول کردند که «زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید» (ترجمه هزاره نو). در کنار اعتقادات راسخ کتاب مقدسی‌شان، شبانان بسیاری نظیر لمب، از یک واعظ اهل پکن به نام ونگ مینگدائو (۱۹۰۰-۱۹۹۱) هدایت شبانی گرفتند. در حقیقت، وقتی که لمب بازداشت شد، به او اتهام عضویت در «حزب ضد انقلابی ونگ مینگدائو» زده شد.^۵

ونگ مینگدائو برای بسیاری از مسیحیان در چین و در غرب، نماد جنبش کلیسای خانگی در چین بود.^۶ پژوهشگران، ونگ را «ریش سفید کلیساهای خانگی» نامیدند.^۷

اعضای کلیسا او را یکی از «سه مرد مقتدر چین» نامیدند.^۸ دیپلمات سابق بریتانیایی به نام تونی لمبرت از ونگ به عنوان «بزرگترین رهبر مسیحی چین» در قرن بیستم ستایش کرد.^۹ پروفیسور لیان از مدرسه الهیات دوک اظهار کرد که «در حالیکه درد جنگ و آشفستگی، جماعت زیادی را در سراسر چین مبتلا کرده بود، سادگی و قاطعیت ایمان بنیادگرای ونگ، برای پیروانش الهام بخش و استوار کننده بود.»^{۱۰} به خاطر نفوذ ونگ، آثار آکادمیک به زبانهای چینی، انگلیسی و ژاپنی منتشر شد.^{۱۱} البته بیشتر این مطالعات روی کشمکش ونگ با رژیم کمونیست

⁴ With the goal to “strike at Christianity’s foreignness,” “to purge the church of imperialistic elements, or to single out those who stood in the way of the people’s progress, or to punish the unpatriotic” (Christopher March, *Religion and the State in Russia and China: Suppression, Survival, and Revival* [London: Continuum, 2011], 166–167), the Chinese Communist government operated a movement that developed in two phases: first, it sought to make patriotic believers through the forming of newly-established organizations (e.g. TSPM) by which the former religious order might be deconstructed and the idea of patriotism might be taught to all believers; second, the state integrated forces intent on chastising those who refused to cooperate with the government and join these new organizations, accusing them of being anti-revolutionaries. (cf. Winfried Glüer, “Religion in the People’s Republic of China: A Survey of the Official Chinese Press 1964–1967,” *Ching Feng* 10.3 [1967]: 34–57; George N. Patterson, *Christianity in Communist China* [Waco, TX: Word Books, 1969], esp. chs. 4–7.) Here in this footnote, I have relied significantly on my unpublished paper, “A Fundamentalist Anti-Revolutionary? Religious Persecution in Early Chinese Communist Regime: A Case Study of Wang Mingdao of Beijing.” (Parts of this paper were presented as a breakout session paper, entitled “Wang Mingdao in Persecution: A Fundamentalist Anti-Revolutionary?” at the ninth annual conference of Andrew Fuller Center for Baptist Studies, “Persecution and the Church,” at the Southern Baptist Theological Seminary, Louisville, KY [September 15–16, 2015]), 21–22.

⁵ Wang, his wife Liu Jingwen, and a few other Christian leaders in Beijing, Xiangshan, Changchun and Guangdong were arrested on August 8, 1955. Meanwhile, a nation-wide movement of criticism of Wang and his “anti-revolutionary gang” was conducted by the TSPM between August and November 1955. Lamb was accused as part of Wang’s “gang” and was arrested. Fuk-Tsang Ying, “Counterrevolution in an Age of Revolution: ‘Wang Mingdao’s Christian Counterrevolutionary Clique,’” *Bulletin of the Institute of Modern History, Academia Sinica* 67 (2010): 132–133. Also see “廣州各教會同道揭露王明道分子林獻羔等反革命罪行 (Guangdong Pastors Exposed the Antirevolutionary Crimes of Samuel Lamb, a Member of Wang Mingdao’s Gang),” *天風 Tian Feng* 488–589 (October 31, 1955): 3–6.

⁶ Lian Xi observed that “Wang Mingdao’s writings spread his influence in the Chinese church and were chiefly responsible for preserving his legacy” (Lian Xi, *Redeemed by Fire: The Rise of Popular Christianity in Modern China* [New Haven, CT: Yale University Press, 2010], 129). Most of Wang’s writings were in his quarterly magazine, *The Spiritual Food Quarterly*. Many of his booklets, including his autobiography, *After Fifty Years*, were originally published in the magazine prior to separate publication.

⁷ Thomas Alan Harvey, *Acquainted with Grief: Wang Mingdao’s Stand for the Persecuted Church in China* (Grand Rapids: Brazos, 2002). 7.

⁸ Leslie Lyall, *Three of China’s Mighty Men* (Fearn, Scotland: Christian Focus; Sevenoaks, England: OMF International [UK], 2000), 100–148. Besides Wang, the other two were Watchman Nee (1903–1972) and David Shao-tang Yang (1898–1969).

⁹ Tony Lambert, *China’s Christian Millions: The Costly Revival* (London: Monarch Books, 1999), 98.

¹⁰ Lian, *Redeemed by Fire*, 130.

¹¹ The earliest academic work on Wang and his theology was written by Lee-Ming Ng (“Wang Ming-Tao: An Evaluation of His Thought and Action,” *Ching Feng* 16.2 [1973]: 51–80) while Wang was still in prison. Afterwards, Jonathan Chao of China Ministries International published a series of articles in his *China and Church* (for example, Stephen P. H. Li 李柏雄, “王明道對大眾神學的貢獻 Wang Mingdao’s Contribution to Popular Theology,” *China and Church* 9–10 [May–June 1980]: 19–22; Jonathan Chao, “略述王明道先生對中國教會的貢獻 A Brief Summary of Mr. Wang Mingdao’s Contribution to Chinese Churches,” *China and the Church Today* 86 [1991]: 2–4). Another prominent scholar was professor Wing-Hung Lam of Tyndale Seminary (Toronto, ON). In both his *A Half Century of Chinese Theology 1900–1949 中華神學五十年 1900–1949* (Hong Kong: China Alliance Press, 1998), and *Wong Ming-Tao and the Chinese Church 王明道與中國教會* (Hong Kong: China Graduate School of Theology, 1982), Lam had examined Wang’s theology in detail. In a 2001 book *Encounter between Christianity and Chinese Culture: Chung Chi College Religious Studies—Pommerenke Christianity and Chinese Culture Lecture Series 1* (Hong

صورت گرفت و مطالعات کمی روی الهیات ونگ و روحانیت او انجام گرفته است. خیلی زود در سال ۱۹۹۸، پروفیسور لم وینگهانگ (林榮) (洪) پنج مدل اچ. ریچارد نیبور در باب رابطه مسیح با فرهنگ را در کار بزرگ خود، هنگامی که بومی سازی انجیل در چین را تحلیل می کرد، اعمال کرد. در حالیکه وو لیچوآن (吳雷川 ۱۸۷۰-۱۹۴۴) و تینگ ژیکسین (王治心 ۱۸۸۱-۱۹۶۸) را در طبقه «مسیح فرهنگ» و ژنگ بیجینگ (張亦鏡 ۱۸۷۱-۱۹۳۱) را در طبقه «مسیح، فرهنگ را دگرگون می کند» قرار داد، لمب، ونگ مینگدائو و واچمن نی را در طبقه «پارادوکس مسیح و فرهنگ» قرار داد.^{۱۲} به طرز مشابهی، جانانان چائو 趙天恩 نیز پی برد که ونگ معتقد به این دیدگاه دوگانه نگری است.^{۱۳} از طرف دیگر، پژوهشگرانی چون وو لیمینگ 吳利明 ونگ را به منفعل بودن در قبال دخالت فرهنگی، و ضد اجتماعی بودن متهم کردند.^{۱۴}

با قرار دادن ونگ مینگدائو در زمینه های الهیاتی و تاریخی اش، و نیز بررسی مجدد فرمول نیبوره درباره مسیح و فرهنگ، امیدوار هستیم که به نتیجه گیری نسبتاً متفاوتی درباره الهیات محبوب ونگ برسیم.

۱. ونگ: شرح مختصری از بیوگرافی او

در اوایل تابستان ۱۹۰۰، با حمایت شهبانو دوئاگر سیکسی (۱۸۳۵-۱۹۰۸)، باکسره های چینی که ضد مسیحی و بیگانه هراسانه و فرقه ای بودند، قلمرو مستعمره ای در پکن را محاصره کردند. ۲۸۰۰ مسیحی چینی در این قلمرو مستعمره ای پناه برده بودند و در میانشان، والدین ونگ مینگدائو به نامهای ونگ زیهو 王子厚 و لی ونی 李文義 و نیز خواهر بزرگتر ونگ بودند. در ۲۵ ژوئن ۱۹۰۰، در حینی که باکسرها کماکان تمام افراد داخل قلمرو را تهدید به مرگ می کردند، ونگ مینگدائو از خانم ونگ که تازه بیوه شده بود به دنیا آمد، زیرا شوهرش سه روز قبل از وضع حمل همسرش، خودکشی کرده بود.^{۱۵}

Kong: Chung Chi College, The Chinese University of Hong Kong, 2001), edited by Lung-kwong Lo, professor Lam revisited Wang along with a detailed study of theologies of Watchman Nee and T. C. Chao (1888-1979). In this essay, Lam analyzed Wang's theology of conversion. In 2005, Poling J. Sun published an article entitled "Jesus in the Writings of Wang Mingdao" (in *The Chinese Face of Jesus Christ*, Monumenta Serica Monograph Series Vol. 3a, ed. Roman Malek [Sankt Augustin, Germany: Institut Monumenta Serica, 2005], 1137-1148) and argued that Wang's Christology was built upon a high view of the Scriptures. Two years later, Richard R. Cook, who had finished doctoral studies on Wang, wrote "Wang Mingdao and the Evolution of Contextualized Chinese Churches" (in *Contextualization of Christianity in China: An Evaluation in Modern Perspective*, ed. Peter Chen-Main Wang [Sankt Augustin, Germany: Institut Monumenta Serica, 2007], 209-223). In a modern recent article ("Bathsheba as an Object Lesson: Gender, Modernity and Biblical Examples in Wang Mingdao's Sermons and Writings," *Studies in World Christianity* 21.1 [2015]: 52-65), Gloria S. Tseng argued that the main concerns of Wang's writings relate to godly Christian living, and biblical figures like Bathsheba serve as a model to follow. Other major studies on Wang were done by Fuk-Tsang Ying. With his political interests, Ying published a detailed study in 2010 (Ying, "Counterrevolution in an Age of Revolution") and edited Wang's unpublished letters, publishing them as *Wang Mingdao's Last Confession 王明道的最後自白* (Hong Kong: Logos, 2013). In 2002, Thomas Alan Harvey published the first critical biography of Wang (*Acquainted with Grief*), based on his doctoral dissertation, "Challenging Heaven's Mandate: An Analysis of the Conflict between Wang Mingdao and the Chinese Nation-State" (Duke University, 1998). In 2012, Japanese scholar Matsutani Yosuke 松谷曄介 published his article, "Yanaihara Tadao and China: His Article, 'The Ideal of the Nation' and His Visit to Wang Mingdao 矢内原忠雄と中国: 「国家の理想」から王明道訪問へ," (*Sociological Studies 社会システム研究* 25 [2012]: 97-123). In it, Matsutani examined Wang Mingdao from a Japanese perspective, and linked Wang with Japanese Non-Church movement pioneer Yanaihara Tadao (1893-1961).

¹² Lam, *A Half Century of Chinese Theology 1900-1949*, 216-233.

¹³ Jonathan Chao, "Christianization of Chinese Culture: An Evangelical Approach," *Transformation* 17.3 (July/September 2000), 100.

¹⁴ Wu Liming, *Christianity and the Transition of Chinese Society 基督教與中國社會變遷* (Hong Kong: Chinese Christian Literature Council, 1981), esp. 163.

¹⁵ Earlier on June 22, Wang the senior got a ladder and climbed on the wall, and saw hundreds of Boxers and Qing soldiers. He told his wife, who was a pregnant at the time, that it was only a matter of time before the Boxers would get in and massacre them. In Lu Wantian's (鹿完天) *A Brief Account of Beijing Incident of 1900 (庚子北京事變紀略)*, Lu recorded that about 4 p.m., while he was talking with Cao Yonggui (曹詠歸), the manager of Tongren Hospital, he saw Wang passing by, and Wang told Lu, "Haste. We will all die today!" Lu and Cao then said to Wang, "Don't you believe in God? The Scripture said, 'Those who kill your body, cannot kill your spirit.' Have you forget [sic] this? By saying such words, you are not only confused

ونگ که در جنگ و آشفتگی اجتماعی به دنیا آمده بود، در فضای مرگ و رنج بزرگ شد. این موضوع باعث شد که ونگ با وجود اینکه تنها شش سال بیشتر نداشت، به دنبال راههایی به حیات ابدی بگردد.^{۱۶} پیش از آنکه ونگ توسط مدرسه ابتدایی کوئی ون (萃文初等小) در سن نه سالگی به جامعه میسیونری لندن اعزام شود، توسط مادرش با کتاب مقدس و آثار کلاسیک کنفوسیوسی بزرگ شد. ونگ در ۱۲ سالگی به دبیرستان رفت و از طریق دوست بزرگتر خود به ایمان مسیحی جذب شد.^{۱۷} ونگ در ۱۹۱۴ در عید پاک در کلیسای کوچک LMS از طریق پاشیدن آب، تعمید گرفت.

ونگ ابتدا در صدد بود که یک حرفه ی سیاسی را دنبال کند و می خواست «لینکون چین» شود تا از طریق اصلاحات سیاسی و اقتصادی مردمش را نجات دهد.^{۱۸} اما این آرزوی او به خاطر مریضی شدیدی که در مارس ۱۹۱۸ مبتلا شد، فروکش کرد. از این گذشته، ونگ یک سال بعد توسط دانشگاه متودئیست پکن رد شد. ونگ به توصیه یک دوست، در یک دبیرستان پرزبیتری در بائودینگ در استان هبی تحصیل کرد. در سال ۱۹۲۰ که ونگ با «فساد تاریک» در موسسات میسیونری سرخورده شده بود، «بی قید و شرط و مطیعانه دعوت خدا را پذیرفت» و زندگی اش را آنچنان وقف کرد که خادم کلام خدا شود.^{۱۹} ونگ با مطالعه دقیق کتاب مقدس، به این نتیجه رسید که شیوه تعمید کتاب مقدسی از طریق غوطه ور شدن است.^{۲۰} این برخلاف تعالیم پرزبیتری بود، و از اینرو، ونگ به همراه پنج دانش آموز دیگر که همفکر با او بودند در ۴ ژانویه ۱۹۲۱ اخراج شدند. دو روز بعد، این شش مرد جوان توسط یک مبشرِ ماموریتِ ایمانِ رسولی از فرقه پنطیکاستی به نام ژو دینگچن (朱

about your God, but also trouble the others. Be careful from now on, don't speak in haste." About an hour later, it was reported that Wang hanged himself. (Lu, *A Brief Account of Beijing Incident of 1900* [Shenzhou Guoguang Publisher, 1951], 404–405). In Lu's account, he dated Wang's suicide on May 26 by the Lunar calendar, which was June 22 by the Gregorian-solar calendar.

Also see Wang Mingdao, "火裏抽出來的一根柴 (A Brand Plucked from the Fire)," *靈食季刊 Spiritual Food Quarterly* 86 (Summer 1948): 22. Beginning in May 1948, Wang Mingdao started to write his testimonies on papers donated by a young Christian the year before. After completing and publishing the first chapter, "A Brand Plucked from the Fire," in *Spiritual Food Quarterly* in the summer of 1948, he continued this work until 1950, after the seventh chapter had been published. With an article about his mother, written in the winter of 1947, Wang published his autobiography, entitling it *After Fifty Years* (五十年來 [wu shi nian lai]). For Wang's understanding of writing an autobiography, see Wang Mingdao, "Preface," *After Fifty Years* (Beijing: Spiritual Food Quarterly Special Publications, 1950), 1–8. This book has been digitalized and may be accessed in Chinese for free through Wells of Grace: <http://www.wellssofar.com/messages/wmd/50years/index.htm> (accessed on July 25, 2015).

¹⁶ Wang recorded in his autobiography, "Since my youth, not only did I like to read, I also like to think about various matters in this world. What troubled me the most were questions like 'What does it mean to live? Where will men go? Is there anything after death?' ... I want to seek a way for life... I have an uncle, who was my mother's elder brother. He is an honest elder... Once I asked him, 'Uncle, is there any way for me to not die?' 'Yes,' he answered. Such an answer brought me endless hope and comfort... He told me that the way for eternal life is to enter the mountains and seek Tao [lit., "path, way"], by separating oneself from the world, giving up all fame and gain, forbidding any kinds of enjoyment, sitting in meditations, drinking dew of the grass, and eating magical herbs found in the mountains. Long enough as I discipline myself, one day I may become immortal, then I will live forever. After I heard this, I was extremely joyful... It was my hope then to quickly grow up, so I could enter the mountains and seek the Tao of eternal life" (Wang, "A Brand Plucked from the Fire," 25).

¹⁷ Wang recalled that his friend "brought me to know God, and taught me how to fear God; he also led me in prayers, scriptural readings, daily introspection, and journaling. At first he gave me a book edited by Mr. Xie Honglai [or H. L. Zia 謝洪賚 (1873–1916)], entitled *An Aid to Devotions* [修學一助]. After reading it, I found great helps, so continued buying and reading other books wrote [sic] or translated by Mr. Xie" (Wang, "A Brand Plucked from the Fire," 30). On Xie, see China Group, "Xie Hong Lai," *A Dictionary of Asian Christianity*, ed. Scott W. Sunquist (Grand Rapids: Eerdmans, 2001), 912. Along with Wang Hung Lam, Yu argued that ever since Wang's youth, "Wang's strict lifestyle can be attributed to the deep impact Xie had on his life, because Wang sought to live a very practical Christian existence" (Yu, "Aspects of the Emergence," 85. Cf. Lam, *Wang Mingdao and the Chinese Church* 王明道與中國教會 [Hong Kong: China Graduate School of Theology, 1982], 16, 23).

¹⁸ Wang Mingdao, "Set Me Apart Before I was Born (從母腹裏分別出來)," *Spiritual Food Quarterly* 87 (September 1948): 23. Cf. Cook, "Wang Mingdao and the Evolution of Contextualized Chinese Churches," 213–214.

¹⁹ Wang, "Set Me Apart Before I was Born," 33.

²⁰ Wang stated, "According to the Bible, we only baptize people in immersion, and will not use any other form under any circumstances. In the Scripture, there is nothing about pouring water over people's head. The Greek word *baptize* means 'being immersed in water.' ... We do not believe one needs baptism in order to be saved, since baptism and salvation is not relevant [sic]. Rather, baptism is an integrant step of obedience for all who have been saved" (Wang, "Overseers of all the Flock 作全羣的監督," *Spiritual Food Quarterly* 92 [December 1949], 32).

鼎臣) زیر پلی در خارج از دیوارهای شهر بائودینگ تعمیم گرفتند.²¹ متعاقباً، ونگ با از دست دادن شغلش، نه تنها درآمد مالی ثابت را از دست داد، بلکه فرصت تحصیل الهیات در انگلستان را نیز از دست داد. ونگ به پکن برگشت و با مادرش زندگی کرد. ونگ برای چهار سال بعدی کتاب مقدس را به دقت مطالعه کرد، و گاه‌ها در روستاهای اطراف پکن موعظه می‌کرد. توماس آلان هاروی به طرز قابل توجهی ذکر کرد که این فعالیت دو چیز را برای ونگ به همراه داشت. «ونگ را از پیوستگی با میسیونریهای غربی جدا ساخت و از اینرو اجازه داد که او پیامی را ارائه دهد که با مخاطبین چینی همساز باشد، حتی اگر برخی از غربی‌ها را دلخور ساخت» و همچنین «صلح طلبی و تعمیم دوباره ی ونگ، او را سوق داد به اینکه طرز اداره به شیوه‌های جماعتی را بپذیرد.»²² جماعت ونگ با کلیساشناسی ای شبه باپتستی، در تعداد فزونی یافت، و سر انجام در سال ۱۹۳۷ کلیسای خیمه مسیحی بنا شد.²³ سه خدمت عمده ی انجیلی ونگ عبارت بود از: خدمت شبانی، موعظه، و غذای روحانی فصلی‌اش. ونگ بیش از سی سال قاصد وفادار انجیل فیض بود و نبی‌ای بود که بر ضد تعلیم غلط و دنیوی موعظه می‌کرد. کلیسای خیمه مسیحی نیز مدلی برای کلیساهای پروتستان محافظه کار در سرتاسر چین در آمد.

با این شرح اجمالی، اکنون به مقوله ی فرهنگ می‌رسیم.

۲. بازنگری فرهنگ

به نظر می‌رسد که اصطلاح فرهنگ برای بسیاری از انسان‌شناسان، فلاسفه، الهیدانان و غیره مشکل‌ساز باشد، زیرا هیچ‌یک از تعاریف کنونی

²¹ Wang Mingdao, "Went Through Fire and Water to a Place of Abundance (經過水火到豐富之地)," *Spiritual Food Quarterly* 88 (December 1948): 25. In his journal on January 6, Wang wrote, "Heavenly Father, today your servant has obeyed your will, imitated the example of my Lord Christ, received baptism and classified into the death of my Lord, so may rise up again with my Lord. I also sincerely believe that my old self has been submerged in the water; my sins are forgiven; my heart received peace; my body and soul has been purchased by the precious blood of my Lord. All what I have in flesh and heart is no longer mine, but all belong to my heavenly Father. May my heavenly Father's will be done in my life. Sincerely I prayed" (Wang, "Went Through Fire and Water to a Place of Abundance," 25). The Mr. Zhu who baptized Wang was originally a coal merchant, and due to his zeal for the gospel, he became a vocational preacher of a small Pentecostal church in Beijing. (See Wang, "Went Through Fire and Water to a Place of Abundance," 25.) Though Wang was persuaded by Mr. Zhu to seek the "spiritual baptism" of speaking in tongues, after carefully studying the Scripture, Wang questioned and rejected Charismatism, as well as the Sabbatarian teachings of the Seventh-Day Adventists by 1925. In *Wang Ming Tao and Charismatism*, Timothy Tow translated part of Wang's "Went Through Fire and Water to a Place of Abundance" and Wang's article "Charismatism in the Light of the Bible." (Timothy Tow, *Wang Ming Tao and Charismatism* [Singapore: Christian Life Publishers, 1989].)

²² Harvey, "Challenging Heaven's Mandate," 23–24. Cf. Cook, "Wang Mingdao and the Evolution of Contextualized Chinese Churches," 215–217.

²³ By the end of 1978, after the fall of the "Gang of Four" and the end of the Cultural Revolution, a movement to "redress unjust, false and wrong cases" was proposed by Deng Xiaoping, and later administered by the Chinese Communist government. Under such policy, over thirty-two thousand falsely accused prisoners were released and their reputations and civil rights were restored. After Wang's release, his case was not handled, nor was his "antirevolutionary" accusation recanted. Thus, around 1982 or 1983, Wang began to write letters to Jiang Hua (1907–1999), the then-president of the Supreme People's Court of China, though none of these letters were sent out. In one of his letters addressing the wrongness of the government's religious persecution toward Christianity, Wang wrote, "In comparison to three years ago, there has been great change of expressions of opinions in news, and political policies in the recent two to three years, of which I joyfully celebrate. Recently, both the CPC and central government have redressed many false and wrong cases. However, most unfortunately, cases in regard to the false accusations of many Christian churches (including Roman Catholic, Baptist, and Protestant Churches) have been set aside, and delayed in redressing. Mine is one of the greatest case [sic] of injustice among Chinese churches" (quoted in Fuk Tsang Ying, "Introduction: Wang Mingdao's 'Posthumous Manuscript of Redressment'" and in *Wang Mingdao's Last Confession 王明道的最後自白*, ed., Fuk Tsang Ying [Hong Kong: Logos, 2013], 19, 117). Interestingly, Wang, in his categorization of churches, singled out Baptist from other Protestant churches. Ecclesiologically, Wang emphasized (1) regenerated church membership, as reflected by his strict membership policy (*i.e.* baptized persons should be checked and approved in Christian living and commitment for one to two years prior to joining in membership); (2) believer's baptism by immersion; (3) congregational polity (*e.g.*, when Wang was asked by the Communist government to join the ecumenical TSPM, Wang brought the matter to his church, and was asked by the church to refuse such an offer); (4) local church autonomy; and (5) religious freedom. (For more on the Baptist distinctive, see Anthony L. Chute, Nathan A. Finn, and Michael A. G. Haykin, *The Baptist Story: From English Sect to Global Movement* [Nashville, TN: B&H, 2015], 325–346). Cf. Wang, "Overseers of All the Flock," 32–37.

مورد نقد قرار نمی‌گیرد.^{۲۴} فرهنگ از نظر نیبوه:ر:

... «محیط ثانویه و مصنوعی» است که انسان بر محیط طبیعی می‌افزاید. فرهنگ دربردارنده ی زبان، عادات، ایده ها، عقاید، رسومات، سازمانهای اجتماعی، آثار تصنعی موروثی، فرآیندهای فنی، و ارزشهاست. این «میراث اجتماعی»، این «واقعیت منحصر بفرد»، که نویسندگان عهد جدید مکرراً در هنگام صحبت از «جهان»، در ذهن داشتند که به شکلهای بسیاری نمایان می‌شود اما مسیحیان همچون دیگر آدمیان ناگزیراً تابع آن هستند، چیزی است که ما در صحبت از فرهنگ منظور داریم.^{۲۵}

باری هاروی که از تعریف نیبوه راضی نبود، تکامل تغییرات در تعریف فرهنگ را بررسی کرد، و به طور خلاصه بیان کرد که سه معنای ضمنی از «فرهنگ» وجود دارد: «فرآیند کلی رشد عقلانی، روحانی و زیبایی شناختی، روش مخصوص زندگی یک مردم، و فعالیت و تولید هنری.»^{۲۶} اما حتی اظهارات هاروی نیز خیلی نظری است.

ما مسیحیان درک می‌کنیم که هر فرهنگی آغازی دارد، و اینکه در طول تاریخ توسعه و تکامل یافته است. در عین حال، همچنین می‌فهمیم که برای فرهنگ و تمدن بشری پایانی وجود دارد. از این گذشته، همچنین مشاهده می‌کنیم که فرهنگ جاری می‌شود و تغییر می‌کند، گاهی اوقات این تغییر خیلی سریع صورت می‌گیرد. در اینجا قصدمان این نیست که فرهنگ را تعریف کنیم؛ پرسش اصلیمان درباره تاثیر گذاشتن بر فرهنگ یا تغییر دادن فرهنگ است. آیا فرهنگ می‌تواند ارزیابی یا نقد شود، و چطور یک فرهنگ خاص می‌تواند تغییر کند یا بر آن تاثیر گذاشت؟ منتقد باسواد معاصر به نام تری ایگلتون به پرسش اول، پاسخ منفی می‌دهد، چرا که باور داشت:

فرهنگ هم موقتی است و هم ابدی، هم خط مشی اجتماعی است و هم ترویج شخصی است، هم فرآیند نیل به کمال است و هم خود حالت کمال است. باید درک شود که فرهنگ در درجه اول، سبک عملی زندگی نیست، بلکه «عملی درونی» یا حالت تعمقی ذهن است. فرهنگ، «کمال انسانی را در وضعیتی درونی» قرار می‌دهد... فرهنگ را نمی‌توان به صراحت تعریف کرد چرا که ماهیت آن ورای جزئی مشخص است. فضای تهی اش در تناسب مستقیم با اقتدارش است. از آنجایی که فرهنگ نمی‌تواند به روشنی تعریف شود، نقد هم نمی‌تواند بشود.^{۲۷}

جیمز هانتز به طرز مشابهی نظر ایگلتون درباره طبیعت فرهنگ را تایید کرد و بیان کرد، «جوهره ی فرهنگ در قلب و ذهن افراد یافت می‌شود – که در آنجا «ارزش» نامیده می‌شود.»^{۲۸} علاوه بر این، هانتز با نقل قول از چاک کولسون اشاره می‌کند که «قدرت واقعی اهرم برای تغییر فرهنگی از دگرگون کردن عادات و خلق و خوی مردم عادی پدید می‌آید»^{۲۹} اما دیدگاه منفی ایگلتون نسبت به تلاش برای نقد فرهنگ، از دیدگاه کتاب مقدسی قابل توجیه نیست. کارل اف. اچ خاطر نشان می‌کند که

اگر فرهنگ به عنوان دستیابی جمعی نوع انسانی تعریف شود، آنگاه مسیحیت در پرتو مکاشفه و خواسته الهی باید به طور مخالف، تماش را مورد قضاوت قرار دهد، زیرا مسیحیت، تمام فرهنگ، خرده فرهنگ و خلاف فرهنگ – حتی آنچه که مورد قبول فرهنگ

²⁴ See Roger Scruton, *An Intelligent Person's Guide to Modern Culture* (South Bend, IN: St. Augustine's Press, 2000). Scruton distinguished high culture from popular culture. In his annotated bibliography, Scruton evaluated each book on culture. Also see T. S. Eliot, *Notes Towards Definition of Culture* (London: Bloomsbury House, 1948). Cf. Christopher Dawson, *Religion and Culture* (Washington, DC: The Catholic University of America Press, 1948), 35–48.

²⁵ H. Richard Niebuhr, *Christ and Culture* (New York: Harper Colophon Books, 1951), 32.

²⁶ Barry Harvey, "Accounting for Difference: Dietrich Bonhoeffer's Contribution to a Theological Critique of Culture" in *Mysteries in the Theology of Dietrich Bonhoeffer: A Copenhagen Bonhoeffer Symposium*, eds. Kirsten Busch Nielsen, Ulrik Nissen and Christiane Tietz (Copenhagen: Vandenhoeck & Ruprecht, 2007), 82–92, 93.

²⁷ Terry Eagleton, *Culture and the Death of God* (New Haven, CT: Yale University Press, 2014), 124, 125.

²⁸ James Davison Hunter, *To Change the World: The Irony, Tragedy, & Possibility of Christianity in the Late Modern World* (Oxford: Oxford University Press, 2010), 6. Italics are original.

²⁹ Hunter, *To Change the World*, 8. Italics are original. For a historical study of cultural changes, see Leora Auslander, *Cultural Revolutions: Everyday Life and Politics in Britain, North America, and France* (Berkeley, CA: University of California Press, 2009).

مسیحی قرار می‌گیرد - را بوسیله کلام خدا روشن می‌سازد. در عین حال که اسنادی به ما یادآوری می‌کند که ما باید «بر زمین جامعه ی تکنوالکترونیکی و خلاف فرهنگ به طور یکسان نمک بزنیم»، مسیحیت در عین حال اعلام می‌کند که یک جامعه ماندگار، یعنی ملکوت خدا، در کمال مطلوب در حیات کلیسا در جهان انتظار می‌رود. مسیحیت طرفدار ملکوت است تا اینکه صرفاً ضد فرهنگی باشد؛ بی دلیل نبود که عیسی شاگردانش را جهت داد که دعا کنند، «ملکوت تو بیاید».^{۳۰}

از این می‌فهمیم که دسته بندی‌های نیبوهر از لحاظ نظری، انتزاعی و منفعل است.^{۳۱} از این گذشته، می‌فهمیم که اقتدار نهایی در ارزیابی و نقدی فرهنگ، کلام الهام شده ی خداست. از لحاظ کلیسای مسیحی، ما «در عین حال که از فرهنگ بزرگتر متمایز هستیم، بخشی از آن نیز هستیم؛ مسیحیان بر فرهنگ تاثیر می‌گذارند، و برعکس».^{۳۲} اصولاً، همانطور که هنری تقریباً در پنجاه سال پیش خاطر نشان کرد، «سوال اساسی که در مناقشات فرهنگ مکرراً مطرح می‌شود این است: انسان برای چه روی زمین است؟»^{۳۳} این همچنین سوالی بود که ونگ مینگدائو لازم بود پاسخ دهد.

۳. ونگ مینگدائو در زمینه‌ها

به منظور بررسی الهیات محبوب ونگ مینگدائو، بهترین کار این است که چالشهایی را که شبان ونگ در اوایل قرن بیستم با آن روبرو شد، درک کنیم. از زمان اولین جنگ تریاک (۱۸۳۹-۱۸۴۲)، حکومت منچوری در لبه ی فروپاشی بود. تسلیم کردن قلمروها و پرداخت غرامت، نه تنها هزینه های سنگین مالی برای حکومت به بار آورد، بلکه همچنین زمینه ای را برای انقلابهای متعدد رعیتی فراهم کرد (به طور مثال، شورش تایپینگ (۱۸۵۰-۱۸۷۱)). در سال ۱۹۱۱ با موفقیت انقلاب مسلح یازدهم دکتر سان یات-سن (۱۸۶۶-۱۹۲۵)، امپراطور پوین شش ساله (۱۹۰۶-۱۹۶۷) مجبور شد که در سال ۱۹۱۲ کناره گیری کند. صلح به جمهوری تازه تاسیس چین نیامد. با مرگ اولین رئیس جمهور، یوان شیکای (۱۸۵۹-۱۹۱۶)، چین خودش را در یک دوره دوازده ساله ی جنگ سالاری دید.^{۳۴} همانطور که یک اصطلاح چینی می‌گوید که «قهرمانان در زمانهای دشوار ظهور می‌کنند»، بسیاری از زنان و مردان چینی تب و تاب داشتند که چطور میهن خود را نجات دهند. ونگ یکی از آن جوانان غیور بود.

اوایل قرن بیستم برای کلیساهای مسیحی هم هیجان آور بود و هم پر دردسر. پس از پایان شورش باکسر در ۱۹۰۱، کلیساهای چین احیای متعددی را تجربه کردند و خداوند به شمار آنها افزود.^{۳۵} با این وجود، کلیساها هنوز چالشهای بی سابقه ای را از جمعیت مردمی و همینطور از داخل کلیسا تجربه می‌کردند.

³⁰ Carl F. H. Henry, "What is Man on Earth for?" in *Quest for Reality: Christianity and the Counter Culture*, ed. Carl F. H. Henry (Downers Grove, IL: InterVarsity, 1973), 157.

³¹ Carson listed at least six criticisms for Niebuhr's divisions: (1) "any evaluation of a culture depends on a set of values"; (2) "from a Christian perspective, everything that is detached from the sheer centrality of God is an evil"; (3) "God in his 'common grace' pours our countless good things on all people everywhere"; (4) "as Christian revelation certainly insists that there are degrees of punishment meted out by a good God, we must assume that some cultural stances are more reprehensible than others"; (5) "many of the distinctions among Niebuhr's five patterns turn, at the end of the day, on one's assessment of how evil any culture is"; and (6) "human beings have a dismal propensity to corrupt good things, all good things." Carson, *Christ & Culture Revisited*, 73-74.

³² Carson, *Christ & Culture Revisited*, 75.

³³ Carl F. H. Henry, "What is Man on Earth for?" 155.

³⁴ For detailed studies on early Republican China, see Ernest P. Young, "Nationalism, Reform, and Republican Revolution: China in the Early Twentieth Century," in *Modern East Asia: Essays in Interpretation*, ed., James B. Crowley (New York: Harcourt, Brace & World, 1970), 151-179; and Mary Backus Rankin, "State and Society in Early Republican Politics, 1912-18," in *Reappraising Republican China*, eds., Frederic Wakeman, Jr. and Richard Louis Edmonds (Oxford: Oxford University Press, 2000), 6-27.

³⁵ Lee Shiu Keung wrote, "In the early years of Protestant missions people were not optimistic about the future. In 1908, soon after the centenary of Morrison's arrival, Rev. [John] Steele recalled William Milne's estimate that one hundred years after the establishment of Protestant Missions in China there would be one thousand Protestant Christians, children included. 'The total number in 1907,' Steele stated, 'was reckoned at 750 times Milne's computation'" (Lee, *The Cross and the Lotus* [Hong Kong: The Christian Study Centre on Chinese Religion and Culture, 1971], 107).

با شکست دیپلماتیک حکومت جمهوری در کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹)، و واگذاری مستعمره‌های آلمانی شمال چین به ژاپن، هزاران دانشجو در پکن در جلوی میدان تیانانمن تظاهرات به پا کردند. با گسترش جنبش چهارم می، «جنبش فرهنگ جدید» پدیدار شد که بعداً توسط دانشجویان و اساتید طرفدار مارکسیسم رهبری شد. دانشجویان خیلی زود تیررس خود را تغییر دادند و مسیونرهای خارجی و مسیحیان چینی را نشانه گرفتند.^{۳۶} ونگ که با شبانان و الهیدانان لیبرال متفاوت بود، با تاکید گذاشتن بر خدمت انجیلی خودگران و بومی خود به این چالشها پاسخ داد. ونگ با موعظه‌ها و نوشته‌های خود هم‌آهنگ با هم‌تایان بنیادگرای خود از اتحادیه کتاب مقدس چین، بر تقدم کتاب مقدس تاکید کرد.^{۳۷}

در این حین، کلیساهای مسیحی از سوی حکومت نیز با فشار مواجهه می‌شدند. اگرچه بسیاری از جنگ‌سالارهای جمهوری خواه و مقامات ادعا کردند که مسیحی هستند، پیش از سال ۱۹۲۸، چین تحت همین حکومت مرکزی متحد نبود. از این گذشته، از آنجاییکه چین از سال ۱۹۳۱ با ژاپن در جنگ بود (منظور، جنگ محلی است؛ جنگ کشوری در سال ۱۹۳۷ آغاز شد)، اکثر شمال و مرکز چین تحت اشغال سپاهیان ژاپنی بود. در دهه ۳۰ میلادی، دولت ژاپنی «تلاشهایش را زیاد کرد تا مذاهب ژاپنی، و مسیحیت را تحت کنترل خود در بیاورد.»^{۳۸} این بخشی از تلاش دولت شد که «مردم ژاپن را در حمایت از جنگ بسیج کند»، زیرا آنها درخواست کردند که مذاهب در «یک کمپین بسیج روحانی شرکت داده شود.»^{۳۹} ونگ مینگدائو و جماعت او در میان آنهایی بودند که دولت ژاپن در صدد کنترلشان بود.^{۴۰} اگرچه مورد تهدید واقع

³⁶ In April 1922, a second wave of the May-Fourth Movement occurred, as groups of students from both Shanghai and Beijing protested against Tsinghua University's hosting of the eleventh World's Student Christian Federation Conference. In August 1924, another wave of anti-Christian movement was formed in Shanghai, with the support of the newly formed Kuomintang, in league with the Communist Party of China. When the May Thirtieth Incident happened in 1925, this anti-imperialism movement became a comprehensive anti-Christian movement attacking all Christian enterprises and all who propagate the Christian religion. See Jonathan T'ien-en Chao, "The Chinese Indigenous Church Movement, 1919-1927: A Protestant Response to the Anti-Christian Movements in Modern China" (PhD diss., University of Pennsylvania, 1986), 101-146; and Paul A. Cohen, *History in Three Keys: The Boxers as Event, Experience, and Myth* (New York: Columbia University Press, 1997).

³⁷ On Wang's hermeneutics, see Tseng, "Bathsheba as an Object Lesson," 56; and John Y. H. Yieh, "Cultural Reading of the Bible: Some Chinese Christian Cases," in *Text & Experience: Towards a Cultural Exegesis of the Bible*, ed. Daniel Smith-Christopher (Sheffield, England: Sheffield Academic, 1995), 143-144.

³⁸ A. Hamish Ion, "The Cross Under an Imperial Sun: Imperialism, Nationalism, and Japanese Christianity, 1895-1945," in *Handbooks of Christianity in Japan*, ed. Mark R. Mullins (Leiden, Germany; Boston, MA: Brill, 2003), 88.

³⁹ Ion, "The Cross under an Imperial Sun," 88. However, the Japanese government's pressure was not without opposition. Yanaihara Tadao (1893-1961), a Japanese non-church leader, understood that Japanese Christianity (*Nipponteki Kirisutokyō*) in essence means, "Japan would become a genuine peace-loving Christian country while maintaining its unique cultural tradition and the basic political structure of the imperial system." (Ion, "The Cross Under an Imperial Sun," 89) However, since the late 1930s, strong militarism and authoritarianism had risen in Japan, so that the meaning of *Nipponteki Kirisutokyō* was being reinterpreted to support Japan's invasion. With his "consistency in seeking to invest the Japanese empire with an 'idea' towards which colonial policy should strive," Yanaihara, then the chair of colonial policy at Tokyo Imperial University, resigned in 1937 soon after the Marco Polo Bridge Incident, since he was "well placed both to condemn the sufferings of indigenous peoples under Japanese rule and to recommend reforms for their alleviation" (Susan C. Townsend, *Yanaihara Tadao and Japanese Colonial Policy: Redeeming Empire* [Richmond, England: Curzon, 2000], 5). Also see Andrew E. Barshay, "Japan for the World," in *Living for Jesus and Japan: The Social and Theological Thought of Uchimura Kanzō*, eds. Shibuya Hiroshi and Chiba Shin (Grand Rapids: Eerdmans, 2013), 21-35; Yagyū Kunichika, "Prophetic Nationalism: Uchimura Between God and Japan," in *Living for Jesus and Japan*, 69-92.

⁴⁰ On October 15, 1942, the ecumenical "Northern China United Christian Promotion Association" was founded with the sponsorship of the Japanese government to unify and organize the churches in the Beijing area. Almost all churches in Beijing joined the association, the only exception being Wang's Christian Tabernacle. See Fuk Tsang Ying, "Wang Mingdao and the Northern China United Christian Promotion Association: Case Studies of Christian resistance and cooperation of the occupied areas 王明道與華北中華基督教團—淪陷區教會人士抵抗與合作的個案研究," *Jian Dao* 17 (2002): 1-56; and Hu Weiqing, "The Northern China United Christian Promotion Association Studies 華北中華基督教團研究," *Journal of Chinese Humanities* 6 (2014): 128-147. In Wang's autobiography, he vividly recorded how he was invited to join the NCUCPA. However, he refused to join such an association, as Wang was convinced that "the church which thoroughly believes God's salvation should not cooperate with those who do not believe [i.e. the Liberals]." Also, Wang understood that if he joined such an association, it would be an overthrow of his teachings of the past 20 years, causing many Christians to stumble and fall. With many prayers, Wang wrote a letter to the leaders of the association in which he stated, "It is very hard to follow your invitation to join the NCUCPA from your last letter. I have noticed that the purpose of your association is to establish indigenous churches following the principles of self-governance, self-support, and self-propagation among churches, which was previously conducted by Western missionary societies. Since the Christian Tabernacle has always been a church of self-governance, self-support, and self-

می شدند، اما جماعت ونگ به مشیت الهی مستقل ماند. ونگ و افراد کلیسایش طبق اصل جدایی کلیسا و حکومت، تن ندادند که به هیچ سازمان حامی حکومت ملحق شوند.

علی رغم این موضوع، کلیساهای چین با پیشرفت الهیات لیبرال، از درون نیز رنج می برد. خیلی زود در سال ۱۸۷۰، اندیشه های لیبرال توسط میسیونرهای چون تیموتی ریچارد (۱۸۴۵-۱۹۱۹) به کلیساهای چین معرفی شد.^{۴۱} از طریق میسیونرها، سازمانهای لیبرال، و کارهای ترجمه شده ی الهیدانان لیبرال، الهیات لیبرال مخاطب وسیعی در چین داشت. تعالیم و طرز برخورد ونگ در خصوص این بدعت در سراسر خدمتش ثابت بود. ونگ بر این عقیده بود که به خاطر اینکه لیبرالها و نوگراها «تعالیم اساسی» را رد می کنند، آنها مسیحی نیستند، و اساساً با مسیحیان معتقد به کتاب مقدس فرق دارند که بنیادگرا نامیده می شوند.^{۴۲} ونگ در پایان نامه اش در سال ۱۹۵۵ به نام «ما به خاطر ایمان هستیم» بیان کرد:

من نمی توانم به این مردان (لیبرالهایی مثل ی. ت. وو، ت. س. چائو، و ...) که تعلیم راستین خداوند را مغشوش می سازند و کلیسای خداوند را تباه می سازند، نگاه کنم و در عین حال نخواهم که هرچیزی را که دارم، در ستیز با آنان به سمتشان پرت کنم. حدود سی سال با آنها جنگیده ام و اگر خداوند آمدنش را به تاخیر بیاندازد، با قوت مقتدرانه ی رستاخیزش به جنگ با آنان ادامه خواهم داد.^{۴۳}

از نظر ونگ، مبارزه اش پس از ۱۹۵۰ در درجه اول با رژیم کمونیست نبود، بلکه جنگی ادامه دار با لیبرالیسم بود.

۴. ونگ مینگدائو بر فرهنگ

با بررسی زندگی ونگ مینگدائو و ترسیم پیش زمینه های تاریخی و الهیاتی او، اکنون به الهیات ونگ می رسمیم و اظهارات مختلفی را در

propagate [sic] since its beginning, so there will be no need for us to join your association. Also, since your association is composed by several churches of different beliefs, and our church is purely conservative in doctrinal confession, it will be very difficult to unite on the doctrinal level...” Shortly after, on October 9, Wang was visited by a Japanese official Kōno Shizushi 河田静士 and was asked to meet the Asia Development Board official Takeda Hikari 武田熙 at the Japanese Military Police station on October 10. At the meeting, Wang was threatened, yet in his answer Wang replied, “For the sake of obeying the God I serve, and keeping the truth I am convinced, I shall not obey orders from man which are against God’s will. I have been ready to sacrifice and pay any price for my conviction, of which I will not change. It is impossible for me and the church I pastor to join the association.” Afterwards, Takeda arose and shook hands with Wang in a respectful manner and let Wang go home. For Wang, “by God’s protection, I have victory in this conversation” (Wang, *After Fifty Years*, <http://www.wellsofgrace.com/messages/wmd/50years/index.htm> [accessed on September 11, 2015]). Japanese scholar Matsutani Yosuke, in his recently published article explored the fact that prior to Wang’s struggle with the NCUCPA, professor Yanaihara Tadao had visited Wang on both July 26 and 27, 1942. According to Yanaihara’s journal, on July 26, he went and visited Wang’s Christian Tabernacle, and Wang came and visited him the next day. It was also recorded that Yanaihara had provided Wang’s traveling cost as a resolution. Yanaihara had a very high view of Wang, as he called Wang the “Kanzō Uchimura 内村鑑三 (1861–1930) and Fujii Takeshi 藤井武 (1888–1930) of China” —the founders and early leaders of the Japanese Non-Church Movement (*Mukyōkai*). (Matsutani, “Yanaihara Tadao and China,” 97–123.) Arguably, Yanaihara’s visit might have indirectly influenced the Japanese militant authority’s attitude toward Wang.

⁴¹ In 1921, after touring in China, Welsh Anglican Fundamentalist W. H. Griffith Thomas (1861–1924) wrote an article lamenting the liberal influence in China, saying that “the trouble was far earlier than the present time and had existed for several years.” (Thomas, “Modernism in China,” in *Modernism and Foreign Missions: Two Fundamentalist Protests*, ed. Joel A. Carpenter (New York; London: Garland, 1988), 633.) On Richard’s Liberalism and influence, see Cuiwei Yang, “Liberal Theology in the Late Qing China: The Case of Timothy Richard” (PhD diss., University of Ottawa, 2014) and Eunice V. Johnson, *Timothy Richard’s Vision: Education and Reform in China, 1880–1910*, ed. Carol Lee Hamrin (Eugene, OR: Pickwick, 2014).

⁴² In the last issue of Wang’s *Spiritual Food Quarterly* (June 1955), Wang published his most systematic and comprehensive criticism of Liberal Theology, by quoting, analyzing and criticizing writings of leading Chinese Liberals. Frank W. Price in his translation of this essay, made the title in English “We—For the Sake of Faith.” Though such translation kept the original meaning, it failed to translate the Chinese character “是,” which literally means “to be,” or functions as a syntactic marker for emphasis. Thus, I propose to translate it as “We are for the faith.” Wang Mingdao, “We—For the Sake of Faith,” translated by Frank W. Price, *Missionary Research Library Occasional Bulletin* 7.3 (1956): 2.

⁴³ Price, trans., “We—For the Sake of Faith,” 7.

خصوص نگرش ونگ به فرهنگ و شکوفایی بشری بیرون می کشیم.

نخست اینکه، مغز الهیات ونگ، اقتدار و خطاناپذیری کتاب مقدس بود. همانطور که در شرح مختصر بیوگرافی او ذکر کردیم، ونگ هیچ تحصیلات خدمتی رسمی نداشت. از نظر او، کتاب مقدس برای رشد روحانی و خدمت او ضروری بود. ونگ نه تنها از کتاب مقدس موعظه کرد و از خطاناپذیری و اقتدار کتاب مقدس دفاع کرد، بلکه همچنین زندگی اش را بر پایه ی کتاب مقدس بنا نهاد. به طور مثال، در سال ۱۹۵۶، یک سال پس از اولین باری که ونگ زندانی شد، او تحت فشارهای فیزیکی و روانی، «اعتراف نامه ای» را امضا کرد که در ابتدای آن بیان کرد، «من یک خلافکار ضد انقلابی هستم.»^{۴۴} ونگ در سرتاسر پرونده بیان کرد که چطور از لحاظ سیاسی نادان بود. «من به بهانه ی اختلافات الهیاتی، همیشه ایمانداران را بر علیه بی ایمانان، و بر علیه دولت تحریک می کردم، و ضدیت ایجاد می کردم.»^{۴۵} ونگ پس از آنکه این پرونده را علناً خواند، آزاد شد. اما از وجدانش آزاد نشد، زیرا بر این عقیده بود که به خداوند خود خیانت کرده بود. چندین بار، ونگ وسوسه شد که خودکشی کند، و شاهدان بسیاری ثبت کردند که چطور ونگ در خیابان راه رفته و سوگواری می کرد، «نام من پطرس است؛ نام من پطرس است. من خداوند را انکار کرده ام.»^{۴۶} از طریق خواندن میکاه ۷:۷-۹ بود که ونگ احساس امید کرد و در ایمانش احیا شد.^{۴۷} سپس ونگ و همسرش در سال ۱۹۵۸ دوباره بازداشت و زندانی شدند.

دوم اینکه، اصل حاکم ونگ در ساز و کار با دولتهای سکولار، جدایی کلیسا و حکومت بود. همانطور که دیده ایم، اگرچه ونگ در زمانی به سیاست علاقه مند بود، اما بعد از ایمان آوردن، اشتیاق شدیدش را از دست داده بود. ونگ در زندگی شخصی، خودش را خادم کلام خدا دید. از اینرو، تمام کارش موعظه ی کلام مصون از خطای خدا بود. از نظر ونگ، مشکلش با بلندپروازی سیاسی اش این بود که شهوت خودخواهانه برای شهرت و ثروت داشت.^{۴۸} از لحاظ کلیساشناسی، همانطور که پروفیسور لم اظهار کرد، ونگ، ماهیت کلیسا را به سه طریق توصیف کرد. نخست اینکه، کلیسا، اجتماع تولد تازه یافته ای است زیرا «متشکل از افرادی است که از نو مولود شده اند.»^{۴۹} ونگ به طور سفت و سخت، اعتقادش را به اجرا در آورد؛ او فقط کسانی را که حقیقتاً ایمان آورده و تعمید گرفته بودند را اجازه داد که اعضای جماعتش شوند. دوم اینکه، ونگ بر این باور بود که کلیسای خدا مقدس است، زیرا خدا مردمش را از دنیا جدا کرده بود. در اینجا، ونگ، اعتراف ارتدوکسی را باز تابانید که کلیسا، «کلیسای واحد رسولی و جامع است.» بر این مبنای، خیمه ی مسیحی ونگ انضباط را پیشه گرفت، و همینطور فاصله اش را از کمپهای لیبرال حفظ کرد. سوم اینکه، کلیسا عروس مسیح است. پروفیسور لم خاطر نشان کرد که این خصوصیت آخری مربوط به آخرت شناسی بود. کلیساشناسی ونگ به هیچ وجه رهبانی نبود؛ بلکه «یک کلیساشناسی بسیار عملی» بود.^{۵۰}

ونگ با درک ماهیت کلیسا، بر این عقیده بود که تنها وظیفه کلیسا نسبت به دنیا این بود که انجیل فیض را وعظ کند. ونگ در واکنش به انجیل اجتماعی گفت:

انجیل مسیح، برای اصلاح اجتماعی نیست، خصوصاً رسومات بد و شریانه اش، و نظامهای گوناگون ناقصش. انجیل برای مردم است تا بوسیله ایمان تولد تازه یابند، و خلقت تازه ای شوند. این انسان تازه به شباهت خداست، و از گناه نفرت دارد و نیکویی و قدوسیت را دوست می دارد. وقتی که این تغییرات درونی در شخص پدید آمد، تمام شرارتهای بیرونی نیز رفع خواهند شد. با مسیحی شدن حقیقی یک نفر، جامعه ما یک شهروند عالی بیشتر بدست خواهد آورد. اگرچه انجیل برای اصلاحات اجتماعی نیست، اما جامعه مسلماً با داشتن

⁴⁴ Wang Mingdao, "Wang Mingdao's 'Self-Examination'" in *Documents of the Three-Self Movement*, ed. Jones, 117. This document was later published in *Tian Feng*, the official journal of the TSPM on October 17, 1956.

⁴⁵ Wang, "Wang Mingdao's 'Self-Examination'," 118.

⁴⁶ See Ravi Zacharias, "Think Again," <http://rzim.org/just-thinking/think-again-6> (accessed on September 11, 2015).

⁴⁷ Harvey, *Acquainted with Grief*, 115–116. For a detailed record of this period of Wang's life, see Stephen C. H. Wang, *Another Forty Years 又四十年* (Scarborough, ON: Canada Gospel Publishing House, 1997), 139–164.

⁴⁸ Cf. Wang Mingdao, "Another Warning for Leaders in the Churches 再忠告教會中的領袖," *Spiritual Food Quarterly* 41 (Spring 1937): 13. On Wang's description of a pastor, see Wang, "The Necessary Characters of God's Labourer," *Spiritual Food Quarterly* 51 (Autumn 1939): 57.

⁴⁹ Wing-hung Lam, "Wang Mingdao's Theology of Conversion," in *Encounter between Christianity and Chinese Culture*, 35.

⁵⁰ Lam, "Wang Mingdao's Theology of Conversion," 36.

شهروندانی که به انجیل ایمان دارند، منفعت می برد. از طرف دیگر، وقتی که ما مروجین انجیل اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهیم، در می یابیم که آنها زبانا، اصلاحات و خدمات اجتماعی را وعظ می کنند، اما هنوز در حیات کهنه ی آدم زندگی می کنند، که شامل بی ایمانی، خودخواهی، شهوت برای ثروت و شهرت، نادرستی، حسادت، نفرت، و آلودگی است. آنها که هنوز خود را اصلاح نکرده اند (دانستن اینکه بدون انجیل و تولد تازه، راهی برای اصلاح شخص وجود ندارد)، پس چگونه می توانند جامعه را اصلاح کنند؟⁵¹

بنابراین، ونگ درک کرد که طریق «دخالیت کلیسا در فرهنگ» این است که همسایگان خود را بر پایه محبتی که خود به خدا دارد، دوست بدارد. ونگ با وعظ انجیل فیض، تباهی و فساد انسانها و جامعه شان را خاطر نشان کرد و در نقطه مقابل، فراباشندگی خدای مافوق طبیعه و محبت رهایی بخش او در پسرش عیسی مسیح را خاطر نشان کرد. تغییرات فردی مقدم بر اصلاحات اجتماعی است. از این گذشته، ونگ در واکنش به جنبش فرهنگ جدید، همچنین پسندید که از ترجمه ی جدید چینی کتاب مقدس به نام CUV استفاده کند که به زبان بومی نوشته شده بود. اگرچه ونگ کاملاً از انتخاب برخی از واژگان در ترجمه CUV راضی نبود، اما باور داشت که این ترجمه جدید، به آسانی قابل خواندن و درک است.⁵²

سوم اینکه، ونگ در تعالیم و نوشته های خود تاکید به زندگی مسیحی باتقوا در دنیا کرد. در ۹ فوریه ۱۹۳۴، ژنرال چیانگ کای-شیک (۱۸۸۷-۱۹۷۵) و سونگ می-لینگ (۱۸۹۷-۲۰۰۳)، جنبش حیات نو را با هدف «انقلابی کردن» زندگی چینی به راه انداختند. اگرچه در ظاهر به نظر می رسید که رهبران این جنبش به طور جدی به این اعتقاد راسخ چسبیده باشند که «کلید نجات ملی چین در فعالیت های بهداشتی برای زدودن عادات ناسالم جسم و ذهن مردم چین است»، اما جنبش در واقعیت، نسخه ی کومینتانگ از یک «انقلاب فرهنگی» برای چین بود.⁵³ نیت نهفته ی جنبش این بود که «بسیج سیاسی» را جایگزین بسیج اجتماعی کند، به عبارت دیگر جایگزینی تغییر انقلابی از پایه ... با تغییری حساب شده که از سطوح بالایی شروع می شود.⁵⁴ به عبارت دیگر، آرزوی جنبش این بود که سنت های کنفوسیوسی سنتی را برای زندگی مدرن دگرگون کند.

قابل توجه است که ونگ از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۶، مجموعه ای از مقالات تحت عنوان «ضروریاتی برای رفتار مسیحی در جهان» نوشت.⁵⁵ ونگ شاید جنبش حیات نو چیانگ را در ذهن نداشته باشد؛ اما با این وجود، رهنمودهای ونگ شبیه به رهنمودهایی بود که جنبش حیات نو ارائه داد، زیرا هم ونگ و هم جنبش حیات نو در صدد بودند که به زنان و مردان چینی بیاموزند که زندگی باتقوایی داشته باشند. اما رهنمودهای ونگ بر مبنای الهیاتش از تبدیل و تولد تازه بود. بنابراین، از نظر ونگ، آنچه که او ارائه کرد، قوانین نبودند، بلکه رهنمودها یا دستورالعمل بودند. این رهنمودها به منظور کمک به مسیحیان بود تا در دنیا بدرستی زندگی کنند.

چهارم اینکه، نگرش ونگ نسبت به رسانه های مردم پسند و هنری (یعنی فیلمها) بر پایه ی نگرانی اش برای زندگی مسیحی بود. ونگ در مقاله ای با عنوان «آیا مسیحیان می توانند فیلم تماشا کنند؟» نخست بین فیلم و تئاتر تمییز قائل شد. او بیان کرد که فیلمهای خوبی وجود داشتند که مسیحیان می توانستند نگاه کنند. با این حال، ونگ با مشاهده ی نوع فیلمهایی که در تئاتر در روزگار او اجرا می شد، دلیل آورد که

⁵¹ Wang Mingdao, "How Many Gospels There Are? 一共有幾個福音呢?," http://xbk.fuyin.tv/Books/PI_WMD/b5/Vol8/01.htm (accessed on September 29, 2016).

⁵² Wang wrote several articles in his *Spiritual Food Quarterly* criticizing some erroneous translations in the CUV (no. 40 [Winter 1936]: 84-89; no. 41 [Spring 1937]: 49-51; nos. 43-44 [Autumn/Winter 1937]: 44-53; no. 45 [Spring 1938]: 35-41; no. 46 [Summer 1938]: 63-67; no. 49 [Spring 1939]: 47-50).

⁵³ Arif Dirlik, "The Ideological Foundations of the New Life Movement: A Study in Counterrevolution," *The Journal of Asian Studies* 34.4 (1975): 945.

⁵⁴ Dirlik, "The Ideological Foundations of the New Life Movement," 947.

⁵⁵ *Spiritual Food Quarterly* n. 20 (Winter 1931): 63-66, on visitation; n. 21 (Spring 1932): 68-71, on conversation and correspondence; n. 22 (Summer 1932): 64-67, on attending a meeting, and debt and credit; n. 23 (Autumn 1932): 55-62, on being on time, clothing, the care of public property, hygiene, and courtesy; n. 24 (Winter 1932): 55-60, on avoiding arousing suspicion and inviting others for meals; n. 25 (Spring 1933): 58-64, on party attendance, table manner and etiquette; n. 26 (Summer 1933): 59-64, on keeping rules and receiving gifts; n. 27 (Autumn 1933): 61-65, on receiving guests and being a guest; n. 29 (Spring 1934): 55-64, on taking care of others and giving to the poor; n. 30 (Summer 1934): 61-67, on traveling; n. 31 (Autumn 1934): 71-74, on addressing a person; n. 32 (Winter 1934): 60-65, on avoiding snares; n. 33 (Spring 1935): 63-67, on public speaking; n. 34 (Summer 1935): 64-68, on attending weddings and funerals; n. 35 (Autumn 1935): 67-69, on treating others' children; n. 36 (Winter 1935): 59-63, on treating servants; n. 37 (Spring 1936): 65-70, on looking around, and keeping promises.

مسیحیان باید مواظب چیزهایی که می خواهند نگاه کنند باشند. اگرچه ونگ دلایل مختلفی آورد که چرا مسیحیان نباید به تئاتر بروند، اما ادعا کرد که آنانی که دنیا را دوست دارند، بهانه های دیگری برای رفتن پیدا می کنند.^{۵۶} ونگ برخلاف دیگران تمام رسانه های مردم پسند را رد نکرد. بلکه، او ضرورت ارزیابی هر جنبه از زندگی را در تطبیق با کتاب مقدس درک کرد.

در آخر، ونگ اهمیت اشتغال روزانه را درک کرد. ونگ وجود تضاد بین خدمات مقدس کلیسایی و مشاغل سکولار را رد کرد. به عبارت دیگر، هر شغلی به اندازه ی موعظه ی کلام خدا، حائز اهمیت و ارزشمند است. بنابراین، از نظر ونگ، نادرست است که صحبت از «سیاستمدار یا کاسب مسیحی» بکنیم؛ بلکه توصیف صحیح این طور است که او سیاست مدار یا کاسبی است که مسیحی است. ونگ اهمیت دعوت خدا را درک کرد؛ او از اینرو به جماعتش تعلیم داد که در آنچه که دعوت شده اند که انجام دهند، امین باشند. از این جهت، لیانگ شوهوئا اظهار کرد که ونگ با پیوریتن های انگلیسی قرن هفدهم در الهیات مربوط به کار، هم عقیده بود.^{۵۷}

۵. نتیجه گیری

ما با بررسی الهیات محبوب ونگ در زمینه های خودش، به این نتیجه می رسیم که دیدگاه ونگ مینگدائو درباره فرهنگ، صرفاً آنطور که برخی پژوهشگران اظهار کرده اند «پارادوکس مسیح و فرهنگ» نیست. بلکه تا اندازه ای پی بردیم که ونگ در بین مدل های «دو پادشاهی» و «دگرگون گرا» است، که بیشتر به اولی متمایل است. «دو پادشاهی بودن» بدین معناست که در الهیات ونگ نگرش منفعلی نسبت به تغییرات فرهنگی وجود دارد، که در باور او، از تباهی کامل ذات بشری و جامعه بشری ناشی می شود. در عین حال، ونگ همچنین توکل کامل به فیض عام خدا داشت، زیرا او جماعت خود را تشویق کرد که در شغل های خود وفادار باشند، و همچنین حکیمانه و با آداب معاشرت خوب زندگی کنند. از طرف دیگر، از آنجایی که ونگ احتمال اصلاح اجتماعی را رد نکرد و باور داشت که تبدیل و تولد تازه ی شخص مقدم بر تغییرات اجتماعی است، می توانیم بفهمیم که ونگ با «دگرگون گراها» عقاید مشترکی داشت.

در مقاله ای که اخیراً توسط ژورنال *First Thing* منتشر شد، چینی روشنفکری به نام یو جی، استدلال کرد که «آنچه [برای] کلیساهای شهری چین] نیاز است، الهیاتی سیاسی است که به جای اینکه کلیسا و حکومت را از هم جدا سازد، بر حاکمیت شریعت خدا تاکید کند.»^{۵۸} علاوه بر این، یو در نقل قول از بونهوفر استدلال کرد که «چینی ها باید دگرگونی عمیق روحانی ای را متقبل شوند تا آزادی و شأنی را که خدا به هنگام آفرینش آنان به صورت خود، به آنان ارزانی داده است، بازیابند. رسیدن به این هدف، مستلزم دور شدن از خود و نزدیک شدن به خداست.»^{۵۹} ما از مقاله ی یو، انحراف چشمگیر مسیحیان روشنفکر چینی معاصر را از بنیانگذاران جنبش کلیسای خانگی در می یابیم. قطعاً نکته ی یو درست است که کلیساهای چین نیاز دارند نسبت به تغییرات/دخالت های فرهنگی فاعلتر باشند. اما علی رغم این نکته، طرح پیشنهادی یو کلیساهای را در خصوص وظیفه ی اولیه شان مغشوش خواهد کرد. حتی با وجود اینکه الهیات محبوب ونگ مینگدائو خیلی تا کامل بودن فاصله دارد، اما با تطبیق درست، ونگ هنوز برای کلیساهای امروز به خصوص کلیساهای چین مفید است.

⁵⁶ Wang Mingdao, "Can Christians Watch Movies? 基督徒可以看電影麼?" *Spiritual Food Quarterly* 38 (1936): 52-60.

⁵⁷ See Liang Shouhua, "The Social Pragmatics of Transcendental Faith: Re-interpreting Wang Mingdao's Social Concerns 超然信仰的社會實效性：王明道社會觀念的再詮釋," <https://www.churchchina.org/archives/070105.html> (accessed on September 29, 2016).

⁵⁸ Yu Jie, "China's Christian Future," trans. H. C. Hsu, *First Things* 265 (August/September 2016): 52.

⁵⁹ Yu, "China's Christian Future," 53.

گرویدن به مسیحیت در میان روشنفکران چینی

نیک م. ترمپر

نیک م. ترمپر شبان مشارکت بین‌المللی انجیلی اصلاح شده در شهر دلفت در هلند است. او با مدرکی در بیولوژی در دانشگاه وگنینجن، و الهیات در دانشگاه اوترخت فارغ‌التحصیل شد. او جزء کادر مشارکت بین‌المللی دانش آموزان انجیلی و کالج کتاب مقدسی اصلاح شده بود، او همچنین به عنوان هماهنگ کننده‌ی کار ماموریت و روابط بین‌کلیسای اتحادیه‌ی ماموریت اصلاح شده در کلیسای پروتستان هلند برای اروپا و خاورمیانه خدمت کرد. او ازدواج کرده و صاحب پنج فرزند و هفت نوه است.

چکیده

کلیساهای چینی هم در سرزمین چین و هم در دیگر نقاط جهان رشد چشمگیر روحانی و تعدادی را در سه دهه گذشته نشان داده‌اند. به طور خاص، روشنفکران چینی به مسیحیت علاقه نشان می‌دهند. این مطالعه، دلایل گوناگون این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد. مسیحیت به عنوان سرمنشا مهمی برای تجدید ارزشها و اخلاقیات دیده می‌شود تا جامعه را در آسوی کمونیسیم و ماده‌گرایی بنا کند. دیگر فاکتورهای سومند در گرویدن روشنفکران چینی به ایمان مسیحی شامل محبت بلاشرط و طرز برخورد بخشنده‌ی دوستان مسیحی، تجربه‌ی بهبودی یا شفای معجزآسا، و نیز قدرت انجیل در تغییر زندگی در قالب حیات کلیسا می‌باشد. اما روشنفکران جوان چینی که در خارج از چین مسیحی شده‌اند و به چین باز می‌گردند، اغلب یک شوک معکوس فرهنگی را تجربه می‌کنند و به اعتقادات پیشین خود بر می‌گردند. این مطالعه، فاکتورهای اصلی در ایمان آوردن افراد را بررسی می‌کند و در مورد دوم، علل برگشت از مسیحیت را در میان چینی‌های تحصیل کرده مورد تحلیل قرار می‌دهد. این مقاله تأکید می‌کند که نیاز به اجتماع مسیحی با محبتی است که از دانشجویان خارجی، پژوهشگران، و تاجران استقبال کنند. همچنین این نیاز را نشان می‌دهد که آنانی را که به کشورشان بر می‌گردند، برای شوک معکوس فرهنگی آماده کنند.

۱. مقدمه – دلیل این مطالعه؟

۱.۱ روی آوردن روشنفکران چینی به ایمان مسیحی

هم در کشور اصلی ام، هلند، و هم در چین، بسیاری از مردان و زنان تحصیل کرده‌ی چین با پیش‌زمینه‌ی غیر مسیحی، به مسیحیت علاقه نشان می‌دهند. اشاره‌ی من به دانشجویان سطح کارشناسی ارشد و دکتری، یا پژوهشگران جوان و متخصصان کارآموده است. آنها به دعوت هم دانشگاهی‌ها، اعضای خانواده، یا دوستان خود، به جماعت‌های مسیحی می‌روند و دوره‌های آشنایی با ایمان مسیحی را طی می‌کنند. آنها اغلب ایمان آورده و تعمیم می‌یابند. ما شمار دقیقی از تعدادشان نداریم، اما این پدیده را نمی‌توان انکار کرد.^۱ من به عنوان شبان یک کلیسای بین‌المللی در دلفت خدمت می‌کنم، و آنجا ده دانشجوی چینی را دیدیم که در بین سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به مسیحیت روی آوردند. همین تعداد از دانشجویان و پژوهشگران چینی در دانشگاه تیلبرگ در چند سال گذشته مسیحی شدند. من در بررسی خود، پاسخهای اولیه به این سوال را کاوش کردم: «عوامل رایج در ده سال گذشته چه بوده که باعث شده چینی‌های با تحصیلات عالی از سبک زندگی‌ای که کاملاً با باورهای غیر مسیحی مشخص می‌شد جدا شده و به ایمان مسیحی و عضویت در کلیسای مسیحی روی بیاورند؟»

ابتدا عوامل برجسته را که در مقالات اخیر، مطالب خبری، و گزارشات مربوط به رشد کلیسا در چین اشاره شده‌اند، نگاه خواهیم کرد. سپس

¹ Caroline Fielder, "The Growth of the Protestant Church in China" (Paper presented at the 21st National Catholic China Conference, Seattle University, Seattle, June 24-26, 2006); Evan Osnos "Jesus in China: Christianity's rapid rise" *Tribune*, June 22 (2008): 1-4. Osnos highlights the rapid growth of the Christian church in the urban setting, and the interest of students and academics in Christianity.

این عوامل را با داستان‌هایی که در سفر پژوهشی اخیر به چین و داستان‌های ایمان آوردن روشنفکران چینی در شهر خودم یعنی دلفت جمع کرده ام، شرح خواهیم داد.

۱.۱ بازگشت به اعتقادات گذشته

شمار رو به افزایشی گزارشات از روشنفکران چینی مسیحی شده، که از ایمان خود برگشتند وجود دارد و این شمار خصوصاً در میان چینی‌هایی است که از غرب به کشور چین بازگشته‌اند. بدین منظور ضروری است به این پرسش دوم در این بررسی پاسخ داده شود: «چه نشانه‌هایی از یک جنیش معکوس داریم؟ دانشجویان و افراد با تحصیلات عالی از ایمان مسیحی و از کلیسای مسیحی روی گردان می‌شوند؟ چه عواملی آنان را به این قدم سوق داد؟»

پاسخ به این پرسش آسان نیست چرا که بررسی ما محدود به ده سال گذشته است. با این حال، ما به دنبال نشانه‌هایی از این موضوع می‌گردیم که پژوهش بیشتری را در آینده ترغیب کند.

۲. تغییرات بانفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه چین

این پاراگراف تغییراتی را در جامعه چین توصیف می‌کند که در علاقه عمومی به مسیحیت در میان روشنفکران چینی نقش داشته است.

۲.۱ رشد چشمگیر کلیسا

پس از آنکه حزب کمونیست در آغاز دهه ۸۰، آزادی بیشتری به نوسازی اجتماعی و اقتصادی داد، کلیساهای مسیحی در چین رشد چشمگیری را آغاز کردند. از زمانی که در سال ۱۹۴۹، کمونیست قدرت را در دست گرفت، مسیحیان پروتستان و کاتولیک رومی، و نیز پیروان دیگر مذاهب، با محدودیت‌ها، تبعیض، و جفا روبرو شدند. به خصوص در جریان انقلاب فرهنگی تشدید شد. سی سال بعد، وقتی که دنگ ژیاوپینگ رهبر حزب کمونیست شد، حکومت، ایدئولوژی حزب سوسیالیست را با پذیرش عملگرایانه‌ی شیوه‌های اقتصاد بازار ترکیب کرد. این منجر به آزادی بیشتر مذهبی شد. اصطلاح «Jidujiao Re» یا «تب مسیحی» (هم در معنای مثبت و هم منفی کلمه)، در توصیف رشد تعداد ایمانداران مسیحی در چین از سال ۱۹۸۰ بکار رفت.^۲

ارائه‌ی شاخص قابل اعتمادی از نرخ رشد و تعداد کل مسیحیان چینی حال حاضر، کار دشواری است.^۳ تخمین‌ها اختلافات زیادی با هم دارند، زیرا قابل درک است که عضویت کلیساهای خانگی نه ثبت شده است و نه عمومی شده است. بررسی‌های محافظه کارانه تر جمعیت مسیحی چین را امروزه ۶۰ میلیون نفر تخمین می‌زنند (شامل مسیحیان پروتستان و کاتولیک رومی)، اما بررسی‌های دیگر، تعدادشان را بیش از ۱۲۰ میلیون نفر تخمین می‌زنند (۸.۵٪ از کل جمعیت چین). به طور متوسط در یک روز یکشنبه، افرادی که در چین به کلیسا می‌روند، از تعداد افرادی که در کل اروپا به کلیسا می‌روند، بیشتر است.

۲.۲ روح آزادی در کسب و کار

مفهوم «آزادی» در چین پیچیده است، و اساساً به مفهوم استقلال از مداخله‌ی حکومت مربوط می‌شود. این موضوع در مفاهیم فلسفه‌ی تائوئیست، ژیاو یائو یو (逍遥游) اشاره شده است. چین تاریخ طولانی در رابطه با انواع حاکمان، امپراطورها، و حزب‌هایی که آزادی شخصی را محدود کردند، دارد. از زمان به قدرت رسیدن کمونیست در ۱۹۴۹، آزادی ادیان، وجدان، و آزادی بیان بسیار محدود شده است، چرا که وفاداری

² Fielder, "The Growth of the Protestant Church in China," 1.

³ Estimates indicate a 9% yearly growth of the number of Christians, while total population in China shows a growth rate of 0.6%. See also Tony Lambert, "Counting Christians in China: A Cautionary Report," *International Bulletin of Missionary Research*, 27/1 (2003), 6-10.

شخص به حزب کمونیست و «میهن پرستی» شخص ممکن بود زیر سوال برود.^۴ اما از دهه ۸۰، کمونیستها کم و بیش، اجازه ی اقتصاد آزاد بازار را داده اند و تشکیلات اقتصادی آزاد را ترغیب کرده اند. چین از آن زمان، یک بازیگر تنومند در اقتصاد جهانی شده است. نظام تک حزبی با روح بی خطر آزادی در کسب و کار هماهنگ شد. این ترکیب سفت و سخت برای دیگر بخشهای جامعه مثل مذاهب، دانشگاهها، موسسات پژوهشی علمی نیز قابل توجه بود. اگرچه آزادی کامل بیان و وجدان، محدود، و اغلب سرکوب می شود، اما «روح آزادی» در حال رشد است چرا که بسیاری از چینی ها در فرهنگ شهری در سراسر جهان به عنوان پیشه ورزان، تاجران، هنرمندان، و پژوهشگران در برنامه های مبادله دانشگاهی شرکت می کنند.^۵

۲.۳ تاجران از کلیسا حمایت می کنند

بسیاری از این متخصصان، مسیحیت را به عنوان یک هم پیمان در گسترش آزادی فردی و اجتماعی و دیگر ارزشهای اساسی انسانی تلقی می کنند. آنها از طریق کار یا مطالعه به جوامعی بر می خورند که تا حد زیادی تحت تاثیر تفکر مسیحی قرار گرفته اند. آنها اغلب در راه اندازی نوعی از کلیسای شهری غیر سنتی، کاریزماتیک، و آزاد، سومند هستند.^۶ این کلیساها در مقایسه با کلیساهای مستقل روستایی محافظه کارتر و منزوی تر، سبک متفاوتی را نشان می دهند، و به طور کامل در جامعه ی اطراف خود شرکت می کنند. از دهه ۹۰، کلیساهای مستقل در مناطق شهری بالاترین نرخ رشد مسیحیان را داشته اند.^۷ «مسیحیان به اصطلاح کارفرما» یکی از قابل توجه ترین پدیده ها در این رشد و توسعه است. متخصصان حرفه های گوناگون دارند نقشهای رهبری را در کلیساهای پروتستان چین بر عهده می گیرند.^۸ روزنامه نگار آمریکایی به نام اوان اوسنوس، نمونه ی ژن سنگتائو از ونژو، مدیرعامل گروه شنلی را نقل می کند. او شکاف روحانی عظیمی را در لمیدن کمونیست و برخاستن نظام سرمایه داری بدون اخلاقیات مشاهده کرد.^۹ بنابراین او کمپینی برای بیداری اخلاقی و برای احیای «نظام اعتماد» در میان هم دانشگاهی هایش به راه انداخت. این تاجران در کنار شبانان و مبشران، به عنوان بازیگران اصلی در رشد سریع کلیسا در چین ظاهر می شوند.^{۱۰}

۲.۴ نیاز به ارزشهای اخلاقی

ماده گرایی کمونیست از یک اطمینان ملی شکست خورده برخاست. در سال ۱۹۱۹ نخبگان اجتماعی، پژوهشگران، و دانشجویان برای «علم» و «دموکراسی» در جنبش ۴ می فراخوان دادند. اما، شمایل شکنی که با کنفوسیوس و دیگر مذاهب و نظامهای اخلاقی همراه شد، به ظهور کمونیست کمک کرد. عقیده ی میهن پرستی توسط کمونیستها اختراع نشد. تاریخچه ی تحقیر چین از اواخر قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دوم ادامه داشت، وقتی که چین تحت هجوم نیروهای مختلف جهانی از اروپا و ژاپن قرار گرفته بود. این وضعیت، زمین باروری را برای کمونیستها فراهم کرد تا ایده های فرهنگی و سیاسی را با هم در یک ملت-حکومت در آمیزند. اما تاکید دوباره ی کمونیست بر میهن پرستی، ارزشهای اخلاقی شخصی را برای جامعه فراهم نیاورد. بلکه راه را برای حذف خشونت آمیز هزاران (یا میلیونها) شهروند، به خصوص در جریان انقلاب

⁴ For further study on the Chinese church in the context of a communist society, see also Aiming Wang, "Church in China, Faith, Ethics, Structure: The Heritage of the Reformation for the Future of the Church in China" (Ph.D diss., European University Studies 890, 2009).

⁵ Evan Osnos, "Jesus in China: Christianity's rapid rise", 4. Osnos tells the story of pastor Jin Mingri, who founded Zion Church, Beijing. Most of the church members are highly educated – masters degree holders, PhD holders, and university professors. There are also executives, entrepreneurs and other professionals.

⁶ Evan Osnos, *Ibid.*, 6. See also Evan Osnos, "Jesus in China, Life on the edge", *Tribune*, June 24 (2008): 2.

⁷ For further research, see Kevin Xiyi Yao, "The Changing Face of the Protestant Church in China" *Mission Focus, Annual Review*, 13 (2005): 166-173. Yao states that urban house churches are the most dynamic sector in the Chinese church. They are characterized by their loyalty and respect of Biblical authority, with an emphasis on personal spiritual growth, and enthusiasm for mission.

⁸ For this development also consult Chen Cunfu and Huang Tianhai, "The emergence of a new type of Christians in China today" *Review of Religious Research* 46, 2 (2004): 183-200.

⁹ The affair of the poisoned milk powder is only one of the many cases.

¹⁰ See the role of "Boss-Christians" in supporting democratic leadership in the churches and mediating between church, government, and other non-Christian communities in Cunfu and Tianhai, "The emergence...", 195v.

فرهنگی صاف کرد.

هنگامی که حزب کمونیست راه را برای رشد اقتصادی باز گذاشت، ارزشهای کمونیست (نظیر کار، بنای جامعه، و میهن پرستی) با ارزشهای بازار (نظیر منفعت، بهره‌وری، توافق، و تعالی) ترکیب شدند. این عوامل موجب تغییرات بی‌شمار در جامعه چین شد، از قبیل: پروژه‌های ساختمانی عظیم، شهرهای با رشد سریع، محوطه‌های دانشگاهی بزرگ، و مناطق وسیع خرید با زنجیره‌های مُد مشهور جهانی. این تغییرات با فشارهای اجتماعی رو به رشدی همراه بودند و هنوز هم همراه هست. فشار مستمر برای دست‌یابی و توجه به رفاه شخصی یا خانوادگی، و برقراری سهم شخصی فرد در فراوانی ثروت رو به رشد جامعه چین وجود دارد. بسیاری از چینی‌ها خودشان را افتاده در داخل روزمرگی رقابت گونه‌ای می‌بینند که راه‌گریزی از آن نیست و با انتظارات غیر واقعی خود یا اعضای خانوادشان اجبار می‌شود.

۲.۵ «مسیحیان فرهنگی»

شمار رو به رشدی از روشنفکران و هنرمندان چینی، ورشکستگی ارزشهای اخلاقی در جامعه چین را نشان داده‌اند. با برملا شدن موارد فساد و رسوایی‌های رهبران حزب کمونیست، حزب کمونیست اقتدارش را از دست داد. در آن واحد، به نظر رسید که عملگرایی و ماده‌گرایی خودمحور، خلاء اخلاقی را پر کند. بسیاری از متفکران هم‌رای هستند که نه کنفوسیوس‌سیسم و نه بوداییسم قادر نیست که هدایت اخلاقی صحیحی را برای جامعه مدرن فراهم کند. آنها به اخلاقیات مسیحی به عنوان پاسخ به «ضعف مهلک فرهنگ معاصر چین» روی می‌آورند، چرا که مسیحیت، راستی، آزادی، خودخواه نبودن، و محبت را شامل می‌شود.^{۱۱} ظهور این «مسیحیان فرهنگی» قابل توجه است. بسیاری از آنان خودشان را در معنای واقعی کلمه، مسیحی خطاب نمی‌کنند، اگرچه در عین حال، ارزشهای مسیحی را تأکید می‌کنند و رواج می‌دهند.^{۱۲} برای مثال، پروفیسور یو ژیلین از دانشگاه ژئی آن استدلال می‌کند که مسیحیت می‌تواند به آسانی با روح چینی مدرنیته متصل شود. از نظر او، این یکی از دلایل اصلی برای رشد سریع کلیسای مسیحی بود؛ یعنی شکاف اخلاقی اجتماع را پر می‌کند. او باور دارد که مدرنیته، انسان دوستی، و مسیحیت، به آسانی با هم هماهنگ می‌شوند. ارزش مسیحی محبت بلاشرط، «عقیده‌ی جادویی قصاص» را در هم می‌کوبد.^{۱۳} مسیحیت مفاهیمی از جمله، انسجام، برابری همه افراد، عادل شمردگی نه بر مبنای دستاوردهای شخصی، تقدس (شامل حیطة اخلاقی درونی)، مسئولیت‌پذیری شخصی، و کهنات همه‌ی ایمانداران را ترویج می‌دهد.^{۱۴} در طی چند دهه گذشته، حتی اعضای عالی‌رتبه‌ی حزب، مسیحی شده‌اند و از حامیان پر و پا قرص کلیسا گشته‌اند.

۳. جذابیت کلیسا

در کنار تغییرات در جامعه که علاقه‌ی عمومی به مسیحیت را به عنوان سرمنشأ آزادی قابل اعتماد و ارزشهای محترم اخلاقی در جامعه می‌پروراند، عوامل متفاوت در خود کلیسا نقش مهمی را در گرویدن افراد به ایمان مسیحی ایفا می‌کند. کارولین فیلدر دوگانگی فزاینده‌ای را بین مناطق شهری و روستایی می‌بیند که علت نرخ متفاوت رشد کلیسا در این مناطق است. در مناطق روستایی، عوامل متفاوتی در فرایند ایمان آوردن نقش ایفا می‌کنند: طبیعت ساده‌ی فی‌نفسه‌ی ایمان مسیحی، هدایت فردی، حس تعلق گروهی، و پیام عدالت برای فقیران و ضعفا (به‌طور خاص، زنان). او همچنین عوامل دیگری را ذکر می‌کند که هم به زمینه‌های شهری و هم روستایی مربوط می‌شود، نظیر: شفای

¹¹ Evan Osnos (“Jesus in China: Christianity’s rapid rise”, 5) quotes professor Zhao Xiao, a 40 years old party member, who gained an interest in Christianity. He sees Christianity providing a solid moral foundation for China, by reducing corruption, narrowing the gap between rich and poor, promoting philanthropy, and preventing pollution. He even thinks that Christianity could help the CCP to survive.

¹² Cultural Christians plead for a modern and independent society with a high moral standard. See for further discussion in the Dutch language Bas Plaisier, “De ontwikkelingen van het Christendom in China” *Kerk en Theologie* 4 (2011): 337-349.

¹³ You Xilin’s thoughts are summarized in unpublished lectures and papers of Christian Wollman. See Christian Wollmann, “Chinese Christianity – Christianity in the Public Sphere? You Xilin as an Example of Engaged Christianity” (unpublished paper Free University Amsterdam, 15 June 2009). Also Kevin Xiyi Yao, “The Changing Face of the Protestant Church in China”, 171v.

¹⁴ The Institute of Sino-Christian Studies (www.iscs.org.hk), established in 1995 in Hong Kong, is an interesting institute that is liaising with intellectuals in Mainland China who are interested in Christian faith.

معجزآسا، فعالیتهای اجتماعی کلیسا، روحیه ی آشتی و بخشش نسبت به آزاردهندگانشان، و عقیده عمومی قدرت خدا که از طریق طرز برخورد سخاوتمندانه، صلح جویانه، و یاری بخش مسیحیان می درخشد.^{۱۵}

۳.۱ تغییرات ریشه ای

یکی از نشانه های تغییر در نوکیشان چینی این است که آماده ی پذیرش اشتباهات و شکستها و طلبیدن بخشش هستند^{۱۶} که دقیقاً برخلاف عرف جامعه است. همچنین، روحیه ی بخشش مسیحیان نسبت به آزاردهندگانشان و عدم تمایلشان به انتقام جویی تاثیر عمیقی بر دیگران می گذارد. در جامعه ای که رشوه خواری و فساد بیداد می کند، ولو اینکه پنهان مانده است، مسیحیان، مدافع عدالت و صداقت هستند، حتی اگر به ضررشان تمام شود. تماشاگران متوجه هستند که مسیحیان، اغلب نه برای خود، بلکه برای عدالت و صلح برای همگان دادخواست می کنند. تغییر ریشه ای در اعتقادات و رفتار، توجه اعضای غیر مسیحی خانواده شان، و هم دانشگاهی ها، همکلاسیها و دوستانشان را جلب می کند.

۳.۲ محبت بلاشرط

در جامعه ای پر تنش و پر زحمت، محبتی از صمیم دل برای مردم عادی چینی جذب کننده است. البته این نوع محبت در خانواده های صمیمی و محافل دوستان، چیز کاملاً جدیدی نیست، اما محبت مسیحی برای بیگانگان و مطرودان چیز نسبتاً جدید و خصوصاً جذب کننده است. شیوه ای که گروههای مسیحی و کلیساهای خانگی از مهمانان خوشامدگویی می کنند، بر مردم نیز تاثیر می گذارد.^{۱۷}

۳.۳ جنبه ی اجتماعی انجیل

مسیحیان همراه با سبک جدید زندگی مطابق با انجیل، توجه زیادی به نیازهای جامعه و اشتیاق به رسیدگی به این نیازها نشان می دهند. نمونه عالی از آن، بنیاد «رفاقت» است که نزدیک به ۳۰ سال است که در چین بوجود آمده است.^{۱۸} این بنیاد برنامه های وسیعی را ترتیب داده است، از قبیل: احداث با حداکثر ظرفیت در بخشهای مختلف جامعه، شبکه خدمات اجتماعی برای تعاون در پیشگیری از HIV یا ایدز، و برنامه های امداد پس از فجایع. این فعالیت ها کمک بلاشرط و بی غرضانه ی مسیحیان چینی به دیگران را در نقطه ی مقابل «ارزشهای» بارز فرد و ملت نشان می دهند.^{۱۹}

۳.۴ آیات و معجزات

شمار کثیری از مردم اشاره می کنند که علاقه شان به ایمان مسیحی با تجربه ای خارق العاده که نمی توانند به طرز علمی یا عقلانی توضیح بدهند آغاز شد. تجربه های مافوق طبیعی ی مختلفی وجود دارد، اما شفای معجزه آسا یکی از رایج ترینها است. دانشجویان و پژوهشگران، متفکران منتقد، گزارش می دهند که همسایه هایشان یا خودشان به طرز ناگهانی و قابل توجهی با دعای دوستان مسیحی شفا یافته اند. پس از

¹⁵ Caroline Fielder, "The Growth of the Protestant Church in Rural China", *China Online Study Centre* (2010), <http://www.chinaonlinestudycentre.org/churches/RuralChurches/PDFfile>.

¹⁶ "Generally non-believers think that Christian are first hypocrites, and secondly judgmental. But newly converted Christians show convincing signs to non-believers about their faith: 1. They are honest about their failures and sins and confess them. 2. They have clear moral principles, e.g. they do their best not to lie, they don't take bribes." (Quote from dr. Bin Wang, church worker of Dushu Lake Church, focusing on the ministry among students, in a personal encounter, October 21, 2015.)

¹⁷ "Chinese society is stressful and hard, but in the fellowship of the church friendship and love can be experienced, and emotions can be shown." (Quote from rev. Annet Mehdorf, pastor of the German speaking church in Shanghai, in a personal encounter, October 19, 2015).

¹⁸ See: www.amityfoundation.org.

¹⁹ Although communism is new compared to 5000 years of total Chinese history, still many Chinese communist ideas are built upon old values and practices from imperial times. Even now people tend to compare the practices of the Qing Dynasty to what the Communist Party is doing in China.

آن، رفته رفته شکاک بودن خود را نسبت به امور مافوق طبیعه کنار گذاشته و ایمان مسیحی را موشکافی می کنند. این موضوع فقط در خصوص بیماری های جسمی نیست، بلکه در خصوص مشکلات اجتماعی و روانی مثل اعتیاد شدید به مواد مخدر و الکل نیز صدق می کند. به علاوه، بسیاری از افراد، خوابهای خارق العاده ای را گزارش می دهند که موجب شد حقیقت را در ایمان مسیحی جستجو کنند.^{۲۰}

۳.۵ نقش کتاب مقدس

برای اکثریت مسیحیان چینی، کتاب مقدس کتابی است مقدس. آنها کتاب مقدس را به شیوه غیر انتقادی حرمت می گذارند، و وقت زیادی را صرف خواندن کتاب مقدس می کنند. چینی ها به طور کلی گرایش دارند که کتابها را مقدس تلقی کنند. نحوه ی کتاب مقدس خواندن مردم امروز، نشان می دهند که چطور پژوهشگران چینی آثار کلاسیک باستان چینی را می خوانند. به طور خلاصه، آنها نگاه انتقادی به این کتابها نداشتند، بلکه ترجیحاً باور داشتند که نویسندگان باستان به سطحی از حکمت رسیدند که نسلهای آینده شان هرگز نمی توانستند از آن پیشی بگیرند، بلکه تنها می توانستند آن را تفسیر کنند. خوانندگان غیر مسیحی غالباً «واقع گرایی» کتاب مقدس را دوست می دارند. برای مثال، آنها حزقیال ۲۱ (آیاتی که در آن نبی منع شده که برای همسرش عزا بگیرد) را با تشریفات مذهبی فلسفه تائویست مقایسه می کنند.^{۲۱} یا با داستانهای اول و دوم پادشاهان جا می خورند، زیرا این داستانها تا حدی منعکس کننده دوره هایی در تاریخ چین است که صاحبان قدرت دست به خونریزی و کشتار می زدند.

۳.۶ قدرت انجیل

علاوه بر این، بسیاری از دانشجویان در هنگامی که به یک گروه جوانان یا کلیسای مسیحی دعوت می شوند، قدرت انجیل را تجربه می کنند. چیزی که برای چینی های عملگرا مهم است: انجیل به نظر می رسد که کار می کند. آنها اقرار می کنند که ایمان مسیحی صرفاً به عنوان یک تعلیم جالب جدیدی نیست که به سبک زندگی اخلاقی متقاعد کننده ای متصل است، بلکه اقرار می کنند که ایمان مسیحی با زندگی واقعی سر و کار دارد. آنها تصدیق می کنند که انجیل، نوری است که ناگهان همه نوع اندیشه و رفتار کج و معوج را افشا می کند. نتیجه این است که آنها بر خلاف اکثر مسیحیان فرهنگی، تحریک می شوند که به نور مسجل انجیل پاسخ بدهند: یا تسلیمش شوند، یا ردش کنند.

۴ داستانهایی که جذابیت کلیسا را تاکید می کند

شمار داستانهایی که جذابیت جوامع مسیحی در چین را به تصویر می کشد، بی شمار است. در اینجا تعداد کمی از آنها آورده شده است:

۴.۱ شهادتهایی از دالی و حومه

کالج کتاب مقدس دالی در جنوب غربی چین بیش از صد دانشجوی جوان از ۱۸ قبیله در جنوب غربی چین دارد که دارند آماده می شوند که با انجیل به مردم خود خدمت کنند. بسیاری از دانشجویان شهادت می دهند که از طریق خواندن کتاب مقدس پی بردند که گناهکارند و اینکه خدا محبت است. آنها تقصیر خود را در رو به اعضای خانواده شان و به دوستانشان اعتراف کردند، و بدین گونه تاثیر بزرگی می گذارند. خدمت کلام و پخش کتاب مقدس نیز با خدمت تاثیرگذار شماسی همراه شده است: خدمت در میان ناشنوایان و جذامیها، پروژه های خانه سازی، یتیم خانه ها، مراکز AIDS، مراقب از معتادین، برنامه های پیشگیری از اعتیاد، و کاهش عمومی فقر. کلیساهای بای و لیسو داستانهای قابل توجهی از شفای معتادین و بیماران جسمی و روانی بیان می کنند. آنها شهادت می دهند که چطور این رویدادها در جذب افراد به ایمان

²⁰ Plaisier (Ibid., 341) cites a study of the Chinese Academy of Social Science affirming that 69% of the people converted to Christianity in the last two decades indicated the healing of a family member or themselves. See also http://www.china.org.cn/china/2010-08/12/content_20690649.htm.

²¹ In Taoism, mourning is not forbidden, but it is regarded as unnecessary. It is related to the idea of "freedom," meaning the rhythm of human life resembles that of nature. Living and dying are both a life-process. Death could also be a starting point of a new journey. Why should people mourn for it?

مسیحی، حتی در میان روشنفکران سودمند بوده است.

۴.۲ کلیسای ژیانگ ون در شانگهای

کلیسای ژیانگ ون در شانگهای یک کلیسای «three Self» (خودگردان، خودکفا، خودگستر) است که ۳۰ سال پیش به عنوان یک گروه خانگی آغاز به کار کرد و هم اکنون حدود ۴۰۰۰ شرکت کننده در جلسات یکشنبه در سه شیفت دارد. هر ساله حدود ۶۰۰ نفر تعمید می گیرند. افراد جوان کلیسا (غالباً دانش آموزان) از دوستان غیر مسیحی خود به جلسات جوانان در غروب یکشنبه دعوت می کنند. این جلسات به هر نوع سوال پیرامون زندگی که جوانان به آن تمایل دارند، می پردازد. رهبران جوان، چشم اندازهای کتاب مقدسی را ارائه می دهند و مهمانان تحت تاثیر پاسخهایشان قرار می گیرند. بیشتر اوقات، آنها می خواهند که بیشتر بدانند و تمایل نشان می دهند که با همکلاسیهای خود کتاب مقدس را بخوانند. والدینشان متوجه تغییرات در زندگی فرزندانشان می شوند. گاهی اوقات با آن مخالفت می کنند و بر فرزندانشان سخت می گیرند، اما در بیشتر موارد، علاقه مند می شوند که در کلیسا چه اتفاقی می افتد، و به جلسات کلیسایی می روند و تحت تاثیر جو و تعالیم قرار می گیرند. بدین طریق، بسیاری از افراد به مسیح ایمان می آورند و عضو کلیسا می شوند.

۴.۳ کلیسای دوشولیک در سوژو

کلیسای دوشولیک در میان شهرک مدرن دانشگاهی سوژو واقع شده است که ۵ دانشگاه و حدوداً یک میلیون دانشجو را در خود جای داده است. کلیسا از طریق خدمت موسیقی، پخش فیلم در شبها، اردوهای تابستانی، دوره های زبان انگلیسی، دوره های آلفا، خدمت برای مجردان، برنامه های آموزشی رهبری، و مشارکت بین المللی دانشجویی به روشنفکران جوان متمرکز است. دانشجویان به گروههای مشارکت و مطالعه کتاب مقدس دعوت می شوند و در تقابل با حقیقت انجیل قرار می گیرند و کاربردپذیری آن را در زندگی خود، در تحصیل خود، و در جامعه خود کشف می کنند.^{۲۲}

اگرچه اشارات انتقادآمیزی درباره توبه های سطحی نیز وجود دارد، اما به داستانهای تکان دهنده ای مثل داستان «خانم نگران» بر می خوریم، دختر خانواده ای روستایی که خانواده اش او را حقیر شمرده بودند زیرا او یک دختر بود و انتظارات والدینش را برآورده نساخته بود. او در دوره ای بسیار دشوار از لحاظ احساسی، به عنوان یک نوجوان بالغ در طی تحصیل مسیحی شد. او از لحاظ روحانی و اخلاقی به لحاظ چشمگیری تجدید یافت و در تحصیل، و در ازدواج خود موفق شد، و مهمتر از همه اینکه توانست والدینش را به خاطر بی توجهی احساسی که در نوجوانی خود رنج کشید، ببخشد.

۵. تجربیات در شهر دلفت

ما در دلفت، اخیراً شاهد توبه و ایمان آوردن چندین روشنفکر چینی به مسیحیت بودیم. تقریباً ده روشنفکر چینی در دو سال و نیم گذشته تعمید گرفتند. داستانهای سه دانشجوی فارغ التحصیل از دلفت، انگیزه های روشنفکران جوان برای ایمان آوردن را روشن می سازد. آنها بین ۲۴ تا ۲۷ سال هستند.

۵.۱ دانشجوی شماره یک (پسر)

پس از دوره ای بی تفاوتی، یک دانشجوی پسر در حالیکه هنوز پر از شک بود، شروع به جستجوی حقیقت کرد. آنچه که او را متقاعد کرد، تجربه محبت بلاشروط بود که برای اولین بار در زندگی خود، در اجتماع مسیحیان که به آنجا دعوت شده بود، تجربه کرد. او نمی توانست باور کند که چنین محبتی وجود دارد. او با تجربه کردن این محبت، نتیجه گرفت که خدا به عنوان سرمنشأ محبت بلاشروط، باید وجود داشته باشد، و شروع به جستجوی این خدا کرد.

²² Testimony of Dr. Bin Wang in a personal encounter (October 21, 2015).

۵.۲ دانشجوی شماره ۲ (دختر)

یک دانشجوی دختر سوالات زیادی درباره احتمال وجود یک خدای نیکو و وقوع شر داشت. او متقاعد شد که شر در افراد و در جامعه به طور گسترده پخش شده است، و آموخت که شر چیزی است که نمی تواند از زندگی شخصیمان دور شود. او خیلی خردمندانه به سوال نزدیک شد، و از طریق مطالعه کتاب مقدس متقاعد شد که رنج عیسی، راه حل خدا بود؛ راه حلی به کلی متفاوت از راه حل‌های بشری در خصوص شر. که در آخر او را قانع کرد، و تصمیم گرفت که زندگی خود را به مسیح تسلیم کند.

۵.۳ دانشجوی شماره ۳ (پسر)

دانشجوی پسر دیگری دو سال طول کشید تا بر شک‌های خود چیره شود. او یک دانشجوی علوم با ذهنی فلسفی بود. او همانند دو دانشجوی اول در خانواده ای آتئیست تحصیل کرد. او عقیده های کنفیوسی و کمونیستی را مطالعه کرد، و برای مدتی طولانی خداناباوری (آتئیسم) را پذیرفته بود و در جستجوی استقلال شخصی بود. او سه شرط را برای یک زندگی خوب قائل شد: مستقل بودن از لحاظ عقلانی، دنبال کردن رفاه مادی، و در قید و بند هیچ مذهب یا نظام فلسفی نبودن. اما از آنجاییکه شرط سه گانه اش او را خوشحال نساخت، سرانجام، ایمان مسیحی را پذیرفت. او آزادی واقعی (از لحاظ خردمندی، روان شناسی، و اجتماعی) را در آن پیدا کرد.

برای اکثر این روشنفکران، تصمیم به مسیحی شدن، پیامدهای بسیار گسترده ای را همراه دارد. آنها رابطه با خانواده خود، بخصوص رابطه با والدینشان را به خطر انداختند. و اغلب، هم دانشگاهی‌هایشان درک نمی کنند و فکر می کنند که آنها «فرقه ای» و «ضد میهن پرست» شده‌اند. اگرچه تاثیر اجتماعی ایمان مسیحی، برای دانشجویان، کمتر بحث انگیز است. تغییر واضح در زندگی همکلاسی ها یا هم دانشگاهی‌هایشان، تجربه ی محبت حقیقی، و پاسخهای تازه و عمیق انجیل در حل مسئله ی شر در اشخاص و در جامعه، بسیاری را به ایمان مسیحی جذب کرده است.

۶. سوالات تعریفی مقدماتی

سه عبارت مکرراً در این مطالعه استفاده شده است و پیش از قسمت نتیجه گیری و پیامدهای بعدی، نیاز به توضیح بیشتر دارد.

۶.۱ «چینی های تحصیل کرده»

این مطالعه به قشری در جامعه چین و میان چینی های خارج از کشور اشاره می کند که در حال تحصیل در مقاطع عالی یا فارغ التحصیل هستند. شامل دانشجویان، فارغ التحصیلان از دانشگاهها و کالج های آموزش حرفه ای، پژوهشگران، معلمان و اساتید، و همینطور متخصصان کسب و کار. بیشتر مردم در این قشر، شهرنشین هستند. و با هم، گروه پراکنده ای از متخصصان جوان شهری را تشکیل می دهند که برای تحصیل، حرفه، مبادرت به کار اقتصادی اشتیاق دارند. آنها بیشتر و بیشتر در میدان بازی بین المللی در حرکت هستند، و علاقه ی خالصی به پویایی های توسعه و رشد دارند، و آزادی اندیشه و مشارکت را گرامی می دارند.

۶.۲ «توبه و گرویدن به مسیحیت»

مفهوم کتاب مقدسی توبه و گرویدن در درجه اول «metanoia» است. این کلمه ی ریشه ای یونانی کتاب مقدسی دلالت بر تغییر در طرز فکر و در اعتقادات پایه ای دارد که بر مبنای آن ما فکر و عمل می کنیم. Metanoia دلالت بر این دارد که هم پیش فرضها و هم اهداف در انتخابهای اصلی زندگی تغییر می کنند. اینکه در چه حدی این تغییر در روشنفکران چینی اتفاق می افتد بین افراد مختلف بسیار متفاوت است. «مسیحیان فرهنگی» به مسیحیت علاقه دارند و می خواهند که از ارزشها و اخلاقیاتش طرفداری کنند. رویکرد آنان اصولاً عملگرایی یا سودمندگرایی است: آنها می بینند که ارزشهای مسیحی و اخلاقیات مسیحی می تواند مبنای بهتری برای همزیستی در جامعه نسبت به کمونیسم، کنفیوسیسم یا بوداییسم ایجاد کنند. مسیحیان فرهنگی می توانند بدون اینکه خودشان پیرو ایمان مسیحی شوند، مسیحیت را ترویج دهند. در طرف دیگر، شهادتهای زیادی از توبه و ایمان آوردهای ریشه ای می بینیم و می شنویم که شامل تغییر بنیادین در تفکر و در رفتار

است، که با پذیرفتن مسیح به عنوان خداوند زندگی و مرگ، «زندگی کهنه» را کنار گذاشته و زندگی تازه ای را می یابند.²³ در بررسی موضوع تغییر دین، مهم است که بین مسیحیت فرهنگی صرف و ایمان شخصی مسیحی تمایز قائل شویم.²⁴ نشانه های «ایمان آوردن شخصی» عبارتند از: تغییرات در الگوی انتخابهای زندگی (شامل روابط، الگوی مصرف، صرف وقت، و...)، عضوی از جامعه مسیحی شدن، علاقه تازه به کتاب مقدس و دعا، و توجه جدی به آیینهای مسیحی تعمید و شام خداوند. ما در این مطالعه به دامنه کامل «درجات تغییر دین» می پردازیم، اما تمرکز اصلیمان بر روی تغییرات شخصی ریشه ای تر است.

۶.۳ «کلیسای مسیحی چینی»

پاسخ به این پرسش که کلیسای چینی واقعاً چیست یا کجاست، می تواند دشوار باشد. به نظر نمی رسد کسی بتواند خلاصه کلی صحیحی از کلیسای چینی بدهد. شرح قانع کننده از کلیسای چین به چند دلیل غیر ممکن است: (۱) ما قادر نیستیم چیزی تحت عنوان کلیسای تعریف شده ی چین را تشخیص دهیم. مقامات حتی بین «کلیساهای مسیحی» (اشاره به کلیساهای پروتستان Three Self) و کلیساهای کاتولیک رومی تمایز قائل می شوند و کاتولیک روم را دین مجزایی لحاظ می کنند. (۲) کلیسا به عنوان بدن مسیح در چین اساساً بین کلیساهای «رسمی» و «غیر رسمی» منقسم شده است. ظهور «کلیسای تطبیق شده با فرهنگ» در چین (کلیسایی که «روح مستقل خود را از دست داده است»، از «هویت خلاف فرهنگی» دست کشیده است، و بخشی از فرهنگ غالب شده است) سرمنشا اصلی مناقشات بین کلیساهای Three Self رسمی و «کلیساهای غیر رسمی خانگی» است. (۳) وقوع انبوهی از فرقه ها و جنبشها در چین، تصویر را بسیار آشفته می سازد. که باعث شد شبان-مبشر نی تو شنگ (واچمن نی) بگوید که: «...مبنای تفرقه (اگر اصلاً بتوانیم این واژه را بکار ببریم) یک چیز است و آن تنها، مکان جغرافیایی است.»²⁵ نی جغرافیا را تنها دلیل برحق برای تفرقه در کلیسا می داند. هرچند که اظهارات نی شاید درست باشد، اما هنوز باید تنوع چند وجهی کلیسای مسیحی را مد نظر داشته باشیم. شکل آن همانقدر که در کتاب اعمال رسولان متنوع بود، اکنون نیز تنوع دارد: از گروه دعا و مطالعه کتاب مقدس دانشجویان در شهرک دانشگاهی گرفته تا گروهی بزرگتر از مردم که در یک خانه جمع می شوند، تا گروهی از کارکنان که به طور منظم در اتاقی بزرگ در دفتر یک شرکت در شانگهای جمع می شوند.

۷. بازگشت از ایمان نوکیشان

همه ی آنانیکه به ایمان مسیحی می گروند، در این ایمان نمی مانند. شمار فزاینده ای از گزارشات حاکی از یک جنبش معکوس است: روشنفکران چینی، که از ایمان مسیحی خود روی گردان می شوند، یا مسیحیانی، که اعتقاد خود را ترک کرده و به لادری گری، خداناباوری، یا مذهب دیگر روی می آورند. بارزترین عوامل در این فرایند چیست؟

۷.۱ چالشها در حفظ ایمان

بسیاری از روشنفکران چینی که در غرب به مسیحیت گرویدند، به نظر می رسد که در زنده نگاه داشتن ایمانشان در هنگام بازگشت به چین با چالش روبرو می شوند. به منظور تشریح برخی از این مشکلات، مورد یک پژوهشگر را اشاره می کنم که در هلند تعمید گرفت و در سال ۲۰۱۴ به چین بازگشت. من توانستم در سال ۲۰۱۵ در چین مرکزی با او دیدار کنم. او دشواریهایی که در فعال ماندن و زنده نگاهداشتن ایمانش تجربه کرد را با من در میان گذاشت: (۱) یافتن یک کلیسای خوب. او تا حدی نگرش منتقدانه ای به کلیساهای Three Self اتخاذ کرده بود؛ او احساس کرد که آنان بیش از حد سازشگر بودند. در عین حال، او نتوانست به کلیسای خانگی دسترسی داشته باشد، زیرا دوستان یا هم دانشگاهی هایی نداشت که از او دعوت کنند. (۲) او خیلی مشغول کارش بود، و با ضرب العجله های زیادی مواجه می شد و بارها در آخر هفته ها کار می کرد. او گفت که از آن «روزمرگی رقابتی» خسته شده بود، اما قادر نبود که بدون اخراج شدن توسط رئیسش و بیکار شدن، از این

²³ For different stages in conversion, from sympathising to becoming a devoted adherent, see for example the Scale of Engel as discussed in: https://en.wikipedia.org/wiki/Engel_Scale.

²⁴ Compare for example Hendrik Kraemer, *Religion and the Christian Faith*, London: Lutterwort Press (1956), 235v.

²⁵ Watchman Nee, *What shall this man do?* (Eastbourne: Victory Press, 1961), 132.

وضعیت بگیرد. در کنار آن، او واقعاً می‌خواست که استاندارد یک زندگی رضایت بخش را برای خانواده اش، شامل دخترش و مادرزن بیمارش نگاه دارد، که او را داشت که سخت کار کند. (۳) وضعیت خانواده او طوری بود که او را ترغیب نمی‌کرد که به ایمان خود عمل کند. همسر و مادرزنش (مادرزنش در آپارتمان آنها همراه با خانواده زندگی می‌کرد) با بی‌تفاوتی با ایمان مسیحی ضدیت کردند و او با پدر خود درباره ایمانش حرف نزد.

۷.۲ شوک معکوس فرهنگی

بسیاری از دانشجویان یا فارغ التحصیلان جوان که به چین برگشتند، با یک «شوک معکوس فرهنگی» روبرو شدند. در یک همنشینی اخیر در آمریکا درباره چالش‌هایی که روشنفکران چینی که به مسیحیت گرویدند و به چین برگشتند، با آن روبرو شدند، یکی از سخنرانان گفت که ۸۰٪ از آنانیکه در خارج از کشور به مسیح اقرار می‌کنند، بعد از بازگشت به وطن خود، به سلوک در ایمانشان ادامه نمی‌دهند.^{۲۶} آنها به یک ذهن انتقادی در خصوص فرهنگ چین که سالها پیش ترکش کرده اند خوراک می‌دهند. آنها همان آزادی ای را که در غرب تجربه کرده اند، در کلیسا نمی‌یابند.^{۲۷} دکتر بین ونگ^{۲۸} به سه مشکل اصلی چینی‌هایی که پس از آنکه در غرب مسیحی شده یا برای مدتی به یک کلیسا در غرب ملحق شده بودند، به چین بر می‌گردند، اشاره می‌کند. (۱) نادانی – آنها برای مثال فکر می‌کنند که کلیساهای Three Self به کلی سازشگر هستند. (۲) تکبر – آنها کلیساهای چینی را دوست ندارند، زیرا فقط نوع غربی کلیسا را می‌خواهند. (۳) غیر مذهبی شدن (سکولاریزاسیون) – آنها غرق در حرفه خود می‌شوند، یا به نوع نامعلومی از روحانیت، نظیر تفکر عصر جدید (New Age) خو میگیرند. آنها روحانیت را به عوض مذهب ترجیح می‌دهند.

برخی اوقات پاسخ به این پرسش که «چرا می‌خواهی تعمید بگیری؟» شامل تفکر خوشبینانه و آرزومند است: «مسیحیت خوب است؛» «ایمان مسیحی به من قدرت می‌دهد؛» «مسیحیت به من آسایش فکری و روحی خواهد داد؛» یا «زیرا شفا گرفته ام.» بنابراین دلایل اصلی برای گرویدن به مسیحیت، غالباً عملی است، که به احساسات خوب یا تجربیات مثبت بر می‌گردد. بسیاری از روشنفکران که در غرب مسیحی می‌شوند و به چین بر می‌گردند، شناخت مقدماتی از مسیحیت دارند، اما شناخت عمیقی از کتاب مقدس ندارند. آنها تغییرات بارزی را در سبک زندگی خود به ثبوت نمی‌رسانند.

۸. نتیجه گیری ها و مباحثه

۸.۱ نتیجه گیری ها

۱. روشنفکران چینی علاقه ی کلی به مسیحیت نشان می‌دهند زیرا کتاب مقدس و تعالیم کلیسای (ی غرب) را منبع مهمی برای ارزشها و اخلاقیات احیا شده برای بنای جامعه در آنسوی کمونیست و ماده گرایی لحاظ می‌کنند.
۲. مردم با تحصیلات عالی و متخصصان علاقه ی عمومی به ایمان مسیحی نشان می‌دهند زیرا آن را با مفاهیم آزادی و دموکراسی وصل می‌کنند و کاملاً آن را در تضاد با نظام تک حزبی کمونیست چین قرار می‌دهند.
۳. گزارشات و شهادتهای پیوسته ای از روشنفکران جوان وجود دارد که به ایمان مسیحی روی می‌آورند و تعمید گرفته و به عضویت جامعه ای مسیحی در می‌آیند، زیرا بنا به دلایل مختلفی از حقیقت ایمان مسیحی متقاعد شده اند، دلایلی چون: محبت بلاشرط و

²⁶ Articles about “reverse culture shock” on: www.chinasource/home/blogs/going-home (February 2016). This site also refers to the *ChinaSource Quarterly* (December 2011), dealing with the challenges of returnees in China. Also interesting is Overseas Campus Ministries, OCM, founded in 1992. Their mission: “To proclaim the Gospel of Jesus Christ among Mainland Chinese intellectuals through developing/delivering high-quality literature and educational resources and training, from overseas to Mainland China.” OCM publicizes *The Overseas Campus Magazine* and published a helpful guide for Chinese intellectuals planning to return to China: <http://www.chinasource.org/ResourceLibrary/TheReturneeHandbook> (December 2011).

²⁷ More literature on the phenomenon of “reverse culture shock,” see Nate Mirza, *Home Again* (Colorado Springs: NavPress, 2000); Lisa Espineli Chinn, *Think Home* (Downers Grove, Ill.: IVP, 2011); John Eaves, “Putting Bible to Work in our Culture”, <http://cms.intervarsity.org/ism/article/2044>.

²⁸ Dr. Bin Wang, personal encounter (21st of October, 2016).

- طرز رفتار بخشنده که دوستان مسیحی به آنان نشان داده اند، تجربه بهبود یا شفای معجزه آسا در زندگی خود یا آشنایانشان، و قدرت مشهود تحول زندگی در انجیل در بطن حیات کلیسا.
۴. تمام ایمان آوردنهای مشهود، ماندگار نیستند. روشنفکران چینی جوان که در خارج از کشور، مسیحی شده اند از یک «شوک معکوس فرهنگی» رنج می برند، زیرا پیش از برگشت به کشور خود، طرز فکری انتقادی و آزاد را پیش می گیرند. آنها اغلب، یافتن کلیسایی که باب رضایشان باشد را در چین دشوار می بینند و به تدریج وقتی که در «روزمزگی رقابتی» جامعه چین می افتند، از جستجو دست می کشند.
۵. تاکنون هیچ ایده ای از شمار افرادی که مسیحی می شوند، نداریم. با توجه به رشد سریع کلیساها و شهادتهای مکرر، باید نتیجه گیری کنیم که تعداد افراد زیادی مسیحی می شوند، اما اینکه این میزان رشد نسبت به کل جمعیت چگونه است را نمی توان به آسانی گفت. این نیاز به پژوهشهای بعدی دارد.

۸.۲ مباحثه: قشر تحصیل کرده، گروه مستثنائی هستند؟

سخت می توان پاسخ قانع کننده ای را برای این پرسش پیدا کرد که آیا روشنفکرانی که به ایمان مسیحی روی می آورند، گروه مستثنائی هستند یا خیر.^{۲۹} از سال ۱۹۴۹ که کمونیستها به قدرت رسیدند، گمان بر این بود که مسیحیت می توانست خودش را بیشتر در حومه شهر حفظ کند. میسیونرهای غربی در نیمه اول قرن بیستم، تلاششان را در استانها، معطوف به بشارت در شهرهای کوچکتر و روستاها کردند. کلیساهای رو به رونق کوچک در حومه شهر و در میان قبایل زیادی در منطقه کوهستانی استان یونان برپا شد. اما از همان سال ۱۹۴۶، که مشارکت بین المللی انجیلی دانشجویان برپا شد، گروههای بین دانشگاهی چینی، همان موقع در توزیع انجیل در میان شهرهای دانشگاهی سودمند بودند.^{۳۰} با اعمال فشار، تبعیض و جفا از سال ۱۹۴۹، خدمت دانشجویان مسیحی بسیار تحت تاثیر قرار گرفت. دور همی های برنامه ریزی نشده، گروههای خانگی، و گروههای مطالعه کتاب مقدس که به طور کلی، کار جوانان مسیحی بود، شدیداً منع شدند. در دهه هشتاد، وقتی که آزادی بیشتری داده شد، روشنفکران و تاجران، علاقه تازه ای به مذهب و به طور خاص، به مسیحیت نشان دادند. آنها در جستجوی آزادی اندیشه بودند، به دنبال ارزشهای اخلاقی جدید و نگرشی در زندگی بودند که به نظر، متقاعدکننده تر و واقع گرایانه تر از سیاستهای حزبی، کنفوسیوسی، و انواع بسیاری از اشکال در هم آمیخته ی بودایی و تائوئیسم بود.

به نظر می رسد که مسیحیت، جذابیت خاصی برای جوانان شهری، به خصوص دانشجویان و فارغ التحصیلان از مراکز آموزش عالی و متخصصان دارد، زیرا مسیحیت، آنان را به جستجویشان برای آزادی خرد، دموکراسی و ارزشهای انسانی تشویق می کند. آیا شمار مسیحی شدن در میان افراد با تحصیلات عالی، بیشتر از افراد با تحصیلات پایینتر است؟ تمایل دارم بگویم که «بله»، اما این پرسش نیاز به پژوهش بیشتر دارد همچنین سوال پیش رو، اینکه: عوامل ذکر شده در این مطالعه، چقدر در مسیحی شدن افراد غیر روشنفکر بارز است؟ مطالعات کارولین فیلدر نشان می دهد که فاکتورهای متعددی، مثل تجربه ی شفا و تاثیر اجتماعی انجیل، منحصر به روشنفکران نیست، اما نیاز به یک مطالعه ی مقایسه ای است تا به آن رسیدگی کند.

۹. چشم اندازها

۹.۱ پیامدهای عملی

این مطالعه می تواند کلیساها و مسیحیان را به سه طریق تشویق کند: (۱) بر نیاز به اهمیت زیاد وجود اجتماع بامحبتی که به خارجی ها خوشامد بگوید، تاکید می کند؛ (۲) بر ارزش راستی مسیحی به عنوان سرمنشأ آزادی و زندگی خوب اخلاقی تاکید می کند؛ (۳) نیاز به تلاش بیشتر به

²⁹ For further discussion about 'Christianity for intellectuals', see: Plaisier, "De ontwikkelingen van het Christendom in China", 399v.; the articles of Evan Osnos in Tribune ("Jesus in China", June 2008) and Kevin Xiyi Yao, "The Changing Face of the Protestant Church in China", 122v. Yao opposes the view of David Aikman, *Jesus in Beijing* (Washington: Regnery Publishing, 2003). Aikman writes about the conversions among intellectuals in Beijing. Yao blames him to look at the Chinese churches through the lens of American Evangelical fundamentalism (Yao, Ibid., 8).

³⁰ P. Lowman, *The Day of His Power* (Leicester: IVP, 1983), 137v.

جهت آماده سازی رویارویی با یک «شوک معکوس فرهنگی» را برای افرادی که به کشورشان بر می گردند نشان می دهد.

۹.۲ نیاز به پژوهش بیشتر

این مطالعه ی اولیه نیاز به پژوهش بیشتر دارد تا دریابد که چرا برخی از نوکیشان از اعتقاد خود برگشت می کنند، و بقیه برگشت نمی کنند. بکارگیری ابزارهای بیشتر جامعه شناختی می تواند کمک کند که بینش عمیقتری در کمیت و کیفیت ایمان آوردنها بدهد و اینکه چقدر ماندگار هستند.

۹.۳ تصدیق کار روح القدس

ما سعی کرده ایم که عواملی را که برای مطالعه و پژوهش قابل بحث هستند را تشخیص دهیم. از چشم انداز ایمان، مطالب بیشتری باید گفته شود. همانطور که بسیاری از مسیحیان چینی تاکید می کنند، راز رشد کلیسای چین، کار روح القدس، یعنی روح راستی است که جهان را بر گناه، عدالت و داوری ملزم می کند (یوحنا ۱۶:۸). اینکه چطور او مردم را به این سوق می دهد که مسیح را بپذیرند، و تسلیم ایمان شوند، کار نهانی است که نمی توان صرفاً به عوامل فرهنگی، روانشناسی، و انسانی نسبت داد.

پس از به قدرت رسیدن کمونیست، و در طی انقلاب فرهنگی، لازم بود که کلیسا خودش را مخفی کند. روح مقاومت و آزادی، علی رغم فشارها، در قلبها و در خانه هایی که مسیحیان گرد می آمدند محفوظ ماند. آیا کلیسای پرتراوت و رو به رشد چین، پاسخی به دعاها ی بسیار کلیساهای جفادیده ی قرن گذشته است؟ در حینی که دلایل ایمان آوردن مذکور در این مطالعه را بر می شمردم، یقین حاصل کرده ام که دعاها ی مستمر و پایداری مردم خدا در هر کجای چین، راه را برای رشد چشم گیر در سی سال اخیر مهیا ساخته است.

ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا^۱: مصاحبه ای با دکتر متیو الیوت

فلیمون یانگ

دکتر متیو الیوت به عنوان رئیس شرکت بین المللی Oasis و مدیر پروژه ی ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا خدمت می کند. شرکت بین المللی Oasis در خدمت به مناطق انگلیسی زبان دنیا است که مردم دسترسی به کتاب مقدس و نوشتجات مسیحی ارزان قیمت مورد نیاز برای رشد در ایمانشان ندارند. در این کشورها میزان درآمد سالیانه، اغلب، نه هزاران دلار، بلکه تنها صدها دلار است. نیاز شدید آفریقا، به طور خاص، Oasis را بر آن داشت که بر این قاره متمرکز شود، در قاره ای که کلیسا رشد چشمگیری را تجربه می کند، اما منابع چاپ شده نادر است.

دکتر فلیمون یانگ پیشتر به عنوان مدیر توسعه برنامه تحصیلی و احداث مدرسه با سازمان بین المللی آموزش رهبران کار می کرد. او اصالتاً اهل کامرون در غرب آفریقا است.

۱. مقدمه

در ۲۵ آگوست ۲۰۱۶ با دکتر متیو الیوت از شرکت بین المللی Oasis از طریق اسکایپ مصاحبه کردم. محوریت مصاحبه بر ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا (ASB) بود که در فوریه ۲۰۱۶ در آمریکا و آفریقا به بازار آمد. من در این مقاله، پیش از آنکه وارد سوالات مصاحبه شوم، تاریخچه ای مختصر از ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا و رویای آن ارائه خواهم داد. در پایان، ارزیابی ای از پروژه و به دنبال آن برخی مشخصه های ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا را ارائه خواهم داد.

وقتی این مقاله را می خوانید، متوجه خواهید شد که در برخی جاها نظرات مختصری را به پاسخهای دکتر الیوت اضافه کرده ام تا کاملاً در فضای روند مصاحبه مان قرار بگیرید. امیدمان این است که پس از خواندن این مقاله، تقدیر بیشتری از کار شرکت بین المللی Oasis داشته باشید و نیازی را که آنها در زمینه آفریقا برآورده می سازند، ببینید، و دعا کنید که خدا از این کار استفاده کند تا کلیسایش را در آفریقا و فراتر از آن تقویت کند.

۲. ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا چیست: تاریخچه ای مختصر

دکتر الیوت تاریخچه ی ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا را بدین نحو شرح می دهد:

«در سال ۲۰۱۰، دو ماه را در آفریقا گذراندم و سوالاتی پرسیدم، برخی از سوالاتم را در کنفرانس لوزان (در کیپ تاون، آفریقای جنوبی) پرسیدم. آیا (خلق ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا) ارزش دارد که زمان و هزینه صرف کنیم؟ اگر ارزش دارد، مایلید چه شکلی باشد؟ این گفتگوها همگی منجر به درخواستهایی (از رهبران آفریقایی به نمایندگی از کشورهای مختلف) شد. افراد بر این عقیده بودند که این مساله ی مهمی است. ما، Oasis، این را به عنوان تأییدیه ای حساب آوردیم مبنی بر اینکه خدا از ما می خواهد که آن را پیگیری کنیم. در سال ۲۰۱۲ کنفرانسی در غنا برگزار شد. مردمی که آمدند (رهبران آفریقایی از کشورهای مختلف) به ۳۰ صفحه سوال نظر دادند مبنی بر اینکه چطور یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس را خلق کنیم. آنها رویای آن، مخاطبین هدف، ویژگیها و غیره را شکل دادند. سپس Oasis، مباشر این رویا شد. رویایی که توسط کمیته تصمیم گیری شد. کسانی که جمع شدند، یکصدا بودند و یک رویا داشتند، حتی با وجود اینکه اکثراً همدیگر را تا حالا ندیده بودند. آنها قلب شسانی و اشتیاق به کتاب مقدسی داشتند که ایمان را تقویت، و شاگردسازی کند، و فقط واقعیتها را ارائه ندهد. اگر بر درک معنای متن متمرکز شوید، بسیار شبیه به دیگر ترجمه های

¹ Africa Study Bible

مطالعه ی کتاب مقدس در جهان خواهد شد. اگر بر شاگردسازی متمرکز شوید، در خدمت به شبانی به آفریقا خواهد بود.»

تاریخچه ی ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا (که از این به بعد، به صورت اختصاری، *ASB* خواهیم گفت)، در داخل خود این ترجمه، بیشتر شرح داده شده است (نگاه کنید به <http://oasisint.net/genesis-preview/>).

ایده ی *ASB* از مباحثات میان رهبران آفریقایی، شرکت بین المللی Oasis و انتشارات خانه تیندل^۲ آستن شد. *ASB* نتیجه ی یک بررسی و تحلیل آماری مسیحیان در شهر جوز در نیجریه بود که «تاثیر بالقوه ی داشتن کتاب مقدس به زبان امروزی و شفاف با استفاده از واژگان و اصطلاحات آفریقایی را ارزیابی کند» (صفحه ۹۱). بررسی نشان داد که معنای واژگان آمریکایی یا بریتانیایی همیشه برای آفریقایی های انگلیسی زبان روشن نبود.

به دنبال این بررسی، گفتگوهایی بین رهبران آفریقایی از کشورهای مختلف، هیات مدیره ی تیندل و شرکت بین المللی Oasis صورت گرفت. این گفتگوها مشخص کرد که اگر قرار است *ASB* خلق شود، باید در درجه اول بر فراهم آوردن ابزار ضروری برای شاگردی و تحول زندگی متمرکز باشد تا آفریقایی ها بتوانند در ایمانشان رشد کنند. بر طبق تحلیلی که متعاقباً در ارزیابی نیاز برای *ASB* صورت گرفت، از رهبران آفریقایی پرسیده شد که دروندادهای مشخصتری را ارائه بدهند. این درخواست از طرف مدیران سمیناری، رهبران شاخه های کلیسایی، و پژوهشگران کتاب مقدس مطرح شد. آنها هم رای شدند که نیاز به یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس وجود دارد که دانش، فرهنگ، و حکمت آفریقایی ها را بازتاباند و به رشد مسیحیان آفریقایی کمک کند و بینشی برای مسیحیت جهانی فراهم آورد.

شرکت بین المللی Oasis هدایت این پروژه را به عهده گرفت و شرکای دیگری را در کنار هم آورد که مهارتهای بی نظیر خودشان را به پروژه آوردند (انتشارات خانه تیندل، و بنیاد خانه تیندل، تبرخ خود را در دسترس قرار دادند و تامین وجه کردند. Livingstone که ترجمه مطالعه ای زندگی کاربردی کتاب مقدس^۳ را خلق کرد، مشاور و مدیر ویراستاری شد). در پی آن، کمیته ای برای شکل گیری *ASB* تشکیل شد. کمیته متشکل از رهبران از هر ناحیه از آفریقا می شد و به نمایندگی از نواحی انگلیسی زبان، فرانسوی زبان، پرتغالی زبان، و عرب زبان و یازده کشور آفریقایی بود. کمیته دستور نهایی برای پروژه را داد و تمام تصمیمات ویراستاری عمده را گرفت (بنابراین خیلی آفریقایی بود). جنبه ی منحصر بفرد کمیته ی *ASB* این است که در روح یگانگی (چیزی که معمولاً سخت به دست می آید) شکل گرفت. آنها در باور خود به قدرت کلام خدا و نقش یک شبان برای پروراندن کلیسای آفریقایی ریشه گرفته بودند. به معنای واقعی کلمه، «ترجمه ی مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا، برای همیشه کار روح القدس را در نشست آکرا بازتاب خواهد داد.»

۳. رویای *ASB* چیست؟

کمیته ی *ASB* رویایش را بدین نحو بنا نهاد:

ASB، کتاب مقدسی است با ابزارهای مطالعاتی که توسط شبانان و پژوهشگران آفریقایی نوشته شد. هدف ما این است که با استفاده از تجربه ها و بینشهای آفریقایی، میزان فهم از کتاب مقدس را بالا ببریم تا نیازهای کلیسای آفریقا و سراسر جهان را برآورده سازیم.

این رویا در جملات زیر بازتر می شود:

۱. *ASB* به قوم خدا خوراک خواهد داد زیرا که همه ما نیاز داریم پیوسته از سرچشمه زندگانی، یعنی خدا و کلام مقدسش تغذیه شویم.
۲. *ASB* بر دانش و کاربرد متمرکز خواهد بود، و به مردم می آموزد که چطور حقیقت را در موقعیت بخصوص خود بکار ببندند. این ترجمه باید دستور عیسی مبنی بر شاگردسازی را تقویت کند.
۳. *ASB* به مردم کمک خواهد کرد که اتصالی بین حقیقت کتاب مقدسی و تحول زندگی برقرار کنند.

۴. پرسش و پاسخهای مصاحبه

² Tyndale House Publishers

³ Life Application Study Bible

من از فرصت استفاده کردم تا سوالات زیر را از دکتر الیوت بپرسم. پاسخهای او نگاهی اجمالی از کار *ASB* می دهد و به خواننده کمک می کند تا نیاز را بهتر درک کند. من برخی از پاسخهای او را با اطلاعاتی از وبسایتشان تکمیل کردم. هر جا که به آن برخوردیم، اشاره می کنم.

دکتر الیوت، شما از لحاظ تحصیلی و فرهنگی واضحاً آمریکایی هستید. با این حال، به نظر می رسد که نقش مهمی در تولید *ASB* ایفا کرده اید. می توانید نقشتان را در این پروژه تا اینجا شرح دهید؟

من (دکتر الیوت) تنها کسی هستم که در تمام هفت سال گذشته روی *ASB* مشغول به کار بوده ام. ما (شرکت بین المللی Oasis) ایده را ارائه دادیم و آن را به هیات ویراستاری تفسیر کتاب مقدس آفریقایی^۴ بردیم. ما پرسیدیم که آیا می توانیم تفسیر کتاب مقدس آفریقایی را گرفته و تبدیل به یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس کنیم. آنها نخواستند که این کار را پیگیری کنند، پس خودمان مستقلاً به انجام این کار پرداختیم (ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس خودمان را ارائه دادیم). نقش من این بوده که عناصر مختلف (از این پروژه) را کنار هم بیاورم، از ویراستاری گرفته تا تأمین بودجه، پیاده کردن رویا، آوردن متخصصان برای خلق یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس. تولید یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس، بسیار پیچیده تر از حد تصور است. خیلی آسان است که یادداشتهای زیادی از اناجیل ارائه داد اما هیچی از حقیقت ارائه داده نشود (به مزاح گفته شد)!

من به عنوان یک آفریقایی، به شما نگاه می کنم و می گویم، «شما جوان هستید و شاید تجربه کافی از آفریقا که مورد نیاز این پروژه است را نداشته باشید. به علاوه، هنوز موهابان سفید نشده که اقتدار فرمان دادن داشته باشید.» از این لحاظ، چطور آفریقایی ها شما را پذیرفته اند که نقش اصلی در ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقایی داشته باشید.

من ۲۰ سال در آفریقا سفر کرده ام، پس مشکلی نبوده است. تا حدی به عنوان یک شهروند آمریکایی، چیزهای دست و پا گیری مثل این طایفه یا نژاد در مقابل آن طایفه یا نژاد وجود نداشت. گاهی اوقات کنیایی ها به خاطر نظامهای آموزشی پیشرفته شان، بر پروژه های آکادمیک تسلط می یابند یا نیجریه های بسیار زیادی وجود دارند و کلیساهایشان آنقدر بزرگ است که برخی افراد به سلطه گری آنان اعتراض می کنند. حتی تفاوت لهجه ها می تواند مشکل ساز شود و غیره. اگر یک رهبر آفریقایی نقش من را به عهده می گرفت، شاید به خاطر این مسایل، کار را دشوارتر کرده بود. به هر حال، این پروژه به جلو رفت و ما از خدا سپاسگزاریم.

چه تفاوتی بین ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا با دیگر ترجمه های مطالعه ای کتاب مقدس، و با تفسیر کتاب مقدس آفریقا است، و نیاز کدام است که در صدد برآورده کردن آن هستید؟

تفاوت اصلی در مخاطبینی است که ما می خواهیم دست یابیم. مخاطبین هدف ما شبانانی هستند که شاید تحصیلات کامل الهیاتی نداشته باشند و نیز اشخاصی که در نیمکت کلیسا نشسته اند. مخاطبینی متفاوت. در کتابهای تفسیر، بر متن تفسیر می نویسید. در این ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس، ما کمتر به تفسیر و بیشتر به کاربرد متن پرداخته ایم. نویسندگانمان با معنای پایه ای آغاز کرده و می پرسند، «چگونه این را در زندگی به کار می بندیم؟» ما از تفسیر کتاب مقدس آفریقایی یاد گرفته ایم و بر شانه هایش تکیه کرده ایم. خوشحال هستیم که این تفسیر موجود بود، اما قصد ما این است به مخاطبین متفاوتی دست یابیم.

پیرو سوال قبلی: خوشحالم گفتید که ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا «کمتر به تفسیر و به بیشتر به کاربرد متن پرداخته است». هنگامی که قسمت نمونههای پیدایش را خواندم، می توانم بگویم که می خواهید متن را برای مردم آفریقا زنده کنید. اما به عنوان یک پژوهشگر مردم می شوم که چرا آن را «ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس» بنامم و در عوض، کتاب مقدس «کاربردی» یا «زمینه ای» بنامم؟

کمیتته در سال ۲۰۱۱ احساس کرد که مناسبترین نام برای پروژه، ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا بود. این یک ترجمه مطالعه ای کتاب

⁴ African Bible Commentary

مقدس است، بدین مفهوم که ما داریم «مطالعه» می کنیم؛ ما داریم کلام خدا را مطالعه می کنیم تا آن را کاربردی کنیم. این کتاب، «مطالعه» به مفهوم تفسیر صرف نیست، بلکه مطالعه به این مفهوم که چطور در پرتو (معنای) متن، بهتر زندگی کنیم.

۳۰۰ نویسنده از کشورهای مختلف در ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا نقش آفرینی کردند. چطور با این افراد آشنا شدید و آنها را گزینش کردید؟

اگر قرار بود از نو این کار را می کردیم، احتمالاً به شیوه متفاوتی عمل می کردیم، اما بیشتر انتخابمان از نویسندگان از طریق شبکه سازی صورت گرفت. فرایند آسانی نبود. ما باید با چهار نفر تماس می گرفتیم تا یکی را انتخاب کنیم. یکی می گفت، نه. یکی در دسترس نبود. یکی می گفت بله، اما هرگز نوشت. یکی می گفت بله و کاری را تحویل داد. برای فراهم آوردن ۳۰۰ نویسنده، ما مجبور بودیم که تقریباً با ۱۲۰۰ نفر در تماس باشیم. ما این کار را از طریق شبکه سازی انجام دادیم (ویکیلیف، اتحادیه کتاب مقدس، SIM، Navigators، Crew، و غیره). ما از هر شبکه ای که در دسترسمان بود استفاده کردیم. (این توصیف گر چالش برای آفریقا است، در دسترس بودن و رغبت برای مشغول شدن در پژوهش)

نویسندگان از لحاظ فرهنگی چه قدر متنوع هستند؟ آیا توازن برقرار است که نمایانگر تمام آفریقا باشند؟

ما هرگز نمی گوئیم «فرهنگ آفریقایی». ترجیح می دهیم بگوئیم «فرهنگهای آفریقایی». گوناگونی فرهنگی ای که در آفریقا است، بیشتر از تفاوت بین شمال و جنوب ایالات متحده است، اما در آفریقا همانند ایالات متحده، یک قلب فرهنگی مشترکی وجود دارد. لازم است که آن را درک کنیم. بهتر است بگوئیم که یک تجربه، مختص به یک فرهنگ خاص آفریقایی است که احتمالاً ممکن است شباهت هایی با دیگر فرهنگهای آفریقایی داشته باشد تا اینکه بگوئیم همه آفریقا یک فرهنگ یکسان دارند [فرهنگ واحد آفریقایی].

[توضیح: گوناگونی نویسندگان ASB بر حسب زبان، موقعیت جغرافیایی، شاخه کلیسایی، سن، و جنسیت بود. اینکه یک نویسنده ی آفریقایی بودن به چه معناست، ASB بیان می کند؛

نویسندگان «آفریقایی» کسانی هستند که در معرفت، قلب، و صدا آفریقایی هستند. «شبانان و پژوهشگران»، متشکل از رهبران رسمی و غیر رسمی کلیسایی خواهند بود که به عنوان شبانان و رهبران کلیسا انجام وظیفه می کنند.]

شما نمادهای آفریقایی مختلفی را برای استفاده در ASB انتخاب کرده اید. برای مثال، صلیب قبطی (نمایانگر شمال آفریقا)، « Mate Masie» (یک سبلی که نمایانگر غرب آفریقا است)، نیزه و سپر ماسایی (نمایانگر شرق آفریقا). اینها از قبایل خاص یا گروههای خاص مردم در هر ناحیه هستند. هر فرهنگ آفریقایی در سبملها بیان می شود. اگر شما سبملهای فرهنگی شخص دیگری را به من ارائه بدهید، باعث می شود که من فرهنگم را تسلیم فرهنگ آنان بکنم. پس، چطور دیگر آفریقاییها این سبملهای آفریقایی را که مال خودشان نیست پذیرفته اند؟

سبملها از آرایش حروف چینی و تصاویر برای ASB پدید آمد. ما یکی را برای شرق، یکی را برای شمال، یکی را برای جنوب، و یکی را برای غرب آفریقا انتخاب کردیم و سبملها با بخشهای مختلف ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس متناسب شدند. این بیش از هر چیز دیگر، یک کمک بصری و فکری است. ما امیدواریم که فرهنگهای دیگر قادر باشند که سبملهای متناظر در زمینه خودشان را پیدا کنند.

ترجمه های انگلیسی زیادی وجود دارد، چرا شما خواستید که از ترجمه حیات نو^۵ (NLT) استفاده کنید؟ شخصی ممکن است استدلال کند که یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس بیشتر باید روی متنی که به زبان اصلی نزدیکتر است کار کند. به این اعتراض چطور پاسخ می دهید؟

⁵ New Living Translation

بازبینیهای زیادی از متن ترجمه ی حیات نو شده است. اگر بازبینی کنونی آن را در قیاس با ویرایش اولش بخوانید، می بینید که بسیار استاندارسازی تر شده است (واژگان پولسی در سراسر کتاب، به یک شکل ترجمه خواهد شد). دو مولفه وجود دارد که تصمیم گرفتیم از NLT استفاده کنیم. تیندل، یک شریک و حامی پروژه ASB بوده است. پس آنان را اینگونه تکریم کردیم که نخست از NLT استفاده کنیم. تیندل حاضر است که از ترجمه‌های دیگر نیز استفاده کند، هرچند این بستگی به چگونگی استقبال از ترجمه فعلی دارد.

همچنین، همراه با کاربرد، تاکید عمده ای روی ترجمه KJV در برخی از شاخه های کلیسای وجود دارد. ما خواستیم که ASB به قصد ارائه ی یادداشتهای کاربردی باشد، همچنین روش تازه ای برای خواندن کتاب مقدس، تا آن را به زبان روزانه ی مردم ربط دهیم. وقتی آن را می خوانند، خوشبختانه، فقط اندیشه های تازه ای نیست، بلکه ترجمه جدیدی است که کمک می کند مردم کتاب مقدس را با قوت بفهمند و آن را به خود ارتباط دهند. شاید روزی، اگر خوب باشد، ترجمه یا ویرایش تازه ای از آن را خواهید دید.

(کماکان درباره ی این سوال که «چرا ترجمه NLT؟» کمیته ی ASB تصمیم گرفت که یادداشتهای آنجا که ممکن است از ترجمه های امروزی و قابل فهم استفاده کنند. آنها ترجمه NLT را در نظر گرفتند تا با این معیار برای ویرایش انگلیسی جور باشد (از روی کپی نمونه ای، صفحه ۹۲)

ترجمه ی مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا را در مقایسه با ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس جهانی Crossway که آن هم آفریقا را هدفگیری کرده است، چگونه ارزیابی می کنید؟

ترجمه ی مطالعه ای کتاب مقدس جهانی Crossway، بازبینی ای از ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس ESV است. نویسندگانی که مقالات معدودی نوشتند، جهانی هستند. کار آنها بسیار متفاوت از کار ماست. آنها ۱۲ مقاله دارند و نمایانگر ۲۰ کشور مختلف هستند. ما ۲۶۰۰ مقاله اصلی از چشم انداز بین المللی از ۳۵۰ نویسنده/ویراستار داریم. کار آنها یک بازبینی با افزونه ای بین المللی است. کار ما اساساً بین المللی است.

وبسایت شما می گوید، «کلام خدا از طریق چشمان آفریقایی»، و «بوسلیه ما برای دنیا». غیر آفریقایی ها چه می توانند از ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا بیاموزند؟ به عبارت دیگر، سهم این پروژه در کلیسای جهانی چیست؟

از ابتدای کار، رهبران ASB خواستند که به دنیا سخن بگویند. آنها از این احساس بنا می شدند که کلیساهای آفریقایی چیز قدرتمندی برای گفتن به کلیسای جهانی دارد. موضوعات زیادی هست که در آن، فرهنگهای آفریقایی نسبت به فرهنگهای غربی به فرهنگ کتاب مقدسی نزدیکتر هستند. بنابراین شیوه هایی وجود دارد که آنها متون را به طرق متفاوت و سودمند و قدرتمند درک می کنند. برای مثال، داستان استر – سیاست ازدواج، ما علاقه داریم فکر کنیم که این داستان بیشتر درباره تمایل جنسی است، اما بیشتر درباره وصلت‌های سیاسی و چیزی مثل آن است، یا هرچه که باشد. می توانید مثالهای زیادی را به دقت بررسی کنید تا ببینید آفریقایی ها چطور فرهنگ کتاب مقدس را طبیعی تر از دیگران می فهمند. مورد دیگر، پراکندگان آفریقایی است و ما درباره مردمی فکر می کنیم که در ۲۰ سال گذشته از آفریقا مهاجرت کرده اند. آفریقایی ها در بخشهای مختلف جهان (برزیل، هایتی، کاراییب، و غیره) وجود دارند. بنابراین، خوشبختانه دو رگه هایی آنجا وجود دارند. کل جمعیت مثلاً در هایتی، احساس آفریقایی دارند، پس ما امیدواریم که یادداشتهای ASB به طرز موثقی با آن جوامع نیز صحبت کند زیرا آنها پیوند قوی ای با آفریقا دارند.

آفریقا از لحاظ زبانهایی که در آن صحبت می شود، قاره ی پیچیده ای است. زبان مادری، تمرکز گروههایی چون ویکلیف است، زیرا آنها می خواهند که آفریقایی ها کلام خدا را بهتر بفهمند. از آنجایی که زبانهای بسیار زیادی در سراسر آفریقا وجود دارد و نیاز است که کلام را به زبان مادری بشنوند، ترجمه ی مطالعه ای کتاب مقدس به زبان انگلیسی چطور مفید خواهد بود؟ آیا برنامه ای دارید که محتوایی کتاب را به دیگر زبانهای آفریقایی ترجمه کنید؟

یک سوم مطالب در ASB به زبان فرانسوی نوشته شد. کمیته در سال ۲۰۱۱ اهدافی را برای زبانهای انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی، و عربی

تثبیت کرد. هدفمان این است که به زبانهای بزرگ بپردازیم. کار ترجمه *ASB* به گویشهای خاص لازم است توسط آژانسهایی به غیر از شرکت بین المللی *Oasis* صورت گیرد. ما هیجان زده می شویم که مردم برای ترجمه به ما روی می آورند. اما ما یک شرکت انتشاراتی ای هستیم که تمرکزمان روی زبانهای بزرگ است. امیدوار هستیم که دیگران این را ببینند و به گویشهای دیگر ترجمه کنند.

پیرو سوال قبلی: منظورتان این است که ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا به چهار زبان مختلف منتشر خواهد شد؟

زبان عربی را مطمئن نیستیم، اما قطعاً به زبانهای پرتغالی، انگلیسی، و فرانسه. نیت ما از روز اول این بود که به این چهار زبان منتشر شود، اما حتی در شمال آفریقا، زبان فرانسوی در الجزایر صحبت می شود. ۳۰ میلیون مصری به زبان انگلیسی صحبت می کنند. حتی اگر هرگز به زبان عربی منتشر نشود، افراد بسیار زیادی در شمال آفریقا به زبان فرانسوی و انگلیسی صحبت می کنند. نهایتاً، *ASB* حداقل به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، و پرتغالی منتشر خواهد شد.

اکثر روستایی ها در مناطق دوردست فکر می کنند که کتاب مقدس، کتابی است تنها برای شبانان. چطور از این مانع فکری عبور می کنید تا مردم عادی را به خواندن *ASB* ترغیب کنید؟

پیشتر درباره ی ترجمه *NLT* پرسیدید. مطمئن نیستیم که آیا تاریخچه کتاب مقدس حیات^۷ را می دانید. پیش از کتاب مقدس اولیه ی حیات، کتاب مقدسی که در آمریکا خوانده می شد، *KJV* بود. کتاب مقدس حیات، در ابتدا، ترجمه آزاد یک شخص بود، تا اینکه ترجمه کاملی مثل *NLT* باشد، اما بیرون آمد و پدیده ی منتشر شده ی بی نظیری در دنیا بود. فکر نمی کنم تصادفی بود که صنعت چاپ همزمان با ترجمه لوتر و نهضت اصلاحات اختراع شد. سواد کتاب مقدسی، شیوه عالی روح خدا در تاریخ بوده است. ما در تلاش هستیم که درباره *ASB* اطلاع رسانی کنیم و اینکه چطور می توان از آن استفاده کرد، اما پاسخ واقعی من این است که امیدواریم که همچون ترجمه کتاب مقدس حیات، ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا در وهله اول، کار روح خدا باشد. او (روح القدس) می تواند از آن همچون ابزاری استفاده کند و در قلب مردم اشتیاق ایجاد کند که آن را بخوانند. این زندگی ها را تغییر خواهد داد و به مردم کمک خواهد کرد که به طرز جدید و موثقتر و آفریقایی تر از گذشته با کتاب مقدس ارتباط برقرار کنند. این دعای ماست.

نویسندگان شما از شاخه های کلیسایی متفاوتی هستند و عقاید الهیاتی و تفاسیر مختلفی از کتاب مقدس را ارائه می دهند. چطور همه اینها را کنار هم قرار می دهید و اطمینان می دهید که یکپارچگی الهیاتی و تفسیری کتاب مقدس در ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا حفظ بماند؟

تلاش ویراستاری زیادی صورت گرفته است. می بایست محتوا از لحاظ سبک، سطح آموزشی و صدا و غیره یکسان باشد. بنابراین ما در واقع، یک تیم بازبینی الهیاتی متشکل از ۱۰ نفر داشتیم که از بخشهای مختلف آفریقا و جهان بودند. هر تکه ای از کار به صورت آنلاین در دسترسشان قرار گرفت تا بخوانند، و ویرایش و بازبینی و کارهای دیگر بکنند. ما ویراستارانی در دو سه مرحله داشتیم که بخوانند، نظر بدهند و غیره. افراد دیگری آن را دوباره خواندند و تغییراتی اعمال کردند تا تماماً آن را یکپارچه سازند. ما سخت کار کردیم. اگر کار نویسندگان ای مطابق با برنامه نبود، ما کسی را وارد گفتگو با او می کردیم. بنابراین شاید کار دو سه بار به آنها برای دوباره کاری برگشت داده می شد. کار ویراستاری بسیار حجیمی بود.

شرکت بین المللی *Oasis*، به عنوان یک ناشر، می خواهد که منابع الهیاتی را با قیمت زیر ۵ دلار در آفریقا در دسترس قرار دهد. آیا این موضوع برای ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا نیز صدق می کند؟

ما کتابهایی را با حجم ۲۰۰ تا ۴۰۰ صفحه به قیمت زیر ۵ دلار برای قسمتهای انگلیسی زبان آفریقا منتشر کرده ایم. ما امیدواریم که ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس با حجم ۲۲۰۰ صفحه به قیمت ۳۰ تا ۴۰ دلار در آمریکا به فروش برسد. در کشورهای دیگر، بسته به عوارض گمرکی،

⁷ Living Bible

مالیات، یا حق الزمه، به قیمت ۱۵ تا ۲۰ دلار به فروش خواهد رفت. بسیار مقرون به صرفه.

اکثر نویسندگان و کتابهای آفریقایی بیشتر از اینکه در آفریقا شناخته شده باشند، در غرب شناخته شده اند، و کتابهای غربی از کتابهای آفریقایی در آفریقا شناخته شده تر هستند. چطور قصد دارید که این رویه را تغییر دهید تا ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا در خود قاره آفریقا به خوبی شناخته شده باشد؟

من در دوازده ماه گذشته به طور ممتد در کنیا، غنا، نیجریه، و آفریقای جنوبی سفر کرده ام و کمیته هایی را برای راه اندازی ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس تشکیل دادیم. بدان امید که از آنجا از این کمیته های راه اندازی شده، پخش شود. در حینی که سوالاتی پرسیدیم و گوش کردیم، به طور مثال نیجریه ای ها و غنایی ها ایده های متفاوتی داشتند، بنابراین ما ابتکار عمل زیادی به آنها دادیم تا توزیع و شبکه سازی را در کشور خود مدیریت کنند. ما کنفرانسها، برنامه های آموزشی و جشنهای کلیسایی و غیره را برگزار خواهیم کرد. ما آنجا خواهیم بود. ما برنامه داریم که از رسانه های اجتماعی نیز استفاده کنیم. این بزرگترین برنامه معرفی کتاب مسیحی خواهد بود که تاکنون در این چهار کشور پیشرو صورت گرفته است تا به مردم در سراسر مناطق انگلیسی زبان آفریقا اطلاع رسانی کند.

۵. ارزیابی

خوانندگانمان می توانند اطلاعات بیشتری را درباره ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا در وب سایت <http://oasisint.net/africa> - study-bible/ کسب کنند. در زیر، ارزیابی ام را از این پروژه آورده ام تا به خوانندگان کمک کند تا کاربردپذیری آن را برای خود تعیین کنند.

۵.۱ نقاط قوت

اولین جنبه مثبت این است که ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس آفریقا نیاز را در قاره آفریقا درک می کند و می کوشد تا آن را برآورده سازد. مخاطبین مورد نظر، کسانی هستند که غالباً توسط بسیاری از ناشرانی که قصدشان برای آفریقا بود، نادیده گرفته شده اند. خوشایند است پروژه ای را ببینیم که پیش از آنکه کتاب مقدس را برای مخاطبینش زنده بسازد، مخاطبانش و فرهنگهای گوناگونشان را جدی می گیرد. درحالیکه بسیاری از کتابهای الهیاتی آفریقایی ریسک می کنند که کتاب مقدس را مادون فرهنگ قرار دهند، *ASB* بر اقتدار مطلق کلام خدا صحنه می گذارد و فرهنگ را مادون آن قرار می دهد.

دوم اینکه، اگرچه این کار به رهبری شرکت بین المللی Oasis صورت گرفته است، اما بدیهی است که این کار از آغاز تا پایان، کار آفریقایی ها است. این پروژه نشان می دهد که یک شراکت صحیح به چه شکل است. آفریقایی ها مطالب را نوشتند. Oasis و سازمانهای دیگر، بودجه ای را تامین کردند که آفریقایی ها برای پروژه ای در این سطح ندارند. این سرمشقی برای پیروی است.

سوم اینکه، این کتاب مقدس، منبع خوبی برای کسانی است که خارج از آفریقا هستند و به دنبال این هستند که خودشان را برای خدمت در آفریقا آماده کنند. همچنین برای کسانی که می خواهند به پراکندگان گسترده ی آفریقایی در اروپا و قاره آمریکا خدمت کنند، سودمند خواهد بود.

چهارم اینکه، مقرون به صرفه بودن *ASB* به این معناست که شبانان و افراد معمولی آفریقایی بسیار بیشتری دسترسی خواهند داشت به کتاب مقدسی که به راحتی قابل خواندن و درک است. سمبلها، ضرب المثلهای، داستانهای همبافت شده، موجب خواهد شد که قابل فهم تر شود. پنجم اینکه، قیمت ۱۵ تا ۲۰\$ که برای آن در نظر گرفته شده، برای یک ترجمه مطالعه ای کتاب مقدس تاکنون به گوش نرسیده است. قیمت آن مقرون به صرفه است و رهبران آفریقایی نمی توانند ادعا کنند که هزینه، دلیلی است برای نخریدن و تکثیر نکردن آن برای مردم. هیچ یک از ایمانداران آفریقایی، دیگر هزینه را دلیلی برای دارا نبودن کتاب مقدسی که هر روز با زندگی شان صحبت می کند، لحاظ نخواهند کرد.

دیگر نقاط قوت *ASB* در زیر در قسمتهای «مشخصه های کلیدی» و «نزدیکتر آوردن کتاب مقدس» فهرست شده است.

۵.۲ نقاط ضعف

اگرچه این پروژه مهم است و نیاز محسوسی را برآورده می‌سازد، اما در را برای نقادی در چند نکته باز می‌کند. از این قبیل: نخست اینکه، کلمه «مطالعه» در عنوان کتاب، برای یک ذهن پژوهشگرایانه مشکل ایجاد می‌کند. مهم است که خوانندگان، نگاه واقع‌گرایانه‌ای به ترجمه مطالعه‌ای کتاب مقدس آفریقا داشته باشند. هر کسی که از یک «ترجمه مطالعه‌ای کتاب مقدس» انتظار دارد که به آنان در خواندن و درک کتاب مقدس (تفسیر) کمک کند، اندکی ناامید خواهد شد. به این خاطر که این کتاب مقدس، اساساً یک کتاب مقدس کاربردی است که به خواننده کمک می‌کند تا کتاب مقدس را در بافتهای متنوع فرهنگی آفریقایی بکار ببندد. دوم اینکه، با وجود اینکه این کتاب مقدس مقرون به صرفه است (۱۵ تا ۲۰ دلار)، اما با این حال برای اکثر روستایی‌هایی که درآمد ماهیانه‌ی بسیار پایینی دارند، هزینه‌ی بالایی است. نهایتاً، اگرچه مخاطبین مورد نظر شامل همه روستایی‌ها می‌شود، اما فقط کسانی که دارای شغل و درآمد ثابت هستند، قادر خواهند بود آن را خریداری کنند. کارگر ساده‌ای داستانی را با من در میان گذاشت که این نکته را روشن می‌سازد.

خُب من در شمال غنا هستم. سفرهای متعدد داخلی انجام داده‌ام و قادر نبوده‌ام که یک کتاب مقدس به زبان محلی تهیه کنم. سرانجام، در یک سفر، شریک بین‌المللی ما موافقت کرد که یکی برایم تهیه کند. او بارها به من هشدار داده گفت «اما این واقعاً گران است»، و می‌خواست مطمئن شود که آیا واقعاً می‌خواهم پولم را خرج کتاب مقدسی بکنم که نمی‌توانم بخوانم. به او اطمینان دادم که رغبت دارم که هر چقدر هزینه اش باشد، بپردازم. هزینه کتاب مقدس معادل با (اگر اشتباه نکنم) ۷ دلار آمریکا بود.

هزینه ممکن است اکثریت آفریقاییها را از داشتن یک نسخه از آن باز دارد.

۶. مشخصه‌های دیگر ترجمه مطالعه‌ای کتاب مقدس آفریقا

۶.۱ اهداف و مشخصه‌های کلیدی

۱. تلقی کردن متن کتاب مقدس به عنوان اقتدار نهایی
۲. ارائه‌ی تعالیم عملی و حکیمانانه به شیوه‌ی غیرمقابله‌ای
۳. تمرکز بر نصیحت تجویزی، کاربرد، و تحول زندگی
۴. تلاش برای پاسخ به سوالاتی که در ذهن خواننده محتمل است.
۵. خلق یک منبع بارز برای شبانان و معلمان بطوریکه کلام خدا را برای شنوندگانشان به کار می‌برند.
۶. خلق یک ترجمه مطالعه‌ای کتاب مقدس که از لحاظ فرهنگی کاربرد داشته باشد و برای عموم خوانا باشد
۷. آوردن بینشها و تجارب آفریقایی به داخل متن، به شیوه‌ای که کتاب مقدس را برای تمام خوانندگان زنده بسازد.
۸. پرهیز از تکرار مکررات، به خصوص، کاربردها و مسائل الهیات غرب

۶.۲ نزدیکتر آوردن کلام خدا

ترجمه مطالعه‌ای کتاب مقدس آفریقا، کلام خدا را به آفریقایی‌ها نزدیکتر می‌کند، بدین گونه که:

۱. کلام خدا را در زندگی روزانه مان بکار می‌برد.
۲. ریشه‌های آفریقایی مسیحیت را احیا می‌کند.
۳. کتاب مقدس را در زمینه خودمان شرح می‌دهد، و قابل فهم تر می‌کند.
۴. یک دوره‌ی چند منظوره‌ی الهیات، محتوای کتاب مقدسی، تاریخ، و فرهنگ را با هم تعلیم می‌دهد. که شامل:
 - ا. بیش از ۲۶۰۰ مطلب، که توسط ۳۲۵ پژوهشگر و شبان از هر گوشه‌ی قاره آفریقا نوشته شده است، کتاب مقدس را زنده می‌سازد.
 - ب. ۱۲۶۰ یادداشت کاربردی که به خوانندگان الهام می‌دهد تا حقیقت را در مسائل واقعی زندگی بکار ببرند.

- ت. بیش از ۵۶۰ داستان و ضرب‌المثل آفریقایی از فرهنگ‌های غنی آفریقایی، معنای هر کتاب را روشن می‌سازد.
- ث. ۸۲ یادداشت آموزشی که کمک به توضیح آموزه‌های بزرگ ایمان مسیحی می‌کند.
- ج. ۳۰۰ نکته‌ی تماسی که نشان می‌دهد در کجا فرهنگ کتاب مقدس با فرهنگ آفریقایی رویارو می‌شود و اینکه چگونه آفریقاییها باور و آموزه‌ی مسیحی را شکل دادند.
- ح. ۵۸ مقاله که توصیه‌های عملی ارائه می‌دهد که چگونه در ۵۰ عرصه بحرانی از زندگی، مطابق با ایمانمان زندگی کنیم.
- خ. مقدمه‌های کتاب، که تاریخچه‌ی هر کتاب را شرح می‌دهد و موضوعات را به مسائلی که به قلب آفریقایی نزدیک است متصل می‌کند.

گزارشی از خدمت کلیساهای بین المللی

دیو فرمن و اسکات زلر

دیو فرمن (فوق لیسانس الهیات از آموزشگاه الهیاتی دالاس) به عنوان شبان ارشد کلیسای نجات دویی در امارات متحده عربی خدمت می کند. او این کلیسا را در سال ۲۰۱۰ بنا کرد.

اسکات (دکترای خدمت از آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی) شبان اجرایی در کلیسای نجات دبی است و خدمت تربیت رهبری را در کلیسا بر عهده دارد. او پس از چندین سال خدمت در دهلی هند، در سال ۲۰۱۴ به خدمت در دبی ملحق شد.

من (دیو) هنوز آن مکالمه را به یاد دارم که انگار همین دیروز بود. داشتم در آپارتمانمان در تگزاس، تلفنی صحبت می کردم و نمی توانستم باور کنم چیزی که را که می شنیدم درباره فرصتهایی که برای پیشبرد انجیل در خاورمیانه وجود دارد. همسرم گلوریا، شور و ذوقم را شنید و به داخل اتاق آمد و فالگوش ایستاد. دوست جدیدمان که شبانی خارجی بود، داشت به من شرح می داد که در آن زمان، کلیسای سالم انگلیسی زبانی در مرکز رو به رشدترین شهر دنیا وجود نداشت. مردم تقریباً از هر ملتی به این شهر که انگلیسی زبانی رسمی بود، سرازیر شدند، با این وجود، هیچ کلیسایی که انجیل را موعظه کند در مرکز شهر وجود نداشت. او گفت یک کلیسا در مرکز آن شهر بنا کن و پیام انجیل را به جایی که به ندرت رسیده برسان.

این تمام چیزی بود که گلوریا نیاز داشت بشنود. او مطالعه را کنار گذاشت و به اتاق پذیرایی رفت تا صندلی ای بیاورد. بجای اینکه کنار من بنشیند، صندلی را به سمت کمد کشاند و روی آن ایستاد تا دستش به چمدانمان برسد. چمدان را از قفسه پایین آورد و زیپش را باز کرد و لباسها و کتابهای مورد علاقه اش را در آن چید. به یاد دارم صدای چرخهای چمدان را که روی کوریدور کاشی کاری شده به سمت در ورودیمان در حرکت بود، و سپس گلوریا از کوریدور صدا زد، «بیا برویم!»

همسرم بدین شکل به من گفت که آماده است دل را به دریا بزند. و من هم آماده بودم. ما نمی توانستیم باور کنیم که چطور دو خدمتی که بیشترین اشتیاق را به آن داشتیم، با یکدیگر داشت تلفیق می شد: کلیسای محلی و خدمت میان مردمی که کمتر به آنان بشارت رسیده است.

۱. غول خفته

خدمتی که ما به آن فراخوانده می شدیم، معروف به «کلیسای بین المللی» است - کلیسایی که به یکی از زبانهای برجسته ی (اما شاید غیر بومی) اجتماع گردانده می شود و مردم را از هر ملیت خوشامد می گوید. اگرچه ۵۰ سال پیش در منطقه ما حتی برای غذا خریدن مجبور بودید که عربی بدانید، اما به خاطر جهانی شدن، انگلیسی به عنوان زبان جهانی ترفیع یافته است. برای این منظور، ما اساساً به زبان انگلیسی خدمتمان را انجام می دهیم تا پیام انجیل را به شمار بیشتری از مردم مختلف برسانیم. و این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است. کلیسای ما به سرعت رشد کرده است و ما دیده ایم که بسیاری از مردم بشارت ندیده، از طریق موعظه ی کلام خدا و همینطور از طریق بشارت فردی اعضایمان، به انجیل پاسخ می دهند.

امیدمان این است که بنیم کلیساهای بین المللی بیشتری در منطقه ما و سراسر دنیا راه اندازی شوند. ما ایمان داریم که کلیساهای بین المللی می تواند غولهای خفته ی ماموریتهای جهانی باشند. این کلیساها که بسیاری از آنان به صورت استراتژیکی در شهرهای جهانی کشورهایی که پیام انجیل به سختی به آن می رسد قرار گرفته اند، این پتانسیل را دارند که نه تنها انجیل را به شهرهای خود برسانند، بلکه همچنین با بازگشت اعضای مهاجرشان به میهن اصلی خود، انجیل را به دنیا برسانند. شبان باب رابرتس گفته است،

کلیساهای بین المللی در ۱۵ سال گذشته در شهرهای بزرگ در سراسر جهان ظهور کرده اند. مهاجرانی که می آیند تا به عنوان اقلیت

در مکانی خاص زندگی کنند، خود را در حال پرستش با ایماندارانی از هر ملت و در هر حوزه ای می بینند. فقیران و ثروتمندان، دیپلماتها و تاجران، سیاه و سفید، و از هر زبانی – این مردم شاید بزرگترین معادن طلای تکثیر کلیسا باشند که ما در دنیای امروز داریم (اما آیا کاملاً از آن آگاه هستیم؟). آنها متصلترین کلیساها در بین تمام کلیساها هستند زیرا اعضایشان نمایانگر تک تک حوزه های جامعه است.¹

فرض کنید اگر این کلیساهای بین المللی واقعاً چنین اثری بر دنیا داشتند – که انجیل را به مردان، زنان، و کودکان از ملتهای مختلف در شهرهای کلیدی جهانی برسانند و آنها را به ملتهای خود بازگردانند تا جنبشهای انجیل را در کشورهای خود به راه اندازند. فرصتها، بی حد است. وقتی که من (دیو) و گلوریا همراه با دختر ۱۶ ماهه مان در تاریخ ۲۳ آگوست ۲۰۰۸ از هواپیما پیاده شدیم و پایمان را روی آسفالت داغ شهر گذاشتیم، هیچ ایده ای از اوضاع نداشتیم. با دو نفر در این شهر بیگانه مختصر دیداری داشتیم، اما نمی دانستیم آیا واقعاً شدنی است که کلیسای جدیدی را که از زمان تماس تلفنی در رویا داشتیم، بنا کنیم.

نقشه ای گرفته بودیم و مربعی را به دور شهر کشیدیم و دعا کردیم که کلیسایی در آنجا راه اندازی شود. در مدت زمان کوتاهی، ما قادر شدیم که با یک کلیسای بین المللی موجود در آنطرف شهر متصل شویم. به لطف خدا، ۱۸ ماه بعد، قادر شدیم ببینیم که کلیسایی در مرکز آن مربع آغاز به کار کرد.

و مردم آمدند! سپس مردم بیشتر و بیشتری آمدند. در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ نفر از بیش از ۶۰ ملت، هر هفته جمع می شوند تا پیام انجیل را بشنوند. بسیاری از آنان اعضای هستند که متعهد شده اند بخشی از کلیسای ما باشند، و برخی از آنان مهمان هستند. مهمانان ممکن است توریستی در شهر باشد که هرگز جلسه پرستشی مسیحی ندیده است و می خواهد «ببیند که چه خبر است.» ممکن است زنی باشد که شغلش آنطور که امیدوار بود به نتیجه مطلوبی نرسید و به دنبال هدایت روحانی است. در یک کلیسای بین المللی، هرگز نمی دانید که خداوند چه کسی را از در وارد می کند.

ما (اسکات زلر و دیو فرمن) در مابقی این مقاله می خواهیم هشت واقعیتی را که توصیفگر کلیساهای بین المللی است اشاره کنیم.

۱.۱ عشقی برای شهرشان

سالها پیش، من (دیو) چندین هفته را با سازمان Redeemer City to City (نجات شهر به شهر) در نیویورک برای آموزش بنای کلیسا سپری کردم و یکی از چیزهایی که خیلی روی من تاثیر گذاشت، چیزی نبود که شنیدم، بلکه مطلبی بود که در یک کتابچه راهنمای خدمت درباره کلیسای نجات پرزبیتری خواندم. زندگی نامه کوتاهی از شبان تیم کلر بود که توجه من را به خود جلب کرد. کتابچه گفت که بزرگترین سرگرمی او نیویورک است. در ادامه گفت که چقدر تیم کلر در اوقات فراغتش دوست دارد که در خیابانهای جدید در شهر قدم بزند و با چیزهای جدیدی از همسایگی خود آشنا شود. آن زندگی نامه من را به چالش کشید که دعا کنم بیشتر عاشق شهرمان شوم. سوار مترو شدم و به هر جاییکه می توانستم رفتم و در شهر با مردم دیدار کردم. ما از بیرون شهر به آپارتمانی درست در خیابانی که کلیسایمان در آنجا برگزار می شود نقل مکان کردیم.

زندگی در شهر، به شما کمک می کند که با مردمی که می خواهید بدیشان بشارت دهید آشنا شوید. در میان جماعت راه می روید و به اوضاع توجه می کنید. روابط دوستانه ای را با کارمندان، مغازه داران، و خدمتکاران ایجاد می کنید و با زندگی هایشان آشنا می شوید. با داستانهای مردم آشنا می شوید و اغلب توسط کسی که پذیرای انجیل است شگفت زده می شوید. من همیشه حیرت زده می شوم وقتی کسی را می بینم که خدا او را به عنوان یک «شخص صلح» بلند می کند، که نفوذ او حتی خدمت بیشتری را فراهم می آورد. برای اینکه حقیقتاً پیام انجیل را به شهرها برسانید، لازم است در میانشان زندگی کنید. تا زمانی که در اجتماع آنجا نباشید، برخی از نکات ظریف جماعت را نخواهید فهمید. نزدیکی به مردمی که تلاش دارید به آنان بشارت دهید، ضروری است. انتخاب خانه باید بر طبق آن صورت گیرد؛ حتی اگر به معنای زندگی در شرایطی است که ممکن است مادرزندان را به هیجان نیاورد.

ما به داخل شهرها می رویم زیرا (همانطور که بسیاری از ماموریتشناسها گفته اند) اگر شهرها را از دست دهیم، دنیا را از دست می دهیم.

¹ Bob Roberts Jr. *The Multiplying Church: The New Math for Starting New Churches* (HarperCollins, 2009), pg 130-131.

هند هر ساله دارد شهری به بزرگی شیکاگو می سازد، فقط بدین منظور که خود را با سرعت شهرنشینی وفق دهد.^۲ افراد مقاوم در برابر انجیل و بشارت نیافتگان دارند به داخل شهرهای دنیا نقل مکان می کنند. چه می شود اگر بتوانیم کلیساهای بین المللی مرکزی را در شهرهای کلیدی جهان بنا کنیم؟ چه می شود اگر آن کلیساها در انصورت کلیساهای بیشتری را در حومه ها بنا بکنند؟

۱.۲ تمرکز انجیل گونه

چهار سال پیش، مارتین و ماریا (نامه‌های مستعار)، همراه با دو فرزندشان، به جلسه کریسمس ما آمدند. اولین بار بود که این خانواده از «ملت مجاوری که پیام انجیل به ندرت به آنجا رسیده بود»، به یک اجتماع مسیحی پا گذاشته بودند. مارتین و ماریا فقط این طرز فکر را داشتند که مودبانه است که دعوت دو تا از اعضای ما را بپذیرند، اما آنچه آن شب روی داد، زندگی شان را برای همیشه عوض کرد.

مضمون جلسه ساده بود: سرود خواندن، خواندن کتاب مقدس، تاملی کوتاه بر تولد مسیح. در طی وعظ انجیل، مارتین و ماریا به گفته خودشان «گرمایی را حس کردند که بر آنان قرار گرفت که قبلاً هرگز آن را حس نکرده بودند.» آنها در روزهای بعدی کماکان درباره عیسی و پیامی که آن شب وعظ شده بود می اندیشیدند. آنها شروع به مطالعه کتاب مقدس با اعضای که آنها را در شب کریسمس دعوت کرده بودند، نمودند. از طریق مطالعه کلام خدا بر آنان روشن شد که عیسی همان کسی است که می گوید. مارتین و ماریا از گناه خود توبه کردند و اعتراف کردند که عیسی هم خداوند و هم نجات دهنده شان است.

کلیساهای بین المللی باید وفاداران انجیل را اعلام کنند و در برابر وسوسه ها برای تغییر دادن انجیل، تحریف کردن آن، یا بی توجهی به آن مقاومت کنند. انجیل زندگی ها را عوض می کند. این حقیقت است که گناهمان بر ضد خدای قدوس مستحق مرگ و داوری عادلانه خداست. و تنها از طریق ایمان به قربانی مسیح برای گناهکاران است که ما نجات خواهیم یافت. میلتن وینسنت در کتابش به نام *الفبای انجیل* می گوید:

جالب است که کتاب مقدس عبارت «قدرت خدا» را تنها در اشاره به انجیل بکار می برد. خارج از آسمان، قدرت خدا در بالاترین تراکم خود در انجیل یافت می شود. هیچ چیز دیگر در تمام کتاب مقدس هرگز بدین شکل توصیف نشده است، مگر برای شخص عیسی مسیح. چنین توصیفی نشان می دهد که انجیل نه تنها قدرتمند است، بلکه موجودیت بنیادینی است که قدرت خدا در آن ساکن است و بزرگترین کار خدا را انجام می دهد.^۳

یک کلیسای بین المللی باید با دلیری انجیل را اعلام کند و در بنای خدمت‌هایی انجیلی بکوشد. انجیل باید رویای کلیسا را به حرکت درآورد، ماموریت اعظمی را که مسیح به پیروانش داد بازتاب دهد. هدف خدمت باید وفاداری به فرمایشات عیسی مسیح در قدم برداشتن برای شاگردسازی باشد. خدمت بجای تمرکز بر توسعه ی برنامه ها و بودجه ها باید متمرکز بر مسائل قلبی باشد و ببینیم که افراد در ایمانشان رشد می کنند.

۱.۳ تعلیم حقایق غنی الهیاتی

«من عمداً حقایق دشوار را در میان نمی گذارم یا چیزهای سختی را که عیسی گفت در کلیسا بازگو نمی کنم» اینها کلماتی بود که از زبان رهبر یک کلیسای بین المللی که در جنوب آسیا با او دیدار کرده بودم، گفته شد. بعد از جلسه پرستشی، با بسیاری از رهبران کلیسا برای صرف نهار نشستیم و سوالات بیشتری را درباره کلیسایشان از آنان پرسیدم. رهبر دیگری گفت که آنها عمداً آموزه هایی را که می تواند در کلیسا دو دستگی ایجاد کند تعلیم نمی دهند، بنابراین آنها به هیچ ایمان نامه ای اسناد نمی کنند، هیچ شیخی را به رسمیت نمی شناسند و هیچ عضویت کلیسایی یا تادیب کلیسایی را اعمال نمی کنند. در کمال تعجب، از او پرسیدم، «چرا؟» او متحیر شد و توضیح داد، «چرا بخواهیم که در جماعت کلیسا

² Report from McKinsey Global Institute: "India's urban awakening: Building inclusive cities, sustaining economic growth" (April 2010), pg 8. Available online: http://www.mckinsey.com/~media/McKinsey/Global%20Themes/Urbanization/Urban%20awakening%20in%20India/MGI_Indias_urban_awakening_executive_summary.ashx

³ Milton Vincent, *A Gospel Primer for Christians* (Bemidji, MN: Focus, 2008). 14

اصطکاک ایجاد کنیم؟ اگر ما از لحاظ الهیاتی موضع گیری مشخصی بکنیم، برخی از افراد ناراحت خواهند شد. و ما نمی خواهیم که به احساسات هیچ کس لطمه بزنیم. همه ما از وطن دور هستیم و به یکدیگر نیاز داریم.»

گرایش رو به افزایشی در ماموریت‌های جهانی وجود دارد که می گوید بناکنندگان کلیسا باید تعلیم و موعظه خود را محدود به «کوچکترین مضرب مشترک» بکنند تا شمار بیشتری را درو کنند. این ایده، ریشه در این تمایل دارد که تفرقه در بدن مسیح به حداقل برسد. این بناکنندگان کلیسا از شرح و تفسیر آباتی که حقایق قانع کننده و مایه پرستش را تعلیم می دهد، امتناع می کنند، حقایق نظیر تثلیث، گزینش، تباهی کامل، پارساشمردگی بواسطه ایمان، کفاره ی جایگزینی، کفایت عیسی مسیح، و اطمینانی که ما در بازگشت جسمانی عیسی داریم تا مردگان و زندگان را داوری کند. بدین گونه، وقتی که شبان ممانعت می کند که این آموزه های غنی را به گله اش خوراک دهد، انجیل به طور سطحی پذیرفته می شود و سرانجام ضایع می شود.

اخیراً موعظه ای از کل کتاب لاویان را در یک دوره ی نه هفته ای انجام دادم. مقداری استرس داشتم که این کتاب را موعظه کنم زیرا به شخصه این کتاب را هرگز عمیقاً مطالعه نکرده بودم. و شما چطور برخی از فصلهای لاویان که درباره بیماریهای پوستی و ترشحات است را موعظه می کنید؟ مطمئناً آسانترین مجموعه ی موعظه در دنیا نبود، اما کلیسایمان آن را دوست داشت. دعايمان در ورود به این مبحث این بود که نه تنها کتاب لاویان را دوست داشته باشیم، بلکه بسیار مهمتر، خدای کتاب لاویان را دوست داشته باشیم. و خدا به دعاهایمان جواب داد - زندگیهایمان عوض شد.

روز بعد از آخرین خطابه ای که در آن مجموعه سخنرانی کردم، عجیبترین خبری را می توانستم بشنوم را شنیدم. در طی هفته ی پیش از آخرین خطابه من، شش جوینده از یک کشور همسایه به شهرستان آمدند تا با یک معلم کتاب مقدس در کشورمان دیدار کنند. آنها به مسیحیت توجه نشان داده بودند و در طول هفته ی «گردشگری» شان کلام خدا را مطالعه کردند. بیشتر مباحثاتشان حول شریعت و عهد عتیق می چرخید، سپس دوستشان که به آنان داشت تعلیم می داد، آنها را به جلسه پرستشی ما آورد. آنها نمی توانستند باور کنند که من داشتم از کتاب لاویان موعظه می کردم. بعد از آن، آنها به معلمشان گفتند، «تو این را ترتیب دادی، مگر نه؟ تو به واعظ گفتی که چه وعظ کند!» بعداً در آن روز، چهار نفر از آنان پیش او آمدند و گفتند که از گناه خود توبه کرده و به مسیح توکل کرده اند که آنان را نجات دهد. آنها گفتند که خطابه لاویان، ناگهان همه چیز را برایشان روشن ساخت. لاویان! کلیساهای بین المللی لازم نیست که آموزه ها را خاموش سازند، بلکه جلالهای خدا را در تمام کتاب مقدس نمایان سازند.

۱.۴ عضویت فعال

کتاب مقدس به روشنی بیان می دارد که کلیسا شکل مرئی دارد و بر زمین به عنوان یک جماعت قابل رویت تشکیل شده است. کتابهای اعمال رسولان، اول تیموتائوس، و تیتوس به ما نشان می دهند که کلیساها باید خود را وقف موعظه درست کلام خدا و اجرای درست آیینها بکنند. کلیساهای محلی متشکل از افرادی است که خود را وقف خدا می کنند. مارک دور گفته است که کلیساها باید به طور جمعی، جلال خدا را به جهان نشان دهند.

یکی از بهترین راههایی که ما می توانیم جلال مسیح را در کلیسا نشان دهیم، از طریق عضویت فعال است - فراخواندن مسیحیان به اینکه در قبال زندگی هایشان پاسخگو باشند. همچنین نیاز است که به مسیحیان فرصت داده شود که در کلیسا خدمت کنند. عضویت در زمینه های بین المللی اغلب برداشته می شود تا اطمینان حاصل شود که کسی احساس نکند که جا گذاشته شده است. اما این دقیقاً دلیل آن است که چرا عضویت مهم است. وقتی که افراد به بافت بین المللی جدیدی نقل مکان می کنند، برایشان بسیار آسان است که در گمنامی زندگی کنند. اکنون در مکانی هستند که نیاز به حمایت و کمک دارند. افرادی که به بافت بین المللی جدیدی نقل مکان می کنند (شاید برای مدت زمان کوتاهی)، نباید وقتشان را در یک کلیسای جدید به عنوان وقفه از خدمت «واقعی» شان قلمداد کنند. کلیسای اصلی شان، آن کلیسای نیست که از آن شهر آمده اند، بلکه در شهری است که هم اکنون در آن زندگی می کنند. عضویت کلیسا به مشایخ کلیسا کمک می کند که گله را که به امانتشان سپرده شده است، بشناسند و بهتر و بیشتر از کلیسا مراقبت کنند.

یکی از لحظات مورد علاقه من در کلیسایمان در اولین سالمان رقم خورد. ما داشتیم با مردی برای عضویت مصاحبه می کردیم. زندگی او بهم ریخته بود. گناه زندگی قبلی او عواقب زیادی داشت، اما او مسیحی شده بود و می خواست که به کلیسا ملحق شود. ما به او گفتیم که نیاز داریم که کلیسا بداند که در زندگی او چه گذشته است تا بتوانیم از او مراقبت کنیم. ما نمی دانستیم که عکس العمل او چه خواهد بود. آیا می

پذیرد یا عصبانی می شود؟ او گفت، «همه چیز را به آنها بگوئید! من به کلیسا نیاز دارم. به آنها نیاز دارم / لطفاً به آنها بگوئید تا بتوانند به من کمک کنند.» برادرمان در مسیح نیاز به دعا و حمایت ما داشت، او به ما نیاز داشت که با او در قدوسیت همگام شویم. ما بعداً مجبور شدیم که با این برادر وقتی که دوباره به گناه افتاد، همگام شویم. اما باز، به این خاطر است که کلیسا آنجاست – که دیوار محافظی را برای ماییکه در معرض دور شدن از خدا هستیم، مهیا سازد.

۱.۵ گوناگونی نژادی

گوناگونی در کلیسای بین المللی، زینت قشنگی از انجیل است. یک شب در خانه ی ما (دیو) شامی را همراه با اعضای کلیسا داشتیم. مهمانی بزرگی همراه با خوردنی های زیاد و مشارکت بود. روز بعد، همسایه ای به همسرم گلوریا اعتراف کرد: «تمام شب صورتم را به پنجره چسبانده بودم و به حیاطتان نگاه می کردم. آنچه دیدم مرا متعجب ساخت. دیدم که هندیها، آفریقایها و آسیایها و غربیها کنار هم هستند و غذا می آورند و در خانه تان غذا می خورند و همه خیلی خوشحال بودند. چرا شما با مردمی که خیلی با شما فرق دارند هم سفره می شوید؟» گلوریا دید که در به روی صحبت از انجیل باز شده است و گفت، «همه اش به خاطر عیسی است.» به خاطر گوناگونی ای که در کلیسایمان است، همسرمان این فرصت را پیدا کرد تا به طور کامل شرح دهد که عیسی چگونه دیوار جدایی را فرو ریخت، و هر حصار را در هم شکست؛ و مردم را از تمام ملتها در صلیب گرد هم آورد. به خاطر عشق عیسی به ما و عشق ما به اوست که جمع می شویم و او را پرستش می کنیم. این خبری حیرت آور برای همسایه مان بود. عروس چند قومیتی مسیح جلوه ای زیبا از فیض خدا از طریق پسرش است.

در موردی دیگر، همسرمان چند زن را برای صرف نهار دعوت کرد. این زنهای پیش از آنکه همسرمان با آنها دوست شود، هرگز با افرادی از کشورهای دیگر حتی معاشرت هم نکرده بودند. آنها با بودن در خانه مان آنقدر مجذوب شدند که با موبایلشان از همه چیز عکس می گرفتند – از مبلمانهای راحتی گرفته تا عکسهای قاب شده ی خانوادگی. آنها گفتند که هرگز در خانه ی یک خارجی نبوده اند و برایشان کاملاً متفاوت بود. حصارهای قومی در سرتاسر شهرمان است.

ما لازم است که فرهنگ را درک کنیم و نشان دهیم که چطور مسیحیت زندگی مان را به طرقی که بر خلاف راههای دنیاست متحول می سازد. یعقوب ۱:۲ می گوید، «برادران من، ایمان شما به عیسی مسیح، خداوند پر جلالمان، با تبعیض همراه نباشد.» وقتی که ما مسیحیان حقیقتاً بدین گونه زندگی می کنیم، بر قدرت خدا در انجیل شهادت داده می شود. کلیساهای بین المللی می توانند جلوه گر یگانگی بدن مسیح در اجتماعشان و مهمان نوازیشان باشند به طوریکه اعضا مشتاق هستند که یگانگی روح را در رشته صلح نگاه دارند (افسیسیان ۳:۴). راههای متعددی است که می توانیم به این هدف در کلیسایمان نائل شویم. در اینجا ۵ راه ذکر گردیده است.

نخست، اگر در تلاش هستید که پیام انجیل را به مردمی از ملیتهای دیگر برسانید، پس سخت بکوشید تا گردهمایی هفتگی در مجاورتشان داشته باشید. و اگر شما غربی هستید، مفید است که در مجاورت با تعداد زیادی افراد شرقی گرد آید. این به شما کمک خواهد کرد که فقط مردمی را که مثل رهبر هستند، جذب نکنید.

دوم، مهم است که رهبری کلیسا نمایانگر گوناگونی ای باشد که انتظار دارید در جماعت ببیند. البته این بدان معنا نیست که مشایخ ناصالح را تصدیق کنید، بلکه به این معنی است که تا آنجا که ممکن است، در استخدام افراد و تربیت آنان برای رهبری، ملیتهای مختلف را لحاظ کنید. سوم، حکیمانانه است که جمعیت کثیری از ملیتهای مختلف را در گردهمایی های هفتگی داخل کنید. از واعظین گرفته تا رهبران، نوازندگان، و مردمی که دعا می کنند و کتاب مقدس را می خوانند – توسط کسانی که روی سین دارید، تصویری از یگانگی در گوناگونی نشان دهید و مردم را در راهرو خوشامد بگوئید.

چهارم، مراقبت باشید که هیچ ملیتی را به شکلی خاص بالا نبرید. واعظین (خصوصاً کسی که بیشتر از همه موعظه می کند) باید مراقب باشند که از کشور خودش زیاد مثال نزنند، یا همیشه درباره اینکه اهل کجاست صحبت نکنند.

پنجم، اطمینان دهید که زیبایی گوناگونی، مرتباً تجلیل می شود. گوناگونی، انجیل نیست، اما زینتی دوست داشتنی از انجیل است. هنگامی که مردم گردهمایی های کلیسای ما را می بینند، اغلب می گویند که تجربه شان، مزه ای از آسمان بود. ما موافق هستیم و این را اغلب می گوئیم. چه امتیازی است که با ملتها دور هم جمع شویم و پادشاه آسمانیمان را پرستش کنیم.

۱.۶ تجهیز افراد در محل کار برای زندگی ماموریتی

به منظور حداکثر کردن توان بشارتی در میان مردمانی که پیام انجیل کمتر به آنان رسیده، کلیساهای بین المللی در شهرهای جهانی باید تمام اعضایشان را در بنای فرهنگ بشارت دادن بکار گیرند. بیشتر وقتها، این خادمان یا ماموران نخواهند بود که در بشارت دادن پربارتر هستند، بلکه آن دسته از اعضای کلیسا که در شغل‌های معمولشان کار می‌کنند.

کلیساهای بین المللی باید بپذیرند که آنهایی که از طریق بشارت انجیل امرار معاش نمیکنند، اغلب، بهترین موقعیت را برای این کار دارند. قابل توجه است در حالیکه پولس رسول، شاگردش تیموتائوس را فراخواند که از عطایی که در خدمت پیشه ای به او داده شده غفلت نکند (اول تیموتائوس ۴: ۱۶-۱۷)، اما پولس هرگز در نامه هایش تک تک افراد را به خدمت تمام وقت دعوت نکرد. در واقع، او بر عکس آن عمل کرد.

پولس به کلیسای تسالونیکه یادآوری می‌کند که چگونه وقتی انجیل را به ایشان رساند، «شبانه روز کار می‌کرد» تا برایشان بار نباشد (اول تسالونیکیان ۲: ۹). اندکی پس از این یادآوری، دعوت او از کلیسای تسالونیکه این بود که از این رویکرد الگو بگیرند و با زندگی کاری آرام، مورد تصدیق غیر مسیحیان قرار گیرند و به استقلال مالی برسند (اول تسالونیکیان ۴: ۹-۱۲). پطرس نیز موضع مشابهی داشت و جمع بندی نصیحت ماموریتی او در اول پطرس ۲ این است که پادشاهی کاهنان را نه با پخش کردن تراکتها، بلکه با انجام کارهای نیک و محترم که توسط محیط بیرون، خوب به نظر می‌آید، آشکار سازند (اول پطرس ۲: ۱۲). هم از پولس و هم از پطرس، این درس را یاد می‌گیریم که آنچه برای شفاف نگاه داشتن انجیل در میان بیگانگان ضروری است، وفاداری پایدار شغلی میان ایمانداران است.

پیشه ورزشان بازار - بانکدارها، دربانان، کارکنان کافه بار، و هر پیشه دیگر - مقصود شهر را در بر دارند: مردان و زنان بهره‌زا که حاضرند برای خیریت دیگران در شهر کار کنند و مطابق کارشان مزد بگیرند. کلیسا می‌تواند و باید دوباره فکر کند که چگونه به طور موثر، ماموران را به شهرهای جهانی اعزام کند. اما در کنار آن، چرا کسانی که طبعاً قادر هستند در شهر کامیاب شوند را بسیج نکنیم؛ مسیحیانی که می‌توانند بیدار شوند و پتانسیل این را دارند که پیام انجیل را به ملت‌هایی که درست در آنجا در حرفه شان حضور دارند، برسانند.

کلیساهای سراسر جهان در تلاشند که با فرستادن ماموران به ناحیه ای که برخی رهبران مسیحی، پنجره ۴۰/۱۰ می‌خوانند، به ماموریت اعظم وفادار بمانند. این ناحیه ی نیم کره ی شرقی است که بین مدار ۱۰ و ۴۰ درجه در شمال خط استوا قرار دارد. این ناحیه، هدفی برای خدمت در میان کلیساهای سراسر زمین شده است، زیرا وطن بیش از ۳ میلیارد نفر است و بیشتر آنان هرگز انجیل عیسی مسیح را نشنیده اند. در عین حال که این اعداد، هشیارکننده است، خبر هیجان انگیز این است که شهرهای جهانی در پنجره ۴۰/۱۰ وجود دارد که پر است از افراد بشارت ندیده. و حتی هیجان انگیزتر این است که مسیحیان زیادی همین حالا در آن مکانها قرار دارند! آنها ایماندارانی از سراسر دنیا هستند که مجبور نیستند بار و بندیل خود را جمع کنند و «بروند». چه قصد داشتند یا نداشتند، آنها رفتند. کلیساهای سراسر جهان در تلاش هستند که پول جمع کنند و مردم را متقاعد کند که بروند، اما خدا به طور مقتدر، همین حالا افراد خود را در بسیاری از شهرهای کلیدی دارد. و او هیچ کاری را تصادفی انجام نمی‌دهد.

اخیراً بخشی از جلسات سه ماهه مان با اعضا را اختصاص دادیم به تجهیز اعضای کلیسایمان برای اینکه به مردم یک مذهب خاص بشارت دهند. چند روز بعد داشتیم با یکی از اعضایمان گفتگو می‌کردم و از او پرسیدم که آیا گفتگوی خوبی با کسی از آن مذهب (که نمایانگر اکثریت جمعیت شهرمان است) داشته بود. او گفت، «اوه، نه! ما خیلی ترسو هستیم که چنین کاری بکنیم، ما از آنان دوری می‌کنیم.» این برادر تقریباً به مدت دو دهه در شهر ما زندگی کرده بود، و تمام آن مدت اجتناب کرده بود از اینکه انجیل را با آنانیکه بیشترین نیاز را به آن داشتند در میان بگذارد. بهر حال، او از طریق تجهیز و تشویق از طرف کلیسا، دارد اعتماد به نفس پیدا می‌کند که انجیل را با محبت به گمشدگان برساند. اگر آنها قصدمندانه و از روی محبت، اعضایشان را به سمت فرهنگ بشارت گسترش دهند، کلیساهای بین المللی می‌توانند کاسبانی که در میانشان هستند را بسیج کنند تا شاهدان انجیل در سرتاسر شهرهایشان باشند.

۱.۷ استقبال از کسانی که برای زندگی ماموریتی در محل کار بسیج شده‌اند

اگر می‌باید پیام انجیل را به شهرهای امروزی برسانیم، نمی‌توانیم فقط به شیوه های دیروزی تکیه کنیم. سی سال گذشته، عصر طلایی برای ماموران میان فرهنگی بوده است. در سال ۱۹۸۰، هفتاد هزار مامور انجیلی در دنیا وجود داشت.

امروزه بیش از چهارصد هزار مامورین هستند که به هر کشوری در کره زمین فرستاده شده اند.^۴ کلیسا در فرستادن مامورینهای پیشه ای، خوب کار کرده است.

اما کلیسا با این مشکل دست و پنجه نم می کند که از افراد شاغل ایمانداری که در میانشان هستند، استفاده کند تا از طریق کارشان به ملتها فرستاده شوند. در واقع، شاید بگویید که کلیسا تقریباً حتی تلاش نکرده که این امکان را در نظر بگیرد.

اخیراً بررسی عمده ای روی پیشه ورزانی انجام گرفت که در تلاش هستند از کسب و کار به عنوان استراتژی ای برای ماموریت استفاده کنند. در صدر یافته های کلیدی این بود که تقریباً تمام افراد مورد مطالعه، خودشان به تنهایی برای این تلاشها اقدام کرده بودند.^۵ ایجاد اتصال بین کارشان و پیشبرد انجیل به ملتها، چیزی بود که مجبور بودند خودشان مستقلاً انجام دهند. آنها بعد از رسیدن به این نتایج، همچنین لازم بود که راهی را برای کارساز شدن این موضوع پیدا کنند. از آن چهارصد هزار مامورین انجیلی در دنیای امروز، کمتر از یک درصد به طور خاص آنها هستند که دارای تجربه کسب و کار هستند و در حال حاضر از آن به عنوان اهرمی برای کار ماموریت استفاده می کنند.^۶ واضح است که فرستادن مامورینها وظیفه بزرگی است. به همان میزان واضح است که در فرستادن افراد کاسب به کار ماموریت توجه زیادی نمی کنیم.

دلگرم کننده است که این روند در حال تغییر است. رهبران سازمانهای بشارتی بزرگ دارند از این ایده پشتیبانی می کنند که فرستادن افراد شاغل به ملتها برای پیشبرد انجیل، استراتژی ای خوب و لازم است. به نظرات اخیر که از سوی دیوید پالات، رئیس هیات ماموریت بین المللی مجمع باپتیست جنوبی، در آمریکا داده شده، توجه کنید،

با جهانی شدن بازار امروزی، درباره فرصتها فکر می کنم، اینکه دانشجویان، مردان، زنان، بازنشستگان از کلیسای اینجا در آمریکای شمالی لازم است به سراسر جهان بروند تا انجیل را بخش کنند. من دعا می کنم که خدا کلیسا را بیدار کند تا فرصتهایی را که در سراسر جهان به ما داده، ببینیم تا بتوانیم شمار نامحدودی از افرادی را ببینیم که واقعاً دارند از فرصتهای شغلی در آنجا استفاده می کنند، به جای اینکه با بی توجهی در اینجا کار کنند.^۷

ارتباط این محث با موضوع کلیساهای بین المللی در شهرهای جهانی این است که هر چه بیشتر، پیشه ورزان مسیحی در سراسر دنیا این فرصت را غنیمت بشمارند که از شغلشان برای رفتن به مکانهای بشارت نیافته استفاده کنند، کلیساهای بین المللی آماده می شوند که زمینه مهمی را که این کارکنان برای اثربخشی شان نیاز دارند، فراهم آورند.

جیمز چند ماه پیش به کلیسایمان آمد تا در شهر سرمایه گذاری کند. او فقط نیامد که حرفه خود را جلو ببرد، بلکه تا انجیل را پیش ببرد. به خاطر وجود کلیسای محلی، او توانست سریعاً در خدمت شخصی پیشرفت کند. ظرف چند هفته، او گروه کوچکی را داشت رهبری می کرد، مردانی را از ملتهای مختلف شاگردسازی می کرد، و به گمشدگان در محل کار خود بشارت می داد. موقعیت شغلی او راه را برای آمدن و زندگی در اینجا مهیا ساخت، اما کلیسا زمینه را برای پیشرفت سریع در خدمت برای او فراهم آورد.

بازاری های بسیج شده، همان آموزش مامورینها را نخواهند داشت، همان توانایی را ندارند که سالها وقت خود را صرف یادگیری زبانی بکنند یا خود را به فرهنگ وفق دهند. اما با این حال، آنها می توانند تاثیرگذار باشند اگر در شهر جدید جهانی شان توسط کلیسای بین المللی سالمی که در آن شهر در خدمت ماموریتی است، پذیرفته شوند.

⁴ Gordon Conwell Theological Seminary, "Christianity in its Global Context, 1970–2020: Society, Religion, and Mission," accessed July 20, 2015, www.globalchristianity.org/globalcontext/.

⁵ *Recruiting, Training and Deployment of BAM: Practitioners: Successes and Challenges*, (report by Business as Mission Global Think Tank, July 2015), 3, accessed July 16, 2015, <http://bamthinktank.org/wp-content/uploads/2015/07/BMTT-IG-BAM-Recruiting-Training-and-Deployment-Final-Report-July-2015.pdf>.

⁶ "Accelerating the Fulfillment of the Great Commission in our Generation," Global Network of Mission Structures (2010), accessed July 16, 2015, <http://www.gnms.net/envisioning.html>

⁷ David Platt, interview by Aaron Cline Hanbury, "Should We Change How We Think About Missions?" *Relevant Magazine*, June 25, 2015, accessed July 16, 2015, <http://www.relevantmagazine.com/god/worldview/change-way-you-think-about-missions/>.

۱.۸ بزرگتر از یک کلیسا را در رویا داشته باشید

شهرها تا حدی ناپایدار هستند. خواه شغل کسی صرفاً قراردادی ۱۲ ماهه بوده باشد یا خواه زمان ماموریت چندساله شان به خاطر نیازهای خانواده در شهری دیگر پیش از موقع قطع شود، نامعمول نیست که مردم، امروز در اینجا باشند و فردا رفته باشند. رویه معمولی که در کلیساهای بین‌المللی صورت می‌گیرد این بوده است که برای این افراد اندکی بیشتر از جلسات کلیسای کوچک و غذاهای مختصر فراهم آورده است. از آنجاییکه سخت است بدانید که افراد چه مدت با شما خواهند بود، تصور این است که بهتر است به آنان کمک کنید که تا توقف بعدیشان تپش روحانی را در این حین حفظ کنند. ما رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده ایم.

ما به صدها برادر و خواهر که از ملت‌های مختلف بسیار در کلیسایمان سرازیر می‌شوند نگاه می‌کنیم و پتانسیل باورنکردنی‌ای را برای آموزش رهبران برای کلیسای جهانی می‌بینیم. چطور خواهد بود اگر هر کدامشان صرفاً به ادامه دادن در ایمانشان بسنده نمی‌کردند، بلکه تشویق و برای خدمت تجهیز می‌شدند؟ چه می‌شد اگر کلیساهای بین‌المللی تسریع‌کننده‌ای برای تربیت خدمت‌بودند، و رهبرانی را برای کلیسا هم در شهرشان و هم در هر شهری که اعضا به آنجا خواهند رفت می‌پروراندند؟ ما اغلب به مردمان می‌گوییم که وقتی را که در شهر ما سپری می‌کنند نباید به عنوان وقفه‌ای در زندگی روحانشان تلقی کنند - یعنی زمانی در این بین که امور مهمی در آن رخ نمی‌دهد - بلکه امیدمان برای زمانی که در بین ما دارند این است که یکی از مهمترین فصل‌های رشدشان در مسیح باشد.

برای رسیدن به این منظور، ما هر یک از اعضا را تعلیم می‌دهیم و شاگرد می‌سازیم، و همچنین آن تلاشها را در یک مرکز آموزشی مبتنی بر کلیسا تنظیم کرده ایم. مرکز آموزشی ما رویکرد مبتکرانه‌ای را به تحصیل الهیاتی در مقایسه با بهترین آموزشگاه‌های الهیاتی از لحاظ محتوا و کیفیت ارائه می‌دهد، اما برای نیازهای شبانان مشغول کار، کارکنان کلیسا یا سازمان‌های کلیسایی فرارقه‌ای مستقل، و کاسبان بازار طراحی شده است.

جای دادن این نوع آموزش در کلیسای بین‌المللی، ریشه در این اعتقاد راسخ و بنیادی دارد که کلیسای محلی طریقی است که خدا گماشته است تا کارش را در جهان به انجام برساند. بنابراین هر جنبه‌ای از آموزش ما، از برنامه‌هایی که عرضه می‌کنیم گرفته تا ساختار دوره‌های انفرادی، به منظور تجهیز دانش‌آموزان به طور خاص برای خدمت در کلیساهای محلی پی‌ریزی شده است. همچنین اجازه می‌دهد که افراد آموزش دیده در خدمت ما، تنها در میان ما خدمت نکنند، بلکه آماده باشند که هر جایی که نقل مکان می‌کنند یا به وطن خود باز می‌گردند، کلیساهای دیگری را بنا کنند.

برای ما هیجان‌انگیز بود که اخیراً چند تا از اعضای کلیسایمان تصمیم گرفتند که از سفرهای سالانه‌ای که برای بازگشت به وطن داشتند، فقط برای تعطیلات استفاده نکنند، بلکه رویدادهای آموزشی را قطع نکنند و ادامه دهند تا کلیساهای محلی را در میهن خود تشویق کنند. آنها میسیونر نبودند؛ آنها شبان نبودند. آنها صرفاً برادران و خواهرانی بودند که به عنوان اعضا به کلیسایمان آمدند، و به فیض خدا و از طریق فرصتهای آموزشی و شاگردسازی تبدیل به مشوقان فعال برای کلیسا شدند.

کلیسای بین‌المللی در شهری جهانی آماده می‌شود که تاثیر گسترده‌ای برای انجیل در جهان داشته باشد، اگر متعهد شود که به تمام افرادی که وارد کلیسا می‌شوند، آموزش دهد. خدمت در یک کلیسای بین‌المللی می‌تواند به قول یک شبان همکار، «مثل سعی در بقل کردن رژه» باشد. مردم می‌آیند، مردم می‌روند. اما فرصت میسیونری این رژه بسیار زیاد است. ما ایمان داریم که کلیساهای بین‌المللی در شهرهای جهانی، اگر راغب باشند که به عنوان مراکز آموزشی عمل کنند، این پتانسیل را دارند که جنبشهای منطقه‌ای انجیل را جرقه بزنند.

۲. نتیجه‌گیری

امروزه شهرهای جهانی در خط مقدم پیشبرد انجیل در جهان قرار دارند، و کلیساهای بین‌المللی مدلی کلیدی برای خدمت در آن شهرها را ارائه می‌دهند. کلیساهای بین‌المللی که قبلاً به عنوان باشگاه‌های اجتماعی برای مسیحیان مهاجر در ماموریت‌های شغلی کوتاه مدت در کشورهای خارجی دیده شده‌اند، اکنون به عنوان مراکز پویای فعالیت میسیونری در حال ظهور هستند.

شبان باب رابرت در خصوص کلیساهای بین‌المللی اینطور می‌گوید،

بررسی های کتاب

جیمی دی. آتن و دیوید ام. بوآن. کتاب راهنمای خدمت در بلایا. Downers Grove, IL: IVP Books, ۲۰۱۶، ۲۰۵ صفحه، ۱۹ دلار.

دکتر جیمی آتن بنیانگذار و مدیر مشترک موسسه بشر دوستانه ی بلایا است و دکتر آرتور پی. رچ و خانم جین می رچ دانشیار در رشته روانشناسی در کالج ویتون و مدیر مشترک موسسه بشر دوستانه بلایا در همان کالج است.

کلیساها می توانند نقش مهمی در عکس العمل سریع در بلایا ایفا کنند. این کتاب به این سوال می پردازد که چگونه کلیساهای محلی می توانند به طور جهانی در مخاطرات بلایا و تسریع در امداد رسانی، به خصوص در مناطقی که احتمال وقوع آن بالاست، مؤثر باشند. برخی از کلیساها در مناطقی قرار دارند که در معرض بلایا هستند. کلیساهای دیگر دارای اعضای هستند که اگرچه در مناطق پرخطر زندگی نمی کنند، اما قویاً اشتیاق دارند که به دیگران در بحران بلایا کمک کنند. نویسندگان این کتاب در صددند تا آنانی که در هر دو منظر، قلب خادم دارند را آماده سازند بدین گونه که نیاز به کمک در بلایا را به آنان نشان دهند، دلایلی را که کلیساها باید در این کار وارد شوند، مطرح کنند، و راههایی را پیشنهاد کنند که کلیسای محلی به خاطر اعتبار و ساختار خود در اجتماع محلی به طور منحصر بفردی صلاحیت همکاری را دارد. «مقصود این کتاب به طور خاص، کمک به کلیساهاست که یادگیرند چگونه خدمات مرتبط به بلایا را طرح ریزی، اجرا، و تداوم بخشند» (صفحه ۱۲).

منظور از بلایا، چه پدیده هایی است؟ منظور از بلایا «پیشامدهای طبیعی و یا غیر طبیعی است که منجر به مرگ، جراحت، و خسارت مالی می شود که نمی توان از طرق معمول و روشهای جاری مدیریت کرد» (صفحه ۲۲) که شامل بالایای طبیعی، خطرات تصادفی و تکنولوژیکی، خطرات تروریست، و فوریتهای سلامت عمومی می شود. بلایا از لحاظ پیچیدگی و ضربه ای که وارد می آورند متفاوت هستند و می توانند بر حسب وسعت (محلی، همه جایی، و فاجعه آمیز، یا با قابلیت شناسائی بالا و قابلیت شناسائی پایین)، بر حسب فاز (بالایای اولیه یا ثانویه، که بالایای ثانویه، در نتیجه ی بالایای اولیه است)، و بر حسب منشا (بالایای طبیعی در برابر بالایای غیر طبیعی) دسته بندی شوند (صفحات ۲۴-۲۵).

درک کردن بلایا بسیار مهم است. از آنجاییکه اکثر بلایا در چند مرحله رخ می دهند، این کتاب راهنما حول فازهای مشخصی مرتب شده است که در آن، کلیساها می توانند پیش از وقوع بلایا، در حین بلایا، و پس از آن دست به کار شوند. به طور کلی، این سه فاز متناظر است با آمادگی برای بلایا، عکس العمل به آن، و باز سازی. اکثر آژانسهای دولتی از رویه مشابهی برای راه اندازی طرحهای فوریتی پیروی می کنند. نویسندگان، به کلیساها توصیه می کنند که در ابتدای کار قدم کوچکی بردارند، با آژانسهای دولتی و غیر دولتی همکاری کنند، و جماعت را برای کمک و مداخله در بلایا آماده سازند. هدف، عکس العمل سریعتر در بلایا است.

روش های امروزی به گونه ای هستند که مانع پیشرفت یک فاجعه می شوند. شمار بلایا روی به افزایش است، اما منابع در دسترس برای واکنش به آن رو به کاهش است. «بسیار وحشتناک است که از دهه هشتاد، بالایای طبیعی تقریباً ۴۰٪ افزایش یافته است. پنج تا از خسارت بارترین بلایا در بیست سال گذشته رخ داده است، که سه تا از آنها به تنهایی در هشت سال گذشته به بار آمده است. همچنین در ده سال گذشته، سالانه ۵۰۰۰ حادثه تروریستی رخ داده است» (صفحه ۱۳). با روند رو به افزایش بلایا و روند رو به کاهش منابع دولتی، کلیسا فرصت منحصر بفردی را یافته است که دستش را به سوی اجتماعش در زمان تنگی دراز کند.

کلیساها چه خصوصیات منحصر بفردی برای کمک در بلایا دارند؟ اول اینکه، کلیسای محلی که در مجاورت منطقه پرخطر هست، مستقر شده است که اولین نهادی باشد که عکس العمل نشان می دهد و آخر از همه کنار بکشد. در ضمن، کلیسا بخشی از جامعه ی نزدیک، همراه با تمام روابط مقرر آن است، در حالیکه آژانسهای بیرونی که برای کمک در بلایا می آیند، از جامعه و به هم پیوستگی آن آگاهی ندارند. نکته آخر اینکه، کلیساها احتمالاً لشکری از کارگران را در محل فاجعه مهیا خواهند کرد که با منطقه، مردم، و منابع محلی آشنایی دارند. برای مثال، اغلب سخت است که در زمانهای نابسامانی بلایا، محل افراد آسیب پذیر را مشخص کرد. اما از آنجاییکه کلیسای محلی با اجتماع در رابطه است، این پتانسیل را دارد که در قبال جمعیتهای آسیب پذیر موثرتر عمل کند. متأسفانه، لیستهای آدرس خانه ی افراد آسیب پذیر، معمولاً تاریخ گذشته است (صفحه ۱۵-۱۶). به این دلیل و دلایل دیگر، آژانسهای دولتی با کلیساهای محلی و شبانانسان برای دستیابی به اطلاعات ارتباط برقرار می

کنند. اما چرا روی افراد آسیب پذیر تمرکز شود؟

افراد آسیب پذیر بیشتر از دیگران، از انواع بلایا رنج می برند. نویسندگان حداقل هشت راه را شناسایی کردند که کلیسا به طور منحصر بفردی بنابر ساختارش مناسب می باشد که کمکهای لازم زیادی را به افراد آسیب پذیر به عمل آورد (صفحه ۱۴). افرادی که ناتوانی جسمی دارند، یک بخش آسیب پذیر از جامعه هستند. در واقع، افرادی که ناتوانی دارند، دو تا چهار برابر کمتر از دیگران، احتمال زنده ماندن در بلایا دارند.^۱

نیازهای افراد آسیب پذیر در بلایا منحصر بفرد است. افراد آسیب پذیر ممکن است به آسانی در تلاشهای هنگام بلایا پنهان بمانند زیرا آنها «از آنجا که آسیب پذیر هستند، ناشناخته می مانند، یا برای دلایل متعددی در بسیاری از برنامه های عمومی به آنها کمک نمی شود. شاید شنیده باشید که «بلایا تبعیض قائل نمی شود.» فقیران، ضعيفان، خردسالان و پیران، و افرادی که با کمترین منابع و روابط هستند، واقعاً در خطر بیشتری هستند و نسبت به دیگران از دوره بهبود سختتری برخوردار هستند. از این بابت، فرصتی برای کلیسا است» (صفحه ۱۳). اما اگر افراد یا کلیسا درک نکنند که چقدر آسیب پذیری بر مردم اثر می گذارد، آن مردم ممکن است در میان شکافها فرو بیافتند.

در خصوص افراد آسیب پذیر، نیاز برای نگاه داشتن خانواده ها در کنار هم، از هر چیز دیگری مهمتر است. این بدان معناست که در بسیاری از موارد، بسته به شدت ناتوانی و وابستگی، افراد ناتوانی که تماس خود را با کسانی که از آنان مراقبت می کنند، از دست داده اند، در بحران شدید هستند. اگرچه این موضوع برای هر خانواده ای صدق می کند و لزوماً فقط برای افراد ناتوان نیست، اما به طور خاص برای شخص ناتوان صدق می کند، به خاطر اینکه به شخص آگاهی نیاز دارند که مسائل سلامتی و اجتماعی فرد را درک کند. افراد ناتوان، اغلب به خوبی از وضعیت سلامتی خود آگاه نیستند، و برخی از آنان کاملاً بی اطلاع هستند. آنها شاید ندانند که چطور از بیماری پیشگیری کنند. برای مثال، بروز ناگهانی آنفولانزا که می تواند برای بعضی از افراد ناتوان کشنده باشد، افزایش یافته است (صفحه ۲۳). نویسندگان، دلسوزانه به خوانندگان التماس کرده و می گویند، «ما برای کسانی که دارند خدمت در بلایا را آغاز می کنند، این چالش را قرار می دهیم که افراد آسیب پذیر را در ذهن داشته باشند» (صفحه ۱۸).

به خاطر داشتن چند چیز، بسیار مهم است. از آنجایی که عکس العمل به بلایا تلاشی جمعی است، نویسندگان، گروههای امداد بلایا را توصیه می کنند که در تماس با سازمانهای تخصصی بلایا نظیر سازمان مدیریت بحران فدرال (FEMA) و صلیب سرخ، باشند و همچنین با کلیساهای دیگر در منطقه که متعهد به امداد در بلایا هستند در ارتباط بمانند. بسیار مهم است که کلیساهای نباید افراد را تشویق کنند که به صورت مستقل و بدون پیوستن به یک سازمان به مناطق فاجعه بروند. چرا که در آنصورت ممکن است بیشتر از آنکه کار خیر کنند، آسیب برسانند. در حقیقت، بهترین کار این است که با سازمانهای مجرب مشارکت کنند و در حوزه تخصص خود همکاری کنند. به طور کلی، «هر زمان که ممکن بود، بهترین کار این است که خدمت بلایا را در کارهایی بگنجانید که بلد هستید» (صفحه ۵۹). استدلال آن منطقی است: «این کار باعث می شود که از تجربه تان به طور سودمند استفاده شود، تنوع خلاقی را وارد می آورد که می تواند باعث افزایش رغبت در میان افراد در خدمات موجود شود، همچنین باعث می شود که از کپی برداری از خدمت و رهبری اجتناب شود، و به طور کل، به برنامه ریزی بهتری منجر شود.»

کتاب به زبان سلیس نوشته شده است و کاربردی است. به علاوه، ابزارهای موثری را برای برنامه ریزی و اجرا عرضه می دارد که از سوی تعدادی از سازمانها و آژانسهای باتجربه ی بلایا گرفته شده است (۱۳۵-۱۷۵). به عنوان ضمیمه، موسسه ی بشردوستانه ی بلایا (سازمانی که هر دوی نویسندگان به آن تعلق دارند) وب سایتی را ارائه می کند که متمرکز بر خدمت در بلایا است و منبعی عالی در پشتیبانی از این کتاب راهنما است. نمودارها، نظیر انواع آسیب پذیری (صفحه ۳۱)، در کنار سوالات مباحثه ای در آخر هر فصل، محتوای کتاب را سازمان دهی و ساده سازی می کنند و به خواننده کمک می کند تا رشته مطالب را از دست ندهد.

نویسندگان با نوشتن این کتاب، خدمتی را به کلیساهای محلی انجام داده اند. آنها نه تنها برای جماعتهای محلی فرصتی را فراهم می آورند تا در جوامع خود دست به کار شوند، بلکه همچنین راهی را پیش روی کلیساهای می گذارند که از اعضای خودشان به طریقی هوشمندتر و ماندگارتر مراقب کنند. هر کلیسا باید یک جلد از این کتاب را در کتابخانه ی خود داشته باشند که افراد بتوانند آن را از کتابخانه عاریه بگیرند. شبانان نیاز دارند که یک جلد از این کتاب را برای خود داشته باشند تا یادداشتهای مختص به جماعت و جامعه ی خود را در آن بنویسند، از قبیل

¹ The Sendai Statement to Promote Disability-Inclusive Disaster Risk Reduction for Resilient, Inclusive and Equitable Societies in Asia and the Pacific,” (April 24, 2014), 2.

شماره تلفنهای ضروری و آدرسهای ایمیل.

دکتر آتن و دکتر یوان در این کتاب راهنمای سلیس و کاربردی، چارچوبی را برای مطالعات آتی، به خصوص درباره موضوعات مربوط به برآوردن نیازهای افراد آسیب پذیر توسط کلیساهای محلی قرار داده است. افرادی که ناتوانیهای شناختی، و بیماریهای روانی دارند، نیاز به توجه ویژه ای در هنگام بلایا و دوره بهبود از آن دارند. نویسندگان کتاب در عکس العمل، معیار انتظارات را بر خدمت رحمت بالا برده اند. من این کتاب را به تمام کلیساهای محلی و رهبران سازمانی مسیحی بسیار پیشنهاد می کنم که اعضای تصمیم گیرنده آن راغب هستند به مردم در زمان نیازشان در بلایا، به خصوص به افراد آسیب پذیر که در مناطق پرخطر بلایا قرار دارند کمک کنند.

دیوید دوئل

آکادمی بین المللی Master، سانتا کلاریتا، کالیفرنیا

موسسه مسیحی در خدمت به افراد ناتوان، آگورا هیلز، کالیفرنیا

ویلیام ای. دیرنز و اسکار گارسیا جانسون، الهیات بدون مرز: مقدمه ای بر گفتگوهای جهانی.

Grand Rapids: Baker Academic، ۲۰۱۵، ۱۹۲ صفحه، ۲۱.۹۹ دلار

آیا با رشد مسیحیت در خارج از آمریکای شمالی و اروپا، الهیات مسیحی نیز باید تغییر کند؟ اگر چنین است، چگونه باید الهیات تغییر کند؟ این دو سوال چیزی را تشکیل می دهند که ویلیام ای. دیرنز و اسکار گارسیا جانسون آن را «مشکل الهیات جهانی» می نامند (صفحه IX). هم دیرنز و هم گارسیا جانسون در آموزشگاه الهیاتی فولر تدریس می کنند و کتاب الهیات بدون مرز از دل کلاسی بیرون آمد که نویسندگان، در کنار هم در این موضوع تعلیم می دادند. گارسیا جانسون به عنوان معاون دانشکده در مرکز مطالعه جامعه و کلیسای اسپانیولی در فولر، و همچنین به عنوان دانشیار الهیات و مطالعات آمریکای لاتین خدمت می کند. دیرنز، رئیس بازنشسته مدرسه الهیات در فولر است و کماکان به عنوان استاد الهیات و فرهنگ خدمت می کند. دیرنز، صدایی ماندگار در موضوع الهیات جهانی بوده است و سه کتاب را در اوایل دهه ۹۰ نوشته است و همچنین به عنوان ویراستار برای لغتنامه جهانی الهیات خدمت کرده است.^۱

نویسندگان، کتاب خود را با تصدیق این موضوع آغاز می کنند که الهیات کلاسیک یا سنتی مشروط بر جایگاهی است که کلیسا از لحاظ تاریخی و جغرافیایی در آن قرار گرفته است. تمرکز مسیحیت که قرنها در اروپا و سپس آمریکای شمالی بوده، منجر به فرمول بندی الهیاتی ای شده است که محدود به فرهنگ غربی است. کتاب آنها در صدد گشودن گفتگو است و به خوانندگان غربی نشان می دهد که چطور الهیدانان غیر غربی دارند به الهیات می پردازند. فصلهای ۴ تا ۷ با بررسی الهیدانان جهانی در چهار موضوع، مستقیماً این کار را انجام می دهد. این چهار موضوع عبارتند از: خدا و خلقت، مسیح و انجیل، کلیسا، و آخرت شناسی. فصلهای ۱ تا ۳ با بحث کردن شیوه الهیاتی در زمینه جهانی، بنیان این بررسی را قرار می دهد، و این فصلها را مهمترین فصلهای کتاب می کند چرا که شالوده بررسی هایی که در فصول بعدی صورت می گیرد، بر روی این سه فصل قرار می گیرد.

درحالیکه بیشتر قسمتهای کتاب با همکاری دو نویسنده نوشته شده است، اما دو فصل اول، نشان از عدم توافق بین نویسندگان در خصوص رابطه الهیات غربی با الهیات غیر غربی است. گارسیا جانسون در فصل اول از رویکرد «فراغربی» به الهیات جهانی حمایت می کند. هدف الهیات جهانی باید این باشد که «مباحثات الهیاتی در حالیکه در بافت جهانی شده ی غیر غربی یا پساغربی فرو رفته است، انجام شود» (صفحه ۵). ارائه ی «الهیات غربی» به عنوان الهیاتی که به طور جهانی درست و کاربردپذیر است، به معنای مرتکب شدن به «غرب گرایی» (تعصب به غرب) و «استعمارگرایی الهیاتی» است (صفحه ۶). در عوض، الهیدانان باید روند «استعمارزدایی الهیاتی» را دنبال کنند (صفحه ۹). چنین فرایندی از طریق «گفتگوی جهانی و محلی» صورت می گیرد (صفحه ۹). الهیدانان باید احساس راحتی داشته باشند که الهیات را در بافت محلی خودشان فرموله کنند (مثلاً الهیات آفریقایی، الهیات آسیایی، الهیات لاتین، و ...)، و سپس الهیات محلی شان را به گفتگوی جهانی

¹ William A. Dyrness, Veli-Matti Kärkäinen, Juan F. Martinez, and Simon Chan, eds., *Global Dictionary of Theology: A Resource for the Worldwide Church* (Downers Grove, IL: IVP Academic, 2008).

بیاورند. الهیات جهانی در نتیجه ی آن، «عمومیت گرای جمعی» و «چند مرکزی» را دارا خواهد بود، بدین معنا که هیچ الهیدانی به صورت جهانی به کار نخواهد رفت (عمومیت گرای جمعی) و الهیات گوناگون محلی دارای مرکز متحدی نخواهند بود (چند مرکزی) (صفحه ۹). با این وجود، فراغری بودن «به معنای نسبی گرای» نیست (صفحه ۶۶)، بلکه تصدیق این موضوع است که «معنای کامل کتاب مقدس تنها زمانی میسر خواهد شد که مسیحیان سراسر تاریخ و سرتاسر جهان با هم آن را بخوانند و بدان پاسخ دهند» (صفحه ۶۶).

در نقطه مقابل، دیرنز در فصل دوم بر این موضع پافشاری می کند که الهیات جهانی نمی تواند از میراث غربی آن فرار کند. الهیدانان غیر غربی باید در عین حال که «ضعفهای الهیات غربی را تشخیص دهند و در صورت لزوم نسبت به ضعفهای آن متقابلاً عمل کنند»، باید الهیات غربی را مبنای توسعه الهیات خود قرار دهند (صفحه ۴۰). او شرح می دهد که حتی با وجود اینکه مسیحیت در حال تغییر است، اما «با تاریخچه ای بخصوص، گرانبار و مبارک» باقی می ماند (صفحه ۴۰). بنابراین، دیرنز همانند همکار خود از گفتگوی الهیاتی محلی-جهانی حمایت می کند، اما به گونه ای که کماکان نفوذ چشمگیر الهیات غرب را وارد آورد. نتیجه کار، گفتگوی «متقابلاً اصلاحی» خواهد بود (صفحه ۲۲).

نویسندگان در فصل ۳ به هم ملحق می شوند تا درک مشترکشان را از الهیات جهانی ارائه دهند. الهیات «در مکانی خاص، نه صرفاً از طریق مداخله بین کتاب مقدس و فرهنگ، بلکه مداخله بین نوعی سنت مسیحی و سنتهای بومی آن مکان - چه فرهنگی و چه مذهبی» شکل می گیرد» (صفحه ۴۳). از این رو، بی تجربگی است پنداریم که یک شکل جهانی از انجیل وجود دارد که می تواند به زبانها و فرهنگهای گوناگون ترجمه شود. هر میسیونر میان فرهنگی، الهیات مسیحی فرهنگ خودش را می آورد. از این گذشته، ترجمه (یا هم یافت سازی) از یک زبان و فرهنگ به زبان و فرهنگ دیگر، همیشه منجر به دگرگونی پیغام می شود. فرهنگ گیرنده بر «درک مردم از اینکه خدا کیست و چگونه باید به او پاسخ داد» تاثیر خواهد گذاشت (صفحه ۴۴). اما مهمترین واکنش به کلام خدا، درک کردن یک تفسیر جهانی نیست، بلکه این است که هر شخص در محیط فرهنگی خاص خود از کلام خدا اطاعت کند.

نویسندگان با قرار دادن این مبناها، در فصلهای ۴ تا ۷ اقدام به بررسی این موضوع می کنند که چطور الهیدانان جهانی به موضوعات مختلف می پردازند. از آنجاییکه الهیات جهانی باید گفتگوی جهانی-محلی باشد، چنین بررسی ای، شیوه ای ایده آل از پرداختن به الهیات به صورت جهانی است.

دیرنز و گارسیا جانسون ارائه ای شفاف از رویکردشان به الهیات جهانی-محلی داده اند. با این وجود، رویکردشان شدیداً دارای عیب است. از نظر نویسندگان کتاب، یگانگی حقیقت مسیحی را نه در قلب یگانگی حقیقت، بلکه در کل خود گفتگوی چندفرهنگی می توان یافت. در رویکرد آنان، دلواپسی برای وجود چند صدایی در گفتگوی الهیاتی، خود حقیقت الهیاتی را تکه پاره می کند. نویسندگان، نسبی گرای را رد می کنند، اما نمی توانند هیچ راه روشنی را ارائه دهند که چگونه حقانیت الهیاتی محلی که با هم تناقض دارند را ارزیابی کند. رویکردشان به الهیات جهانی با بررسی الهیدانان جهانی خاتمه می یابد و هرگز پا را از بررسی فراتر نمی گذارد که حقانیتشان را ارزیابی کند. نویسندگان به طور قابل قبولی مشکل الهیات جهانی را نشان می دهند. انجیلی های غربی نیاز مبرم دارند به اینکه صدای الهیدانان غیر غربی را بشنوند. آنهایی که از مزیت تاریخی، سیاسی، اقتصادی، و قومی بهره می گیرند لازم است که به آنانی که این مزیت را ندارند گوش سپارند تا سوء برداشتها و نقاط کور افشا شود. با این وجود، راه حلی که در کتاب *الهیات بدون مرز* ارائه شده نابسنده است. در حالیکه فرهنگ شخص بر چشم انداز هر الهیدان و مفسر کتاب مقدسی تاثیر می گذارد، اما مسیحیان تنها یک منبع و استاندارد را برای تنظیم الهیاتشان دارا هستند: کتاب مقدس. مسیحیان، چه در غرب و چه در خارج از غرب، لازم است قادر باشند که الهیاتشان را در برابر کلام مقتدر خدا ارزیابی کنند، اما دیرنز و گارسیا جانسون ابزاری را برای این کار در اختیار خوانندگان قرار نمی دهند.

جاشوعا کالب هوچنز

آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، لوئیس ویل، کنتاکی

تیبور لافلین، بومی شدن برای صید بومی ها: همه کس را همه چیز شدن به طور میان فرهنگی Wipf & Stock، ۲۰۱۶، ۸۲ صفحه، ۱۳ دلار.

کتاب تیبور لافلین به نام بومی شدن برای صید بومی ها کتابی است که میسیونرهای جدید حتماً باید آن را بخوانند. کتاب او هر سه مولفه ی عملی بودن، مربوط بودن، و خوانا بودن را با هم دارد که چنین چیزی به ندرت یافت می شود. اگرچه این کتاب، کوچک است (کمتر از ۷۰ صفحه)، اما تدابیری در آن گنجانده شده است که فقط از طریق سالها تجربه میسر است. فصل اول به مسائل مربوط به چشم انداز و قلب شخص می پردازد. لافلین در فصل دوم درباره موضوعاتی صحبت می کند که هر میسیونر با آن روبرو است که شامل یادگیری زبان، وفق دادن خود به فرهنگ محلی، ظاهر شدن در جامعه محلی، و مدیریت زندگی خانوادگی است. سرانجام، او تمام اینها را در یک نتیجه گیری کوتاه و چکیده به هم وصل می کند.

کتاب لافلین، کتابی است عملی، بدون اینکه بیش از حد عملگرا باشد. او به طور خاص به کارهای روزانه اشاره می کند که زندگی میسیونر را تشکیل می دهد. او خوانندگان را با انتظارات واقع گرایانه، آماده و تشویق می کند. لافلین هیچ فضایی به آرمانگرایی یا انتزاع نمی دهد. در عوض، توصیه هایی در آن یافت می شود که فوراً می توان اجرا کرد. داستانهای او از تجربه ی شخصی است و بنابراین نشان می دهد که «بومی شدن» چه شکلی است.

لافلین که سالهای زیادی را در چین خدمت کرده است، قادر است مشورتی را ارائه دهد که برای میسیونرها در هر بافت و زمینه ای کاربرپذیر است. در نقطه مقابل، نویسندگان دیگر صرفاً اصول را مطرح می کنند تا به حداکثر مخاطبین دست یابند. لافلین فصلهایش را با چند سوال جمع بندی می کند که خوانندگان را در اجرا هدایت می کند. این سوالات افراد را به فکر فرو می برد و میسیونرها را که می خواهند گامهای عملی مورد نیاز بردارند تا در خدمتشان شکوفا شوند، هدایت می کند. تصور می کنم که بسیاری از میسیونرهای کهنه کار نیز از کتاب لافلین استفاده کنند تا کارگران جدیدتر را تربیت، تشویق و بسیج کنند.

یکی از لذت بخش ترین جنبه های این کتاب، خوانا بودن آن است. این کتاب را با حجم کمی که دارد، خیلی سریع می توان خواند. لافلین به نثر ساده می نویسد. او از مفاهیم و اصطلاحات فنی زیادی استفاده نمی کند تا خوانندگان ناآشنا به اصطلاحات تخصصی و نامفهوم ماموریت شناسی را گیج نکنند. لحن او محاوره ای و پیام او واضح است.

برخی افراد شاید از کوتاه بودن این کتاب ناراضی باشند. خودم یکی از این افراد هستم که تمایل دارم از چنین کتابهای کوتاهی دوری کنم. لافلین قطعاً می توانست بیشتر از این بگوید. به هر حال، او یک دهه را صرف تربیت تازه واردان به میدان ماموریت کرد. در نتیجه، هدف او ساده است: کتاب مختصری بنویسد که مردم، در میان استرس جابجایی، یادگیری زبان، و شوک فرهنگی، واقعاً آن را بخوانند. در واقع، خوانندگان، مفاد بیشتری را در این منبع نسبت به کتابهای بسیار حجیمتر می یابند. من قلباً کتاب لافلین را به هر کسی که می خواهد بومی شود تا بومی ها را صید کند پیشنهاد می کنم.

جکسون وو
دانشیار، ICTS

فضلولو رحمان. موضوعات اصلی قرآن. شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۲۰۰۹، ۱۸۰ صفحه، ۲۴ دلار

بیشتر پژوهشات اسلامی بر تفسیر آیه به آیه متون قرآن تمرکز می کنند. برخی از آثار اخیر، متون قرآنی را از لحاظ موضوعی به شاخصهای سودمندی مرتب می کنند، اما کمتر پژوهشگری سعی می کند که موضوعات اصلی قرآن را با هم ترکیب کند. سه حوزه اصلی در مطالعه قرآنی وجود دارد: (۱) بازسازی قرآن در ترتیب تاریخی، (۲) شرح ایده ها و ارجاعات یهودی و مسیحی در قرآن، و (۳) توضیح محتوای قرآن، چه به صورت جزئی یا چه به صورت کلی. این حوزه ی مطالعه ی سومی کمتر از بقیه رایج است، و رویکردی است که فضلولو رحمان در کتابش به نام موضوعات اصلی قرآن می خواهد اتخاذ کند.

رحمان با رجوع به متن، حوزه های برجسته ای را که مرکز توجه قرآن است، به جای ترتیب تاریخی، بر حسب ترتیب منطقی دسته بندی

می‌کند. موضوعات زیر در فصلهای جداگانه قرار داده شدند» خدا، انسان به عنوان فرد، انسان در جامعه، طبیعت، نبوت و مکاشفه، آخرت‌شناسی، شیطان و شر، و ظهور امت اسلامی. او این موضوعات را بر مبنای روش تفسیر خودش که تا حد زیادی مدرن است، مرتب می‌کند. بنابر پیش‌گفتار، نویسنده «آزادی از سلسله مراتب را ارزش می‌نهد و پیوندها را در یک نقطه جمع می‌کند، خود را با پیشرفت علمی و رفاه اقتصادی تطبیق می‌دهد، و مهمتر از همه، او اندیشه‌های گذشته‌ای را که با داستان پیشرفت جور در نمی‌آید، رد می‌کند» (Xiii). علاوه بر اینها، رحمان در صدد است که تاریخ و عرف اسلام را با معیار دین حقیقی محمد، یعنی اسلام قرآنی، محک بزند.

کار رحمان با ارزش است، نه ضرورتاً به خاطر استدلالهای تفسیری و نتیجه‌گیری‌های الهیاتی‌ای که ارائه می‌دهد، بلکه بیشتر به خاطر فرایند ترکیبی‌ای که بوسیله آن، موضوعات قرآنی را آشکار می‌سازد و آنان را در زمینه‌های تاریخی و معاصر اسلام بکار می‌برد. از نظر تاریخ تفسیر قرآنی، این ترکیبی تازه و نامعمول از اندیشه مدرن و محوریت قرآن است.

خلاصه

خدا. رحمان کتابش را با ملاحظه ضرورت خدا و وحدانیت او آغاز می‌کند. او به مفهوم قرآنی توحید، و معقول بودن و منطقی بودن آن می‌پردازد. قرآن قصد دارد که درباره خدا با قلب انسان صحبت کند و به ایمان به خدا از طریق «اعتقاد و آگاهی از غیب» (۳:۲) تأکید می‌کند (صفحه ۲). وجود خدا نیاز به برهانهای الهیاتی ندارد؛ بشریت صرفاً به یک یادآوری از وجود او نیاز دارد. قرآن از قلب و فکر آدمی می‌خواهد که تسلیم این خدای قائم به ذات شود. خدا خدمت می‌شود و انسان خدمتگزار اوست. خدا مجبور نیست که خودش را تشریح، اثبات یا مکشوف کند.

انسان به عنوان فرد. قرآن، دوگانه نگری جسم-ذهن تفکر یونانی را رد می‌کند. قرآن، جسم-ذهن را در هم آمیخته می‌بیند. جان، حالتی است ذهنی که نمی‌توان از ذهن جدا کرد. شیطان در ضدیت با انسان است، نه با خدا. انسان که نایب السلطنه خداست، انتخاب آزاد به او عطا شده است و از اینرو انسان، نظم اخلاقی اجتماعی را حکمفرمایی می‌کند. این نیابت سلطنت، ماموریت انسان بر روی زمین را تشکیل می‌دهد. بر خلاف کیهان که از قوانین ثابت خدا پیروی می‌کند، انسان با داشتن انتخاب آزاد، مجموعه‌ای از توانایی‌ها را دارد که او را قادر می‌سازد تسلیم اراده خدا شود. در انسان یک تنش اخلاقی وجود دارد زیرا او کوتاه فکر، بی‌تدبیر است و مستعد است که خدا را فراموش کند. رنج کشیدن به انسان کمک می‌کند که خدا را به یاد آورد. هنگامی که انسان خدا را به یاد می‌آورد و دست به انتخابهای اخلاقی در برابر انتخابهای کم‌اهمیتتر می‌زند، به تعادل والایی دست می‌یابد که قرآن آن را *تقوا* می‌نامد.

انسان در جامعه. قرآن به طور منحصر بفردی شکوفایی بشری را ترویج می‌دهد و «حتی ایده‌ی «ظلم به خود (ظلم النفس)» را محکوم می‌کند که منجر به نابودی افراد و به طور خاص، جوامع می‌شود... این اساساً صحبت از خود تخریبی روش زندگی، خود تخریبی جامعه، و تمدن می‌کند» (صفحه ۳۷). انسان منظور داشته شده است که بخشی از اجتماع باشد. قرآن، چندخدایی و بی‌عدالتی اجتماعی عربستان ماقبل اسلام (جامعه مکی) را مورد انتقاد قرار می‌دهد. قرآن برای مقابله با شرایط اجتماعی-اقتصادی ناامیدکننده‌ی جامعه‌ی مکی، رباخواری را تحریم می‌کند و مالیات زکات را وضع می‌کند که به منظور تقسیم ثروت و کم کردن بی‌عدالتی اجتماعی بود.

قرآن همچنین یک واحد قوی خانواده را ترویج می‌دهد که در آن، به والدین حرمت گذاشته می‌شود و از آنان اطاعت می‌شود، و ترتیب فرزندان توسط قرآن، هدایت و مقید می‌شود. زمانی که مرد، به درستی با تمام اعضای جامعه از قبیل دشمنانش رفتار می‌کند، به ایده آل *تقوا* نزدیکتر می‌شود. قرآن برای یک نظام حکومتی الگو که *تقوا* را برای تمام اعضای جامعه ترویج دهد، شورایی از مردان آموزش دیده را تجویز می‌کند تا با انصاف بر جامعه حکمرانی کنند، چرا که عدالت، شرط لازم برای هر کار انسان و جامعه است. قرآن ارزش دارایی، درآمد، دین، شان، و آزادی زندگی شخصی را تعلیم می‌دهد. در ازدواجهای چندهمسری، مردان باید به زنان خود احترام بگذارند و اگر نگذارند، زنان حق طلاق دارند. در قرآن، انسان و جامعه یک هستند و به سوی هدف والاتر *تقوا* کار می‌کنند.

طبیعت. داستان آفرینش طبیعت به کمترین حد در قرآن صحبت شده است. طبیعت کاملاً تسلیم فرامین خداست، و از اینرو «مُسلم» است. مقصود طبیعت این است که قدرت غایی خدا و رحمت بی‌حد او را نشان دهد. تمام کیهان، نشانه‌ای از خداست، که انسان در ترمذ خود، آن را سرکوب می‌کند. علاوه بر این، نشانه‌های مافوق طبیعه دیگری وجود دارد که بر خلاف قوانین طبیعت عمل می‌کنند، اما به منظور درک اهمیت این نشانه‌ها، انسان باید ظرفیت ایمان داشته باشد. آیه‌های قرآن همچون نشانه‌های طبیعت به عنوان آیاتی در خدمت انسان هستند زیرا که از سوی همان آفریدگار می‌آیند. «آیت بزرگ خدا، طبیعت و جهان هستی است. انسان باید خودش این را کشف کند. طبیعت برای انسان وجود دارد تا برای اهداف خود از آن بهره‌مند شود. مقصود طبیعت این است. مقصود انسان این است که آفریدگار را خدمت کند؛ از این

بابت، تفاوتی بین قانون فیزیکی و اخلاقی وجود دارد.»¹

نبوت و مکاشفه. اسلام به عنوان شکل کامل و تمام شده ی دین تلقی می شود؛ پیام محمد خاتمه ی فرآیند تکاملی دین است. تمام انبیا پیام اساسی یکسانی دارند، یعنی توحید، که محمد با بیشترین اقتدار آن را تعلیم داد. این فصل، روح مکاشفه (یا یک فرشته) را توصیف می کند که در شب قدر بوسیله روح، بر قلب پیامبر نازل شد. خدا تنها از طریق روحی که به ذهن پیامبر وحی شده است با انسانها سخن می گوید. سبک زیبا، فصیح و بلیغ قرآن نشان از معجزه بودن آن است.

آخرت شناسی. قرآن صحبت از روز داوری می کند، روزی که انسان تماماً از حقیقت درباره خودش آگاه می شود. او در هنگام ایستادن در پیشگاه خدا دفتر اعمال خود را که تمام کارهای او در آن ثبت شده است در دست خود خواهد داشت. در آن روز هیچ شفیع نخواهد بود مگر آنکه خدا اجازه دهد. هر عملی که انسان انجام داده بر او یا بر ضد او شهادت خواهد داد، و آخرت انسان، بستگی به زندگی او در زمین خواهد داشت. قرآن بنای دستورات لازم الاجرای اخلاقی اش را در ترس از روز داوری می گذارد.

شیطان و شر. شیطان از دسته ی جن ها است. جنها مخلوقاتی موازی انسانها هستند اما شرور تر هستند. شیطان در عوض اینکه ضد خدا باشد، ضد انسان است؛ مطابق با قرآن، تقوا سد قوی ای بر ضد حملات شیطان است. شیطان نماد یاس و نومیدی است، و به این خاطر است که قرآن، یاس و نومیدی را محکوم می کند. علاوه بر این، مردان شرور توسط شیطان تقویت می شوند، و ضعف انسان و فقدان اخلاقیات باعث می شود که به آسانی در تیررس شیطان قرار گیرد.

ظهور امت اسلامی. این فصل نشان می کند که اعراب به دنبال دینی شبیه یهودیت و مسیحیت بودند. روایات عیسی و موسی در سراسر جامعه عرب رواج داشت، پس وقتی این داستانها به محمد رسید، به شکل مکاشفه رسید. و مکاشفه محمد تمام پیامبران را فرا می گیرد. خدا یکی است، انبیای خدا به این پیغام واحد شهادت می دهند، و قوم خدا همگی یک هستند. از این اجتماع یگانگی حول مکاشفه نهایی (یکتاپرستی) که به محمد داده شد، مفهوم امت اسلامی یا خانه اسلام ظهور کرد. مسیحیان و یهودیان اهل کتاب خوانده شدند، اما در یکتاپرستی شان ایراد داشتند. اما امت اسلامی، شکل ایده آل را نشان داد، زیرا که در وقف مصرانه ی خود به یکتاپرستی انحراف نورزید.

ارزیابی

از چشم انداز یک غربی که در تعالیم قرآنی یا فرهنگ اسلامی آموزش ندیده است، کتاب رحمان بسیار مفید است. برای کسانی که پژوهشگر قرآن هستند، شاید نظراتشان نسبت به قرآن نکته سنجتر و نقادانه تر شود. به هر حال، برای دست یابی به موضوعات برجسته و وسیع قرآن، این کتاب کاملاً مفید است.

به نظر نمی رسد که نویسنده با جزئیات ریز الهیاتی یا مسائل حاشیه ای، منحرف شود و تمرکزش را از دست دهد. او صرفاً موضوعات اصلی را که از زمینه غالب قرآن پشتیبانی می کند، دسته بندی می کند. هدف قرآن این است که به انسان یادآوری کند که او چه کسی بود و از کجا افتاده است، و او را به سوی وحدت با خدا و با هم نوع خود هدایت کند. انسان که نایب السلطنه خداست، نظام اجتماعی و اخلاقی این جهان به او به امانت سپرده شده است. او باید تحت فرمان خدا زندگی کند تا مسئولیت خود را در حال و ابدیت به انجام رساند. او آنچه را که با وفاداری یا بی وفایی در زمین کاشته است، در ابدیت درو خواهد کرد.

رحمان در هر فصل، پیام قرآن را نشان می دهد که خدا واحد است، پیام خدا واحد است، کتاب خدا واحد است، و امت نیز باید واحد باشد. از آنجاییکه قرآن بر یگانگی خودش تحت وحدانیت خدا شهادت می دهد، به نظر می رسد که رحمان صراحتاً وحدت زندگی تحت فرمان خدا و وحدت جامعه ای را که در نظام اجتماعی هماهنگ زندگی می کنند، به هم متصل می کند. البته، از چشم انداز یک مسیحی انجیلی، قرآن نه الهام شده است و نه مقتدر. با این حال، استفاده ی رحمان از شیوه های تفسیری شبیه به الهیات کتاب مقدسی، به طور مفیدی موضوعات اصلی قرآن را روشن می سازد.

نتیجه گیری

¹ Mohammad Mosa Barlass, Review of *Major Themes of the Qur'an*, by Fazlur Rahman, *Renaissance: A Monthly Islamic Journal*, <http://www.monthly-renaissance.com/issue/content.aspx?id=188#1> (accessed April 1, 2014).

رحمان پیشنهاد می‌کند که قرآن نه جز به جز بلکه به صورت یک کل تفسیر شود. برای کسانی که با قرآن ناآشنا هستند یا برای کسانی که موضوعات اصلی قرآن را به دیگران می‌آموزند، رویکرد رحمان کاملاً مفید است. او بی‌طرفانه به متن قرآنی می‌پردازد و بینش‌های خود را از متن به نمایش می‌گذارد. همچنین رویکرد موضوعی او، چارچوب تفسیری ای را به خواننده می‌دهد که از طریق آن به قرآن نگاه کند. دانستن موضوعات اصلی قرآن، خواننده را توانمند می‌سازد که مفاهیم کلی را مرتب کند و موضوعات فرعی را که به خاطر پیچیدگی ادبی قرآن پوشیده مانده، کشف کند. در کل، این کتاب، دسترسی به قرآن را به شیوه‌ای ممکن می‌سازد که کمتر پژوهشگری تلاش کرده است. رحمان موضوعاتی را تشریح می‌کند که گاهی اوقات پوشیده مانده است. کتاب رحمان هم برای پژوهشگران قرآنی و هم برای تازه کارها مناسب است. کتاب *موضوعات اصلی قرآن* را به هر کسی که علاقه مند به درک قرآن یا علاقه مند به بررسی اسلام قرآنی است پیشنهاد می‌کنم.

اوان برنز

آموزشگاه الهیاتی کتاب مقدسی آسیا، چیانگ‌رای، تایلند

استیفان جی. ولوم و برنت ای. پارکر، (ویراستاران)، *الهیات عهد پیشرونده: دنبال کردن خط سیری بین الهیات تدبیری^۱ و الهیات عهد^۲*. Nashville: Broadman & Holman، ۲۰۱۶. ۳۰۰ صفحه. ۳۲.۹۹ دلار

در دهه های اخیر، انجیلی ها توجه دوباره ای به کار الهیات کتاب مقدسی نشان داده اند. کتابها و مقالات متعددی در همین چند سال گذشته منتشر شده اند که الهیات کتاب مقدسی را به عنوان یک رشته علمی یا بخشی از خصوصیات آن را (نظیر استفاده ی عهد جدید از عهد عتیق) بررسی کرده اند. این اشتیاق دوباره به الهیات کتاب مقدسی حداقل تا حدی بواسطه مرکزیت و ضرورت الهیات کتاب مقدسی در دیگر کارکردهای الهیاتی کلیسا تجدید شده است. تفسیر، الهیات نظام مند، و حتی موعظه را نمی توان از الهیات کتاب مقدسی جدا کرد و به طور اجتناب ناپذیری تحت تاثیر آن هستند.

علی رغم تصورات غلط رایج، الهیات کتاب مقدسی صرفاً موضوعات در حال توسعه در طول تاریخ نجات نیست. در عوض، الهیات کتاب مقدسی تلاشی است برای درک منطق نمایشنامه ی مکشوف شده ی کتاب مقدس، و فهمیدن اینکه چطور هر بخش از کتاب مقدس با کل آن سازگاری دارد. به عبارت دیگر، الهیات کتاب مقدسی سعی می کند بفهمد که چگونه کل کتاب مقدس با هم سازگار است.

الهیات عهد در میان پروتستانها، به اشکال گوناگون، از زمان اصلاحات، الگوی غالب الهیات کتاب مقدسی بوده است. اما در دو قرن اخیر، الهیات تدبیری پرطرفدارترین نظام الهیات کتاب مقدسی، بخصوص در میان باپتیستها شده است. استیفان ولوم و برنت پارکر با ناراضی بودن از هر دو الگوی الهیاتی، از یک موضع میانی به نام الهیات عهد پیش رونده دفاع می کنند که «زیرمجموعه» ای است از آنچه اغلب، پژوهشگران، الهیات عهد جدید^۳ می نامند. ولوم و پارکر توضیح می دهند که در عبارت الهیات عهد پیشرونده، اصطلاح «پیشرونده تاکید بر آشکارسازی مکاشفه ی خدا در طول زمان دارد، در حالیکه الهیات عهد، تاکید بر نقشه خدا می کند که از طریق عهدها آشکار می شود و تمام عهدها تحققشان، هدف غایی شان و مقصد نهایی شان را در مسیح می یابند» (صفحه ۲). بنابراین الهیات عهد پیشرونده از تاکید بیش از حد بر پیوستگی بین دو عهد که در الهیات عهد دیده می شود و از ناپیوستگی کاملی که در الهیات تدبیری یافت می شود اجتناب می کند.

اصلاح «الهیات عهد پیشرونده» در ابتدا در کتاب استیفان ولوم و پیتر جنتری به نام *پادشاهی از طریق عهد ابداع شد* که آن کتاب،

^۱ [توضیح مترجم: الهیات تدبیری، چارچوبی برای تفسیر کتاب مقدس است که به تفسیر تحت الفظی کتاب مقدس تکیه کرده و تاریخ کتاب مقدس را در هفت تدبیر می بیند که هر تدبیر اشاره به شیوه خاصی دارد که خدا بکار می گیرد تا با انسان و خلقت در یک دوره ی مفروض از تاریخ نجات رفتار کند. این هفت تدبیر عبارتند از تدبیرهای بی گناهی، وجدان، حکومت بشری، وعده، شریعت، فیض، سلطنت هزارساله.]

^۲ [توضیح مترجم: الهیات عهد، همانند الهیات تدبیری چارچوبی برای تفسیر کتاب مقدس است. الهیات عهد، کتاب مقدس را در چارچوب عهد می نگرد؛ یا در جلوه عهد اعمال، یا در جلوه عهد فیض. البته عهد سومی نیز به نام عهد فدیه یا رهایی مطرح می شود که مقدم بر این دو عهد است.]

^۳ [توضیح مترجم: الهیات عهد جدید: یک موضع میانی بین الهیات عهد و الهیات تدبیری است که مشخصاً با الهیات تدبیری متفاوت است و وجه اشتراک بیشتری به الهیات عهد دارد. الهیات عهد در خصوص کاربرد عهد قدیم و بخصوص شریعت موسی برای مسیحیان امروز موضع میانی دارد.]

ارائه ی نظام مندتری از الگوی الهیات کتاب مقدسی است.^۴ ولوم و پارکر شرح می دهند که کتاب الهیات عهد پیشرونده اساساً «دنباله» ی جلد قبلی است و به صورت موضوعی تر به مسائل می پردازد تا «برخی از نکات باز نشده یا بحث نشده در کتاب پادشاهی از طریق عهد را باز کند» (صفحه ۴). ولوم و پارکر کتاب را به سه بخش اصلی تقسیم می کنند. بخش اول شامل «مقالات عمومی است که درباره موضوعات متعددی بحث می کند که برای کنار هم قرار دادن عهدهای کتاب مقدسی بسیار مهم است» (صفحه ۴).

در فصل اول، جان دروچی «ریشه های عهد عتیق در کلیساشناسی عهد جدید» (صفحه ۹) را با بررسی این موضوع ملاحظه می کند که چگونه موضوع «ذریه ابراهیم» در سرتاسر کائنات بسط داده می شود. دروچی نشان می دهد که داده های کتاب مقدسی به چه نحوی اصرار الهیات تدبیری را به چالش می کشد از اینکه «ذریه ابراهیم» را به کلی در امتداد خطوط نژادی می بیند و درک الهیات عهد را به چالش می کشد از اینکه عهد ابراهیم از گنجاندن فرزندان ایمانداران در عهد پشتیبانی می کند.

در فصل دوم، برنت پارکر رابطه ی نمادین بین اسرائیل، مسیح، و کلیسا را بررسی می کند. پارکر پیامدهای کلیساشناسی اسرائیل-مسیح نمادین را مورد بررسی قرار می دهد و نشان می دهد که این موضوع، اعتقادات الهیات تدبیری در خصوص آینده ای برای اسرائیل نژادی را به چالش می شود و همینطور پافشاری الهیات عهد مبنی بر جامعه ی مخلوط عهد جدید را به چالش می کشد.

فصل سوم و چهارم به درک الهیات عهد پیشرونده از شریعت موسی می پردازد. جانسون میر در فصل سوم، بررسی می کند که نظامهای الهیاتی مختلف چگونه به شریعت نگاه می کنند، و در عین حال استدلال می کند که مسیحیان دیگر نباید خود را زیر شریعت موسی، بلکه باید زیر شریعت مسیح ببینند. آردل کاندی در فصل چهارم نشان می دهد که طبقه بندی کردن عهدها صرفاً به صورت شرطی یا بلاشرط، معرف منصفانه عهدها نخواهد بود. او راه جایگزینی را مطرح می کند که چنین جدایی سرسختی را بین شریعت و انجیل تحمیل نمی کند.

بخش دوم بر مسائلی تمرکز می کند که الهیات عهد پیشرونده با الهیات عهد سنتی تفاوت دارد. جان مید در فصل پنجم، الهیات کتاب مقدسی ختنه را بررسی می کند و استدلال می کند که «ختنه ی جسم، شخص را برای خدمت به خدا متمایز می ساخت اما این نشانه در عهد عتیق حقیقتاً برابر با چیزی که در زندگی قوم خدا در عتیق دیده می شد نبود» (صفحه ۱۵۶-۱۵۷). مید نتیجه می گیرد که ختنه سابه ای بود از «ختنه قلبی» (نه تعمید)، که توصیف کننده تمام اعضای عهد جدید است.

در فصل ششم، تام اشراپنر تعالیم کتاب مقدس در خصوص شبات را دنبال می کند، و استدلال می کند که مسیحیان دیگر مقید به نگاه داشتن شبات نیستند چرا که در مسیح کامل و محقق شده است. در فصل هفتم، کریستوفر کوآن به متون هشداردهنده ی عبرانیان می پردازد. کوآن استدلال می کند که این هشدارها تعلیم نمی دهد که اعضای تولدتازه نیافته ی عهد می توانند سقوط کنند (آنطور که در الهیات عهد بیان می شود)، بلکه آن هشدارها وسیله ی نجات هستند که خدا برای حفظ پایداری مردمش از آن استفاده می کند. استیقان ولوم در فصل آخر این بخش بررسی می کند که چطور حامیان الهیات عهد پیشرونده «به اخلاقیات می پردازند.» همانطور که ولوم شرح می دهد، این فصل، پنج قدم اساسی الهیاتی را برای حامیان الهیات عهد پیش رونده بر می شمارد، به طوریکه به عنوان کسانی که اکنون در زیر عهد جدید زندگی می کنند... درصددند تا هنجارهای اخلاقی الهی را برقرار کنند.» (صفحه ۲۱۶).

بخش پایانی بر مسائلی متمرکز است که الهیات عهد پیشرونده با الهیات تدبیری تفاوت دارد. در فصل یازدهم، ریچارد لوکاس به تفسیر طرفداران الهیات تدبیری از رومیان ۱۱ واکنش نشان می دهد که تفسیرشان مفروض می دارد اسرائیل نژادی به عنوان قوم خدا در سلطنت هزارساله احیا خواهد شد و واسط برکت برای دیگر امتهای خواهد بود. نهایتاً در فصل آخر، اورن مارتین استدلال می کند سرزمینی که به ابراهیم وعده داده شد، سرانجام در آسمان و زمین جدید محقق خواهد شد، و نه آنطور که طرفداران الهیات تدبیری استدلال می کنند، اسرائیل نژادی در سلطنت هزارساله سرزمین را تصرف خواهند کرد.

الهیات عهد پیشرونده بسیاری از موضوعات جنجالی و پیچیده الهیاتی را با استدلال قوی و روحیه مسالمت آمیز بررسی می کند. بسیاری از کتابهای ویراستاری شده فاقد پیوستگی هستند یا بین کیفیت مطالب اختلافات زیادی است. اما در این کتاب، هر نویسنده استدلال مجاب کننده ای را برای بخشی از نظام عهد پیشرونده مطرح کرده است. از این گذشته، ویراستاران این کتاب را باید تصدیق کرد برای قرار دادن فصلهایی که قلب مباحثه ی بین این دو نظام الهیاتی-کتاب مقدسی را می دهند.

البته، حتی کسانی که متقاعد به الهیات عهد پیشرونده هستند (مثل خودم) نکاتی را در آن خواهند یافت که جای نقد دارد. همانطور که

⁴ Peter J. Gentry and Stephen J. Wellum, Kingdom through Covenant: A Biblical-Theological Understanding of the Covenants (Wheaton, IL: Crossway, 2012).

ویراستاران و خود نویسندگان اشاره می کنند، در هر نکته ای با هم متفق نیستند. اما این واقعیت حداقل ثابت می کند که الهیات عهد پیشرونده به اندازه کافی وسیع است که دیدگاههای مختلف در تعدادی از موضوعات تفسیری را در برگیرد، نظیر رومیان ۲۶:۱۱.

این کتاب چه ارزشی برای کلیسای جهانی دارد؟ نخست اینکه بنیادی ترین وظیفه الهیاتی کلیسا، درک این موضوع است که چگونه بخشهای مختلف کتاب مقدس با هم سازگاری دارد. تمام اعتقادات الهیاتی، کارکردی هستند از درک ما مبنی بر اینکه عهدها چگونه روی هم بنا می شوند، یا عهد عتیق و عهد جدید چطور به هم ربط پیدا می کنند. کتاب الهیات عهد پیشرونده، رویکرد سازنده و کتاب مقدسی را برای کنار هم قرار دادن کتاب مقدس ارائه می کند. به علاوه، این منبع، به طور خاص برای شبانانی که نیاز به درک فرمهای الهیات کتاب مقدسی دارند مفید خواهد بود تا به طرز موثق و صحیحی مسیح را از تمام کتاب مقدس (به خصوص روایت عهد عتیق) موعظه کنند.

دوماً الهیات تدبیری نه تنها در غرب بلکه در شرق نیز دیدگاه غالب کلیساها است. اما نویسندگان این کتاب نشان می دهند که الهیات تدبیری به عنوان یک سیستم تفسیر، خالی از اشکال نیست. الهیات عهد پیشرونده رویکرد مجاب کننده، مفید و رویکردی که از لحاظ تاریخی ریشه گرفته است را به الهیات کتاب مقدسی عرضه می دارد. این کتاب با ارائه ی نظام عهدی پیشرونده و نقدهای قوی آن از الهیات تدبیری، این امید را دارد که مسیحیان و کلیساها را به چالش بکشاند تا شیوه تفسیر خود را در سایه ی کتاب مقدس مجدداً ارزیابی کنند.

سوماً، ولوم و پارکر خیلی از مسائل پیچیده ی الهیاتی که کلیسای جهانی با آن روبرو است را در کتاب الهیات عهد پیشرونده مورد بررسی قرار داده اند. برای مثال، مسائلی از قبیل ختنه، شبات، یا کاربرد صحیح شریعت موسی در برخی از کلیساهای جهانی، جنجالی تر هستند و توجه بیشتری به آنها می شود تا در غرب. نویسندگان در هر یک از این موضوعات، راه واضح، کتاب مقدسی، و شبانی را پیش رو می گذارند.

نهایتاً، در حالیکه تاکیدهایی خاص الهیات نظام مند ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق کند، اما الهیات کتاب مقدسی، نظیر تفسیر، باید در تمام زمانها و فرهنگها به طور یکسان بیان شود. به بیانی دیگر، الهیات کتاب مقدسی و تفسیر، یک زبان الهیاتی جهانی هستند درحالیکه الهیات نظام مند اینگونه نیست. کتاب الهیات عهد پیشرونده که مجموعه ای از مقالات الهیات کتاب مقدسی است، در هر زمینه ی جهانی ای به آسانی قابل فهم، و قابل استفاده است.

در آخر، کتاب ولوم و پارکر، الهیات عهد پیشرونده را به طور مجاب کننده ای ارائه می دهند. این کتاب، دنباله ی کتاب پادشاهی از طریق عهد است و منبعی است ضروری که این چشم انداز تفسیری تازه را آشکار می کند. حتی کسانی که با طرح پیشنهادی ویراستاران کتاب، متقاعد نشده اند، به چالش کشیده خواهند شد به گونه ای که فهم و درکشان را از کتاب مقدس و خط سیر آن عمیقتر خواهد کرد.

سام عمادی

آموزشگاه الهیاتی باپتیست جنوبی، لوئیس ویل، کنتاکی

درک اچ. اچ. ویلیامز سوم، عیسای آزموده شده و راستین: چرا چهار انجیل کانی بهترین تصویر عیسی را ارائه می دهند. Eugene, Ore: Wipf & Stock, ۲۰۱۳، ۱۶۸ صفحه. ۲۲ دلار

درک ویلیامز، پروفیسور زبان و ادبیات عهد جدید در آموزشگاه الهیاتی تیندل در هلند، اناجیل کانی را با اناجیل غیر کانی مقایسه می کند و نتیجه می گیرد که اناجیل کانی از لحاظ تاریخ نگارش، وابستگی شان بر شهادت شاهدان عینی، و پذیرش و بکارگرفته شدنشان توسط مسیحیان اولیه، بر اناجیل غیر کانی برتری دارند. ویلیامز برای هر یک از این معیارها، یک فصل را اختصاص می دهد و فصل چهارم را به بررسی دقیقتر معروفترین اناجیل غیر کانی می پردازد. فصل پایانی کتاب، مدارک و شواهد را خلاصه و جمع بندی می کند و درباره ارزش اناجیل غیر کانی صحبت می کند.

فصل اول به بررسی تاریخهای نگارش اناجیل کانی و غیر کانی می پردازد، با این پیش فرض که اناجیلی که از نظر زمان نگارش، به زندگی عیسی نزدیکترند، محتملاً حاوی اطلاعات تاریخی موثقتی درباره عیسی هستند. ویلیامز در اتفاق آرا با پژوهشگران، تاریخ نگارش اناجیل کانی را به نیمه دوم قرن اول نسبت می دهد. او از طریق مقایسه، فهرستهایی از تاریخهای منسوب شده به اناجیل غیر کانی از سوی پائول فاستر، بارت ارمان و کریگ اوانز فراهم می آورد. بیشتر پژوهشگران این اناجیل را به خاطر رابطه شان با مکتب ناستیکی و وابستگی شان

به اناجیل کاننی، به قرن دوم میلادی منسوب می کنند. از آنجاییکه برخی از پژوهشگران، اناجیل توماس و پطرس را در قرن اول میلادی تاریخ گذاری می کنند، ویلیامز، بررسی کاملتری از تاریخ نگاری این اناجیل ارائه می دهد. او پس از نه صفحه مباحثه نتیجه گیری می کند که هر دوی این اناجیل در قرن دوم نوشته شدند. از لحاظ تاریخ نگاری، اناجیل کاننی، قدیمیترین شهادت مکتوب درباره عیسی تاریخی را ارائه می دهند.

فصل دوم، منابع اناجیل کاننی و غیر کاننی را بررسی می کند، با این پیش فرض که اناجیلی که حاوی شهادت شاهدان عینی قابل تصدیق هستند باید بر اناجیلی که هیچ پیوندی با شاهدان عینی اولیه ندارند ترجیح داده شوند. این فصل در لب کلام، کتاب تاثیرگذار ریچارد بوکهام به نام عیسی و شاهدان عینی: انجیل به عنوان شهادت شاهد عینی (انتشارات *Grand Rapids: Eerdmans*, ۲۰۰۶) را خلاصه می کند. ویلیام شواهد درونی صریح و غیر صریح را مطرح می کند که اناجیل کاننی بر شاهدان عینی (ادعاهای صریح، دوازده شاگرد، افراد نام برده شده)، عنوان روی اناجیل، و شواهد خارجی بدست آمده از تکه پاره های پاپیاس وابسته است. او نتیجه می گیرد که اناجیل کاننی در هر یک از این حوزه ها ثابت می کنند که بر شهادت شاهدان عینی وابسته هستند، در حالیکه مدارک کمی از چنین وابستگی ای در اناجیل غیر کاننی وجود دارد. از اینرو اناجیل غیر کاننی پایینتر هستند و نسبت به اناجیل کاننی، احتمالش کمتر است که اطلاعات موتقی را درباره عیسی ارائه دهند.

فصل سوم اناجیل را بر حسب پذیرششان در میان مسیحیان اولیه ارزیابی می کند: یعنی پدران رسولی (بین ۷۰ تا ۱۳۵ میلادی)، جاستین شهید، کان موراتوری، و ایرینیوس). ویلیام بررسی انصافاً کاملی را از این مستندات ارائه می دهد و بر پذیرش و استفاده از اناجیل کاننی متمرکز می شود. اناجیل کاننی به طور گسترده ای به عنوان شواهد مقتدر بر زندگی و تعالیم عیسی استفاده شده اند. با مقایسه، معلوم می شود که اناجیل غیر کاننی به ندرت ذکر شده اند و وقتی هم که ذکر شده اند، عموماً مورد نقد قرار گرفته اند تا تصدیق. مسیحیان اولیه مدتها پیش از هر شورای کلیسایی، قویاً و واضحاً اناجیل متی، مرقس، لوقا، و یوحنا را ترجیح دادند.

فصل چهارم به بررسی محتوا و موضوعات چند تا از اناجیل غیر کاننی می پردازد: *انجیل توما، انجیل مریم، انجیل فیلیپ، انجیل حقیقت، انجیل پطرس، انجیل کودکی توما، انجیل بدوی یعقوب، انجیل یهودا، اناجیل یهودی-مسیحی، پاپیروس اگرتون ۲، و پاپیروس اوکسیریهینخوس* ۱۴۰. با فرض بر اینکه امروزه واقعاً افراد خیلی کمی این اناجیل را می خوانند، ویلیام مقدمه ای کوتاه، نمونه ای از متون، و تفاسیری را از هر یک از این اناجیل ارائه می دهد. او نتیجه گیری می کند که بیشتر اناجیل غیر کاننی بر پایه ی تصویر عیسی که در اناجیل کاننی وجود دارد، و باورهای مختلف قرن دومی نظیر ناستیکی بنا شده اند، و اناجیل غیر کاننی دیگر، ستنهایی را درباره بکارت دائمی مریم، و دوران کودکی عیسی مطرح می کنند. ویلیام استدلال می کند که وابستگی اناجیل غیر کاننی بر اناجیل کاننی حاکی از ارجحیت و برتری اناجیل کاننی دارد.

فصل پنجم، کتاب را با خلاصه کردن نکات اصلی جمع بندی می کند و درباره ارزش تاریخی اناجیل غیر کاننی بحث می کند. این اناجیل، بینش ارزشمندی را به باورهای برخی از مردم در قرن دوم و سوم میلادی ارائه می دهد. این اناجیل به تاریخ دانان کمک می کند تا مکتب ناستیکی را بشناسند و درباره برخی از باورهایی که بر شکل گیری ستنهای مسیحی، بخصوص درباره مادر عیسی، نفوذ کرده، به ما بصیرت می دهد. اناجیل غیر کاننی برای دستیابی به اطلاعات موثق تاریخی درباره عیسی مفید نیستند، اما برای «درک نیروهایی که بر مسیحیت قرن دوم و سوم تاثیر گذاشته است» با ارزش هستند (صفحه ۱۳۴). کتاب با دو ضمیمه درباره *انجیل محرمانه مرقس* و اعتقادنامه های اولیه مسیحی، کتاب شناسی، و فهرست راهنما به پایان می رسد.

به طور خلاصه، ویلیامز بحث کوتاه و قابل فهمی را درباره رابطه ی اناجیل متی، مرقس، لوقا، و یوحنا با اناجیل غیر کاننی ارائه می دهد. علیرغم ادعاهای احساسی ای که گاهی اوقات درباره اناجیل غیر کاننی شده، آن اناجیل از لحاظ کیفی و از لحاظ عینی، در خصوص تاریخ نگارش، دسترسی به شهادت شاهدان عینی، و مقبولیتشان در میان مسیحیان اولیه متفاوت از اناجیل کاننی هستند. ویلیامز همانند فرانسویس واتسون (کتاب *نگارش انجیل، Eerdmans*, ۲۰۱۳) در اینجا به دنبال این نیست که بر مبنای سبک بین اناجیل کاننی و غیر کاننی فرق بگذارد. اگرچه بیشتر پژوهشگران عهد جدید این استدلالها را استدلالهای جدیدی نمی دانند، اما این کتاب را به هر کسی که علاقه مند به رابطه بین اناجیل کاننی و غیر کاننی است، به عنوان مقدمه ای واضح و چکیده بر این موضوع پیشنهاد می کنم که به طور محکم در شواهد کهن خود متون جای گرفته است.

الکساندر ای. استوارت

آموزشگاه الهیاتی تیندل، بدهوودورپ، هلند